

الامام
حجة ابن الحسن
(عج)
العسکری

نگارش مہدی -- ملتجی

حق طبع محفوظ و مخصوص است



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

لَوْلَا الْكِبْرِيَاءُ لَخَالَتِ الْأَرْضُ بِالْحَبْلِ



نگارش مهدی — ملتجی

حق طبع محفوظ و مخصوص است

مؤسسه مطبوعاتی علی اکبر علی



مؤسسه مطبوعاتی علمی

پیشگوئیهای ادیان مختلف پیش از اسلام
با ۵۹ آیه قران و ۵۹ حدیث معتبر بنام
مبارک مهدی در: تولد و غیبت و زندگی
و ظهور قائم آل محمد (عج)

تلفن ۵۲۱۲۸۳

شرکت چاپ و انتشارات علی اکبر علمی

تهران خیابان پامنار کوچه حاجینها پلاک ۲۶

الایام حجة بن الحسن العسكري (عج)

نگارش مهدی - ملتجی

چاپ اول

کلبه حقوق ، اقتباس و چاپ محفوظ

به موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی

فهرست

صفحه

- ۴ فهرست فصول و مطالب کتاب .
 هرورقیکه در او نشر علم شده از مؤمنی باقی بماند بین او و آتش
 ۸ جهنم رامی پوشاند .
 ۶ مقدمه : (تفاوت کتاب بامتاب و کتابخانه بامتابخانه !!!)
 ۱۵ خلاصه و فشرده ای از د ورنمای زندگی مصلح حقیقی جهان قائم آل محمد
 ۲۰ شعارهایی از قرآن مجید و مبانی دینی د وجود و ظهور قائم آل محمد
 فصل اول
 ۲۲ فرجام کار انسان بد بختی و تباهی نیست .
 ۲۴ ادامه زندگی هیچ پیکری بدون وجود قلب ممکن نیست .
 طومار روزگار و اوراق تاریخ گواهی میدهند که همیشه حجتی از
 ۲۵ جانب خدا باید روی زمین باشد .
 ۲۷ واذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفه .
 ۳۳ آل ابراهیم چه کسانی هستند .
 ۳۶ بنی امیه اهل روم بوده اند .
 ۴ چراغی پرنور سر راه آینده نوع بشر در جهان
 فصل دوم
 ۴۱ پایان نامه ادیان و کتب آسمانی
 ۴۵ شرح ولادت د وازد همین وصی پیغمبر آخر الزمان (ص)
 ۴۶ اگر حشمت سلیمان را هم داشته باشی رغبتی به توندارم .
 ۴۷ من ملیکه از نسل داود پیغمبر و نواده شمعون الصفايم .
 ۴۸ سال ۲۵۵ هجری قمری با کلمه نور مطابقت دارد .
 فصل سوم
 ۵۱ چرا مقدر شد حضرت مهدی موعود تا خدا بخواد از نظرها غایب باشد
 چگونه هنگام هجوم فتنه ها از امتحان سالم و ثابت بیرون آئیم؟
 ۵۵ فصل چهارم
 ۵۷ غیر از خدا ی قدیر کسی وقت ظهور میدهد ی موعود را نمیداند .

فهرست

صفحه

- ۵۹ پیروان تمام ادیان منتظر مصلح جهانند (هرطایفه با سمی)
- ۶۰ انسان شایستگی فرجام نیک را دارد .
فصل پنجم
- ۶۱ پیشگوئی های مذهب ویدا (جای نی ها)
- ۶۲ پیشگوئیهای بودائی مذهبیان
- ۶۲ برهمن وگفتار او
- ۶۴ جاماسب نامه (کتاب پارسیان)
- ۶۴ نشانیهای آشکار ظهور حضرت مهدی (عج) از کتب زرتشتیان
- ۶۵ بشارتهای تورات
- ۶۶ از کتاب حضرت دانیال بیغمبر (ع)
- ۷۳ آیاتی از انجیل لوقا
- ۷۵ آیاتی از باب چهاردهم انجیل یوحنا
- ۷۷ آیاتی از انجیل متی
- ۷۷ آیاتی از انجیل مرقس
- فصل ششم
- ۸۰ عقاید فرق مختلف جهان در ظهور یگانه مصلح کل عالم
تواتر اخبار و احادیث از بزرگان علماء برادران اهل سنت در ظهور
و طول عمر و زنده بودن حضرت حجة بن الحسن العسکری
- ۸۰ فصل هفتم
- ۸۹ مطالعه تمامی کتب معتبر و صحیح برای همگان ممکن نیست
ارائه ۵۹ آیه از آیات متعدد قرآن مجید که از اقوال ائمه معصومین
دال بر بشارت ظهور حضرت قائم آل محمد (عج) تفسیر و بیان گردیده
- ۹۱ انتخاب ۵۹ حدیث معتبر به یمن نام مبارک حضرت مهدی (عج)
- ۱۱۴ حدیث اول تا حدیث ۱۲
- ۱۲۵ حدیث معروف به لوح حضرت فاطمه علیها سلام
- ۱۲۸ حدیث ۱۴ تا حدیث ۴۸
- ۱۶۳ دقت در مفاد حدیث ۴۹ مسلمان میتواند فرائض واجبش را بجا آورد
- ۱۷۱ مهلت و امتحان

صفحه	فهرست
۱۷۳	اشخاصیکه با عمر طولانی زندگی کرده اند °
۱۷۵	چند گراورد لیل گویا بر امکان طول عمر انسان °
۱۷۷	یک دلیل تصدیق شده طبی انسان میتواند سالهای دوازدهم کنند °
۱۷۸	حدیث ۵۰ تا ۵۷ °
۱۸۴	به مفاد حدیث ۵۸ از امام چهارم دقت شود °
۱۸۷	حدیث ۵۹ °

فصل هشتم

۱۸۸	انسان با نیروی عقل گل سرسبد آفرینش شده °
۱۹۰	۶۰ کذاب مدعی مهدویت °
	چرا منتظرین ظهور حضرت مهدی (عج) ثواب هزار شهید چون
۱۹۳	شهداء غزوات بدر واحد دارند °

فصل نهم

۲۰۳	د شمنی خلفاء جور با خاندان پیغمبر (ص) °
۲۰۳	جعفر کذاب خود را وارث امامت امام حسن عسکری میدانست !
۲۰۷	مدعیان دیگر مهدویت °
۲۱۰	الراضی خلیفه عباسی شلمغانی راکشت و جسدش را سوزانید °

فصل دهم

۲۱۲	گمراهان و عوامل استعمار چیان °
	پرنس دالکورکی سفیر روسیه تزاری هم امام وهم پیغمبر و خدا
۲۱۳	وازخدا هم بالاتر میسازد °
۲۱۵	هوشمندانه به ادعای این دو غوغو قضاوت کنید °
۲۲۲	رشد عقلی و فهم سید باب !
۲۲۲	مسابقه بی عفتی !
۲۲۵	حکم کتاب سوزی و قتل عام !
۲۲۶	تامل در این گفتار ضرورت دارد °
۲۲۸	صدای طبل تو خالی - توبه نامه سید باب !
۲۳۱	میرزا حسینعلی بهاء و سوء قصد به ناصرالدین شاه قاجار °
۲۳۲	میرزا حسینعلی بهاء کتاب بیان سید باب را نسخ کرد !

- میرزا حسینعلی بهاء مدعی بود : من خدا را خلق کرده و پرورش داده ام (خدائی که زائیده نمیشد بد نیا آمد!!!)
- ۲۳۳
- عباس افندی سر بیای ژنرال المپی انگلیسی فاتح فلسطین آنروز می ساید و تخم اشغال فلسطین را برای صهیونیسم امروز کاشت!
- ۲۳۵
- فصل یازدهم
- مقام روحانی به لقب و مدال پادشاه انگلیس افتخار نمیکند .
- ۲۳۶
- قضاوت بیطرفانه .
- ۲۳۸
- بهای زاده ها بخوانند
- ۲۴۰
- نگهدار قران و دین اسلام خدای قادر است .
- ۲۴۱
- لرد گلادستن در مجلس عوام انگلستان چه گفت ؟
- ۲۴۱
- گراور مسجد بزرگ و مرکز فرهنگی اسلامی در لندن .
- ۲۴۳
- =====
 مرآت حق قران مجید در نظر عالمان مسیحی و جواب لرد گلادستن
- ۲۴۴
- صفحه ای از قران نفیسکه در امریکا به زبان عربی و انگلیسی چاپ و منتشر گردیده است .
- ۲۴۷
- کتب بیان و ایقان و اقدس بهائیان نایاب و پنهان است .
- ۲۴۹
- فصل دوازدهم
- ۲۵۸
- يك حساب روشن ولی غلط .
- ۲۶۱
- شوقی افندی و چند دستگی بهائیهها
- ۲۶۵
- جنگهای اول و دوم و نزد يك نماي جنگ جهانی سوم!
- ۲۶۷
- در کجای دنیا آسایش و عدالت واقعی وجود دارد ؟
- ۲۶۹
- خلق از ظلم و ستم خسته شده .
- ۲۷۲
- باز هم گلی به جمال یاپها و اسقفها .
- ۲۷۶
- مهدی موعود اول از مکه از مسجد الحرام بین رکن و مقام ظهور خواهد کرد نه شیراز و عکایا جاها ی دیگر
- ۲۷۸
- آئین های پیش از اسلام همه یکصد اعلام ظهور مهدی موعود را گفته اند
- ۲۸۰
- ولادت مهدی آل محمد (عج) واقعیت تاریخی دارد و چون آفتاب وسط آسمانست .
- ۲۸۱

فهرست

صفحه

- وجود این چهار قبر شریف (نواب اربعه) در بغداد
 ۲۸۳ شهرت جهانی دارد °
- ۲۸۷ اختفای این همه آثار حماقت منکران را بر ملا میکند °
 حضرت مهدی موعود ، قائم آل محمد ، (عج) از هیچکس و
 ۲۹۰ هیچ پادشاه و حکومتی تبعیت و تقیه نمیکند °
 مطمئن باشید اگراندیشمند و جستجوگر باشید و عقل بیغرض
 خود را حاکم کنید بهائیت بی پایه رازها و پیرو آئین انسان ساز
 ۲۹۴ اسلام منور خواهید شد °
 مآخذ این کتاب و نام بعضی از کتبی که خاصه و عامه در حالات
 ولادت و غیبت و زندگی و ظهور خاتم الوصیین حضرت مهدی
 ۲۹۶ موعود ، قائم آل محمد ، (عج) انتشار یافته °
 (تابلو) صلوة بر حضرت حجة ابن الحسن العسکری (عج)
 ۳۰۲ از مصنفات صلوة دوازده امام خواجه نصیر طوسی °

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَالرَّسُولِ اللَّهُ ﷺ

المؤمن من اذامات و ترك ورقة واحدة عليها علم، تكون تلك الورقة
يوم القيامة سترًا فيما بينه وبين النار .
واتاه الله تبارك وتعالى بكل حرف مكتوب عليها مدية اوسع
من الدنيا سبع مرات .

وما من مؤمن بقعد ساعة عند العالم الا ناداه ربه عز وجل :
جلست الى حبيبي ؟ فوعزتي وجلالي : لا سكنت الجنة معه ولا ابالي .
حاصل معنی :

از رسول اکرم (ص)

وقتی که مؤمنی را مرگ فرا رسد و از او ورقه ای که در او نشر علم
باشد به میراث بماند ، روز قیامت (همان ورقه) بین او و آتش جهنم
را می پوشاند ، و خداوند به هر حرفی که در آن (ورقه) نوشته باشد
شهری هفت برابر دنیا (در بهشت) به او عنایت میفرماید ، و هر
مؤمنی که ساعتی نزد عالمی به نشیند خداوند عز وجل ندا کند
(نزد) دوست من نشستی ؟ پس بعزت و جلال خودم قسم تورا با
او در بهشت ساکن میکنم .

مقدمه

کتاب یا «متاب»

قوام و رشد و پیا برجاترین عامل ارزشمند و نمودار فرهنگ هر قوم منوط به پیوند محکم آن مردم با مند رجات کتاب و کتابخانه های آنانست .
خصوصا کتب تاریخی که بخش بزرگی از چکیده و شیره کردار خوب و بد گذشتگان را چون آئینه از خود منعکس و ذخیره پرارزشی برای آیندگانست .
نوعا کتاب بی تکلف ترین همدم و صادق ترین رفیق و صمیمی ترین و ناصح ترین آموزگار هر انسانی است ، زیرا مطالعه کتب زشتی و زیبائی و سود و زیان اموری که موجب سرافرازی و پیشرفت یا ورشکستگی و انقراض اقوام گذشته بود ، بدون زحمت و اتلاف وقت نمایانگر امور تجربه شده و آموزش مؤثر پر دامنه ای برای آینده است که هر وقت و ساعت از شب و روز آنچه جستجوگر بخواهد بی مضایقه و رایگان در اختیارش میگذارد .
کتاب اگر حرمت و ارزش کتاب را دارا باشد تمام سجایای کریمه و فضایل عالیه روحی که تنها مایه شرف و ملاک انسانیتست تاثیر نمایان دارد .
نخواستند و دری آن نیستم که فضیلت و مزیت کتاب را تعریف نمایم زیرا خود کتاب پر حوصله ترین معلم و خیرخواه ترین مربی و راهنمای دلسوزیست که عصاره جان کتابها و کتابخانه ها را مکیده و شهد روان را به روان و جان طالبان خود میبخشاند بدین جهت از هر تعریفی مستغنی است .

اما بشرطی که محتوای کتاب از آن جهت که جلد و صفحه و سطر و آب و رنگی دارد مانند برخی آدمی زادگان که چشم و گوش و زبان و دست و پا دارند ولی از خوی و خلق انسانیت بی بهره و هیچ خاصیتی برای خود یا اجتماع ندارند نباشد .

نوشبختانه پیدایش و پیشرفت صنعت چاپ سریعترین وسیله را در نشر علوم و تنویر افکار و دانستنیها از راه چشم و گوش از هر رشته ای و برای هر طالبی آسان کرده ولی صد حیف و تاسف اکثر از این همه ابزار مؤثر و مدرن نااهلان بی فرهنگ چون نیزه ای که در کف زندگی مست قرار گیرد سوء استفاده های بنیان کن و ضد اخلاق میکنند!!!

آیا چه شده ؟ و چرا کسانیکه در گود استاد ی و مرشد ی گرد آمده و کباده روشنفکری به دوش می کشند ، از وظایف دینی و ملی و نوعی خود غفلت کرده و راه انجام مسئولیت خود را با آنهمه هزینه و زحمت تحصیل گم کرده از تالیف کتاب و نشر مجلات و تهیه سناریو فیلمها و سینماها نتیجه خیر و صلاح معنوی نمی گیرند ؟ و حاصلی جز ضایع کردن عمر و اتلاف وقت همگان و عفونت افکار مردم و خدشه دار نمودن عفاف عمومی و رکود اخلاقی و برگشت بقرآحاصلی نمیدهند ؟ بجز معدودی از کتب آموزنده از مؤلفان خدا شناس و دلسوز و مؤمن بوظایف انسانیت که چندان خریداری ندارد بیشتر کتابخوانها که فریفته آب و رنگ و نقش و نگارند به مصداق (کمثل الحمار یحمل اسفاراً) پول میدهند و کتب بی ارزش پیش گفته را میخرند و میخوانند ولی در کانون ادراک و معرفت خود غیر از زباله چیزی دیگری نیست که جای دهند!!!

برای صدق ادعا که تصور نشود خدای نا کرده قصد جسارت به

پیشگاه مؤلفان صالح و ساحت مقدس کتاب دارم ، از خوانندگان ایراد گیر

برای اثبات این مدعا استدعا دارد با مراجعه به (کتاب زنگها برای که بصدا
 درمی آید^{۱۰} ارنست همینگوی^{۱۱} بفارسی ترجمه شده) که در پنجمین جلد با سرمایه
 گرافی چاپ و در آذرماه بدون تعیین تاریخ سال چاپ منتشر شده و یکی
 از کتب بسیار معروف و خوانندگان پرآب و تاب فراوانی دارد با تعمق خصوصاً
 صفحات ۳۵ تا ۴۰ و صفحات ۸۵ و ۸۶ را بخوانید که بدون پروا و رعایت هفت
 کلام و حرمت قلم چنان مطالب وقیح و شرم آوری بکار برده که نگارنده حیا دارم
 در مقدمه کتابی که بنام مقدس مهدی موعود (عج) قصد تدوین و تالیف دارم
 يك بار دیگر ناشر زشتگوئیهای ارنست همینگوی و مترجم او شوم^{۱۲}.

با قدری تأمل و تفکری پرسیم اینگونه کتب به خواننده اش چه
 می آموزد؟ از هزاران ورق پاره ها و سیه نامه های این چنین من فقط انگشت روی
 يك کتاب معروف که خواننده فراوان دارد میگذارم، که عده ای از آموزگاران
 هم به دانش آموزان خود توصیه میکنند کتاب ارنست همینگوی را بخوانید!!!
 ای دریغ و تعجب، از اینگونه نوشته ها که چون موریانه صدماتی

به اصالت انسانیت و پرورش افکار جوانان و نوجوانان ما وارد می سازد!
 حیف است این قبیل نشریات فساد انگیز را نام کتاب داد و در
 کتابخانه جایش داد، چنانکه در زبان فارسی کسانی حرف اول اسامی
 بعضی اشیاء را به (م) تبدیل میکنند مثلاً حرف: (د) درخت را به (م) تبدیل
 کرده میگویند: درخت - مرخت یا حرف (ك) کتاب را به (م) تبدیل نموده
 میگویند: کتاب - متاب، من معتقدم کتبی که فاقد ارزش اصلاحی و تنویر
 افکار عمومی و موجب هتك حرمت مقام والای انسانیت باشد سزاوار است نام
 کتاب را از آن دسته (خفت نامه ها) برداشت و بجای کتاب بگوئیم: متاب
 چه ها که در نشریات داخلی خود مان خواننده ام و شما هم

خواننده آید بنام : راهنمای زنان و بانوان و جوانان که جز آلوده کردن افکار
و شستشوی مغز نتیجه دیگری نداشته .

بی هیچ اباحاشائی فیلمهای خلاف شرف (بگذریم از هنگام
پیاده کردن سناریو بروی فیلمها چه منظره ای داشته) بالای سردر سینما
ها در معرض دید صغیر و کبیر گذارند و بدون هر قید و اکراهی عکسها و مطالب
ضد عفت عمومی در مجلات بخورد اندیشه های جوانان و نوجوانان دختر و پسر
دادند!!!

هرگاه نویسندگان صالح و رنج دیدگان اجتماع هم خواستند سوء
تاثیر آن زشت آموزیها را ب مردم تذکر دهند ، یا (نان نامه) نویسان از درج
در (نون نامه) خود داری کردند و یا به شکستن قلمها و نابود ییها تهدید شای
میکردند و با قلمهای ناپاک خاک مذلت بر سر ملت می ریختند!!!

آن کتب و نشریه هائی صاحب ارزش و حرمتند که نردبان ترقی
ملتها و قلمهائی با همتند که موجب تنویر افکار و ترویج فضائل عالیه صفات
انسانی گردند ، نه سیاه نامه ها و بیراهه نماها .

من در طلب علاج خود چون کوشم چونانکه طبیب ما است بیمار شده
اکنون کتابی که در برابر شما است با سپاس خداوند بزرگ از آن ردیف
کتبی نیست که عمر نگارنده و خواننده رابی ثمرتلف کند محتوای این کتاب نتیجه
مطالعه بیش از صد ها کتب مفید و مستند و بررسی و استنتاج ده ها تالیفات و
مجلدات مذاهب گوناگون گذشته و نوشته های نویسندگان از قدما ی مشهور
و مستشرقین منصف غیر مسلمان و صرف سالهای دراز عمر و مسوعات و مشاهدات
عقاید ملل جور و جور و گفتگو و بحث با پیروان انگشت شمار فرقه بدعت گزارودین
ساز شناخته شده عوامل استعمار چیان که بدون تعقل و تفکر و اندیشه صحیح

که نه خود فهمیده اند چه میخواهند و نه میتوانند بامدارك ودلايل عقل پسند مرام ومسلك خود را با برهان ومنطق ابرازکنند می باشد .

در این کتاب : خلاصه وچکیده عقاید مذاهب پیشین ونشر ۹ ۵ حدیث متواتر معتبر مستند منقول از اقوال صادق خاندان وحی وهمه اولیاء معصومین اسلام علیهم السلام که در کتب معروف ومعتبر انشمندان عالیمقام شیعه وبرادران اهل تسنن به ثبت رسیده از نظر خوانندگان جستجوگرو خصوصاً گول خوردگان (بهائی زادگان) اگر پوینده راه صحیح باشند می گذرانم تا با آگاهی واندیشه وبصیرت کامل از علائم ونشانیهایی بزرگ مصلح جهان مهدی موعود (عج) واوضاع زمان غیبت وظهور شریفش آگاه شده بتوانیم هر دو غوی باطل مدعی مهدویت که خود شپاد رگل مانده بشناسیم تا هر کلاشفتنه انگیزی را امام وحجت خداوسامان دهند عالم قبول نکنیم .
زیرا شیادان حقه باز منظوری جز ریاست طلبی یا باروشی احمقانه عامل دستک سیاست استعمارگرانند ، ومریدانشان نیز ازدودسته بیشتر نیستند :

- ۱ - دسته ای دانسته وآگاه ولی بی ایمان باطمع لفت و لپس ومال اندوزی که در شمار مبلغین باطلند .
- ۲ - دسته دیگر همج الرعاء بی اطلاع وبی تشخیص، زود باور دنبال هر کسی وبا هرسازی وآوازی میروند ، وبقول اربابشان (اغنام) گوسفند صفت وبی اراده که بانشان دادن آب وعلف با پای خود تا کشتارگاه و مسلخ هم دوان دوان میروند ، توجه شمارا به خواندن ودقت در پیدایش این فرقه گمرا در فصل ۱۰ تا ۱۲ کتاب حاضر جلب میکنم تا معیار شناسائی مهدی موعود و محوکننده تمام بدعتها بدست آید . (وما توفیقی الا بالله) مهدی - ملتجی

زین اللہ الدین والاسلام بخروجہ
و ملاء المشارق والمغرب من نورہ

مہرپشی فرزند طلب و جوادی خلق محمدی عو

پیشگفتار

خلاصه دورنمایی از زندگی مصلح حقیقی جهان

نام مبارک مهدی موعود (عج) محمد یگانه پسر حضرت امام حسن
عسکری روز ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری تولد یافت، پنجسال در دامن
پدر بزرگوارش بود و در این مدت بیش از صد نفر از خاصان اصحاب امام عسکری
بحضورش شرفیاب و از فرمایشات حکیمانه او بهره مند گردیده اند.
در سال ۲۶۰ قمری پدرش از دنیا رحلت فرمود، به امر خدا: حضرت
مهدی بمقام والای امامت رسید و بجهت متعدد به مردم ظاهر نمیشد ولی بوسیله
نواب خاصه خود با مردم ارتباط داشته و مردم با مشاهده کرامات و خوارق عاداتی
از نواب خاصه آن حضرت که بترتیب: ۱- عثمان بن سعید ۲- محمد بن عثمان
۳- حسین بن روح نوبختی ۴- علی بن محمد سمری هستند به صحت نیابت خاصه
آنان مطمئن بودند.

دوران نیابت خاصه حدود ۷۰ سال سپری شد و این مدت غیبت
صغری نامیده شده، در اواخر نیابت و عمر علی بن محمد سمری چهارمین و آخرین
نایب خاصه به امر خدا از جانب قائم آل محمد (عج) توقیعی خطاب به علی بن محمد
سمری مشعر برخاتمه یافتن دوران نیابت خاصه و رجوع مردم به علماء و راویان

صادر و بعد از آن غیبت کبری شروع شد که تا خدا بخواهد ادامه خواهد داشت تا روزی که ظاهر گردد و دنیا را پر از عدل و داد نماید پس از آنکه از ظلم پر شده باشد و اکنون خلاصه ای در این باره که در ۱۲ فصل تدوین گردیده میخوانیم.

۱- شهادت قطعی تاریخ

ما بسیاری از اشخاص را ندیده ایم، ولی بشهادت تاریخ و روایات یقین قطعی بوجود آنها داریم مثلاً: از پیغمبران حضرت نوح و ابراهیم خلیل و موسی و عیسی علیهم السلام و از حکماء: افلاطون و ارسطو و سقراط و لقمان و از مکتشفین: پاستور و ادیسون و غیره را ندیده ایم ولی به بودن آنان در زمان خود یقین کامل پیدا کرده ایم و حال آنکه آنها را عدادی مورخ معرفی کرده اند، ولی در مورد مصلح کل جهان مهدی موعود (عج) علاوه از کتب آسمانی: تورات و انجیل و قرآن صد ها نفر از رجال علم و تقوی حتی مورخان و دانشمندان اهل سنت صد ها نفر قائم آل محمد (ص) را با علائم خاص معرفی کرده اند.

آیا این همه کثرت روایات و حدیث مستند و متواتر برای اثبات وجود خلیفه الله قائم آل محمد (ص) کافی نیست؟ بیش از صد نفر از علماء و دانشمندان اهل سنت در احوال حضرتش کتاب نوشته اند و یاد رکتب رجالی خود در ردیف نام کلمه محمد نام آنحضرت را برده اند مانند: گنجی شافعی در کتاب البیان و سبط ابن جوزی در تذکرة الخواص و ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه و صاحب ینابیع المودة و ابن خلکان و فرید وجدی و غیرهم با این نقل روایات هیچ تردیدی در این باره باقی نخواهد ماند.

از اینها مهمتر اینکه امامت و خلیفه اللهی مسند و منصبی است الهی و باید بوسیله معصوم (ع) معرفی گردد لذا ادله امامت آنحضرت غیر از نشانیهای تورات و انجیل که گوشه هائی از آنها در این نگارش آمد بوسیله شخص رسول

اکرم (ع) و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا و یازده امام معصوم از حضرت علی امیرالمؤمنین تا امام حسن عسکری به ما رسیده و بطور قطع بیش از یک هزار حدیث متقن از طریق شیعه و صد ها حدیث از طریق علماء و مورخین اهل سنت بدون تکرار سند در امامت و وقایع غیبت و علائم ظهور و محل ظهور و کیفیت ظهور و مرکز ستاد فرماندهی و خلافت حقه و طرز حکومت مهدی آل محمد (عج) رسیده و تسردید و ابهامی باقی نمی ماند .

۲ - عمر آن حضرت

طبق نظر زیست شناسان مدت زندگی طبیعی هر موجود زنده مساوی با هفت تا سیزده برابر مدت رشد فردی از آن نوع میباشد که با این حساب مدت عمر طبیعی انسان به حدود ۲۸۰ سال میرسد که با مراعات اصول بهداشت و انتخاب روش و رژیم غذا و اجتناب از منہیات و بخل و حسد و کینه توزی و توقعات فوق زیست میتوان بر مدت و طول عمر افزود و شاهد این مدعی مثلاً زندگی زنبور عسل است که معمولاً بیش از ۴ تا ۵ ماه عمر نمیکند ، در صورتیکه : ملکه زنبور عسل بواسطه تندی از ژله شانه ها تا هشت سال زنده میماند .

لذا با این تناسب و احتیاط های زندگی عمر آدمی به ده هزار سال می رسد (مجله شماره ۹ الهلال سال ۲۳ صفحه ۷۷ چاپ قاهره) .

۳ - نشانه های ظهور آنحضرت

روایات بسیار در علائم ظهور آمده است و مفصلترین روایات مشتمل بر ۱۳۹ علامت برای ظهور قائم موعود در کتاب روضه کافی نقل شده است .
ارتقای فوق العاده علم و پیشرفت صنعت و انحطاط فوق تصور اخلاق و دین توام در یک زمان از علائم ظهور ولی عصر قائم آل محمد (عج) شمرده شده است .

در موقعیکه نیروی علم و صنعت باین اندازه پیشرفته و نیروی ایمان تا این حد که بر همه مشهود است پائین آمده ، باشد که خداوند چاره ساز و مهربان انسانی را که خلیفه خود در روی زمین و بمنزله مغز متفکر جهان است بر خواهد گزید تا از نیروی علم و صنعت در راه رفاه بشریت استفاده شود و قطب علم و دین در راه آسایش آدمیان هم آهنگ باشند و غیر این صورت چنانستکه تیغ برنده زهر آلودی بدست زنگی مست داده شود ، همانطوریکه اکنون مردم جهان در حالت ترس و وحشت بسر می برند و در اثر حرص و جاه طلبی دو بلوک جهانی هر لحظه نوع بشر همه جاد را انتظار ویرانی شهرود یا روخانه و زندگی خود بسر میبرند و منتظر جهنم مصنوعی حاصله از انفجار بمبهای اتمی و هیدروژنی را در دورنمای زندگی خود می بینند ! (مانند شهر و منطقه هیروشیما) .

گمان دقیق این است که پیشرفت صنایع و وسائل علمی برای زمان ظهور قائم آل محمد (ع) لازم می آید زیرا کسیکه باید بر سر تا سر جهان حکومت و فرمان روائی کند از داشتن چنان وسایلی بی نیاز نیست ، چنانکه پیامبران بزرگ با وجود داشتن معجزاتی برای زمامداری و دعوت خدائی خود از جریان عمومی و طبیعی نیز استفاده مینمودند امام مهدی موعود هم دارای معجزه خواهد بود ولی علوم و صنایع معمولی نیز مورد استفاده قرار خواهد گرفت : چنانکه در کتاب کافی از حضرت امام جعفر الصادق روایت شده چون قائم آل محمد قیام کند در هر شهری مناره ای از نور برای او ایجاد میشود که بکمک آن تمام جریان زندگی مردم را می بیند .

۴- این خورشید از کجا طلوع میکند ؟

تمام علماء و دانشمندان شیعه و سنی گفته اند : مسلماً قائم آل محمد از مکه بین رکن و مقام ابراهیم (ع) در مسجد الحرام ظاهر و ندای جاء الحق

وزهق الباطل را از آن مکان مقدس بگوش مردم جهان میرساند، و ۳۱۳ نفر از یاران خاص الخاص آنحضرت که نام و نشان و نام پدرانشان و نام شهرهای آنها در کتب غیبیت ذکر شده که با سرعت خارق العاده و حیرت انگیزی شرفیاب حضورش میگردند، سپس از مکه باده هزارجان برکف رهسپار مدینه الرسول می گردند و در کوفه و مسجد سهله پرچم حکومت عادلانه و الهی رامی افرازد و مرکز ستاد فرماندهی حکومت اسلامی قرار میدهد.

۵ - طرز حکومت

قرآن مجید قانون اساسی آن حکومت حقه است و حقوق جزائی و مدنی اسلامی را در سراسر جهان اجرا مینماید و برای اثبات دعاوی از وسائل دقیق و مطمئن استفاده خواهد نمود، رفاه و امنیت عموم اقالیم زمین را فرا خواهد گرفت و مردم آنزمان آنقدر تمکن و وسع زندگی پیدا میکنند که گیرنده صدقه پیدانمی شود و گنجها و معادن زمین کشف و ظاهر خواهد شد، همه مردم پیر و اسلام خواهند شد، بهداشت و سلامت عمومی بقدری کامل و پیشرفت میکند که هرکس چند نسل از خود را میبیند و مردم آنروز را اثر تعلیمات امام عصر (عج) جهان و جهانیان را به رسم و سنت جدش رسول خدا و پدر و الا مقامش علی امیر المؤمنین خلیفه راستین پیغمبر صلوات الله علیهم اداره میکند و مردم را بجای مسلح کردن به ادوات جنگی به سلاح ایمان و اخلاق مسلح میکند که تفصیل این خلاصه را در ۱۲ فصل مدون این نگارش میخوانید.

عالم الغیب فلا یظن علی غیبه احداً الا من ارتضى من رسول

۲۶ سوره جن

داناى غیب اوست و هیچکس را از غیب خود آگاه نخواهد کرد مگر:
مگر پیغمبری را که مورد رضای او باشد *

دل گواه است که در پرده دل آرائی هست
هستی قطره گواه است که در یائسی هست
هر که در بحر عدم رفت و نیامد بیرون
گوئیا در پس این پرده تماشائی هست

قل الحمد لله وسلامٌ على عباده الذين اصطفى ؎ أشحير أنا شريكون

بگو ستایش خدا ی یکتا راود رود بر آن بندگانش که :
(آنانرا) برگزید ، راستی که خدا بهتر است از آن
اشیائی که برای او شریك قرار میدهند °
۵۹ سوره نعل

ای مهدی قائم خلف سید ابرار ایمان بتو پاینده‌ود بین از تو پدیدار



فصل ۱

فرجام کار انسان بدبختی و تباهی نیست

صحنه های منظم و بهت انگیزی که در جهان آفرینش جلوه گری می کند .
این همه نظم و انضباط حیرت افزائی که در چهره هر پدید آمده و مخلوق
خدا آفرین خود نمائی می نماید .

این همه موازنه های سیارات و افلاک و هم آهنگی های دقیقی که کلیه
شئون زندگی بر تمامی پیکره خلق و خلقت فرمانروائی دارند واضح ترین
دلیلی است که این روش منظم و این همصدائی موافق و ترتیب عجیب ،
معلول تصادف و اتفاق یا اراده طبیعت بی شعوری نیست .

حتماً و حکماً به امر پروردگاری حکیم و دانا و خالق یکتا و توانائی بی
همتا و لایزال و قدیم بوجود آمده .

اوبه سیل و موج فرمان میدهد	اوبه دریا حکم طوفان میدهد
باد و خاک و آب در فرمان اوست	نقش هستی نقشی از ایوان اوست
آنچه او فرمان دهد آن میکنند	رودها که خود نه طغیان میکنند

بی شك و بحکم عقل سلیم دستگاه عظیم و منظم آفرینش با این همه
قوانین و نظم و ترتیب حیرت انگیز خود که در همه شئون هستی حکم فرمائی

مطلق دارند و با چنان نقشه ماهرانه و صحیح در تحت شرایطی خاص و تدبیری
مخصوص در سیر و حرکتند هدف و مقصودی (ولو بر ما مجهول باشد) دنبال
می کنند .

قطره‌ی کز جو یباری می‌رود از پی انجام کاری می‌رود
آری ناموس آفرینش تمام موجودات را با نظم و انضباط ثابتی بسوی نرقی
و کمال رهبری می‌کند .

همانگونه که ذرات اتم دارای هسته مرکزی واحدی هستند و با چنان
سرعتی سرسام آور در هر ثانیه بیش از پنجاه هزار بار با هدفی معین بر
گرد آن هسته مرکزی می‌چرخند و هرگز از کانون مسیر و حرکتشان جدا نمی
شوند مسلماً منظور و مسئولیتی دارند و با وظیفه ویژه‌ای به دنبال مأموریت
خویش در حرکت و گردشند .

این جهان پهناور و این خلقت پر عظمت و امیانوس بی‌کران گیتی هم
که مجموعه منظومه شمسی ما (خورشید با تمام سیاراتش) در برابر عالم
ما فوق تصور (کهکشانیها) و (سحابیها) چون ذره‌ی کم مقدار بیش نیست !!!
برای فضای لا یتناهی آفرینش که ما به چشم می‌بینیم (بموجب
آنچه هیویون گفته اند) عددی جز صفر نمیتوان تخمین زد و حتماً بستگی
به کشی از نقطه مرکزی مانند هسته مرکزی اتم دارد که ذرات را به
دور خود میگرداند یا بسمت خود جلب می‌کند .

این همه نقش عجب برد رود یوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

ادایه زندگی هیچ پیکری بی وجود قلب ممکن نیست

همانگونه که در اتم هسته مرکزی وجود دارد و اجزاء و ذرات را در محور خود می گرداند ، و همانقسم که در اندرون پیکرانسان مرکز حساس و لطیفی بنام قلب وجود دارد و بوسیله عضو قلب خون و انرژی به اعضاء دیگر بدن می رسد و ما پیش و ضربان آنرا بخوبی حس میکنیم ، که اگر بکلی یا لحظه ای از ضربان و کارش بازایستد زندگانی خاتمه خواهد یافت . بنا بر این حساب و توجیه خواهیم فهمید که نظام عالم و پیکره هستی از ملك تا ملكوت هم بدون هسته مرکزی یا عضو قلب نمیتواند زنده و برقرار بماند .

این توجیه و توضیح واضح را که خواندیم از آن جهت بود که مؤمنین و منکرین بدانند : وجود سلسله انبیاء عظام و اوصیاء یا جا نشینان بعد از پیامبران قلب حیات بخش عالم امکان و موجب وجود آفرینشند .

همچنان که تن آدمی بدون وجود قلب قادر به ادامه حیات نیست همانقسم هم نظم و زندگی جهان بدون وجود نبی یا امام و رهبر خدائی غیر ممکن است .



طومار روزگار و اوراق تاریخ گواهی میدهند

وجود سلسله جلیله انبیاء عظام و اوصیاء گرام را کتب ادیان و اوراق مدون شده تاریخ ثابت کرده و نمیتواند افسانه و ساختگی باشد و هر کدام از رهبران آسمانی در زمان حیات و مأموریت خود گروهی دوست و مؤمن و عده ای دشمن و منکر داشته اند و همین معارضات است که صفحات تاریخ را بوجود آورده و طومارهای وقایع روزگار را پر کرده.

زیرا به اقتضای عدل خداوند برای راهنمایی مخلوق باید همیشه ودائم در عالم شخصیتی روحانی و نماینده آسمانی در صحنه با عظمت خلقت ناظم و رهبر بمنزله عضو قلب حیات بخش و تمشیت دهنده زندگی انسانها و نگاه دارنده جهان و مؤید به تائید الهی باشد تا با وجود آن خلیفة الله و قوامدار عالم ملك و ملکوت برمدار احسن نظم و مقصود آفرینش بگردد و بسبب طفیل وجود آن کاردار روحانی و ولی امر ربانی هستی و قطب آسیای عالم در کمال نظام اتم اداره و به برکت وجود گرامی و محبوبش تمام عوالم خلقت از ثری تا ثریا بر محور نظام اکمل رهبری شوند.

كَوْخَلَّتِ الْأَرْضُ عَنِ الْحُجَّةِ لِسَاحَتِ بَاهِلِيهَا وَلِمَاجَتِ بَاهِلِيهَا •
(اگر زمین خالی از حجت باشد اهلش را فرو برد و موج دریا اهل زمین را
فرا میگیرد)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ
خَلِيفَةً آيَةٌ ٣٠ از سوره بقره

هنگامیکه خدای توبه ملائکه گفت من برای خود در زمین
خلیفه قرار میدهم.

دگر در زمین کیاست او به ش
همه تشریف عقل زالله ست
عقل و دین جو و پیرو او با ش
ور نه بیچاره است و گمراه است

و اذ قل ربك للسكّاني جاعل، في الارض خليفه*

به يقين سرانجام زندگي انسان يا اشرف مخلوقات سرگرداني و گمراهي و پايان كارش هم تباهي و ظلم و گناه نيست.^۰
همچنان كه خداوند از نخستين روز خلقت آدم (ابوالبشر) پدر همه انسانها هيچ فدي از افراد بشر را بي رهبر و پيامبر كه رسالت گذار او باشند نگذاشت.^۰

خداوند حكيم و مهربان قبل از خلقت انسان بنا بر مصلحت و اراده و مشيئتش نماينده و خليفه و راهنماي خود را براي رهبري و پيشوايي انسانهاي مخلوق خود پديد آورد.^۰ و از آن جهت كه هيچ فدي از افراد انسان در هيچ لحظه اي از لحظات زندگيش بي معلم و راهنما نباشد و پيوسته با هدايت پيشواي خدائي مسير زندگي صحيح خود را بصلاح خود و جامعه بشري طی كند و جاي اعتراضی كه: راهنمائی نبود تا از او پيروي و راه را بپرسم نداشته باشد.^۰ از همان لحظه اول خلقت انسان نخست حضرت آدم ابوالبشر خليفه خود را قبل از خلق نفردوم يعنى حضرت حوا: (ماد ربزرگ انسانها) خلق فرمود تا حوا و فرزندان آينده حوا با ارشاد و رهبري شايسته و مصلحي عاقل و دانا زندگي كنند تا راه را از چاه بشناسند و بپراهه و بر ضرر و زيان خود و اجتماع رفتار ننمايند و در تباهي و ظلمت اميال باطل و غرائز خود گمراه نشوند.^۰

* هنگاميكه خداي تو بملائكه گفت من براي خود د زمين خليفه ي ميگمارم.^۰

آنوقت که مرگ حضرت آدم فرارسید : مشیت الهی چنین خواست
 که حضرت آدم ابوالبشر (اوین خلق شده انسان یا خلیفه خدا و نخستین
 پیغمبر پیش از یایان زندگی خود بهترین و شایسته ترین فرزندش حضرت
 شیث (هبة الله) را به جانشینی و منصب پیام رسان و خلیفه خدا بر سایرین
 از انسانهای پدید آمده بگمارد تا دنباله پیام رسانی خدا را بعهده گیرد .
 به همین قسم عموم سلسله جلیله انبیاء از نبی و رسول و الوالعزم
 هر کدام قبل از مرگش پیغمبر یا وصی و جانشین بعد از خود خلیفه الله را
 به امر خداوند تعیین و به مردم زمان خود معرفی کرده اند .

هیچ پیغمبر یا وصی پیغمبری نبوده مگر آنکه پیامبر پیشین با
 اعلام و نشانیهای روشن پیغمبر یا وصی بعد از خود را به فرمان خدا تعیین
 و معرفی کرده .

با وجود جعل و تحریفات قسمتهای زیادی در کتاب تورات و

اناجیل چهارگانه * حاضر فعلی در دست یهودیان و مسیحیان نام پیغمبرانی

* پیغمبران در جمله به اورشلیم و بیت المقدس اموال آنها را گرفت و کتاب تورات اصلی که به حضرت موسی نازل
 شده بود سوزانید و اورشلیم را خراب نمود و یهودیان را و اموال و اشیاء قیمتهار را به بابل برد و تا مدت ۷۰ سال که در
 اسارت بابل و از عبادت تورات بکلی محروم بودند و توراتی هم در دست نداشتند و تا سال ۵۸۶ قبل از میلاد که
 کتورش پادشاه ایران بابل را تسخیر کرد و یهودیان را از اسارت آزاد کرد بموجب کتب مورخین منجمه کتاب قاموس الکتاب
 و تالیف مسترهاکس آمریکائی نوشته اند) کتورش به یکی از یهودیان آزاد شده از اسارت بنام عزرا اجازه داد: برو که کتاب
 تورات را از نو بنویسد و معبد اورشلیم و بیت المقدس را تعمیر کند. اولاً معلوم نیست عزرای نامبرده بعد از ۷۰ سال که تورات
 در دستشان نبوده چه مقدار حفظ و سنش اقتضا داشته تا او را تیکه به حضرت موسی نازل شده خوانده و دیده یا نه. ثانیاً
 دارای چنان تقوا و امانتی که تعریفی در نوشتن تورات جمع آوری خود مرتکب نشده باشد؟ که با این حال مسلماً از انحراف
 بر کنار نیست و صحت آن معلوم نیست. با این وجود ای کاش همان تورات نوشته عزرا باقی مانده بود اما متأسفانه کتاب

منجمله: شیت • ابراهیم • اسحق • یعقوب • موسی • یوشع • سلیمان • داود • زکریا • یحیی • عیسی • علیهم السلام را میخوانیم که هر کدام پیغمبر یا وصی بعد از خود را معرفی و خبر داده اند • چنانکه در قرآن مجید در آیه ۶ سوره صف هم حضرت عیسی (ع) بشارت و معرفی پیغمبر بعد از خود حضرت محمد خاتم الانبیاء را بنام احمد (ص) خبر داده •

میلیاردها سال که از عمر کهکشانها گذشت و ملیونها سال بود که

فرزندان کهکشانها یعنی کره خاکی زمین که بهر صورت بخاریا گازیادود ی

تورات عزرا هم در ۱۶۱ قبل از میلادی در حمله (زیتوس) پادشاه سوریه مجدداً سوزانده شد و دوباره از میان رفت و تا سه سال بحکم پادشاه سوریه هر یهودی مراسم دین یهود انجام میداد خودش اعدام و خانه اش را خراب میکردند و هر کجا در دست کسی کتاب تورات دیده می شد توراتش را میسوزانیدند و دارنده تورات را بقتل میرساندند و به این ترتیب پس از ۴۲۵ سال که از زمان تورات نوشته عزرا گذشته بود تورات عزرا هم از بین رفت.

مرتب سوم: از لشکر زیتوس شخصی بنام یوحنا فرزند زکی فرار کرد به شهر ساحلی (بینه) رفت و در آنجا دارالتعلیمی تشکیل داد و به سلیقه خودش کتاب توراتی دیگر نوشت. بنابر اینکه چند بار کتاب تورات را اشخاص مسجول الحال نوشته اند با شهادت متن کتاب توراتی که در دست یهودیها موجود است بخوبی و وضوح نشان میدهد که کلام خدا و کتاب نازل شده به حضرت موسی (ع) نیست زیرا: کتاب تورات موجود در دست یهود آنقدر نسبت تجسم به خدا و ارتکاب گناه به پیغمبران معصوم و محترم داشته که (از اذل و اوپاش از شنیدن آنها شرمند میشوند تا چه رسد به پیامبران که معلم حقیقی و راهنمایانی با حفظ و راهنمایانی از جانب خدا برای تزکیه نفوس و تربیت اخلاقی نوع بشر بوده اند!!! بطور نمونه: به حضرت لوط که خود برای قومش که مرتکب عمل لواط بودند از خدا پس از نصایح و مواظط طولانی استدعای و از گون شدن شهرشان نسمود تورات جعلی مینویسد خود حضرت لوط شراب خورد چنان مست شد که نفهمید در دو شب با دو دختران خود زنا کرد یا اینکه در تورات نوشته اند: حضرت ابراهیم هنگام ورود به مصر و مرتبه دوم هنگام ورود به (قادیش و شور) به سارا زن خود گفت چون تو خوش منظر و زیبایی میزسم بخاطر تو مرا بکشند به آنان بگو من خواهرش هستم. آنوقت هم سرداران سارا برای فرعون بردند و هم در (قادیش) ای ملک سارا را شب بخانه خود بردند (در هر دو جا: مصر و قادیش) فرعون و ابی ملک فهمیدند سارا زن ابراهیم است خطائی مرتکب نشدند و صبح هر کدام اعتراض کردند که چرا نگفتی سارا زن من است تا ما چنین نمیگردیم و هر کدام گله گاوان و خران و نقره به ابراهیم و سارا دادند و ابراهیم راضی شد و رفت!!! ای عجب از این تورات که یهود میگویند کتاب آسما نیست. ای عجب از حماقت؟؟؟ مگر نه این بوده که حضرت ابراهیم (ع) در جوانی در بابل در روز عیدگاه بانرودیان از شهر بیرون رفت همه بتها را جز (مردوک) بت بزرگ شکست عصر که نمرودیان به بتخانه آمدند دیدند تبری در گردن بت بزرگ است و بتهای دیگر قطعه قطعه شده اند ابراهیم که در شهر مانده بود پیش نمرود حاضر کردند از ابراهیم پرسید تو چنین کرده ای ابراهیم گفت از بت بزرگ که نمرود پیرسید (مقصود ابراهیم جلب توجه بیت پرستان مخصوصی بتها بود). نمرودیان ابراهیم بخرمین آتش انداختند اینجا و هنگام شکستن بتها از کسی نترسید ولی تورات جعلی میگوید ابراهیم وارد مصر و قادیش میشد ترسید او را بکشند!!! تورات کنونی پر است از نسبت گناهان کبیره و تناقضات بسیار و اغلاط فاحش و رسوا!!!

کف) از خورشید جدا شد و قدم بعرضه وجود گذاشت و هزاران سال ماده و اجرام آسمانی را پشت سرگذاشته بود که جهان هستی برای اكمال و ترقی میهمان یا مخلوق اکرم خود یعنی انسان و اشرف مخلوقات و از میان تمامی فرزندان آدم ابوالبشر اشرف اولاد آدم و پیامبر آخرین حضرت محمد بن عبدالله (ص) آذین بستند که در ۱۲ ماه ربیع الاول سال عام الفیل متولد و در ۲۷ ماه رجب چهل سال بعد از عام الفیل (۶۱۰ میلادی) به مقام نبوت مبعوث و قرآن مجید بصورت وحی بر آن حضرت نازل گردید که بحمد الله به شهادت و قول و ضمانت خود قرآن: *انا نزلنا الذکر و انما له لحافظون* • و گواهی دانشمندان محقق مسلمان و غیر مسلمان حتی کلمه ی اختلاف و تحریف در او وارد نشده و نخواهد شد که بزرگترین معجزه پیغمبر اسلام برشمرده شده •

در طول مدت ۲۳ سال رسالت پیامبر اسلام موارد و موجبات فراوانی بمنظور معرفی وصی و جانشینی خود به امر خدا پیش آمد که مشهورترین آنها:

۱- در میهمانی (لیلۃ الانذار) که بلا فاصله بعد از بعثت به فرمان: *وانذر عشیرتک الاقربین* عموها و خویشان نزدیک خود را به شامی دعوت کرده رسالت خود را اظهار و فرمود هر که مراد را بلاغ و اجرای شریعت یاری دهد اوست وزیر من و پس از وفاتم وصی و جانشین من • علی با سه بار تکرار مطلب هر مرتبه برخاست و عرض کرد حضرتت را فرمان میبرم و در هر شدتی بی مضایقه یارت خواهم بود •

۲- در واقعه مباهله با علماء مسیحی نجران

۳- پرچمداری و امارت و فتح د ر غزوات: خیبر و احزاب و حنین و

۴- ماموریت بردن آیاتی از سوره برائة به مکه و قرائت آن آیات بر
بومشركين در مسجد الحرام (ضمن معزول شدن ابابكر از اين ماموريت) *

۵- در شب هجرت پيغمبر از مکه به مدینه به علی فرمود سران
مکه امشب قصد قتل مراد دارند اگر تو امشب دريستم بمانی من سلامت به
غار ثور و از آنجا به مدینه (يثرب) هجرت خواهم نمود و پس از چند روز که
بعدینه رسيد مامانات مردم رابه صاحبانشان ردکن و فواطم (فاطمه دخترم
و فاطمه بنت اسد مادرت را) با خود به مدینه آورده به من ملحق شو و
همچنانکه پيغمبر فرموده بود علی با تمام مخاطرات جدی که اين ماموريت
داشت با جان و دل قبول و عمل کرد *

۶- در سال دهم هجرت در سفر حجة الوداع هنگام مراجعت
به مدینه در سرزمين غدیر خم به امر تاکیدي خدا : يا ايها الرسول بلغ ما
انزل اليك من ربك * رسماً و علناً در حضور بيشتاز ۱۲۰ هزار نفر مسلمانان
که همراه رسول خدا به حج رفته بودند و در ساين چهارراه جُحْفَه در محل
غدیر خم که هر کدام بطرف ايل و عشيره خود می رفتند بالای بلند ایستاد
دست خود را بآدمت علی داماد و پسر عمويش بلند کرد و صراحتاً علی بن
ابیطالب رابه وصايت و جانشيني خود و ولایت مسلمانان معرفی و هم دستور
فرمود تمام مسلمانان حاضران و مرد با قبول ولایت علی و منصب امارت
مسلمين و مؤمنين بيعت کنند * که مقدم بر همه عمرين الخطاب پیش آمد
و گفت بخاً بخألك يا علی اصبحت و مولاي و مولى كل مؤمن و مؤمنة * و با
علی بيعت کرد *

۷- رسول خدا در روزگاران آخر عمر شريفش اسامة بن زيد را فرمانده

سپاهی که با همگی اصحاب و افراد باید به تعغیب جنگ تبوك عزیمت و از مدینه خارج و به لشکرگاه حاضر شوند نمود ولی مخصوصاً امیر المؤمنین علی بن ابیطالب را (بمنظور نصب جانشینی و خلافت مسلمین و انجام وصایایش) نزد خود نگهداشت ولی چند نفر منجمله ابابکر و عمر از انجام فرمان رسول خدا تمرد کردند و به لشکرگاه اسامه حاضر نشدند . در مدینه منتظر ماندند که پس از رحلت پیغمبر مانع رسیدن علی بخلافت حقه شوند و برای خود طرح خلافت کنند!!!

اما رسول خدا منظور آنان را درك نموده بود با وجود شدت مرض پاکشان به مسجد رفت و در پله پائین منبر نشست پس از ابلا غنصا یح و مواعظ از کسانی که به لشکرگاه اسامه نرفته بودند اظهار بیزارى نمود و فرمود خدا لعنت کند کسانی را که از حضور در لشکرگاه اسامه و فرمان من خود داری کنند .

آشکارا این واقعه میرساند که ابابکر و عمر سرئوس اسامه جوان بوده و ابداً استحقاق خلافت نداشته اند . ولی علی را تابع و مطیع اسامه قرار داد تا همه بدانند خلیفه خدا جز از خدا و رسولش نباید تعیین کند .

۸- رسول خدا در ساعات آخر زندگی تمام و دایع نبوت و ولایت و علوم اولین و آخرین را به امیر المؤمنین علی آموخت و آنحضرت را متکفل غسل و تجهیز و دفن قرار داد که خود این کفالت دفن و تجهیز و تکفین یکی از نشانه های بارز خلافت است که از جانب خدا هر پیغمبر و امامی را باید وصی معصوم بعد از او غسل و تجهیز دفن کند و نماز بر او گزارد .

اما آنها که خود را در صف اول صحابه جازده بودند نه به قرارگاه لشکر اسامه بن زید رفتند و نه در تشییع و تجهیز و تدفین جنازه پیغمبر

حاضر شدند بلکه به ثقیفه بنی ساعده رفتند تا بنای خلافت خلاف رضای خدا و رسول خدا را بگذارند. و مانع خلافت حقه علی بن ابیطالب شدند و مسیر شریعت نبوی و اجرای صحیح احکام را منحرف و تفرقه ای اسفناک میان مجتمع مسلمین بوجود آوردند لایلا

آل ابراهیم چه کسانی هستند؟

آیات متعددی در قرآن کلام خدا نازل گردیده که بطور وضوح دلالت بر وصایت و خلافت علی بن ابیطالب و یازده فرزند معصومش دارد. آیه ۴ - سوره نساء: فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (یعنی: به تحقیق به آل ابراهیم کتاب و حکمت باچنان سلطنت عظیم عالمگیر (تا پایان دنیا) دادیم. به استناد این آیه قرآن مجید حق اولی الامری مسلمین و خلافت الهی بی هیچ شبه و تردیدی با علی بن ابیطالب و یازده فرزند معصومش که آل ابراهیم هستند می باشد. همین آیه ۵۴ سوره نساء جواب مثبت و کافی و جامع است و بر طرد و رد کسانی چون ابابکر و عمرو عثمان و معاویه و یزید و خلفاء جابرو غاصب بنی امیه و آل مروان و بنی العباس و هر مدعی دروغگو و روغساز = یاب و بیپاه و ازلی سهرابی و جمشیدی ها که خود را نایکد نیا طمع و حسد و هوا و هوس و جهل و شهوت و جبین و تملق و حيله و ظلم به خطا خود را ولی امر مسلمین دانسته اند که هیچ کدام از آنها غیر از ائمه اثنی عشریه معصومین از اعقاب و آل ابراهیم (ع) نبوده اند.

فقد ایتیا آل ابراهیم الکتاب والحکمة وایتیا هم ملکا عظیمًا

۲۵۲ سوره نساء

به تحقیق به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم با چنان سلطنت
عظیم (که تا پایان دنیا عالمگیر باشد)

گیتی ستان اولوالامر منتظر کشورگشا امیر جهاندار دادگر

بموجب متن قرآن مجید و تورات یهود: حضرت ابراهیم دو پسر داشت که بمقام نبوت رسیدند: ۱- اسمعیل (ذبیح الله) پسر ارشد جد و اوی حضرت محمد پیغمبر اسلام. ۲- اسحاق (نیای همه پیغمبران بنی اسرائیل) پسر کوچکتر حضرت ابراهیم.

تمام پیغمبران بنی اسرائیل از حضرت یعقوب تا حضرت یحیی بن زکریا از اولاد و اخلاف اسحاق بوده اند. حتی حضرت عیسی روح الله هم از جانب مادر حضرت مریم (ع) دختر عمران فرزند زاده حضرت داود از شاخه اسحاق وارث کتاب و حکمت آل ابراهیم بودند که با عروج حضرت عیسی به عالم بالادوره رسالت پیغمبران بنی اسرائیل و وراثت کتاب و حکمت از فرزندان حضرت اسحاق پایان یافت و به پیغمبر اسلام حضرت محمد بن عبد الله که نواده حضرت ابراهیم از شاخه حضرت اسمعیل ذبیح الله است منتقل گردید.

هیچ يك از فرزندان حضرت اسمعیل ذبیح پسر ارشد حضرت ابراهیم جز حضرت محمد بن عبد الله به منصب نبوت و رسالت منصوب نبودند حضرت محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن... تا قیام از پسر بلا فصل حضرت اسمعیل فرزند ارشد حضرت ابراهیم علیهم السلام بدون هیچ اختلافی سلسله نسب شریفش به حضرت ابراهیم خلیل الرحمن میرسد و مقصود کلی از آیه ۵۴ سوره نساء قرآن وارث کتاب و حکمت و ملک عظیم گردید.

این توضیح لازم است که بدانیم: سه خلیفه از خلفاء راشدین و سلسله خلفاء اموی هیچکدام از اولاد حضرت اسمعیل و آل ابراهیم و وارث کتاب و حکمت منظور آیه ۵۴ سوره نساء نبوده اند زیرا:

۱- دو خلیفه از خلفاء راشدین (ابابکرین ابی قحافه و عمر بن الخطاب) از طایفه قریش بودند اما هیچ نسبت صلبی و بطنی با حضرت عبد مناف نهایی بزرگ پیغمبر اسلام محمد بن عبد الله (ص) که مشمول آیه ۵۴ سوره نساء و وارث حقیقی کتاب و حکمت و ملک عظیم از آل ابراهیم است نداشتند.

بنی امیه اهل روم بودند!

۲- خلفاء اموی: در بعضی از کتب منجمه: در کتاب البدیع تالیف محمد بن عبد الرحمن بن محمد و کتاب کامل بهائی تالیف عماد الدین طبری که از متکلمین و محدثین عالی مقام اواسط قرن ششم هجری بوده در صفحه ۲۶۹ کتاب اخیر چاپ تهران نوشته اند: عبد الشمس برادر جناب هاشم فرزندان جناب عبد مناف در یکی از سفرهایش پسر بچه با هوشی از اهل روم به نام امیه خریداری و با خود به مکه آورد و بموسوم آنروز عرب به امیه بن عبد الشمس معروف شد. بنابراین امیه پسر خوانده عبد الشمس بوده نه پسر حقیقی و صلبی او.

باتوجه به آیه ۳۷ سوره احزاب در مورد ازدواج پیغمبر با زینب دختر حش صراحتاً به همه مردم اعلام کرد پسر خوانده ها (أَدْعِيَاءُ) زید بن حارثه پسر پیغمبر نیست. پسر خوانده اولاد حقیقی مولا یشان نبوده و وارث اونخواهند شد.

پس به استناد کتب گفته شده امیه غلام عبد الشمس جد بنی امیه بوده و عثمان بن عفان و قاطبه بنی امیه: (ابوسفیان و معاویه و برادرش یزید بن اوسفیان و یزید بن معاویه و آل مروان) همگی اولاد امیه و غلام

عبد الشمس) واهل روم بوده اند ° و هیچیک نه از قوم عرب و نه از طایفه قریش و نه از آل ابراهیم نبوده اند °

مفسرین در تفسیر آلم غلبت الروم فی ادن الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین ° (رومیان در نزدیک این سرزمین مغلوب گشتند و دوباره پس از مغلوب شدن نشان بزودی در چند سال دیگر غالب خواهند شد °) چنان دانسته اند که منظور از غلبه رومیان در چند سال بزودی : اولاد و اعقاب همان غلام عبد الشمس (امیه) رومی است که قاطبه بنی امیه از عثمان و مروان و معاویه تا آخرین خلیفه اموی و آل مروان غصب خلافت حق آل محمد و آل ابراهیم نمودند و با قهر و غلبه بر مسلمانان مسلط و بدعتهای ننگینی بنام اسلام رواج دادند و باعث تفرقه بین اخوت مسلمین گردیدند . لذا بنی امیه هیچ نسبت و قرابت نسبی با پیغمبر و آل ابراهیم ندارند °

بعلاوه مشهورات تاریخی بی جهت نبوده سند محکم و معتبری ضبط کرده : (بنی هاشم و بنی امیه) اولاد و اعقاب جناب هاشم جد بزرگوار رسول خدا به بنی هاشم معروف شده اند ° اگر امیه (غلام رومی هم پسر حقیقی عبد الشمس بوده می بایستی به بنی عبد الشمس معروف میگردد چرا بنی امیه مشهور شدند ؟؟؟

۳- درباره نسب علی بن ابیطالب : بی اختلاف جناب ابیطالب با جناب عبد الله پدر رسول خدا هر دو از فرزندان بلا فصل عبد المطلب پسر هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب تا برسد به حضرت اسمعیل بن ابراهیم خلیل الرحمن از یک شجره و یک ریشه از آل ابراهیم هستند و میدانیم از حضرت رسول (ص) فقط یک دختر (حضرت فاطمه زهرا (ع)

باقی ماند که خود حضرت رسول خدا به امر واجزه حضرت احدیت به همسبری
علی بن ابیطالب در آورد. در اینجایی گمان دو فرزند آل ابراهیم (علی
بن ابیطالب پسرعمو و فاطمه زهرا دخترعمو) بهم پیوستند. در این صورت
همه فرزندان علی و فاطمه با سلسله نسب روشن و بدون اختلاف از آل ابراهیم
بوده اند با شایستگی مستحق میراث کتاب و حکمت ملك عظیم (وعدۀ خداوند
در آیه ۵۴ سوره نساء قرآن کریم) از حضرت ابراهیم خلیل هستند.

با اسناد معتبر تاریخ سلسله انساب و هزاران حدیث مستند :
از ثمره پیوند علی و فاطمه زهراء علیهم السلام امام حسن و امام حسین در
پسربوجود آمد که یکی بعد از دیگری وارث پیغمبر و علی از نسل اسماعیل
ذبیح و آل ابراهیم خلیل بوده اند.

باید دانست: هیچکدام از فرزندان امام حسن مجتبی مسلماً
و دعوی امامت هم نکرده اند (اگر شنیده شده که در زمان سفاح و منصور
عباسی (دوانیقی) دوتن از نوادگان امام حسن مجتبی بواسطه گرفتن بیعت
از مسلمانان (۱- محمد ۲- ابراهیم فرزندان عبدالله بن امام حسن مجتبی
مورد تعقیب سخت منصور عباسی بودند) برای تصاحب مسند شریف امامت
نبوده بلکه در یاد ی امر گرفتن بیعت از مردم برای خلع و انتزاع خلافت از
آل مروان بود که خود سفاح و منصور هم با محمد بن عبدالله بن امام حسن
بیعت کرده بودند و پس از اینکه خلافت به خود منصور رسید از خوف آنکه مبادا
روزی محمد و ابراهیم نواده های امام مجتبی مزاحم خلافت او شوند بیش از
بیست نفر از کسان و عبدالله پدر آنان را برای افشاء مخفیگاه محمد و
ابراهیم بباد لخر اشتیرین وضع و تشنه نگهداشتن آنان در مدینه و ری کذ
زندانی کرده بود!!!

همه میدانند پس از شهادت امام حسین در فاجعه کربلا غیر از علی بن الحسین مشهور به سجاد وزین العابدین همگی پسرهای امام حسین به افتخار والای شهادت نائل شدند ولی بمشیت الهی برای اتصال حق و تصاحب میراث آل ابراهیم و نسل پیغمبر و علی سلسله امامت قطع نشد چند روزی تا پایان واقعه کربلا امام علی بن الحسین بشدت بیمار گردید تا بحکم شرع اسلام از معرکه جنگ مردم بی رحم و عاطفه لشکر کوفه و شام که حتی به طفل شیرخواری دفاع امام حسین هم رحم نکردند شهیدش کردند (معاف از شرکت در جهاد و یاری امام جان بدربرد و زنده بماند) که اگر علی بن الحسین در جهاد شرکت میکرد به یقین شهید می شد و دیگر ذکوری از نسل امام حسین که لایق حفظ میراث کتاب و حکمت و صاحب ملک عظیم و حامی قرآن و شریعت اسلام و ملت و کیش ابراهیم باشد برای اتصال امامت مسلمین باقی نماند.

با این مختصر توضیح بعد از واقعه جانسوز کربلا و شهادت امام حسین یگانه وارث کتاب و حکمت و یادگار آل ابراهیم امام علی بن الحسین (زین العابدین بود و از آنحضرت منصب خلافت حقه و امامت مسلمین بفرزندش محمد الباقر و از او به جعفرین محمد و از او به موسی کاظم و از او به علی الرضا و از او به محمد الجواد و از او به علی النقی الهادی و از او به حسن العسکری و از او به دوازدهمین و آخرین وصی پیغمبر اسلام و وارث کتاب و حکمت و نتیجه مأموریت جمیع انبیاء و اوصیاء و ذخیره دودمان آل ابراهیم حجة بن الحسن العسکری امام مهدی صاحب الزمان خلیفه خدا و رسول منتقل گردید که بنا بمشیت الهی با علی متعدد ده که در ضمن متن این کتاب واحادیث مندرج در آن خواهیم خواند از نظر اغیار غایب و مستور

است و خورشید وجودش از پشت حجاب و ابر غیبت موجب سکون و حیات و خیرات و برکات و رشد زندگی همه موجودات عالم امکان است .

چراغی بر نور سر راه آینده جهان

پس از رحلت یازده همین وصی رسول خدا (حضرت امام حسن عسکری هنوز زمان آن نرسیده بود تا ساحت جهان و درخت هستی بارور و ثمربخش و مراحل کمال انسانیت بی نقص و عیب ظاهر گردد تا جهان و ابناء زمان همه بدون معارض و با رغبت مطیع یک فرمان یک قانون صحیح به زیر یک پرچم عدل گستر جمع و دین حق و احکام قرآن که با سرشت و فطرت هر انسانی سازگار است رواج کامل گیرد و تمام تبعیضات و برترجوهی نژادها باطل و فساد و گناه زایل و ظلم ریشه کن گردد .

همان قسم که خداوند قدیر از ابتداء خلقت انسان نفراول بشر و آفریده خود آدم ابوالبشر پیغمبر صافی را مامور رهبری کرد تا چراغی روشن سر راه آینده جهان باشد تا نفر دومی (مادریزگ همه انسانها "حوا") و پس از او افراد و اعضاء دیگر آینده اجتماع انسانی بی معلم و رهبر و در تاریکی راه گم نکنند و سرگردان نباشند .

روزگارد رازی گذشت و یکی پس از دیگری ماموران روحانی یا پیامبران خدائی و جانشینان راستین انبیاء چون گردش خون زندگی بخش در قلب آفرینش و آفریده شده گان که باعث نظم و زندگی همگان بود جریان دائم داشت اما در مقابل دسته و گروهی بودند که نمیخواستند قلب حیات بخش جهانی را سالم نگهدارند ، یا از شدت بیماری روحی نمی فهمیدند بایسد برای شفای خود به پزشک حاذق رجوع و نسخه علاج و دوائی مجاز پزشکی

راتحویل ونوش کنند تا درد و رنجشان برطرف شود که هم خود بهبود یابند
وهم موجب سرایت بد یگران نباشند °

فصل ۲

پایان نامه ادیان و کتب آسمانی

آری اقیانوسی که مردم عصر ما موج بسیار کوچکی از آنند کرانه‌ای
دو روخیلی هم دور تر داشته °

پیغمبر اسلام در سال ۶۱۰ میلادی (چهل سال ازعام الفیل
گذشته بود) که عموم مردم جهان را امواج جهل و گرداب دشمنی و عناد
طعمه خود ساخته و نهنگ خود خواهی و ظلم و خونریزی مغرورین را می بلعید
با کشتی نجات رسید و بانگی رسا برآورد: هر که در این سفینه که
دریا سالارش من و دوازده بادبان دارد بنشیند بساحل امن و آسایش و
نعمت میرسد ° کم کم کشتی نجات دهنده با سر نشینانش به ساحل نزدیک
می شدند اما آنگاه که کشتی بساحل میرسید عده ای که بیمار خود جوئی
و سرمست شهوت و خود کامگی بودند همینکه دیدند از کام امواج و حلقوم
نهنگان رسته و به زندگی مادی امیدوار شدند آنگاه که بساحل نزدیک میشدند
نخواستند کشتی پهلو گیرد و باراهنمائی ناخدا ی کشتی و نردبان مطمئن در
ساحل امن و امان بیارامند لاله.

طبیعی است لبه ساحل و کناره اقیانوس از کف تو خالی و خرف پوشیده
است ° و این مردم سرمست لای عقل ! مست حُب و حسد ، مست غرائز شهوانی
و عوالم حیوانی و بیمارانی که از پیش گفتیم به تصور رسیدن بساحل راهی که

ناخدانشان داده بود انتخاب نکردند بی هیچ تهبیه‌ای بر روی آبهای کف آلود
وخزفها جستند ودوباره صید نهنگان گرسنه شدند
این سرگشتگان مست وراه گم کرده بواسطه سوء نیت ساحل نجات
را از کف وخزف تمیز نمیدادند • چراغ راهنما و نردبان نجات را نزد يك
خود میدیدند اما آنقدر سیاه مست و بیمار بود ند که راه را از چاه نشناسند
وجاهلانه ومغرضانه در پی هلاك خود تصمیم بسته ودرقعر پرتگاه ضلالت
وذلت وغفلت کف آلود هلاك شدند •

اما از عدل خداوند دریغ بود که باتمام شدن دوران پیغمبران
و ختم و پایان انزال کتب آسمانی و مرگ یازدهمین وصی پیغمبر آخرین
(امام حسن عسکری) روی زمین چراغی پرنور سر راه مردم جهان و خلق
خود نگه ندارد و برای فرجام کار انسانهای مخلوق خود پزشکی حاذق و
ودارویی شفا بخش و راه مستقیم و چاره ای کامل فراهم نکند • چاره ای
درست و حکیمانانه نه عجولانه بلکه با حوصله ای هم سال عمر کوهها و دریاها
همانقسم که خدای حکیم اولین نفر از خلقت انسانی را با سرشت و
شایستگی و مأموریت پیامبری و راهنما خلق فرمود همانقسم هم لحظه ای
از لحظات، زمین و مخلوق خود را بی شبان و رهبر آدمیان و پاسدار دین
و شریعت نگذارد •

پس از مرگ یازدهمین وصی راستین آخرین پیغمبرش آخرین
وصی و حجت و راهنمای نیرومندی آماده و ذخیره و آماده داشت •

اما این راهنمای موعود که مسئولیت اجرای وظایف همه پیغمبران
و اوصیاء پیامبران سلف را خداوند بر عهده او گذارده و باید برای رفع درد
و غم و رنج و اصلاح نابسامانیهای ابناء بشر قیام کند و همه مشکلاتی که در

دوران پیامبران و اوصیاء گذشته بوده ریشه کن و نا بود کند . و باید او کسی باشد که خود رهنمائی مقتدر و پزشکی حاذق و از قید زمان و مکان رسته و در طول زندگانی در قرن‌ها بر ماجراهای بی عدالتی ها (از اولین مقتول بی تقصیر " هابیل " کشته شده از ظلم " قابیل ") تا آخرین مظلومان و همه ناپسامانیها و تبعیضها و قوانین نابجا و مادی‌گرایی فتنه انگیز جهان نگر بسته باشد .

خداوند کسی را مامور کرد تا بابتد پیری ژرف و حکیمانه و نظاماتی پر شکوه و مسؤولیت به تأیید الهی برای پیکار با ستم و ریشه کن کردن اساس بی عدالتی و اجرای حق و داد گستری و مجرا کردن يك قانون معتدل و کامل استقرار حکومت واحد جهانی که نوع بشر را از هر نژاد و هر سرزمین و چهار سوی دنیا مرفه و آسوده زیر پرچم صلح و رفاه همگانی درآورد . این شخصیت اعلا و مامور روحانی باید خود مُزكئ و یاك و مصفا به صفات ملکوتی باشد تا بتواند جامعه انسانی را از آلودگیها و لکه های غرائز حیوانی و امیال شهوانی دور نگهداشته و راه انسانیت (و لُقـد کرمننا بنی آدم) را برای همه مردم دنیا بی تفاوت آماده سازد این جوهره زمان و نادره دوران و قلب کون و مکان باید خود معصوم و از خبط و خطا و اشتباه و غرض برکنار و خالی از هوا و هوس و از جانب خدا و با تأیید خدا با شد . زیرا : هرگاه قلبی که در اندرون سینه ما است اگر خود بیمار و نارسا باشد حال دل و همه اعضای تن بیمار است باید عضو قلب سلامت باشد تا خون سالم و یاك به تمام اعضای کشور تن برساند .

اگر کسی گفته باشد برای ادامه حیات و زندگی آدمی قلب

لازم نیست یاوه و بیهوده آشکار گفته است . هیچ پیکری بدون قلب قادر به ادامه زندگی نیست . روی همین فرض هم جهان آفرینش باید قلب داشته باشد آنهم قلبی سالم و نیرومند . و مطمئنا میگوئیم : قلب عالم امکان که به زمان و مکان و هرچه در او هست زندگی میبخشد وجود برگزیده ای از جانب خالق زمان و مکان (پیغمبر یا امام) است که باید همیشه در روی زمین باشد .

* * * * *

حال با توضیحات کافی و رسائی چند که تا اینجا خواندیم با صراحت مطمئن که گواهی او را در مدون تاریخ از عامه و خاصه است میگوئیم : پس از رحلت آخرین پیغمبر و خاتم النبیین حضرت محمد بن عبدالله (ص) بنا به امر خدا و وصایای مکرر آنحضرت یازده نفر جانشینان و اوصیاء راستگو و راستینش تا سال ۲۶۰ هجری (۸۸۱) میلادی با چشم سر مشاهده می شدند و بیش از نیمی از تاریخ روزگار شرح رویدادهای دوران آن بزرگواران را ثبت و ضبط کرده جای شبهه و قابل انکار نیست تا آنجا که دانشمندان غیر مسلمانهم کتب متعدد و فراوانی در شرح زندگانی و وقایع زمان آنها برشته تحریر آورده اند .

اما در سال ۲۶۰ هجری پس از وفات حضرت امام حسن عسکری یازدهمین وصی آخرین پیامبر بنا به مشیت الهی مقدر آن بود که وصی دوازدهمین پیغمبر اسلام آخرین حجة خدا حضرت مهدی موعود یگانه پسر امام حسن عسکری از چشم دشمنان و ظاهربینان در پشت پرده غیبت مستور باشد و یادیده حق بین خود از دستبرد و هجوم مخالفان و دشمنان بی دریغ محفوظ و ذخیره باشد که با طول حیات خود برنامه ماموریت خطیریکه خدا به او محول فرموده دقیق تنظیم و با کمال عدالت اجرا کند .

برنامه دولت سامان دهندۀ دنیا و مصلح جهان مهدی موعود آخرین
ومترقی ترین برنامه زندگی و سازگار با فطرت بی غل و غش انسانی است.

ولادت دوازدهمین وصی پیغمبر آخر الزمان

شیخ طوسی در کتاب غیبت ، می نویسد :

بُشر پسر سلیمان که از اعیان ابویوب انصاری و یکی از شیعیان
مخلص حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری (ع) و در شهر سامرا
همسایه آنحضرت بوده روایت کرده که روزی کافور غلام امام دهم حضرت
علی النقی به در خانه من آمد و گفت حضرت علی الهادی تو را طلب نمود
چون خدمت آنحضرت رسیدم فرمود : ای بُشر تو از اولاد انصار (ابویوب
انصاری که رسول اکرم در هجرت از مکه به مدینه به امر خدا اولین قرارگاه خود
را در منزل همان ابویوب انصاری قرار داد) هستی دوستی شما نسبت به
ما اهل البیت پیغمبر پیوسته برقرار بوده و فرزندان شما آنرا به ارث میبرند
میخواهم ترا فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما این رازی که
باتو در میان میگذارم بر سایر شیعیان سبقت گیری . سپس نامه پاکیزه ای
بخط وزیران رومی (لاتین) مرقوم فرمود و سر آنرا با خاتم (انگشتر) مبارک
خود مهر نمود و کیسه ای که ۲۲۰ اشرفی در آن گذارد به من داد و فرمود
بگیر و حال به بغداد میروی و صبح فلان روز در سرپل (جسر) بغداد
حضور می یابی ، چون کشتی حامل بردگان رسید وقتی آنان از کشتی به زیر
آمدند می بینی بیشتر خریداران فرستادگان اشراف بنی عباس و قلیلی از
جوانان عرب هستند . در این هنگام مواظب شخصی بنام عمر بن زید
برده فروش باش که قصد فروش کنیزی را با اوصاف مخصوص که از جمله

د وروی پوش لباس حریر (رویهم) پوشیده و خود را از معرض فروش و دید و دسترس خریداران بردگان حفظ می کند .

و هر وقت که برده فروش می خواهد او را به مشتریان عرضه کند در این وقت صدای شکوه و شکایت او را بازبان رومی از پس پرده رقیقی که بر اثر اسارت و هتک احترام خود مینالدهی شنوی .

اگر حشمت سلیمان هم داشته باشی به تو رغبتی ندارم

یکی از مشتریان به عمر بن زید برده فروش میگوید عفتا این کنیز رغبت مرا بوی جلب کرده او را به سیصد دینار بمن بفروش ، کنیزك به زبان عربی میگوید : اگر تو حشمت حضرت سلیمان را هم داشته باشی من به تو رغبتی ندارم ، بیهوده مال خوراتلف مکن . برده فروش میگوید پس چاره چیست ؟ من ناگزیرم ترا بفروشم . کنیزك میگوید : چرا شتاب میکنی ؟ بگذار خریداری پیدا شود که قلب من به او وفا و امانت او آرام گیرد .

در این هنگام تونزد برده فروش برو و بگو من حامل نامه لطیفی هستم که یکی از اشراف بخت و زبان رومی نوشته . کرم و وفا و امانت خود را در نامه شرح داده و او خریدار این بانواست . برده فروش نامه را میگیرد و به کنیزك میدهد . آن بانو نامه را میگیرد و مهر از سر نامه بر میدارد نامه را میخواند آنگاه به برده فروش میگوید : اگر مرا به صاحب این نامه نفروشی خود را هلاک میکنم .

بشر بن سلیمان (حامل نامه) با برده فروش در باره قیمت گفتگو میکند ، برده فروش بهمان میزان و مبلغ پولی که در کیسه بود

(۲۲۰ اشرفی) راضی می شود . بشر آن بانورا با خود به خانه ای که در بغداد (قبلاً) اجاره کرده بود می آورد . آن بانود رفره ای و خود بشر د رفره دیگر منزل میکنند . بشر مکرومی بیند که آن بانونامه رامی بسوید و می بوسد .

من ملیکه از نسل داود پیغمبر و نواده شمعون الصفايم

بشر به آن بانومیگوید شما که صاحب نامه ران دیده ای چگونه اینقدر نامه رامیبوسی ؟ و حال آنکه نویسند ه نامه رانمی شناسی . آن بانو میگوید : ای در مانده کم معرفت ، من نام ملیکه دختریشوعای پسر قیصر روم از فرزندان شمعون الصفا وصی حضرت عیسیای مسیح هستم و به حضرت داود نبی نسبت میرسانم . بگذار سرنوشت عجیب خود را نقل کنیم .
(داستان طولانی و شگفت انگیز مجلس عقد خود را با پسر عمو هایش یکی پس از دیگری و واژگون شدن تخت مسند عقد و هرج و مرج و انقلاب مجلس و گفتگو و چاره اندیشی های مفصل کشیشان که قصد اجرای خطبه عقد را داشتند و اصرار پدرش قیصر در انجام خطبه عقد برای یکی از پسر عمو هایش شرح مید هد)

بعد آنچه را که در عالم خواب دیده : که در محضر حضرت فاطمه الزهراء علیها سلام دین حنیف ! سلام را پذیرفته و مزده فرزند ی که شرق و غرب عالم را زیر فرمان خود خواهد گرفت و ریشه دشمنی ظلم را از تمام روی زمین خواهد کند و عدل و داد و د هش و مساوات را در تمام گیتی می گستراند و دین حق را رواج مید هد ، و در آخرت و هم دنیا عزیز است مفصلاً بیان می کند) چون مطلبی طولانی و موجب قطر کتاب خواهد شد از شرح آن در اینجا

خود داری میگردد .

بُشر آن بانوی مکرمه را با خود با کمال احترام به سامرا به خانه حضرت
امام علی النقی می آورد . و آنحضرت نام آن مخدره مفخمه را نرجس میخواند
و پس از تلقین مجدد شهادتین به حکیمه خاتون خواهر خود ماموریت میدهد
مبانی و معالم دین حنیف اسلام و فقه شیعه را به ملیکه (نرجس) می آموزد و
پس از اكمال معالم دین اسلام خود حضرت امام علی النقی نرجس خاتون
را به نکاح پسرش حضرت حسن عسکری (امام بعد از خود) درمی آورد .

سال ۲۵۵ هجری قمری با کلمه نور مطابق است

از سوم ماه رجب سال ۲۵۴ هجری که حضرت امام علی النقی
را خلیفه وقت با زهر مسموم و شهید نمود فرزندش امام یازدهم حضرت حسن
عسکری جانشین ویازدهمین وصی پیغمبر اسلام بود که در صبح روز جمعه
پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری که با حساب ابجد با کلمه
(نور) مطابق است از یطن مطهره ملیکه (نرجس) یگانه پسر حضرت
امام حسن عسکری پسری با صفات و شمایل رسول اکرم به نام محمد و کنیه
ابا القاسم و لقب مهدی آل محمد در شهر سامرا بدنیآ آمد . و او همان حجت
آخرین خدا و صی دوازدهم ذخیره علوم انبیاء، کامل و اجرا کننده شریعت
اسلام و احکام قرآن مبین قائم آل محمد مهدی مسعود و مصلح جهان که
روز ظهورش جهل و فقر و ظلم و ستم از تمام آفاق ریشه کن و عدل و داد و علم و
خیر سرتاسر اقالیم گیتی را می گستراند

هم اوست که جمیع پیامبران و کتب آسمانی و همه ادیان اخبار زمان
غیبت و مژده ظهور و فورالسرورش را از هزاران سال پیش از ولادتش راداده

اند . وهم اوست که تقیه و تبعیت از سلطان و حکومتی نخواهد کرد و اوست
 حجت خدا بعد از باب گرامش حضرت امام حسن عسکری و مؤید به تایید
 الهی که تمام فرق و ادیان و ملل دنیا منتظر ظهور آن حضرت هستند تا همه
 بسیط خاک و کل جهان را به سامان و نظم و آرامش و برادری بیاوراید .

وَأُمُّهُ بِنْتُ يُسُوعَ نَجْرَسِ	من قیصر الروم الشجاع الفارس
وَجَدُّهُ مِنْ جَانِبِ الْأُمِّ رِفَا	وصی عیسی هوشمعون الصفا
الْخَلْفَ الْمَهْدِي مِنْ النَّبِيِّ	فداه و اغوشاه امی و ابی
مِنْ مَلَکِیْنِ وَسُلَالَةِ الْکَرَمِ	من شرف العرب و من خیر العجم

* *

به اتفاق عموم مورخین شیعه و سنی در سال ۲۵۵ هجری زمان
 خلافت المعتمد خلیفه عباسی در شهر سامرا از حضرت امام حسن عسکری
 پدر و ملیکه ملقب به نرجس مادر پسر متولد شد که به امر خداوند یکتا
 و پیشگوئی پیغمبر اسلام بنام محمد و لقب مهدی نامیده شد و اجرای
 پایان نامه کلیه ادیان و ختم کتب آسمانی بعهد آن حضرت محول گردیده
 تا حقیقت و معنی این آیه شریفه قران حکیم : لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْمُشْرِكُونَ اجرا و آشکار شود .



قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

لو سبق من الدنيا الا يومٌ واحد لطول الله ذلك اليوم
حتى يخرج رجل من ولدي اسمه اسمي وكنيته كنيته
يلاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً

حاصل معنی :

چنانچه يك روز بیشتر از عمر دنیا باقی نمانده باشد خداوند آن روز را
چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از فرزندانم که اسم او اسم
من و کنیه او کنیه من است خروج کند و زمین را سرتاسر پراز عدل و
انصاف کند همچنانکه (پیش از آن) از ظلم و ستم پرشده بوده .
از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

فصل ۳

چرا مقدر شد مهدی اُمَم از نظرها غایب باشد؟

دستگاه جنایت آثار خلافت متظاهر و متجاوز عباسی در زمان مامون الرشید از انتخاب امام هشتم ابا الحسن علی الرضا به ولایت عهدی ناراضی و کاملاً در خوف و هراس بودند تا مبادا امام جواد یگانه پسر حضرت رضا و اعیان آنحضرت با جلالت روحانی و محبوبیت عمومی و اشتهار علم و تقوائی که دارند مردم بگرد آنان جمع و بر عباسیان بشورند و طومار خلافت جابران آنان را در هم پیچند و دستشان از حکومت غاصبانه خود کامه کوتاه شود، پیوسته و بیش از پیش در تهیه هلاکت و ازمیان برداشتن آل علی بودند و به عمال ستمگر و وحشی خود به انحاء گوناگون ماموریت اذیت و آزار تا سرحد هلاک نمودن امامان هم زمان خود میدادند !!! چنانکه در کتب تاریخ معتبر از مورخین شیعه و سنی ضبط گردیده :

منصورد و انیقی پس از سختگیریها حضرت امام جعفر بن محمد را مسموم کرد.

هارون الرشید وسیله سندی بن شاهک امام هفتم موسی بن جعفر را

در زندان بازهرقبال شهید کرد.

مامون الرشید امام هشتم علی بن موسی را در حضور خود با انگور یا خرما

زهرآگین مسموم و شهید کرد.

مامون الرشید به بهانه تبرئه کردن خود از افشاء زهر خوراندن به امام

علی الرضا دختر خود ام الفضل را به ازدواج امام محمد الجواد بن علی الرضا،

در آورد و ظاهراً به آنحضرت احترام میورزید. امام الفضل دختر مامون

به اغوا و تحريك عموی خود (معتصم عباسی) شوهر خود امام محمد الجواد را زهر خورانیید و برای آنکه دوستان و شیعیاناش نتوانند علاج مسمومیت آنحضرت کنند آنقدر او را در اطاقی در بسته نگهداشت تا شهید گردید حتی خدمه خود را هم منع کرد ه بود که برای تسکین سوزش زهر آب آشامیدنی به او نرسانند* متوکل عباسی امام دهم حضرت علی النقی الهادی را سالها در سامرا شدیدا تحت نظر در سربازخانه سربازان ترك در شدت و سختی نگهداشته بود و هر روز زحمتی افزون از پیش بر آنحضرت وارد می ساخت تا در سال ۲۵۴ هجری معتمد پسر متوکل که هنوز به خلافت نرسیده بود امام علی النقی را مسموم و شهید کرد *

معتمد عباسی که شنیده بود و میدانست دوازدهمین وصی پیغمبر پسر امام حسن عسکری سلاطین و حکومتها ی خاصه از تمام صفحه گیتی بر میاندازد هر چه توانست آنحضرت را از مردم دور و ممنوع الملاقات و در سربازخانه ترکان نگهداشت آنقدر که چون مدت های طولانی در معسکر (سربازخانه) ماند ه بود به : عسکری مشهور شده بود و بالاخره امام حسن عسکری را مسموم و شهید کرد *

خلفاء عباسی بالخصوص جانشینان مامون الرشید : متوکل و معتصم و معتضد و معتز بالله و معتمد کوردل که در احادیث نبوی و اخبار آل محمد (ص) شنیده بودند دوازدهمین وصی پیغمبر پسر امام حسن عسکری خلفاء و حکام ظالم و ظلم را ریشه کن و سلطنت تمام اقالیم جهان را متصرف خواهد شد زیاده از پیشینیان خود به بهانه های مختلف نسبت به امام دهم علی النقی و امام یازدهم حسن عسکری سخت گیری و در پی فرصتهائی مناسب بودند تا آن بزرگ مردان حقا و حق خواه را هلاک

کنند و بیشتر آنان را در سرایزخانه ها محبوس نگه میداشتند تا از عیالاتشان جدا باشند که فرزندی به پسرانند تا مهدی آل محمد و امام منتقم متولد نگردد . با این احوال جاسوسان متعددی از زن و مرد در داخل و خارج خانه حضرت امام حسن عسکری بعناوین مختلف میفرستادند تا کاملاً آگاه شوند حضرت عسکری فرزندی دارد یا نه و در صورت بوجود آمدن فرزند بهر صورت و تمهیدی او را نابود نمایند !!!

به همین سبب بود که حضرت امام حسن عسکری بفرمان خدا اولاد یگانه فرزندش محمد بن الحسن عسکری را از همه کس جز شیعیان خاص الخاص و مؤمن و مخلص امامت حقه حتی از برادر مخالفش جعفر کذاب هم مخفی میداشت .

وضع حمل حجة الله مهدی اُمّ و جامع الکلم آنچنان مستترو مخفی من جانب الله بود که آثار حملی در ماد رگرا میشمشهود نبود و نرجس خاتون مادر و حامل بقیة الله خود نمیدانسته قائم آل محمد آخرین حجة حق در رحم مطهره اش پرورش دارد .

حمل مهدی بن الحسن عسکری در امام شریف النسبش مانند حمل حضرت موسای کلیم در رحم (یوکا بد) مادر معصومه اش هیچگونه آثار حمل ظاهر و نمودار نبود . زیرا فرعونیان در صد هلاک حضرت موسی و عباسیان مترصد قتل حضرت مهدی منتقم بودند .

همچنانکه حضرت موسی کلیم الله از جانب خدا مأمور هلاک فرعون و فرعونیان بوده حضرت خاتم الاوصیاء مهدی بقیة الله هم باید به تاییدات الهی ریشه بیدادگری حکام و خلفاء جابرو غاصب را از بیخ برکند و برنامه خدائی را به انجام برساند و جهانی را پر معدلت و معمور نماید .

معتمد خلیفه عباسی تا آنجا پیش رفته بود که جعفر مشهوریسه
 کذاب برادر امام حسن عسکری را با مال و وعده ریاست فریفته و آماده دعوی
 امامت باطل کرده بود . جعفر هم برای خوش خدمتی به خلیفه عباسی و
 بالاخره تصاحب امامت دروغی مزورانه در هرآمد و شد به خانه برادرش
 امام حسن جوئی آثار وجود فرزند برادر میبود ! اما با خواست خدا باید
 مهدی موعود و یگانه و بزرگ نصلح حقیقی جهان محفوظ بماند و تا زمانی که
 خدای حی و قیوم مصلحت بداند مستور و غایب از انظار اغیار مخفی زندگی کند .
 سبب غیبت طولانی آن حجت خدا و ذخیره روحانی و به ثمر
 رسانیدن نتیجه ماموریت تمام انبیاء عظام و بقیة الله (مهدی موعود را
 متعدد نوشته اند که خلاصه و اهم آنها امتحان مردم است تا در ایام
 غیبت طولانی که : نه پیغمبر و نه امامی در میان مردم ظاهر نیست آنانکه
 اعتقادی را سخ به احکام قران و نبوت پیغمبر و شریعت اسلام و حُجیت و
 ولایت اوصیاء راستین پیامبر اسلام دارند چه در حضور و چه در غیاب و در
 همه احوال با کمال دقت و مواظبت حلال و حرام احکام قران را رعایت و
 به انجام واجبات کوشا و از ارتکاب گناهان بشدت پرهیز و پیوسته از روش
 اولیاء خدا پیروی و با هوشیاری و دانائی از فتنه ها و تلقینات و تبلیغات گمراه
 کنند هوری جسته و با قوت ایمان و تقوا از کید گمراه کنندگان و مغرضین محفوظ
 میمانند . و آنها که فقط بالفظ و زبان خود را مؤمن پندارند در اثر نداشتن
 تقوا و عمق ایمان آنچه در باطن دارند بی پرده بروز دهند . زیرا غیبت
 حجت آخرین محک کامل العیار است برای رشد و ارزش گوهر والای ایمان
 و تمایز مخلص از منافق . تا سیه روی شود هر که در او غش باشد .

چگونه از امتحان سالم بیرون رویم

لغت دعاء رزبان فارسی یعنی خواستن • هر مسلمان اولاً باید از خداوند توفیق دوری از گناه بخواهد و مهم این مدعا و خواستن آنست که خود شخص هم عملاً کوشش کند و بخواهد کاری که زشت و مقدمه گناه است بجانیاورد • این کوشش و خواستن معنی حقیقی دعا است •

ثانیاً باید از اغوی شیطان نفس خود داری و از معاشرت عزیزان صفتان که به دود و شراره گناهان خو گرفته و کسانیکه خود گمراه شده اند اجتناب و دوری کنیم و از خدای رحمان بخواهیم توفیق این پایمردی و خود داری را بماند و رحمت فرماید و در هر کار از خدا یاری خواسته و بر خدا توکل و اعتقاد به برگشت نتیجه ارتکاب گناه داشته باشیم •

حقیقت این است و جز این نیست که : شرط توفیق استقامت و دوری از گناه و گمراهی : پاک و حلال خوردنست • زیرا خاصیت حرام خوارگی کج اندیشی و ارتکاب گناه است • و خواص حلال خوارگی هم بیداری در رفتار و راست رفتاریست قلبی که خون حلال در آن جریان داشته باشد **مُلِهِمْ** به الهامات خدائست و آدمی را از غفلتها و کج رفتاری نگه میدارد • (گندم از گندم بروید جو ز جو) پس لازم است از غذیه نجس و حرام و مالی که از راه ظلم و بی انصافی یا غصب کسب شده و خلاف رضای خدا است (حتی مشکوک) جدا پرهیز و خود داری کنیم •

در مجالس بیهوده گویان و لهو و لعب حاضر نشویم •

نمازهای یومیه و روزه رمضان را بحد خلوص انجام دهیم •

هر چه بیشتر تاریخ رویداد های اسلام را مطالعه کنیم و آشنا شویم •

از معصوم (ع) دستور رسیده است که در زمان فتنه ها و در غیبت
امام بعد از نماز دعا ی غریق : یا الله یا رحمان یا رحیم • یا مقلب القلوب
ثبت قلبی علی دینک • را بخوانیم •

و هم دعا ی : اللهم عرفنی نفسک فان لم تعرفنی نفسک لم
اعترف رسولک • اللهم عرفنی رسولک فان لم تعرفنی رسولک لم اعرف
حجتک • اللهم عرفنی حجتک فان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی • را
بخوانیم و به معانی این هردو دعا توجه قلبی داشته باشیم •

مهم تر از اینها آنکه با مفاد احادیث و روایات معتبر صحیح فراوانی
که از شخص رسول اکرم و امیر المؤمنین و ده فرزند معصومش علیهم السلام
رسیده و نشانیها و علامات و صفات حضرت بقیه الله امام منتظر که همان
دوازدهمین وصی برحق و آخرین امام شیعه اثناعشری حضرت مهدی و
قائم آل محمد (ص) است آشنا باشیم • علائم و نشانیهای واضح و وقایع
و اتفاقات ایام غیبت امام دوازدهم و ولی عصر (عج) که مشروحاً در نهج
البلاغه امیر المؤمنین و کتب معتبر دیگر نوشته شده و همچنین فرامین و
توقیعاتی که از ناحیه مقدسه خود امام زمان (عج) توسط نواب خاصه اش
رسیده بشناسیم ، تا با آگاهی و دانائی و تشخیص احادیث و اخبار صحیح
با مقایسه اراجیف و جعلیات و تحریفات از سوی عوامل شناخته شده نفاق
انداز و مخرب اسلام گول نخورده و بهر دعوی باطلی و مدعی کاذبی که خود
رابی استحقاق ولیاقت و با پشتیبانی استعمار صاحب الزمان و مهدی
موعود بخواند اعتنا نکنیم •

حسابی است کاملاً روشن : خود تعداد مدعیان مهدویت
در ظرف هزار سال و اندی گذشته یکی بعد از دیگری ادعای مهدویت و بعد

پیغمبری و سپس خدائی و خدا آفرینی کرده و با ضعف و زبونی و بیچارگی
مضمحل شده و از بین رفته اند ، سند رسوائی و دروغگوئی آنانست ، که اگر
همان مهدی موعود حقیقی و مصلح بزرگ که باید جهانی را سامان بدهد
بودند چرا خودشان و مرام مضحکشان از میان رفتند بدون آنکه کوچکترین
اصلاحی در دهستان کوچکی یا اقلاد در چهار دیواری خانه خود کرده باشند!

فصل ۴

جز خدای قدیر کسی وقت ظهور مهدی موعود را نمیداند

كذب الوقتون : هر که وقت معینی را به ظهور مهدی اختصاص دهد
بی گفتگو دروغگو است .

موقع ظهور دوازدهمین وصی پیغمبر آخر الزمان (مهدی موعود =
قائم آل محمد) علیهم السلام راهیچ کس (حتی وجود مقدس خود حضرت
مهدی هم) غیر از خداوند حکیم و قدیر نمیداند . دنیا باید تشنه و محتاج
وجود آن مصلح حقیقی و موعود جهانی شود و تمام مردم از هر مرام و مسلک
و مذهب و هر نژاد بواسطه جور و ستمهایی که می کشند در جستجوی نجات
دهنده ی راستگوئی بربایند و آماده پذیرش قدم شریف آن نجات دهنده
مقتدر باشند .

تا روزگار و مردم روزگار در اثر بیچارگی ها و درماندگیهای گوناگون
از شرنگ ظلم و ستم و هرج و مرج بستوه نیایند و هر انجمن و لجنه و کمیسیون
و سبمنار و اتحادیه ها و جوامع بین المللی و مدعیان صلح خواه دروغی از بی
نتیجه ماندن مقررات پوچ و افکار منحرف و اقدامات معکوس و تصمیمات ناقص
خود کاملاً مأیوس نشوند !!!

تا همه پهلوانان زورمند یکه به حيله ظاهر امدعی صلح و آشتی
 و در باطن جنگ افروز و طالب کشتاری گناهان و ضعیفانند خود خسته و
 و امانده و بیچاره نشوند و برای هیچکس امید اصلاح و نجاتی باقی نماند ! تا
 فشار و زور و سنگینی ظلم آنچنان نوع بشر و حرمت خون انسانها را تهدید نکند
 که حتی بی خبران از دین و آئین و شریعت هم از آن همه شدت و سختی
 به زنها و مضیقه گرفتار نیایند و هر کس در هر مقام از هر جا از اصلاح امن و امان
 نا امید نشود و واقعه حتمی ظهور مهدی موعود دست نخواهد داد .
 آنهنگام که بد بختی و بلا از درود یوا رو کوه و دشت فروریزد و قدرت‌های
 موجود در کار اداره جهان تا آنجا که از تدبیر و ترتیب و نظم خانه و خانواد ه
 خود عاجز و در مانده شوند .
 آنزمان که نظامات مخلوق دماغ ماده پرست بشر به نقص دماغی
 و افکار فلاکت بار خود اقرار نکند و خلق و خوی انسانیت و کرامت انسانی در لبه
 سقوط حتمی و یرتگاه ضلالت قطعی قرار نگیرد .
 وقتی قلدوران خود مختار و خود کامگان خونخوار و خود خواهان
 بی مقدار که دانسته و عمداً بمردم دنیا وعده های پوچ آب زندگی دادند
 ولی خود در همان منجلا ب متعفنئی که به غلط نام آب زندگی بر آن نهاد ه
 اند غرق شدند و در میان امواج گندیده منجلا بی که خود راه انداخته اند
 سفیهانه دست و پا زدند و برای خلاصی از لجنزار خود ساخته چشم امید بساحل
 نجات گشودند و بی عرضگی و نافرهمی و بیچارگی خود را تصدیق کردند .
 وقتی قوانین خلاف عقل از مغزهای پوسیده و دیوانه و بیمار چاره
 پذیر نشد و سران خود خواه و غرض ورز و بی لیاقت جهان از هر چاره و
 چاره سازی درماندند و پیمانها و قرارداد های خائنه دولتها بی

ارزشی خود را آشکار ساخت و بالاخره مدعیان مهدویت دروغی مشت رسوائیش
 تمام عیار باز شد و پیروان نادان آنگونه دین سازان گمراه به خدعه و فریب
 دغلبازان بی مایه و اشتباه خود پی بردند و پشت همه جنگ افروزان بی
 انصاف خونخواره زمین و دماغ پرنخوتشان بنخاک سیاه مالیده شد و به
 اصطلاح مشهور همه و همه لاف زنان گود زورخانه زوربنیان خود را بوسیدند
 و با شرمندگی اقرار کردند : که دیگر از دست بی عرضه ماهیچ کار اصلاح آمیزی
 بر نمی آید .

آنگاه که همگان از غفلت‌های خود بوجد آورده به هوش آمدند و از
 اضغاث و احلام و امیال شهوانی و شیطانی و حیوانی بیدار و معنی را بر
 ماده ترجیح دادند و استعداد‌های خفته و مستعد بیدار شد و شکوفه‌ها
 و غنچه‌های انسانیت (ولقد کرمانبسی آدم) آشکار شد و جهان و جهانیان
 شایستگی و لیاقت پذیرش احکام راستین و قوانین معنوی را بروز دادند آنوقت
 است که بفرمان خداوند و دود و مهربان مهدی اُمَم و جامع کلم یا
 مصلح حقیقی و سامان دهنده جهان ظاهر و صفحه گیتی و اقالیم جهان را
 یکسره مملو از علم و عمل و خیر و برکت و صلح و صفا و مهر و محبت و اتحاد و اتفاق
 و بینش و بصیرت و عدل داد خواهد کرد : " انشاء الله "

پیروان تمام ادیان منتظر مصلح جهانند

همه و همه ی پیروان ادیان و مذاهب دنیا خواه و ناخواه چشم
 براه و منتظر ظهور یک رجل مقتدر و مصلحی داناهستند و هر آن انتظار
 قیام و انقلاب مقدس و مبارکی را دارند .

این انقلاب مقدس برای تمام مردم گیتی اجتناب ناپذیر است .

جبر تاریخ و گذشت زمان پُر حادثه و وضع نارسا و ناگوار جهان
بشریت را بسوی يك انقلاب مقدس و مظفر و اصلاحی کامل و همهجانبه پیش
می برد .

مگر جان و روان آدمی مرکز ثقلی که بتواند عقاید و تنهای از هم
جد او روانهای از هم گسیخته و سرگردان و گرفتار در هرج و مرج را بهم به
پیوندد نمیخواهد؟

چرا؟ بشریت چنین پراضطراب و دلهره و ناراحتی و گرفتارزندگی
پردرد ورنج و غمزای درهم پیچیده شده؟ مگر اندیشمندان و عقلا برای سلامت
کشتی گرفتار طوفانهای زندگی لنگر نجات و ثبات و انتظام چرخ روزگار
محور و مداری معین و ثابت نشان نداده اند؟

انسان لیاقت فرجام نیک دارد

چگونه : این انسان پرمُد عا که همه جنبندگان چرند و ویرند و
وخزند و کوه و دشت و دریا و جنگل را مُسخر خود کرده؟ و حتی چند سالی است
دست به تسخیر ستارگان و افلاک و کهکشانها و فضا و هوا دراز کرده. اما
نتوانسته برای آرامش خود و خانه و زن و فرزند خود در چهار دیواری خانه اش
نظم و انضباط صحیح بوجود آورد !!!

حتماً انسان و جوهره آدمیت که قدرت تسلط بر شیر شتر و توانائی
لگد کوب کردن ستارگان فضا را دارد قدرت برقراری نظم و آسایش اجتماعی
را هم دارد، آری هر وقت که تابع قانون آسمانی و مطیع رهبر و راهنمای الهی
شد قابلیت و لیاقت داشتن نظم و تشکیلات پایدار و صحیح را پیدا خواهد کرد
از هزاران سال پیش انتظار چنین رجل مقتدر الهی و روحانی

وجود داشته • نه تنها • مانان بلکه همه مردم رنجسیدند دنیا و پیروان همه ادیان و کتب آسمانی و مراسمهای کذائی این آرزو و انتظار را دارند و همه يك انتظار و يك سخن دارند ولی هر دسته و گروهی نام آنمصلح و جهاندار مسلط و مقتدر را به اسمی و به لغت خود خوانده اند •

اینک در این نگارش : شیره و عصاره یامشتی از خروارها و کاهسی از کوهها و مختصری از تفصیلهای کتب ادیان را بمنظور ارائه نمونه و صدق عقیده مسلمانان شیعه اثنی عشری مذهب مینگارم • تا خوانندگان عزیز متوجه شوند که ادیان و مذاهب پیش از اسلام و فرق دیگر مسلمین چقدر روشن و صریح علائم و چگونگی وجود و طول عمر و وضع زمان غیبت و وقایع قبل و بعد از ظهور مهدی موعود و مصالح کل جهان را خبر داده اند •

فصل ۵

عقیده جای نیها (مذهب ویدا)

شش قرن قبل از میلاد و پیش از بودای مرتاض، مذهبی بنام مذهب "جای نی" (ویدا) وجود داشته و در حال حاضر هم بکلی از بین نرفته در هندوستان يك ملیون و نیم پیرو دارد که یکی از فرق هندوها بشمار آمده اند و کتابشان هم بنام (يك ودا) باقیست که شوق شناسان آن کتاب را که به زبان سنسکریت است به زبانهای اروپایی ترجمه کرده اند •

پیروان مذهب جای نی یا جینها معتقدند که ۲۴ رهبر (تیره سنکره) برای رهبری مردم آمده اند که آخرین آنها بنام (وردام) می باشد و او غایب شده ولی روزی ظهور میکند و تمام عالم را با عدل و آرامش اداره خواهد کرد و در هیچ جای جهان از قله کوهها تا قعر دریاها کاری خلاف عدالت

صورت نخواهد گرفت. در آنوقت روزگار خوشی خواهد گذشت زیرا در تمامو عالم فقط يك رهبر عاقل و عادل و دانا و توانا و راستگو و راستکردار خواهد داشت.

پیشگوئی بودا

بوداییان در کتاب داد نك از قول بودا گفته اند : بعد از آنکه مسلمانان بهمرسید در آخر آن میان عالم از ظلم و فسق و گناه و ریای زاهدان و خیانت امینان و حسودی بخیلان و عمل نکردن دانایان به آموخته خود در دنیا از ظلم و جفا و گناه پر شود . از دین جز نام او نماند پادشاهان و پیشوایان و رئیسان بی رحم و ظالم شوند . رعیت بی انصاف و نافرمان و متقلب شود و همه در خرابی نظم دنیا بکوشند و همه جا را کفر و ناسپاسی فراگیرد . آنوقت دست راستین : جانشین معاطا (معاطا یعنی محمد پیغمبر اسلام) ظهور کند خاور و باختر عالم را بگیرد آدمیان را به راه خوبیها رهبری کند . اوفقط و تنها حق و راستی را قبول میکند و بس.

برهمن و گفتار او

کتاب مذهبی هند در وصف برهمن کلا (یعنی مرد روحانی و نیرومند و عاقل) میگوید : آنگاه که کفر جهان را پوشانید ، مردم روی زمین همه کار و رفتارشان فساد باشد و ارتکاب هر زشتی و گناهی پیش آنها کاری معمولی و عادی گردد . مردم فرومایه و بی لیاقت به نامداری و ریاست رسند و چون گرگ گرسنه بجان مردمان افتند و هر چه از کام دیگران در آورد ، بخورند

سیر نباشند کاهنان و مغان خود بدکاره باشند و دزدی کنند و رشوت گیرند
و سرکردگان مالهارا به یغما برند .

بدنامان و د روغگویان جایزه بگیرند . بی شرمان و دلقکان و مطربان
بالا نشین و گرامی شوند . کارزشت را خوب و زشتی رانیک و راستی را نادانی
شمرند . اما پارسایان نیازمند و گوشه گیر شوند و گرسنه مانند و آنانرا خوار
گیرند و از آنان چون گوسفندی که از گرگ گریزد بگیرزند . نوازش بیچارگان
و تیماردردندان فراموش گردد . هر که ریا کند و د روغ نماید دوستش گیرند .
راستگویان و راست رفتاران را کوچک شمارند . فرزندان خواری پدران
خواهند و پدران دشمن فرزندان باشند . کارها کنند فرزندان نزنایند .

گرانی بالا گیرد . روئیدنیها فاسد و کمیاب شود و زندگی توانفرسا
و بیماریهای نوپیدا شود . درد دندان درمان و پناه میجویند امانی یابند .
همانگاه برهمن کلامرد نیرومند روحانی بازوریزدانی و شمشیر
آخته سررسد ، تبهکاران را از میان بردارد ، آئین های دراسترا که دغلهها
واژگونه کرده بودند برگرداند و راست گرداند ، زمین را از پلیدیها و پلیدان
پاک کند ، نیکان و پاکان را گرامی و پابرجا گذارد ، (تا زایچه های پاکزائیده
شوند و فرزندان پاک زمین را فراگیرند) ، به همه مردم داد رساند و د هش
کند ، به پارسایان کاردان کارپاکیزه دهد ، دانش فراوان گردد ، در آن
روزگار جهان از زشتیها پاک و کارها به آئین خدائی بگردد و همه جا با فروغ
داد و راستی روشن و رونق گردد .

✽ کتاب ماللهندا بوریحان بیرونی از صفحه ۳۲۱ ✽

کتاب پرسیان (جاماسب نامه)

جاماسب حکیم در احوالات پادشاهان و انبیاء و اوضاع زمان آنان گفتاری دارد تا میرسد به دوران آخر زمان میگوید: از فرزندان دختر پیغمبر عرب که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه شود که بحکم ایزد واپسین جانشین پیغمبر آخرین باشد.

دولت او تا قیامت پیوست باشد، نام او برهان قاطع است، سرورها و فرشته‌ها پیش او حاضر شوند. روانبخش (روح القدس) با اوست، مردمان رازندگی خوب و نوبخشند، همه ی دشمنان خدا: شداد - نمرود - فرعون - سامری و ضحاک علوانی و بدخواهان آئین راستین را از خاک بیرون آورد و زنده کند (وقتی همه کجی هائیکه در دین گزارده و فتنه‌ها و دشمنی مردم پیدا آورده‌اند پذیرا شدند به آتش بسوزانند). نام آن پادشاه بهرام و از فرزندان خورشید جهان و شاه زنان که اود دختر سین (حضرت محمد ص) که در سوره یسین قرآن مجید (یا سین) خطاب شده) باشد که در آخر دنیا بیاید و همه مردم را یک دین کند و عمر هفت کرکس نماید، چون او خروج کند سی قرن عمر او باشد.

در کتب مذهبی زرتشت

در بخشهایی از کتب: اوستا و زنده‌آشکارا ثبت و ضبط شده: کسی که نامش: اشیرزیکا (یعنی دادگستر و دانای دین) و نام

منظور: سیده النساء (حضرت فاطمه زهراء) دختر رسول خدا است

دیگرش: (سوشیانس) باشد، او بر مردم جفا کار و ظالم چیره خواهد شد. او داد و دادگری رازنده میکند و ستم و ستمکاری را نابود خواهد کرد، او بدعتها را براندازد، هرآنچه از آئین خدا را که مردم به هوس خود برگردانده راست و درست گردانند و بزرگی مطلق با او ست و او همه دشواریها را آسان میکند و راستی و درستی به همه زمین و همه کس رساند چنانکه دیگر هیچ فتنه‌ای نخواهد ماند و همه جا و هر کس فرمان از او برد، در دولت او ستم نخواهد رفت و همگان آسوده زیست خواهند کرد.*

بشارتهای تورات

کتاب مقدس یهود (تورات) بیش از صد آیه در اسفارش مژده آمدن پیغمبر آخر الزمان و وصی دوازدهمینش را (با وجودیکه تورات حاضر در دست یهودیان برای چندمین بار تحریف شده) آشکارا می نویسد:

فصل ۱۸ در سفر تورات مثنی در آیه ۱۵ میگوید: خداوند خدایت میان شما از برادرانت پیغمبری را مثل من مبعوث میگرداند او را بشنوید.

آیه ۱۸ همان فصل ۱۸ میگوید: از برای ایشان پیغمبری مثل تو از میان برادران ایشان مبعوث خواهم کرد و کلام خود را بدو هانش خواهم گذاشت تا هر آنچه فرمایم به ایشان برساند. (معلوم نیست با این صراحت تورات چرا هنوز قوم یهود در این ۳۵۰۰ سال گذشته "نبوت پیا میبران بعد از حضرت موسی (ع) را بطوریکه در دو آیه‌ی که خواندیم، مانند حضرت عیسی و حضرت محمد (ص) پیامبر اسلام با اینکه صاحب شریعت بوده اند نپذیرفته اند؟)

آیه ۱۷ از مزمور ۲۴ مزامیر داود علیه السلام میگوید: ای دروازه‌ها

* دائرة المعارف فرید و جدی جلد ۸ صفحه ۴۵۳ * به پا ورقی صفحه ۲۸ مراجعه شود.

سرهای خود را بلند نمائید و ای درهای ابدی مرتفع شوید تا پادشاه ذی جلال
داخل شود .

آیه ۲۴ از مزمور ۳۴ میگوید : صدیقان فریاد کنند و خداوند ایشانرا
می شنود و ایشانرا از تمامی محنت های ایشان نجات میدهد .

آیه ۳۹ از مزمور ۳۷ میگوید صدیقان وارث زمین شده و ابد آن را آن
ساکن خواهند شد .

آیه ۳۸ همان مزامیر میگوید : اما عاصیان با هم مستاصل و عاقبت
شیران منقطع خواهد شد .

آیه ۴ از فصل ۳۵ کتاب اشعیا میگوید : و بدل طپیدگان بگوئید
قوی شده مترسید ، اینک خدای شما بخصوص انتقام خدا وجهه سزای آید
بلکه آمده شمارا نجات خواهد داد .

آیه ۵ از همان فصل میگوید : آنگاه چشمان کوران مفتوح و گوشها
کوران باز خواهد شد .

آنقدر از این اشارات نجات دهند در تورات هست که نهایت ندارند

از کتاب دانیال نبی

اکنون تمامی فصل دوازدهم از کتاب دانیال نبی علیه السلام را
در اینجا مینگارم و قضاوت رابعهده خوانندگان میگذارم :

آیه ۱ در آنوقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت
(قائم است) خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این
زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم توهمرکسی که در کتاب
مکتوب یافته شده است نجات خواهد یافت .

آیه ۲ از خوابیدگان در خاک زمین بسیاری بیدار خواهند شد بعضی جهت حیات ابدی و بعضی بسرای شرمساری و حقارت ابدی ❀

آیه ۳ و دانشمندان مثل ضیای سپهر و کسانی که بسیاری را بسرا صد اقت رهبری نمایند مانند کواکب تا ابد الا باد درخشان خواهند بود ❀

آیه ۴ اما تو ای دانیال کلمات را مخفی کن و کتاب را تا بزمان انجام کار مختوم ساز که بسیاری گردش کرده علم زیاد گردد ❀

آیه ۵ آنگاه من دانیال نگرستم و اینک در شخص دیگری به این نظر نهرود یگری به آن طرف نهر ایستادند ❀

آیه ۶ ویکی مرد ملبس شده بکتان که بالای آبها ایستاد شنیدم در حالتیکه دست راست و چپ خود را بسوی آسمان بلند کرده به حی ابدی سوگند یاد نمود که برای یک زمان و زمانها ونیم زمان خواهد کشید و به محض

تمام شدن پراکندگی قوت قوم مقدس همگی این حوادث بانجام خواهد رسید ❀

آیه ۸ و من شنیدم اما درک نکردم و گفتم ای آقایم آخرین حوادث —

چگونه خواهد بود ❀

آیه ۹ او گفت ای دانیال راه خویش پیش گیر زیرا که این کلمات تا زمان آخرین مخفی و مختوم اند ❀

آیه ۱۰ بسیاری پاک و سفید و قال گذاشته خواهند شد و از اینکه شیرانه شیرانه رفتا خواهند نمود لهذا هیچیک از شیران درک نخواهند نمود اما

❀ طبق احادیث رسیده از معصومین: زمان ظهور امام مهدی موعود از جانب خدا به کسانی که انتظار فرج آن حجة خدا را داشته اند نداده میشود: امام غایب ظهور کرده. آنوقت عده ای از مردگان صالح زنده میشوند تا امام را که به زیارتش مشتاق بودند پاریش کنند و تا مدتی زندگی خواهند کرد. وهم خود امام به اذن خدا عده ای از دشمنان خدا و ظالمان مانند: فرعون و شداد و نمرود و غاصبان حقوق پیغمبران و اوصیاء پیغمبران و همه بدعتگذاران در دین و گمراه کنندگان را زنده و محاکمه میکند چون محکوم میشوند امر میکند جسد آنان را میسوزانند. با توجه به صفحه ۶۴ در گفتنهای جاماست حکیم هم این مطلب تصریح شده

دانشندان فهم خواهند کرد .

آیه ۱۱ | وزمان رفع شدن قربانی دائمی و نصب شدن مکروهات

مخری ۲۹۰ روز خواهد بود .

آیه ۱۲ | خوشحال کسیکه انتظار کشیده به روزهای ۳۳۵ برسند

آیه ۱۳ | اما توبانجام کارراه خود را پیش گیرزیرا به استراحت گذران

نموده در انجام آن روزها در منصب خود خواهی ایستاد .

چند صفحه ی که بعضی از آیات تورات را ملاحظه فرمودید مختصری

از بسیار اشارات کتاب المقدس عهدین چاپ ۱۸۷۸ میلادی درلندن

بوده . مطمئناً بیش از ۱۰۰ آیه دیگر در اسفار تورات در ابواب و قسمتهای

مختلف آن وجود دارد که با کمی تعمق و دقت آمدن پیغمبر آخرالزمان حضرت

محمد (ص) و بشارت ظهور مهدی موعود نجات دهنده کل و مصلح حقیقی

جهان را میرساند که احتیاجی به تعریف و توجیه ندارد .

* * * *

آیه ۱۴۶ | ازسوره بقره قرآن مجید لجاجت یهود را گوشزد میکند :

الذین اتیناهم الكتاب یعرفونه کما یعرفون انبائهم وان فریقا

منهم لیکنتمون الحق وهم یعلمون .

ترجمه : آنها (یهودیان) که کتابشان (تورات) دادیم پیغمبر

اسلام را چنان آشکار می شناسند که پسران خود را می شناسند . ولی

گروهی از آنان با وجودیکه حق را میدانند و می شناسند پنهان میکنند .

بعموم خوانندگان گرامی جداً توصیه میشود که :

کتاب دنیا و یهود که اخیراً منتشر شده تهیه

کنید بخوانید و به دیگران هم توصیه کنید .

اکنون جادارد خوانندگان بپرسند که در صفحه ۳۱ این کتاب و خصوصاً در زیرنویس آن صفحه نوشته شده که قسمتهائی از تورات کنونی در دست یهود جعل و تحریف گردیده (و تورات اصلی که بحضرت موسی (ع) نازل شده بوده در ۲۲۱ قبل از میلاد با حمله بخت النصر به اورشلیم سوخته و از میان رفته و بیش از ۷۰ سال که یهودیان در اسارت بابل بودند، و قتیکه کوروش شاه ایران بابل را تسخیر و یهودیان را آزاد کرد به عزرائیم ماموریت داد برود معبد خود را بنا کنند و کتاب تورات را از نو بنویسد و آیا عزرا و شافان که بیش از ۷۰ سال توراتی داشتند عمرشان آنقدر بود که زمان حضرت موسی (ع) را درک کرده و متن تورات حقیقی را صحیحاً و کاملاً در حفظ داشته اند؟ و آیا دارای چنان امانت و تقوی و مسئولیت خدائی بوده اند که حقیقت را بنویسند؟ یا خیر.

اولاً خود این موضوع قابل تامل است که تا چه حد توراتی که عزرائیم نوشته قابل اعتبار بوده؟

ثانیاً با وجود شك در قابلیت توراتی که عزرائیم نوشته بوده باز در سال ۱۶۱ قبل از میلاد در حمله (زیتوس) پادشاه سوریه تورات نوشته عزرائیم سوخته و از بین رفته و قرنهای طولانی یهودیان از عبادت ممنوع و اگر توراتی در دست هر کس دیده میشد به اعدام محکوم میگردد.

با این حال چگونه نگارنده کتاب به اخبار تورات مبنی بر ثبوت نبوت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) و وجود وزندگی و غیبت مهدی آل محمد (عج) و وصی و وارث همین پیامبر اسلام بنوشته های تورات استناد جست؟ اگر این تورات تحریف شده و جعلی است استنادات هم اعتبار ندارد.

جواب آنستکه: میگوئیم تمام محتوای تورات فعلی در دست یهودیان هم اعتبار نیست زیرا: خبر از نبوت حضرت: نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

وبعقوب و دیگر پیامبران را داده که قابل انکار نیست ولی ایراد به تحریف و جعل تورات کنونی آنستکه: بسیاری از افسانه‌های عامیانه با مطالب خلاف عقل و عصمت و عفت و غیرت که از شان پیامبران معصوم که خدا برای تزکیه و تعلیم مردم عامور فرموده به متن تورات کنونی آمیخته شده و بصورت قصه و داستان درآمد.

بعلاوه در کتب عهدین (چه تورات و چه اناجیل اربعه) تناقضات آشکار بعد تکرار وجود دارد که بلافاصله در فصل و آیه دیگر با تناقضات مکرر مطلب پیشین را باطل میکند و این ادعای ادعای از تعصب و غرض نیست بلکه خود تناقضات تورات شهادت بر بطلان آن میدهد، مثلاً:

از آن جمله: آیه ۱۱ فصل ۶ سفر تکوین درباره حضرت اسماعیل نوشته است او (اسماعیل) مرد وحشی خواهد بود که دست او بضد هر کس و دست هر کس به ضد او خواهد بود، آنوقت در آیه ۲۰ فصل ۱۷ همان سفر نوشته: خدا به ابراهیم میگوید: و در حق اسماعیل ترا شنیدم اینک او (اسماعیل) را برکت دادم و او را بارور گردانیده و او را امتی عظیم خواهم نمود.

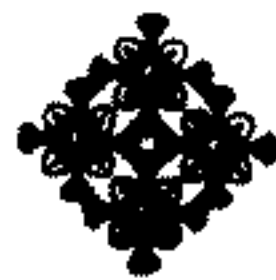
در آیه ۲ فصل ۲۲ نوشته: خداوند به ابراهیم گفت که حال پسریگانه خود اسحق را که دوستداری بگیر و به زمین موریابرو و او را در یکی از کوهها که بتو میگویم از برای قربانی سوختنی تقرب نما.

در آن تناقض اینجا آشکار است که: در آیه ۶ فصل ۱۶ همان تورات نوشته: و ابراهیم وقتی که هاجر اسماعیل را برایش زائید ۸۶ ساله بود، و باز هم در آیه ۲۴ فصل ۱۷ نوشته: ابراهیم از خدا فرمان یافت که خود و همگی کسانش و اسماعیل را ختنه نماید، در اینوقت خود ابراهیم ۹۹ ساله و اسماعیل ۱۳ ساله بود، بخاطر داشته باشید بموجب آیه فوق تا این وقت اسماعیل که ۱۳ ساله و یگانه پسر ابراهیم بوده) بعد در آیه ۵ فصل ۲۱ میگوید: در حینیکه پسرش اسحق را

ساره زائید ابراهیم ۱۰۰ ساله بود .

حال از خوانندگان میپرسیم: یگانه پسریکه ابراهیم مامور به قربانی آن بوده اسماعیل است یا اسحق؟ البته بموجب آیه ۶ فصل ۱۶ که قبلا خواندیم تا ۱۰۰ سالگی ابراهیم که اسماعیل ۱۴ ساله بوده تنها اسماعیل پسر منحصر بفرد ابراهیم و یگانه بوده و قتیکه اسماعیل ۱۴ ساله شده آنوقت سارا اسحق را زائیده و آنگاه دیگر یگانه بودن مطرح نیست زیرا با تولد اسحق پسران ابراهیم دوگانه بوده اند و محققا فرمان خداداد مورد (یگانه پسر) فقط اسماعیل بوده که از نسل قیدار پسر اسماعیل خداوند امت عظیم با ۱۲ سرور (۱۲ اوصی پیغمبر اسلام) و خود پیغمبر حضرت محمد (ص) بوجود آمده و حضرت ابراهیم جدا علی و اسماعیل نیای پیغمبر اسلام است که نویسندگان تورات کنونی در چند آیه ای که اشاره شد تناقض گوئی کرده اند و خواسته اند شرافت تسلیم و صبر و رضای اسماعیل را که بقربان شدن در رضا و تقرب شدت رغبت را بروز داد سلب کرده باشند !!!

قصه نویسان تورات فعلی فراموش کرده بودند که در فصل ۲۱ نوشته اند : اسماعیل ۱۴ ساله بود که اسحق را سارا برای ابراهیم زائید و اسحق یگانه نبوده اگر خواسته شود تناقض گوئیهای تورات و اناجیل حاضر فعلی و همچنین نسبتهای ارتکاب گناه های کبیره ای که پیامبران معصوم و نسبتهای تجسم خداوند (در کشتی گرفتن با یعقوب پیغمبر) و شراب خواری و مستی و بییهوشی لوط پیغمبر و زنا ی باد خترانش نوشته شود دهها کتاب قطور ترا از کتب عهدین خواهد شد که از مضمون و حوصله کتاب حاضر خارج است .



ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون

۱۰۵ سوره انبياء

همانا به تحقیق نوشتیم در زبور بعد از یادآوری د رتورات اینکه :
بندگان صالح من زمین را بمیراث میبرند .

مصباح هدی نور خدا شاه موفق مصداق کتب رمز صحف میر مصدق

اکنون به بشارتها و اشارات کتب انجیل چهارگانه مسیحیان :
انجیل لوقا - انجیل متی - انجیل مرقس - انجیل یوحنا و مکاشفات یوحنا
توجه فرمائید :

آیاتی از انجیل لوقا

سطور ذیل قسمتی از باب بیست و یکم از انجیل لوقا است :
آیه ۲ می بینید این چیزها را و آید زمانیکه گذاشته نشود در آن
سنگی برسنگی مگر آنکه خراب شود ، پس او را پرسیده گفتند که استاد این
کی خواهد بود و چه نشان دارد در پیوستن آن ؟ گفت آگاه باشید که
فریفته نشوید ، زیرا بسیاری به اسم من خواهند آمد که گویند من هستم و
وقت قریب است ، پس نیفتید بعقب ایشان . و چون بشنوید اخبار جنگها
و هنگامه ها را مضطرب مشوید زیرا که بایست که همه اینها بجا آید لیکن
هنوز وقت به اتمام نرسیده . و در آن هنگام ایشان را گفت که برخوایند
خاست قومی بر قومی و مملکتی بر مملکتی و در اماکن خواهد بود زلزله
های عظیم و گرانیها و بادها خواهد آمد و توهمات و نشانیهای عظیم
از آسمان .

بدرستی که تسلیم کنند شمارا ، والدین ربرادران و خویشان
و دوستان ، بکشند بعضی از شمارا . و شما نفوس خود را به صبر نگاهدارید
و چون یابید اورشلیم را که محصور شده است به خیام سپاه آنگاه در یابید
که نزدیک است ویرانی آن ، در آن هنگام کسانی که در یهودیه هستند
بگریزند بسوی کوهستان و کسانی که داخل آن هستند به بلوکات روند و

کسانیکه هستند به بلوکات به اندرون آن نیایند . زیرا که آنروزها است روز های انتقام و تکمیل هر آنچه نوشته شده -

و وای بر آبستن‌ها و شیردندگان در آن ایام زیرا که گرفتاری عظیم بر زمین خواهد بود و این طایفه را سخت - و بدم شمشیر خواهند افتاد ، و در همگی قبایل اسیر خواهند شد و پایمال طوایف خواهد بود اورشلیم تا زمانیکه زمان طوایف تمام شود .

و خواهد بود در آفتاب و ماه و ستارگان و بر زمین گرفتاری طوایف به تحیر و صدای دریا و امواج .

و خلق از وهم و انتظار آن قضایا که بر ربع مسکون می آید بیجان خواهند شد زیرا که خواهد شد توانائی آسمان متزلزل .

و آن وقت خواهند دید فرزند انسان را که بر آب نشسته با قوت و جلال می آید . (به توضیح زیر نوشت این صفحه توجه فرمائید)

آیه ۲۸ و چون شروع به این چیزها شود راست نشسته سرهای خود را بالا نمائید ، زیرا که خلاصی شما نزدیک شده است .

و به آنها مثلی آورد که درخت انجیر و سایر درختها را ملاحظه نمائید که چون بمجرد اینکه به بینید که شکوفه را می ریزد خود دریا بید که

توجه خوانندگان را به معنی تفسیر سه آیه سوره (الْبَلَدُ) قرآن مجید جلب مینماید:

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ . وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ . وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ . سوگند به این شهر مکه . و آنکه تو ای رسول محترم که در این شهر مکه جای داری . و (سوگند) به پدر اسان (آدم صغی) و فرزندان او از اولیاء و صالحان . حضرت رسول میفرمود: أَنْ وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهُ هَذَا الْأُمَّةُ . یعنی: من و علی پدران این امت هستیم و در احادیث وارد شده که انسان کامل و عقل کل شخص حضرت رسول (ص) که از فرزندان آدم صغی و ابراهیم خلیل است و فرزندی که در سوره الْبَلَدُ آیه ۳ آمده بنام ولد مقصود حضرت قائم آل محمد امام عصر است که آنان شایستگی قسم را دارند . حاصل آنکه: قسم به رسول اسلام (وَالِدٌ) و وصی دوازدهمینش (وَلَدٌ) مهدی منتظر است که با گفته قسمت اخیر باب ۱۲۱ انجیل لوقا که در صفحه خواندیم: (خواهند دید فرزند انسان را که برابر نشسته با قوت و جلال عظیم می آید) اشاره صریح به ظهور مهدی موعود است (بار دیگر آخر باب ۲۱ انجیل لوقا را بخوانید و دقت فرمائید.

ملکوت خدا نزدیک شده . - و من بشمار راست میگویم که نخواهد (شد)
 این طبقه ✨ تاهمگی اینها بوقوع انجامد . و آسمان وزمین خواهد
 گذشت ولیکن سخنان من نخواهد گذشت
 و با حذر باشید که مباد ادلهای شما به پرخوری و می پرستی و
 افکار معیشت گران گردد و ناگاه در یابد آنروز شمارا . زیرا چون دام بر
 تمامی نشینندگان بر روی کل زمین * فرود آید .
 پس بیدار بوده دعا کنید در تمام اوقات تا آنکه شایسته باشید که
 توانید دستگارشده از تمامی اینها که بوقوع می انجامد ، و به ایستید پیش
 روی فرزند انسان * .

آیاتی از باب چهاردهم انجیل یوحنا

آیه ۱۵ از باب چهاردهم انجیل یوحنا میگوید : اگر شما مرا
 دوست دارید احکام مرا نگاهدارید
 آیه ۱۶ و من ازیدر خواهم خواست و او تسلی دهند دیگر شما
 خواهد داد که تا ابد با شما خواهد بود * .
 آیه ۱۷ روح و راستی که اورا جهان نمیتواند پذیرفت زیرا که
 اورا نمی بیند و نمی شناسد ، اما شما اورا می شناسید زیرا که نزد شما میماند
 و در شما خواهد بود .

پیامبر اسلام فرمود: اگر فقط یک روز هم از عمر دنیا باقی مانده باشد خدا آنروز را آنقدر طولانی کند تا فرزند
 من از نسل من مهدی موعود قائم آل محمد ظهور نماید.
 * بین همه انبیاء و اوصیاء انبیاء یگانه کسی که حکمش بر کل جهان کاملاً اجرا و جزا و کسی پیشوا و حاکم نیست
 حجه بن الحسن قائم آل محمد است (لیظهر علی الدین کله و لو کره الکافرون)
 ✨ به پاورقی (ص ۷۴) مراجعه فرمائید معلوم شود فرزند انسان کیست؟
 ✨ توجه شود این چند آیه از انجیل یوحنا هم چگونه آشکار و صریح نشانی و مزده آمدن تسلی دهنده و مصلح و رئیس
 کل جهان را (که تا ابد با شما خواهد بود) می دهد.

آیه ۲۵ من این سخنهارا چونکه نزد يك شما بودم بشما گفته ام .
آیه ۲۶ لیکن آن تسلی دهندہ یعنی روح القدس کہ پدر اورا با سم من
خواهد فرستاد همان شمارا همه چیز خواهد آموخت و هرچه من شمارا گفتم
بیاد شما خواهد آورد .

آیه ۳۰ دیگر با شما بسیار گفتگو خواهم نمود زیرا کہ رئیس این جهان می آید
و در من حصه ی ندارد .

آیه ۲۶ از باب پانزدهم انجیل یوحنا میگوید : و چون آن تسلی دهندہ
بیاید کہ من از پدر بشما خواهم فرستاد یعنی روح و راستی کہ از طرف پدر
می آید او در باره من شهادت خواهد داد .

آیه ۲۷ و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا از آغاز شما با من بوده اید .
آیه ۱ از باب ۱۶ همان انجیل : من این سخنهارا بشما گفتم کہ مبادا
شما بلغزید .

آیه ۲ شمارا از جماع خارج خواهند کرد بلکه وقت می آید کہ هر کس شمارا
میکشد گمان دارد خدا را بندگی میکند .

آیه ۷ لیکن بشما راست میگویم کہ شما را مفید است کہ اگر من نروم آن تسلی
دهندہ بنزد شما نخواهد آمد اگر بروم او را بنزد شما خواهم فرستاد .

آیه ۸ و او چون بیاید جهانیان را بگناه و صدق و انصاف ملزم خواهد ساخت
آیه ۱۱ به انصاف زیرا کہ به رئیس این جهان حکم جاری شده .



آیاتی از انجیل متی

از باب نودم

آیه ۲۸ انجیل متی میگوید: که عیسی به ایشان فرمود بد رستیکه بشما میگویم، شما که مرا متابعت نمودید در تولد من * اندر آن زمان که فرزند انسان بر کرسی جلال خود نشیند شما نیز بر دوازده تخت جلوس خواهید نمود و حکم رانی بر دوازده فرقه اسرائیل خواهید کرد *
آیه ۳۰ لیکن بسا مقدمی که مؤخر خواهد گشت و مؤخری که مقدم *
خواهد گردید *

آیاتی از انجیل مرقس

چون مفاد کتاب انجیل مرقس با تفاوت کلمات و جملاتی مطابقتش نظیر گفته های انجیل لوقا است لذا چند آیه هم از باب سیزدهم انجیل مرقس را ذیلاً میخوانیم:
آیه ۵ پس عیسی در جواب آنها شروع نمود و فرموده که بر حذر باشید که کسی شمارا گمراه ننماید *
آیه ۱۹ زیرا که چنان زحمتی در آن ایام واقع خواهد شد که از آغاز آفرینش که خدا خلق نموده است تا این زمان نبوده است و نخواهد بود *

*** حضرت عیسی که پیش از پیدایش انجیل متی متولد شده بوده اینجا مقصود از تولد (نو) حضرت عیسی همان رجعت حضرت عیسی مسیح است که مقارن با ظهور حضرت مهدی حجة بن الحسن خواهد بود. علاوه از آیات قرآنی و احادیث اسلامی و دقت در این آیه ۲۸ از باب ۱۹ انجیل متی چون تاکنون حضرت عیسی مسیح رجعت نکرده ادعای سید باب شیرازی و حسینعلی نوری مازند رانی که از نافیهمی و غرض داعیه خود را گاهی رجعت امام حسین و گاهی رجعت عیسی تطبیق کرده و هر مدعی مهدویت کاذب و دروغگو و رسوا است. واقعاً اگر خواسته شود توجیهی فقط برای همین آیه ۲۸ از انجیل متی نوشت مخصوصاً در مورد: شما بر ۱۲ تخت جلوس نموده و بر ۱۲ فرقه اسرائیل حکومت خواهید کرد کتابی بنظر خود کتاب انجیل باید نوشت که بمنظور احتراز از تفصیل این نگارش که از حوصله خوانندگان خارج نباشد خودداری میشود با این حال چقدر مطلب واضح و گویا است.

آیه ۲۰ واگر خدا آنروزها را کوتاه ننمودی هیچ بشری نجات نمی یافت لیکن بجهت خاطر برگزیدگانی که خود برگزیده آن ایام را کوتاه ساخت.

آیه ۲۱ پس در آنوقت اگر کسی شمارا گوید که اینک مسیح در اینجاست یا در آنجاست یا اورا مکنید.

آیه ۲۲ زانرو که مسیحان کاذب و پیغمبران کاذب خواهند برخاست و چیزهای عجیب و غریب را نشان خواهند داد که اگر ممکن بود برگزیدگان را هم گمراه مینمودند.

آیه ۲۳ لیکن شما احتیاط نمائید که الحال همه چیز را قبل از وقوع بشما گفته ام آیه ۲۴ در آنروزها بعد از آن زحمت خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را باز خواهد گرفت *

آیه ۲۵ وستاره های آسمان خواهند افتاد و قوت های فلکی مضطرب خواهد گردید

آیه ۲۶ آنگاه فرزند انسان * را برابر بقوت عظیم و جلال خواهند که می آید

آیه ۲۷ پس ملائکه خود را خواهد فرستاد که برگزیدگان خویش را از یاد های اربعه از اقصای زمین * تا به اقصای آسمان خواهند فراهم آورد.

آیه ۲۹ شما هم باین نهج چون این چیزها را ببینید که نزدیک است بلکه برد راست.

* چون در زمان غیب امام مانند خورشید یکی در پس ابرمظلم است و مردم از افاضه نور مستقیم خورشید محرومند و دسترسی به امام ندارند.

* به پاورقی صفحه ۷۴ مراجعه فرمائید.

* هنگام ظهور امام مهدی موعود (عج) بقدرت الهی یاران خاص امام و جوانان مؤمن که شب بالای بام منازل خود خوابیده اند باطنی الارض از اطراف دنیا (که میگویند از شهرهای ایران خواهند بود) بقصد یاری آنحضرت شرفیاب حضور امام خواهند شد و صبح پدرها خواهند دید فرزندان شان در بستر نیستند.

آیه ۳۰ بد رستیکه بشما میگویم که تا تمامی این چیزها واقع نگردد این طبقه منقرض نخواهد گشت .

آیه ۳۱ آسمان وزمین زایل خواهد گشت و سخن من زایل نخواهد گردید .
آیه ۳۲ بر حقیقت آنروز و آن ساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند انسانی هیچکس مطلع نیست * .

آیه ۳۳ احتیاط نمائید که با حذر بیاشید و دعا کنید زیرا که از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید .

آیه ۳۵ پس بیدار باشید از آنجا که نمیدانید که بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد ؟ در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح ؟ * .
آیه ۳۶ مباد انا آگاه آید و شمارا در خواب در یابد .

* * *

چون مکاشفات یوحنا بسیار مفصل است و مطالب هم معطوف و متصل و مربوط به یکدیگر است و نوشتن آنها هم مطالب بقطر کتاب می افزاید و از گنجایش این نگارش و حوصله خوانندگان نیز خارج است خود داری میگردد . زیرا فشرده حقایق و منظور از پیشگوئیهای کتاب تورات و کتاب اناجیل چهارگانه با وجود جعل و الحاق و انحرافات آنها که شمه اندکی راقبلا اشاره کردیم بشارت و اشارتهائی استنساخ و ارائه گردید و بقول مشهور : يك انگشت نمك بيانگر وجود معدن ياكوه نمك است .
(مشت نمونه خروار است) .

* به پاورقی در صفحه ۷۴ مراجعه فرمائید .
* کذب الوقاتون - هرکسی برای ظهور حضرت مهدی موعود وقت معینی تعیین کند دروغ گوست - زیرا جز خدا کسی وقت ظهور را نمیداند .

فصل ۶

عقاید فرق مختلف اسلام درباره ظهور حضرت مهدی

از فرق مختلف اسلامی مانند : معتزله - اشاعره - فطحیه -
ناوشیه - مرتابیه - واقفیه - حنفیه - و دیگر فرق متعدده که اکثر آنها از
میان رفته اند هم با اینکه به غرض یا اشتباه از روش حقیقی و اصلی اسلام جدائی
کرده اند ، اما باز هر فرقه انتظار ظهور (به تصور خود) پیشوای خود را داشته
و منتظر ظهور مرشد یا زعیم (و بالاخره مهدی موعود) بوده یا هستند چون
شرح يك بیک آنان هم موجب طول کلام خواهد شد ، و باکم و بیشی از عقیده
و ماجرای فرق فوق الذکر اطلاع داریم . بنا بر آنکه از بین رفته اند (و از میان
رفتن آنان خود دلیل ابطال عقایدشان است) از بیان مسلکشان میگذریم .

تواتر اخبار و احادیث در ظهور و در طول عمر و زنده بودن

حجة بن الحسن العسکری (عج)

مدارك مستند و معتبری که علماء و دانشمندان اهل تسنن در
تثبیت و کیفیت وجود و شخصیت جهانی حضرت مهدی موعود امام حجة
بن الحسن (ع) و ساماندهنده و مصلح حقیقی جهان از احادیثی که از
حضرت رسول اکرم (ص) و امیر المؤمنین و با ازا از ائمه معصوم شیعه علیهم
السلام به تواتر رسیده آنقدر زیاد است که میتوان کتب بسیار قطور (هزار)
برگی فقط برای ثبت نام راویان احادیث و اخبار حالات زمان غیبت و ظهور
حضرت مهدی بن الحسن العسکری (عج) اختصاص داد . لذا در این

نگارش محض نمونه بذکر چند روایت رسیده از طریق علماء بزرگ و مشهور عامه
(اهل تسنن) اکتفا میکنیم :

۱ - صاحب کتاب اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی در باب دوم
صفحه ۱۴۰ چاپ ۱۳۱۲ مصر میگوید : قد تواترت الاخبار عن الرسول
(ص) بخروجه وانه من اهل بیته .

۲ - شبلنجی در کتاب نور الابصار صفحه ۱۵۵ چاپ ۱۳۱۲ مصر
همان تواتر خبر کتاب اسعاف الراغبین را تائید میکند (از تکرار خود داری گردید)
۳ - ابن حجر در کتاب صواعق صفحہ ۹۹ چاپ مصر میگوید : قال
ابوالحسن الابری قد تواترت الاخبار واستفاضت بکثرة روايتها عن المصطفی
بخروجه وانه من اهل بیته .

حاصل معنی سه روایت بالا : آنقدر از حضرت رسول (ص) به
تواتر روایت و خبر رسیده در مورد اینکه (قائم آل محمد " مهدی ") خروج
خواهد کرد و پیغمبر فرمود او از اهل بیت من است .

۴ - سید احمد بن زینی در حلان مفتی شافعی در کتاب فتوحات
الاسلام جلد ۲ صفحه ۲۱۱ چاپ ۱۳۲۳ مصر ثبت کرده : والاحادیث
التي فيها ذكر ظهور مهدي كثير المتواترة . یعنی احادیثیکه در آنها خبر
ظهور مهدی (مسعود) رسیده بسیار زیاد و متواتر است *

۵ - سویدی در کتاب سبائك الذهب صفحه ۷۸ میگوید : الذي
اتفق علماء عن المصطفی ان المهدي هو القائم في آخر الوقت وانه
يملاء الارض عدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً

* حدیث یا خبر و روایتی را که تعداد زیادی راوی صادق مبدء خبر
(امام یا پیغمبر) همه متفقاً همان خبر یا حدیث را نقل کنند آنرا متواتر
گویند .

حاصل معنی : چنانکه علماء همگی بطور اتفاق از حضرت رسول روایت

کرده اند : (حضرت) مهدی همان (شخص) قائم در آخر زمان (ظهور می کند) و زمین را سرتاسر پراز عدل و داد مینماید بعد از آنکه از ظلم و جور لب ریزشده باشد .

۶- در کتاب صحیح ترمذی چاپ ۱۳۴۲ د هلی در صفحه ۴۶ جلد دوم و باز هم در همان کتاب صحیح که از کتب بسیار معتبر اهل سنت است در صفحه ۲۷۰ و ابن حجر که یکی از علماء بزرگ و مشهور آنها است در کتاب صواعق محرقه خود در صفحه ۹۸ (هر دو نفر فوق الذکر) از حضرت رسول روایت میکنند که فرمود :

لا ینهب الدنیا حتی ینملک الارض رجل من اهل بیتی یواطی

اسمه اسمی

یعنی : زندگی دنیا تمام نمیشود تا اینکه مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من است (محمد = ابا القاسم) بیاید و تمامی (حکم رانی) زمین را مالک شود .

۷- ابی داود در جلد ۲ صفحه ۲۰۸ و کتاب مسند جلد سوم صفحه ۳۷ از احمد بن حنبل متفقاً نوشته اند که : حضرت رسول بشارت داد :
ابشرکم بالمهدی تبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و ضلال فیملأ الارض عدلاً بعد ما ملئت ظلماً .

حاصل معنی : مژده میدهم شما را با ظهور و قیام مهدی در وقتی که در امت من اختلاف پدید آید و بسیاری از مردم گمراه شوند ، پس (او) زمین را پراز عدل می کند بعد از آنکه ظلم سرتاسر گیتی را پوشانده باشد .

۸- ابن خلدون در فصل ۵۲ فی امر الفاطمی در مقدمه کتابش

صفحه ۳۷۸ نوشته است: اعلم ان المشهور بين الكافة من اهل الاسلام على مر الاعصار انه لا بد آخر الزمان من ظهور رجل من اهل البيت يؤيد الدين ويظهر العدل ويتبعه المسلمون ويستولى على الممالك الاسلاميه ويسمى بالمهدي ° ° ° ويكون خروج الدجال وما بعده من اشراط الساعة الثانية في الصحيح على اثره وان عيسى ينزل بعده °

۹- شيخ جمال الدين يوسف بن يحيى الدمشقي ، بواسطه اينکه ابن خلدون در صحت احاديث ظهور مهدي آل محمد تردید کرد ه مورد حمله و انتقاد قرار داده وبر عليه ابن خلدون کتابها نوشته وبه شدت عقیده اورا سخیف وتباه دانسته °

۱۰- احمد امين در کتاب المهدي والمهديه صفحه ۱۰۶- ميگويد : کتابي ديدم بنام "ابزار الوهم" بنام استاد احمد بن الصديق که به رد عقیده ابن خلدون تدوين شده ود آن کتاب صحت اخبار واحاديث وارده در باب وجود و ظهور مهدي ((حجة بن الحسن) را اثبات نموده °

۱۱- ابوطيب بن احمد بن الحسن الحسيني در کتاب : الاذاعة لماكن وما يكون بين يدي الساعة ° عقیده وگفتار ابن خلدون را که در احاديث نبوي (ص) درباره ظهور مهدي از اهل البيت پيغمبر آخر الزمان تردید کرده با دلایل زياد وكافی باصراحت تمام رد کرده *

۱۲- ابن حجر صاحب کتاب القول المختصر في علامات المهدي المنتظر ° تصريح کرده : اخبار واحاديث زنده بودن و ظهور مهدي متواتر

* ملاحظه ميفرمائيد : عده كثيري از عالمان بزرگ و محققين اهل سنت بواسطه تردید ابن خلدون که خود یکی از دانشمندان بلند پایه عامه است درباره اخبار مهدي (عج) عقیده اورا سخیف دانسته و کتبی برد عقیده او نوشته

است که مهدی از اهل بیت پیغمبر است و با تائیدات الهی شرق و غرب زمین را میگیرد و پیرا ز عدل و داد میکند و حضرت عیسی پشت سر او نمازی نماید و سفیانی را میکشد .

۱۳- شیخ جمال الدین دمشقی شافعی در باب دوم از کتاب عقد الدرر خود از حضرت رسول روایت میکند که آنحضرت فرمود :

يُخْرَجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ اسْمِهِ كَاسِيٌّ وَكُنْيَتُهُ كَكْنِيْتِيٌّ
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا .

یعنی مردی از فرزندان من که هم نام من (محمد) و هم کنیه او (ابا القاسم) کنیه من است خروج میکند و زمین را پیرا ز عدل مینماید همانطور که از جور و ستم پر شده بوده .

۱۴- ابوالفضل رشید الدین میبیدی در کتاب کشف الاسرار فی تفسیر القرآن روایات متعددی از وقایع و احوالات و مژده ظهور حضرت مهدی آل محمد بیان کرده از جمله روایتی است از ابی سعید خدری روایت کرده که :

" ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) : بَلَاءٌ يَصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً
يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ ، فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَتْرَتِي وَاهِلِ بَيْتِي ، فَيَمْلَأُ بِهِ
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا ، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَسَاكِنُ
الْأَرْضِ ، لَا تَدْعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَيْئًا إِلَّا صَبَتْهُ مَدْرَارًا وَلَا تَدْعُ الْأَرْضُ مِنْ
نَبَاتِهَا شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّى يَتَمَنَّى أَحْيَاءُ الْأَمْوَاتِ (جلد ۴ صفحه ۱۲۰)

حاصل معنی : ابوسعید خدری که همزمان با رسول خدا و از راویان مشهور برادران عامه است میگوید : رسول خدا فرمود : بلائی سخت نصیب امت اسلام خواهد شد که هیچکس از شدت ظلم پناهگاهی نخواهد یافت که به آن پناهنده شود ، آنگاه خداوند مردی از عترت من و خاندان من

انگیزد (ظهور کند) و اوزمین را از عدل و انصاف پر کند ، همچنانکه قبلاً
از ظلم و ستم پر شده بوده ، ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود گردند .
و آسمان چنان باران نعمت و برکات خود انازل میکند و از زمین
روئید نیهای پرسود بیرون شود (و آسایش همه جا را فرا گیرد) بحدیکه مردگان
آرزو کنند دوباره برای زندگی به دنیا برگردند .

۱۵ - در کتاب اخبار مکه و ماجاء فیها ، تالیف ابی الولید محمد بن
عبدالله بن احمد الزرقی چاپ ۱۳۸۵ مکه در جلد اول صفحه ۲۴۶ (که
نگارنده این کتاب را موجود دارم) می نویسد :

محمد بن یحیی از واقدی و او از اشیاخه روایت میکند : قال عمر
رضی الله عنه : لقد ان لا ترک الكعبة شیاً الا قسمه ، فقال ابی کعب :
والله ما ذلک لك ، قال ولم ؟ قال : قرر الله موضع کل مال واقره رسول
الله (ص) ، قال : صدقت ، وکان ابن عباس یقول سمعت عمر رضی الله عنه
یقول : ان ترکت هذا المال فی الکعبة * (لا خذہ فاقسمه فی سبیل الله
تعالی و سبیل الخیر ، و علی بن ابیطالب رضی الله عنه وارضاه) یسمع ما
یقول ، فقال : ما تقول یا بن ابیطالب ؟ ، احلف بالله لئن شجعتنی
علیه لافعلن ، فقال له علی : اجعله فیاً و احری صاحبه رجل یاتنی
فی آخر الزمان ضرب ادم طویل ما فمضی عمر .

حاصل معنی : بعد از ذکر سه نفر راویان مشهور اهل تسنن
میگوید : عمر بن الخطاب قصد داشت اموال و تحف و هدایائی که تا آن زمان
برای خانه کعبه رسیده بوده و در (داخل چاهی درون خانه کعبه *)
موجود بوده بیرون آورده در راه خدا و امور خیر تقسیم کند ، ابی کعب به

* درون خانه کعبه معظمه چاهی بوده که هدایا را در آن می گذاشته اند .

عمر گفت به چه سبب این چنین کار پیرا میکنی ؟ عمر گفت برای چه نکنم ؟ (ای کعب گفت) : خدا و رسول مصرف هر مالی را معین و قرار گذارده اند .
 ابن عباس میگوید : آنوقت که عمر میگفت اموال درون چاه خانه کعبه را برای امور خیر و راه خدا بربودم ، علی بن ابیطالب حاضر بود و سخن عمر را می شنید ، عمر از علی پرسید ای پسر ابیطالب عقیده تود رمورد پیشنها دمن چیست ؟ قسم بخدا اگر تو مرا تشجیع کنی این کار را انجام میدهم ، پس از آن علی فرمود : این اموال در اینجا قرار گرفته برای کسی است که صاحب آن مال و در مصرفش آزاد است ، او مردیست که در آخر الزمان می آید - این خبر طولانی است از نظر اختصار فقط قسمت مطلوب نگاشته شد) .
 حال روشن است آنچه امیرالمؤمنین علی فرمود : (مردی در - آخر الزمان می آید و در مصرف مال آزاد است جز مهدی موعود قائم آل محمد کسی دیگر نخواهد بود) .

توجه : مورخان و مؤلفان و محدثان از علماء مشهور برادران اهل سنت صد ها کتاب ویژه اخبار روحدیث و روایات از وجود و وقایع ایام غیبت و ظهور حتمی حضرت مهدی موعود صاحب الزمان نوشته اند که محض نمونه نام چند کتاب و مؤلفان آنانرا از نظر میگذرانم .

۱۶- البرهان فیما جاء فی صاحب الزمان علی متقی هندی .

۱۷- البیان فی اخبار صاحب الزمان حافظ گنجی شافعی .

۱۸- = = = = = محمود بن یوسف نوفلی .

۱۹- تلخیص البیان فی علامات مهدی آخر الزمان پاشای حنفی

۲۰- اخبار المهدی حماد بن یعقوب .

۲۱- علامات المهدی حافظ جلال الدین سیوطی .

۲۲- النجم الثاقب فی بیان ان المهدی من اولاد علی بن ابیطالب.

۲۳- الهدایت فضل الذات المهدیه شیخ مصطفی بکری.

۲۴- نعمت المهدی حافظ ابو نعیم اصفهانی.

۲۵- فوائد الفکر فی المهدی المنتظر مرعی بن یوسف فکری مقدسی

۲۶- المهدی ابن قیم الجوزیه شمس الدین.

۲۷- اربعین (چهل حدیث) در پیرامون شخصیت حضرت مهدی

صاحب الزمان که با سلسله سند روایاتی از راویان بسیار مشهور: چون عبد الله

پسر عمر بن الخطاب و ابوسعید خدری و عبد الرحمان بن عوف و عبد الله

بن مسعود و انس بن مالک و ابوهریره در این کتاب چهل حدیث جمع

و تالیف نموده و کتاب دیگر بنام (حلیة الاولیاء) حافظ ابو نعیم.

۲۸- مسند امام احمد حنبل پیشوای حنبلیها ج ۱ ص ۹۹.

۲۹- سنن ابن ماجه ج ۲ صفحه ۲۰۷.

۳۰- شرح صحیح ترمذی جلد ۹ صفحه ۷۵.

بازهم توجه: به یقین نام مؤلفان اهل سنت را بخوایم بنظر

خوانندگان گرام برسانم: کتابی به چند قطر کتاب حاضر در دست شما خواهد

شد. از جمله: ملا علی متقی در کتاب البرهان خود نام بسیاری از علماء

و دانشمندان فوق الذکر از اهل تسنن خصوصاً: ابوالسرور احمد بن ضیاء

حنفی و محمد بن محمد المالکی و یحیی بن محمد حنبلی از مذاهب چهار

گانه عامه را ذکر کرده که همگی متفقاً فتوی داده اند که احادیث و روایاتی که

راجع به ظهور مهدی موعود رسیده همه متواتر و صحیح است. واحادیثی

هم که درباره تولد و طول عمر و وقایع و فتنه های قبل از ظهور و علائم ظهور حضرت

مهدی (عج) بطور تواتر رسیده صحیح و معتبر است.

* * *

تا اینجا :

پیشگوئیها و اخبار و روایاتی از مذاهب (جای نی ها (مذهب ویدا) و بودائیان و هندیها و براهمه و زرتشتیان و پارسیان و آیاتی از متن تورات حاضر در دست یهودیان و اناجیل چهارگانه : متی و لوقا و مرقس و یوحنا ، حاضر در دست مسیحیان ، و مختصری از اسناد و مدارک و روایات ثبت شده از کتب علماء و مورخان و محققان بزرگ و مشهور برادران اهل تسنن نگاشته و بنظر خوانندگان جستجوگر رسید .

در فصل بعد (فصل هفتم) منحصراً احادیث معتبر و متواتر صحیح رسیده از حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام را مطالعه خواهید فرمود .

قابل توجه در افواه و کتب مستشرقین اروپائی و امریکائی و بلکه

اهل تسنن همه فرق شیعه های (۳ و ۵ و ۶ و ۷ امامی) = زیدیه و واقفیه و اسماعیله و غیره که از نیمه راه از شیعیان دوازده امامی جدا شده اند شیعه میدانند . ولی باید توجه داشت : در این کتاب و بطور کلی شیعیان حقیقی که اکثریت قابل توجهی دارند آن شیعیانی هستند که معتقدند بعد از رحلت رسول خدا به امر خدا و وصایای مکرر پیغمبر اسلام استحقاقاً و بلافاصله امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب و بعد یازده نفر امام از اولاد معصوم آنحضرت تا حضرت مهدی حجة بن الحسن العسکری آخرین وصی پیغمبر و دوازدهمین امام مفترض الطاعه اند که یکی پس از دیگری حجت و خلیفة الله هستند .

فصل ۷

مطالعه کتب صحیح و معتبر برای همگان میسر نیست

بطوریکه در ابتدای فصل چهارم اشاره شد آنچه موجب نگارش این کتاب گردید : اعلان و انتشار و اشاعه ۵۹ حدیث متقن و مستند و متواتر و صحیح و معتبریکه از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام رسیده و در کتب موثق مشهور از بزرگ مردان محقق و دانشمند و جلیل القدر و مؤتمن علماء و معارف شیعه دوازده امامی که با صحت کامل در اصل و نسب و حالات و کیفیات زمان غیبت و علامات و نشانه های ظهور امام قائم و منتقم حضرت حجة بن الحسن العسکری و همان مهدی موعود یا آخرین و دوازدهمین وصی برحق رسول خدا صلوات الله علیهم اجمعین ثبت نموده اند بوده است.

چون دسترسی و مطالعه کتب متعدد برای عموم میسر نیست نگارنده با قصد قربت و تیمنائی از صدها از احادیث رسیده مورد اتفاق فریقین (شیعه و عامه) را در این فصل فراهم آورده تا مورد استفاد و استفاضه همگان قرار گیرد تا در نتیجه (انشاء الله) امام زمان خود را بشناسیم و خدای ناکرده اسیر خواب و خیال و تیرنگ استعمار طلبان

پست دودمان دون همت و باطل گویان مغرض یا هرج و مرج خواهان فرصت طلب و شیادان خرابکار، یا مدعیان مهدویت دروغگو و پیروان نادان و بی بند و بارگوسفند مآب آنان نشویم (وما توفیقی الا بالله) .

نام کتب معتبریکه احادیث از آنها استنساخ شده :

<u>سال چاپ</u>	<u>مؤلف</u>	<u>نام کتاب</u>
۱۳۳۱	ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی ، مدفون در نزد يك جسوعتیق بغداد .	اصول کافی
۱۳۱۷	ثقة الاسلام شیخ مفید محمد بن نعمان حارثی ، مدفون در رواق مطهر کاظمین .	غیبت نعمانی
۱۳۰۱	ثقة الاسلام شیخ صدوق محمد بن بابویه مدفون در شهر ری .	کمال الدین
۱۳۳۲	علامه محمد باقر مجلسی ، مدفون در بقعه جنب مسجد جامع اصفهان .	جلد ۱۳ بحار
۵۰۰	شیخ طبرسی صاحب تفسیر طبرسی که در سال هجری نوشته ، مدفون در مشهد رضوی .	اعلام الوری
۱۱۸۸۱	وفات در سال ۴۶۰ هجری که به شماره در کتابخانه آستان قدس رضوی ثبت است .	غیبت شیخ طوسی



آیات از قرآن

در بشارات ظهور دولت جهانی مهدی (عج)

قرآن مجید کتاب رفیع المنزله و وحی از رب جلیل تنها کتابی است که حاوی کلیه علوم مورد نیاز بشر است و تا هر زمان که علوم مادی و صنایع و کشفیات و اختراعات پیش رود و انسان از کره ماه که سهل است از کره مریخ و اقطار آسمانها بگذرد قرآن کریم جوابگوی همه مسائل و نیازمندیها بشر خواهد بود چنانکه خدای متعال خود در کلام مقدسش فرموده است :

ما فرطنا فی الكتاب من شیء - نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء

وهدی ورحمة وبشری للمسلمین - در جای دیگر فرموده : ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین .

میگوئیم : چگونه سزاوار است آخرین کتاب آسمانی که از بیان هیچ

خشک و تری فروگذار نکرد و در مورد امر عظیم وضع زمان غیبت و ظهور موعود همه ملل و مصلح کل که تمام جهانیان چشم به راه او هستند چیزی نگفته باشد

باید دانست که چنین کتابی که همه رموز و اسرار جهان و علوم

و قوانین کامل در تمام شئون و مراتب در او است نیازم بر مفسر و معلم دارد و دانستن لغات عربی تنها برای فهم کلام خالق کافی نیست .

خدای تعالی کسی را معلم و مفسر کتاب خود قرار داده که

قرآن را بر او وحی کرده و رسول خود را بین خلق خود قرار داده و او را مظهر اسماء و مبین احکام خویش قرار داده و علوم و رموز قرآنی را از جانب خود به او

تعلیم فرموده .

بنابراین دلال عقلی و متون خود قرآن عظیم بیان کننده علوم

ومعارف و آموزنده قران و راهنمای نوع بشر همانا وجود شخص پیامبر اسلام ص
 و امامان حقه که اوصیاء رسول خدا آیند و آنها حاملان و ناشران علوم کتاب خدا
 و راسخون فی العلم و مفسران حقیقی و ناطقین واقعی قران مجید هستند که
 نبی اکرم در حدیث معروف ثقلین فرمود : انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله
 و عترتی لن یفترقا حتی یرد اعلی الحوض، یعنی : من از میان شما میروم و دو
 امانت گرانقدر در میان شما مردم میگذارم آنها کتاب خدا : قران و دیگری
 عترت من میباشد که یک حقیقتند در صورت از آنها با هم پیروی نمائید، و مبادا
 جلو بیفتید و هم عقب نمائید .

از بد و نزول قران آنچه از تفاسیر قران تالیف و منتشر گردیده همه
 آنها از اقوال حضرت رسول اکرم و ائمه معصومین صلوات الله علیهم بوده و کثیری
 از دانشمندان و علماء اهل تسنن هم یا مستقیم از خود پیغمبر و علی بن ابیطالب
 و ائمه شیعه با واسطه هائی از اصحاب موثق از قبیل ابن عباس و سلمان و ابان و
 دیگران بوده و همچنین از امام حسن مجتبی تا امام یازدهم امام حسن عسکری
 و حضرت فاطمه زهرا سلام الله اجمعین با همان سلسله منسلل از حضرت رسول
 احکام و علوم قرانی مفسر بوده اند .

و علماء و دانشمندان اسلام از همان منابع موثق تفسیر (با توجه به
 قاعده ایمان و صداقت افراد راوی) کتابها نوشته اند ، و با آنکه آیات متعددی
 بسیار که درباره حضرت مهدی صاحب زمان و مؤدیه ظهورش در قران منزل
 به پیامبر اسلام آمده فقط ۵۹ آیه از کتاب خدا را در این نگارش به اطلاع شما
 میرسانم که از کتب تفسیر شیعه و علماء اهل سنت استنساخ می گردد ، که برای
 جلوگیری از تکرار در ذیل هر آیه در اینجا نام آن کتابها را یکجا نام میبرم .
 ینابیع الموده - شواهد التنزیل - کفایة الموحدين - مهدی

تفسیر فرات - تفسیر عیاشی - تفسیر قمی - مجمع البیان - مجمع الزوائد
تاریخ الخلفاء - تاریخ بغداد - مسند احمد بن حنبل - بیان السعاده
غایة المرام - فضائل الخمسه - حلیة الاولیاء - دلائل امامت - مهدی
موعود - روان جاوید - عمرة و قرآن - کفا یه الاثر - کلم الطیب

اکنون به ۵۹ آیه از آیات متعدد قرآن مجید در خصوص حضرت
مهدی آل محمد (عج) به پیغمبر اسلام نازل شده با تفاسیر و ترجمه از حضرات
معصومین ائمه تشیع علیهم السلام می پردازیم:

۱ - ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکران الارض یرثها عبادی
الصالحون ، سوره الانبیاء آیه ۱۰۵ یعنی: بعد از ثبت در تمام کتب آسمانی
تورات و انجیل و صحف زبور و فرقان وحی فرستادیم بندگان نیکوکار من و صالح
وارث زمین خواهند شد .

رسول خدا فرموده: اگر از عمر روزگار باقی نمانده باشد مگر یک روز خدا
آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من که نام او هم نام من و از اولاد فاطمه
دخترم زمین را پراز عدل و داد کند پس از آنکه از جور و ستم پر شده باشد .

۲ - و نریدان ممن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم
ائمه و نجعلهم الوارثین ، سوره قصص آیه ۵ یعنی: ما خواستیم به گروهی که در
آن سرزمین زبون و ستم رسیده بودند ، منت گذاریم و آنان را به پیشوایی رسانیم
و وارثان دستگاه فرعون قرار دهیم .

از امام حسن عسکری رسیده: وقتی که زبیر بن بکار بقتل رسید
آنحضرت فرمود: چنین است جزای آن کس که نظر رحمت خدا را در باره
اولیاء حق دروغ دانست که گفته بود او مرا میکشد در حالیکه فرزند من نخواهم
داشت تا جان بشنیم کرد ، اما زبیر بد که خود بقتل رسید و خدا به من فرزند من

بنام (م ح م د) کرامت نموده است.

۳- وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض آية

۵۵ سوره نور . یعنی : خدا به کسانی از شما که به نیکوکاری پرداختند وعده فرموده که خلافت روی زمین را به ایشان خواهد سپرد .

کتاب کفایة الموحدين وهفت کتاب دیگر ثبت کرده اند این آیه در باره

حضرت مهدی قائم آل محمد ویاوران آنحضرت است .

۴- یوم یاتی بعض آیات ربك لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل ، م

۱۵۸ سوره الانعام . یعنی : روزیکه آیات فیه و غضب خدا ی تو بر آنها رسد آنروز هیچکس را ایمان نفع نبخشد اگر از پیش ایمان نیاورده و یاد را ایمان کسب خیر و سعادت نکرده باشد .

امام جعفر الصادق (ع) فرمود : آیات ائمه هستند ، و بعض آیات قائم آل

محمد است .

۵- قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم ولا هم ینظرون آیه ۲۹ سوره ^{سجده}

ای پیغمبر به آنها بگو که در روز (فتح) کسانی که تا روز فتح ایمان نیاورند ایمان نشان سودی ندهند به آنان نظر رحمت نکنیم .

از امام صادق (ع) روایت شده روز فتح آنروز است که قائمها جهان را فتح ^{کند}

چنانچه تا قبل از آن روز کسی ایمان نیاورده باشد ایمانش به او سود ندهد .

۶- واسبغ علیکم نعمة ظاهرة و باطنة ، آیه ۲۰ سوره لقمان یعنی :

خداوند نعم خود را در ظاهر و باطن جهت شما قرار داد .

از حضرت امام محمد باقر (ع) رسیده که پیغمبر و قرآن و اعتقاد به

توحید نعمتهای ظاهریند و دوستی ما اهل البیت و امام غایب نعمت باطن است

که از دیده و چشم مردم پنهان می باشد .

۷- آیه ۳۳ سوره اسرا: ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً

یعنی: وهرکس که مظلوم کشته شود ما به خون خواهی او به ولی

مقتول تسلط و قدرت میدهیم که او از قاتل قصاص گیرد.

مراد از مظلوم در اینجا به روایت حافظ قندوزی حنفی حضرت سید

الشهداء حسین بن علی بن ابیطالب است و قائم آل محمد را خدا ولی طلب خون

آنحضرت فرموده، که هنگام ظهورش به تلافی آنقدر از کفار میکشد تا قصاص کند.

۸- آیه ۱۳۶ سوره نحل: افامن الذین مکروا السیئات ان ینخسف الله

بهم الارض او یاتیهم العذاب من حیث لا یشعرون، یعنی: زشتکاران که پیوسته

کید و مکر میکنند مگر از بلاهائی که از جانب خدای رسد ایمن هستند که به زمین

فروروند یا از جائی که گمان نبرند گرفتار شوند؟

از حضرت امام باقر ازیدرش امام علی بن الحسین ازیدرش امام

حسین علیهم السلام رسیده: آنگاه که ائمه معصومین درگیر گرفتار جور مخالفان

قرآن و خلفاء جابردند مردی از مابحق قیام کند و ۳۱۳ نفر از مردان جا نواز

ویاران مخلص او را یاری دهند با تایید الهی ویرجم پیغمبر به جانب مدینه روان

میگردد از بیابان بیداء که میگذرد میگوید اینجا همان مکانی است که خداوند

قومی را (خسف) و به زمین فرو میبرد.

۹- آیه ۸۳ سوره آل عمران: وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً

و کرهاً: یعنی: همه آنچه در آسمان و زمین است از خواسته و ناخواسته

خود مطیع و تسلیم فرمان هستند.

رفاعه از حضرت امام جعفر الصادق نقل میکند که: تاویل این آیه

آنستکه هنگام ظهور قائم آل محمد سرزمینی نخواهد بود که در آنجا لا اله الا

الله و محمد رسول الله گفته نشود.

۱۰- آیه ۱۱۶ سوره رعد: (ولقد ارسلنا بآياتنا ان اخرج قومك

من الظلمات الى النور وذكروهم بآيام الله في ذلك لايات لكل صبار شكور.
یعنی: و ما موسی را باعلامات فرستادیم و گفتیم قوم خود را از تاریکی ها به روشنی
ها زاهدنمائی کن و آنان را اندرز ده به روزهای خداوند که در آنها نشانه هائی
برای صبرکنندگان و سپاسگذاران هست.

از حضرت امام محمد باقر (ع) رسیده که فرمود: ایام الله سه

روز است: روز قیام قائم مآل محمد - روز رجعت - روز قیامت.

۱۱- ولئن اخرناعنهم العذاب الى امة معدودة ليقولون ما يحسبه.

یعنی: و هرگاه که ما عذاب را تا (وقت امتحان، ظهور امام قائم) به تاخیر اندازیم
آن مردم میگویند چرا آنرا باز داشته (و مانع در ظهور امام زمان چیست)؟

از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) رسیده که فرموده:

امة معدودة در این آیه مقصود عده اصحاب قائم مآل محمد است که عده‌ی
آنها ۳۱۳ نفرند که به تعداد قشون اسلام در غزوه بدر میباشند آیه ۱۰ سوره هود

۱۲- آیه ۱۸۱ سوره اعراف: و من خلقنا امة يهدون بالحق

و به یعدلون. یعنی: و از خلقی که آفریدیم گروهی بحق هدایت می یابند
(در تفاسیر شیعه ائمه معصومین) و از باطل همیشه رویگردانند.

از ابن عباس روایت شده که: مراد امیر المؤمنین علی است که مردم

را بحق و راستی میخوانند و آنان را براه حق و عدالت هدایت مینماید.

و از انس بن مالک رسیده که: از رسول خدا شنیدم: وقتی این آیه را

تلاوت کرد فرمود: از امروز تا زمانیکه عیسی بن مریم (ع) از آسمان فرود آید (امروز

ظهور مهدی آل محمد است) برحق و ثابت قدم در حقند و هیچوقت دنیا از

وجود مظهرشان خالی نخواهد ماند.

۱۳- آیه ۲۳ سوره انعام: ثم لم تکن فتنتم الا قالوا والله ربنا ما كنا مشرکین: حاصل معنی: پس از آنکه فریفته پرستش بتها بودند در مقابل حق عذری نیابند جز آنکه از بتان بیزاری جویند و به دروغ میگویند ما هرگز بخداوند شرک نیاوریم.

از حضرت امام باقر (ع) رسیده که فرمود: آنها بهنگام ظهور امام ولی عصر (عج) خواهند گفت ما منکر ولایت امیر المؤمنین (ع) نبودیم.

۱۴- آیه ۳۳ سوره توبه: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون، حاصل معنی: او خدائی است که پیغمبرش را برای راهنمائی و دین حق مبعوث فرمود تا غلبه دهد دین حق (اسلام) را بر کلیه ادیان و لو آنکه مشرکین نخواهند.

از حضرت امام موسی بن جعفر الکاظم رسیده: که اوست آنچنان خداوندی که رسول خود را امر کرد انتخاب علی بن ابیطالب با ولایت و وصایت خود که دین حق با ولایت امیر المؤمنین غالب گردد بر تمام ادیان در هنگام ظهور و قیام قائم آل محمد، خدا با ولایت قائم ما غالب گرداند اسلام را بر همه ادیان اگرچه منکران ولایت علی هر قدر کراحت داشته باشند.

۱۵- آیه ۳۶ سوره توبه: وقاتلوا المشرکین کما یقاتلونکم کافة واعلموا ان الله مع المتقین، حاصل معنی: با همه مشرکان بجنگید همچنان که آنان با شما می جنگند و آگاه باشید خدا یا و پیر هیز کارانست.

از حضرت امام جعفر الصادق (ع) زراة بن اعین روایت کرده که: امام صادق (ع) فرمود ازیدرم امام باقر (ع) معنی این آیه را پرسیدند فرمود وقتی قائم ما آل محمد قیام کند آنکس که او را ببیند تاویل این آیه را به خوبی

خواهد دید و با ظهور قائم مادیین اسلام چنان رواج و گسترش خواهد یافت که
در تمام روی زمین بیدینی و شرک وجود نخواهد داشت.

۱۶- عسی ربکم ان یرحمکم وان عدتم عدنا، آیه ۸ سوره اسری
امید هست که پروردگارتان بر شما رحم کند و چنانچه شما عدوت نمائید عدوت خواهد
کرد یعنی: اگر شما توبه کنید توبه شما را بپذیریم و مشمول احسان من واقع خواهید
شد و اگر عصیان بیشه کنید شما را عذاب مینمایم. یا اگر شما با کردار سفیانی (بنی
امیه) خروج کنید من نیز دولت خود را باقیام قائم آل محمد بر شما ظاهر مینمایم.

۱۷- فقل انما الغیب لله فانظروا انی معکم من المنتظرین، آیه

۲۰ سوره یونس، یعنی: (ای رسول خدا) بکافران بگو: دانای غیب خدا است
شما منتظر عذاب خدا باشید من نیز با شما منتظر نصرت از خدا هستم. مقصود از
این انتظار ظهور قائم آل محمد است.

۱۸- امن یجیب المضطر اذا دعاه ویكشف السوء ویجعلکم خلفاء الارض

آیه ۲۶ سوره نمل یعنی: ای آنکه وقتی در مانده ای او را بخواند اجابت میکند و محنت
را رفع میکند و شمارا جانشینان این سرزمین مینماید چگونه با این خدا خدائی هست
حضرت امام صادق فرمود: آیه درباره قائم آل محمد نازل گردیده
سوگند به خدا مضطر همان قائم ماست، آنوقتی که در مسجد الحرام در مقام ابراهیم
در رکعت نماز نماید و خدا را بخواند و خدا او را نیز دعایش را اجابت کند و گرفتاری
او را برطرف می سازد و او را خلیفه خود در زمین میگرداند.

۱۹- ویومئذ یفرح المؤمنون بنصرالله، آیه ۴ سوره روم، یعنی:

و آن روز مؤمنان از نصرت خداوند مسرور و شادمان خواهند شد، هر که را خدا
خواهد یاری میکند، وعده خدا است و خدا از وعده خویش تخلف نمیکند ولی پیشتر
مردم نمیدانند.

۲۰- والسماء ذات البروج، آیه ۱ سوره البروج، یعنی: قسم به

رفیع المرتبه که دارای برجهای بر عظمت است.....

اصبغ بن نباته از ابن عباس روایت نمود که رسول خدا (ص) فرمود:

منظور از آسمان بلند مرتبه من هستم و برجهای با عظمت ائمه معصومین از

اهل البيت و عترت من هستند که اول آنها پسر عم و وصی بلا فصل من علی

امیر المؤمنین و آخرین آنان مهدی آل محمد و آنها دوازده نفر می باشند.

۲۱- فاذا نقر فی الناقور، آیه ۸ از سوره مدثر، یعنی: از امام

جعفر الصادق علیه السلام رسیده که چون این آیه را ازیدرم محمد الباقر

سؤال کردم فرمود امامی از (فرزند ان من) غایب میشود پس از زمانی طولانی

که خداوند اراده فرماید ظهور کند و آشکار شود، آن امام قائم مآل محمد

است که علامتی از جانب خدا به او میرسد و بدینگونه هنگام ظهور خود را

درمی یابد و به امر پروردگار ظاهر می شود.

۲۲- هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی

الدین کله ولو کره المشرکون، آیه ۹ سوره صف، یعنی: او چنان

خداست که رسول خود را برای هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد

ولو آنکه هر چند مشرکان و کافران آنها خوش ندارند ولی آن دین حق بر

تمامی ادیان غلبه خواهد نمود، از عبدالله ابن عباس رسیده است که

غلبه دین اسلام است که در آن زمان پیروان هر دینی بدین اسلام بگردند

وگرگ با میش در يك لانه زندگی کنند و شیر با آهودريك بيشه وانسان بامار
ازجان خود ايمن باشند، در آنوقت ديگرموش انبانی را پاره نمیکند،
در آن روزگار است که حکم جزیه گرفتن از اهل کتاب ساقط خواهد
شد، و هر جاصلیبی باشد شکسته خواهد شد و کنیسه ها و کنشت ها از میان
برداشته میشود و خوکها معدوم شوند و آن هنگام قیام قائم آل محمد است.

۲۳- انهم یکیدون کیدا، واکید کیدا، فمهل الکافرین امهلهم -
روید، آیه ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سوره الطارق، یعنی: دشمنان اسلام آنچه که
بتوانند حيله و مکر و کید کنند، و ما هم در مقابل مکرشان مکر میکنیم پس تو
ای پیغمبر آنها را مهلت بده تا مهدي قائم قیام کند و از ستمکاران قریش
و طاغیان بنی امیه انتقام بگیرد.

۲۴- ولا تكونوا كالذين اتوا الكتاب من قبل فطال عليهم امد فقست
قلوبهم وكثير منهم فاسقون، آیه ۱۵ سوره الحديد.

یعنی: و شما نباشید چون کسانی که پیش از این کتاب توراة بر
ایشان آمد ولی دلهايشانرازنگ قساوت گرفت و بسيار ناپكار و فاسق شدند
حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود: در باره قائم آل محمد نازل شده
۲۵- فلا اقسما بالخنس، الجوار الكنس، آيات ۱۵ و ۱۶ سوره
التكوير، یعنی: نه چنین است (بلکه) قسم یاد میکنم به ستارگان
بازگردنده، که بگردش آیند و در مکان خود روی پنهان کنند.

حضرت امام محمد باقر (ع) در جواب پرسش ام هانی (در میان
محدثین شیعه بانوانی هم بوده اند) حدث که با وثوق تمام احادیثی نقل
کرده اند که ام هانی یکی از آنمحدثات محدث بوده) فرمود: ای ام هانی
مقصود از ستاره ای که در مکان خود رخ پنهان میکند امامی است که در سال

۲۶۰ هجری (قمری) غایب میشود در همان وقت چون ستاره ای تابان
آشکار میگردد اگر او را ببینی چشمهایت روشن خواهد شد .

۲۶- و آخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب: آیه ۱۳ از
سوره الصف . یعنی: و باز نجاتی که آنرا هم دوستدارید به نصرت و یاری خدا
و فتح نزدیکی و بشارت رحمت به اهل ایمان اگر میدانستید برای شما بهتر است
در کتاب کافی از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده: که چون
ولی عصر حجة بن الحسن (ع) ظاهر گردد (در مکه) منادی آنحضرت
ندامیکند: هیچکس از یاران امام خوراکی و نوشیدنی با خود برندارد و
غصه آب و نان نخورند، زیرا (حَجَر) سنگ حضرت موسی (ع) را امام با
خود در حالی که بريك شتر حمل میشود همراه می برد و در هر منزلی که در
آنجا فرود می آیند چشمه های آب از آن سنگ جریان پیدا میکند و هر کس
از آب آن چشمه ها بنوشد، اگر تشنه باشد سیراب میشود و اگر گرسنه باشد
سیر و رفع گرسنگی او میشود تا آنجا که همراهان امام دواب خود را از آن آب
مینوشانند دواب آنان هم سیر و سیراب میشوند و راه میپیمایند تا از پشت کوفه
در نجف اشرف فرود می آیند (و امام قائم آل محمد ستاد عملیاتی خود را
در مسجد سهله قرار میدهد از کتاب قصص یاد استانهای شگفت انگیز قرآن).

۲۷- يعرف المجرمون بسیماهم فيؤخذ بالنواصي والاقدام
آیه ۴۱ سوره الرحمن . یعنی زشتکاران از قیافه های شان آشکارا شناخته
میشوند و از پیشانی و پاهای شان میگیرند .

حضرت امام جعفر الصادق (ع) فرموده این آیه درباره قائم ما
آل محمد نازل شده که بدکاران از سیما و قیافه هایشان شناخته می شوند
و بارانش آنها را از دم شمشیر میگذرانند .

۲۸- قل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله .

آیه ۱۴ سوره الجاثیه . یعنی : ای محمد رسول ما به آنانکه ایمان آورده اند بگو : مؤمنین ازستم و جور مرد میکه به ایام الهی امیدوار نیستند در گذرید .

از حضرت امام جعفر الصادق (ع) رسیده که ایام الله سه روز است :

۱- روز قیام قائم آل محمد (عج) ۲- روز رجعت ۳- روز قیامت .

۲۹- وانه لعلم للساعة فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقیم .

آیه ۶۱ سوره الزخرف ، (کلمه "انه" در اول این آیه اشاره بحضرت عیسی بن مریم (ع) است) مقصود آنستکه : آن عیسی یکی از نشانه های قیامت است ، و مباداد آن ساعت قیامت شك وریب کنید و این راه راست را پیروی کنید .

از مقاتل و بسیاری از مفسرین رسیده است که مقصود از ساعة قیام

قائم آل محمد است که در آن زمان حضرت عیسی (ع) هم از آسمان نزل

میکند و در مسجد الحرام در نمازیه حضرت مهدی موعود (عج) اقتدا مینماید

۳۰- واقترب الساعة . آیه اول از سوره القمر .

یعنی نزدیک شده است ساعت قیامت . از مفسرین و راویان حدیث

روایت شده که مقصود از ساعت قیام قائم موعود است .

۳۱- وما یدریک لعل الساعة قریب . آیه ۱۷ سوره الشوری

یعنی : و تو چه میدانی ؟ شاید : ساعت قیامت بسیار نزدیک ^{شد} با

مفضل بن عمر جعفی از حضرت امام جعفر الصادق (ع) نقل نموده

که مقصود از ساعت بسیار نزدیک وقت ظهور حضرت مهدی قائم آل محمد است .

۳۲- حتی اذاراً و اما یوعدون اما العذاب و اما الساعة فسیعلمون من هو شر مکاناً و اضعف جنداً . آیه ۷۵ سوره مریم .

ای رسول ما بگو که هر کس براه کفر و گمراهی رفت، خدای بگمراهان مهلت و طول عمر و تمکن میدهد تا آن ساعت که وعده عذاب را بچشم خود به بینند که یاد رد نیا عذاب قتل و اسیری بچشند و یا ساعت قیامت بر آنان فرارسد و بزودی خواهند دانست که از مؤمن و کافر کدام یک روزگارش بدتر وعده و سپاهش ضعیف تر است، البته کافران بد روزگار و مؤمنان خوش عاقبتند . ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام جعفر الصادق (ع) است روایت کرده که آنحضرت فرموده: (اذاراً و اما یوعدون) قیام قائم آل محمد است، و آن پیروان باطل و گمراهان خواهند دانست که عذاب خدا را بدست توانای قائم آل محمد حتماً خواهند چشید، و گمراهان که در پیشگاه امام عصر چه جایگاه بدی دارند و چقدر ناتوان و درهلاکتند .

۳۳- وَاذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ . آیه

۳ سوره براءة .

یعنی: و در روز بزرگترین، روز حج اکبر بمردم اعلام و آگاهی میدهند عیاشی از مفسران معروف در تفسیر خود از حضرت امام محمد باقر (ع) و حضرت امام جعفر الصادق (ع) روایت نموده که فرموده اند: روز حج اکبر- روز ظهور موفور السرور قائم آل محمد (عج) است: که اعلام و دعوت بمردم است ۳۴- وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ . آیه ۱۰ سوره العنکبوت . یعنی: هرگاه از جانب خدا نصرتی رسد، میگویند ما با شما بودیم . مفسران و روایات احادیث قیام مهدی موعود را روز فتح و نصرت میدانند که در آن روز کفار و یاوره گویان و گمراهان شکست خورده و پیروزی مؤمنان است .

۳۵- ام یحسدون الناس علی ما آتاهم اللہ من فضلہ فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب والحکمة و آتیناهم ملکاً عظیماً . آیه ۵۴ سوره النساء .
 یعنی : آیا مردم جسارت میکنند با آنهاییکه خداوند از فضل خود برخوردارشان فرموده ؟ که البته ما آل ابراهیم را کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملک و سلطنتی بزرگ عنایت کردیم ؟

عیاشی در تفسیر معروف خود در چند روایت از ائمه معصومین علیهم السلام بیان کرده که : مقصود از حسادت مردم در این آیه آنانی هستند که بر ما امامت و آیاتی که خداوند از فضل خود بر ما عطا فرموده حسد ورزیدند از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت شده که : خداوند از آل حضرت ابراهیم رُسل و ائمه برگزید ، از حضرت اسحق و یعقوب تا حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام . به آنها اقرار دارند ، ولی در مورد ما آل محمد (ص) انکار میکنند ! و حال آنکه محمد رسول الله و علی امیر المؤمنین و وصی رسول الله صلوات الله علیهم هردو فرزند و از اولاد حضرت اسماعیل ذبیح الله و آل ابراهیم هستند ، و مقصود از ملک عظیم امامت و وصایت است که پس از رسول خدا اطاعت از اوصیاء حق (که اول آنها علی بن ابیطالب امیر المؤمنین و آخر آنان قائم ما آل محمد است) و اطاعت امام مفترض الطاعة اطاعت از خدا و نافرمانی و معصیت او معصیت و تخلف از فرمان خدا است .

۳۶- والذین یصدقون بیوم الدین . آیه سوره المعارج .

یعنی آنانکه روز جزا و قیامت را تصدیق میکنند .

حضرت امام محمد باقر فرموده است یوم الدین در این آیه روز ظهور قائم آل محمد است یعنی : کسانی که روز ظهور و قیام قائم آل محمد را تصدیق و باور میکنند .

۳۷- ومن عاقب بمثل ما عوقب به بقى عليه لينصرنه الله . آیه ۶۰

سوره الحج . یعنی : ای رسول ما هر که به او ظلم و جورى شده در مقام انتقام برآید و باز هم بر او ظلم شود خداوند او را یاری میکند .
از حضرت امام محمد باقر (ع) رسیده است که مفاد این آیه از قرآن مربوط به قائم آل محمد است، که دوازده ائمه اوصیاء پیغمبر و شخص قائم موعود و یاران او که با تایید خداوند در تمام شرق و غرب جهان را تصرف کنند و دین حنیف اسلام را رواج و غالب گردانند و هر باطل و بدعتی را بوسیله او و یارانش نابود کنند همان قسم که یار و گویان و سفیهان حق را از میان برده بودند .

۳۸- وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی

الارض آیه ۵۵ سوره نور . و خداوند به آن مردمی از شما که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند وعده داده است که در زمین خلافت دهد .

به روایت متواتر از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر الصادق علیهم السلام در کتاب اصول کافی و اکمال الدین و در تفسیر عیاشی از امام زین العابدین (ع) رسیده است که این آیه بشارتی است به ظهور امام منتظر حضرت صاحب الامر (عج) و علی بن ابراهیم در تفسیرش و در کتاب تبیان و مجمع البیان هم روایت کرده که این آیه در شان ولی عصر قائم آل محمد مهدی منتظر (عج) و یاران آن حضرت است .

۳۹- ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما علیهم من سبیل . آیه ۴۱

سوره الشوری . یعنی هر که بر او ظلمی شود برای رفع ظلم و گرفتن انتقام کمک و طلب یاری کند بر او هیچ مؤاخذة ای نیست .

ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده است :

وقتیکه قائم آل محمد ظاهر شود از بنی امیه و دشمنان اهل بیت و دروغ
گویان انتقام خواهد گرفت.

۴۰ - هل اتیک حدیث الغاشیة . وجوه یومئذ خاشعة . تصلی

نارأحامیة آیه ۱ تا ۳ سورة الغاشیة . یعنی ای پیغمبر ما : آیا خبر
وحدوث هولناک قیامت و بلیه عالمگیر روز رستاخیز محشر را آگاهی ؟ که در
آنروز رخسار گروهی ذلیل و ترسناک باشد ، و پیوسته در آتش فروزان جهنم
معدند .

محمد بن سلیمان ازید رش ر وایت می کند که پدرش نیز : از حضرت صادق
روایت کرده که از آن حضرت سئوال نمودم هل اتیک حدیث الغاشیة .
یعنی چه ؟ فرمود : مقصود از این آیه قائم ما اهل بیت است که اهل
باطل را به شمشیر فرو میریزد ، گفتم : وجوه یومئذ خاشعة ، یعنی چه ؟ فرمود
شامل آنانیست که برخلاف دستور خدا عمل میکنند و والیان جوربیشه را
منصب میکنند ، عرض کردم : تصلی نارأحامیة یعنی چه ؟ فرمود : آنان
هنگام ظهور قائم آل محمد در آتش سوزند و در سرای دیگری دوزخ در آیند
۴۱ - فلما احسوا باسنا اذا عمیرکضون . لا ترکضوا وارجعوا الی
ما اترفتم و مساکنکم تسئلون آیات ۱۲ و ۱۳ سورة الانبیاء . یعنی : پس آنگاه
که آن ستمکاران عذاب ما را مشاهده کنند از آن دیار بفرار کنند و در
آنحال به آنها خطاب شود : فرار نکنید که گریز فایده ندارد ، برگردید و
روبخانهای خود آورید و به اصلاح فساد کاریهای خود بپردازید که روزی
ممکنست بازخواست شوید !

از اهل بیت علیهم السلام رسیده است که : چون قائم آل محمد
ظهور کند بنی امیه از ترس به رومی گریزند و امام ولی عصر (عج) آنها را از

روم می آورد و گنجهای که پنهان کرده اند از آنها طلب میکند، آنوقت بنی امیه ایها میگویند وای بر ما که مرد می ستمکار بوده ایم.

۴۲ - ولند یقنهم من العذاب الاذنی دون العذاب الاکبر

لعلهم يرجعون . آیه ۲۱ سوره السجده - یعنی: و ما کافران را عذابی

نزدیکتر بچشانیم، غیر از عذاب بزرگتر تا اینکه مگر بسوی خدا برگردند.

مفضل بن عمر گفته است از حضرت امام جعفر الصادق (ع) مقصود

این آیه را پرسیدم فرمود: ای مفضل عذاب نزدیکتر کمیابی نعمتها و گران

نرخها و ترس و ناامنی است و عذاب بزرگتر قیام قائم مامهدی موعود است که

با شمشیر کافران و باطل گویان را از میان بر میدارد.

۴۳ - وجعلنا بینهم و بین القرى التى بارکنا فیها قرى ظاهراً فوقدنا

فیها السیر سیروا فیها لیا لى وایاماً آمین . آیه ۱۸ سوره السبا .

یعنی: و ما میان آنان و شهرهاییکه به آنها نعمتهاى فراوان و برکت داده ایم

و قریه های نزدیک به هم قرار دادیم و سیر و گردش را در میان آنها مقروء داشتیم

(و گفتیم:) شب و روز با ایمنی و آسودگی سفر کنید.

محمد بن صالح همدانی گفته است: تفسیر این آیه را از مهدی (ع)

برسیدم، فرمود بخدا قسم ما آل محمد هستیم آن شهرهای پر نعمت و پر

برکت و شماها آن قریه های نزدیک بهم هستید که با فاصله های کوتاه در سیر

و سفر در میان شهرهای نزدیک بهم در شبانه روز با ایمنی کامل برسید.

۴۴ - ولنبلونکم بشیئ من الخوف والجوع ونقص من الاموال والا نفس

والثمرات و بشرا الصابرين، آیه ۱۵۶ سوره البقرة، یعنی: و البته شمارا بسختیها

و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمائیم و بشارت و مژده آسایش از آن

صابران است.

محمد بن مسلم از امام صادق (ع) روایت کرده که فرمود: **قبل از ظهور**

قائم‌علاماتی برای مؤمنان خواهد بود، که کلام خدا میفرماید: اموری ارتس وگرسنگی و قحطی و ترقی قیمت‌های بیماری و خطرات جانی و کمی و نقص ثمرات، ر پس در آنموقع به آنها که در عقیده و ایمان بها ثابت میمانند مژده بده و فرمود ای محمد این تاویل آیه است و ما ئیم را سخ در تاویل علم قران و هیچکس جز ما: تاویل قران را نمیداند.

۴۵- واعلموا ان الله يحيى الارض بعد موتها لكم الايات لعلمكم

تعقلون. آیه ۱۷ سوره الحديد. یعنی: بدانید که خداوند زمین را پس از مردن دوباره زنده میگرداند، ما آیات خود را برای شما روشن و بیان کردیم تا اینکه عقل و فکرتان را بکار بیندازید.

عبدالله بن عباس درباره این آیه روایت کرده که: خداوند زمین را

پس از مردن زمین (ستمکاری و نافرمانیهای اهل زمین) دوباره در زمان ظهور مهدی موعود زنده (اصلاح) مینماید زندگی دوباره زمین بدست مهدی است و این آیه درباره همان اصلاح زمین و اهلس با تائید خداوند بدست مهدی صاحب زمانست.

۴۶- ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين يؤمنون بالغيب.

آیه ۲ و ۳ سوره البقره. یعنی: این همان کتاب است که در آن هیچ شک و ریبی نیست و برای پرهیزکاران و آنکسانیکه به غیب ایمان آورند راهنما است عیاشی از حضرت امام جعفر الصادق (ع) روایت نموده، یحیی بن قاسم هم گفته از آنحضرت تفسیر این آیه را سؤال کردم فرمود: منظور این آیات شیعیان علی امیر المؤمنین (ع) هستند و ایمان به غیب قائم آل محمد حجت غائب است.

۴۷- الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة واتوا الزکوة .
آیه ۴۱ سوره الحج . یعنی : آنانکه خدا را یاری مینمایند آنکسانی هستند
که اگر در روی زمین به آنها اقتدار و تمکین دهیم نماز برپا میدارند و زکاتشانرا
به مستحقان میدهند .

در تفاسیر قمی و فرات و دیگر روایات رسیده : کسانی که در این آیه مدح
شده اند آنها طهارت دارند که افراد کامل هستند ، و سلطنت حقه آنان در زمان
ظهور قائم آل محمد (عج) تحقق کامل پیدا خواهد کرد .

۴۸- ان نشاء ننزل علیهم من السماء آیه فظلت اعناقهم لها
خاضعین . آیه ۲ سوره الشعراء (ای رسول ما) تو غمگین مباش اگر بخواهیم
از آسمان آیه ای فرستیم که همه گرد نهای خود را در برابر
آن خم کنند .

در روضه کافی و تفسیر علی بن ابراهیم و کتاب غیبت شیخ از حضرت
رضا (ع) رسیده که : مراد صیحه آسمانی است که هنگام قیام حضرت قائم آل محمد
(عج) شنیده خواهد شد و در ریشگاه آن حضرت همگان خاضع میشوند .

۴۹- من کان یرید حرث الاخرة نزل له فی حرثه ، ومن کان یرید
حرث الدنیا نزلت منها وماله فی الاخرة من نصیب . یعنی هر کس حاصل
مزرعه آخرت را بخواهد ما بر بذری که برای آخرتش کاشته (عمل صالح) می
افزائیم ، و هر که فقط تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را از آن نصیب می
میدهم ولی در آخرت (از نعمات آخرت و ابدی) نصیبی ندارد .

از حضرت امام جعفر الصادق رسیده است : بهره و اندوخته آخرت
شناسائی و محبت حضرت امیر المؤمنین و ائمه اطهار است که در پرتو برکات
آنان دوستانشان نیز پرنصیب میشوند ، ولی کسانی که تنها چشم به اندوخته

دنیوی د وخته اند د دولت و ظهور قائم آل محمد بهره ای نخواهند برد.
۵۰۔ واستمع يوم يناد العناد من مكان قريب، يوم يستمعون

الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج . آیات : ۴۱ و ۴۲ سوره ق . یعنی :
وبه نداى آنروزیکه منادی حق (اسرافیل) از محلی نزدیک ندا کند
گوش فراده ، روزیکه همه مردم آن صیحه (ندا) را که حق است بشنوند
آن روز هنگام خروج است .

حضرت امام جعفر الصادق (ع) فرمود : آن نداکننده اسرافیل
است که اسم قائم آل محمد را بانام پدرش ندا میزند و آن صدا، ندا یا صیحه
آسمانی است و آنروز روز قیام قائم ما است .

۵۱۔ واللیل اذا یخشی ، والنهار اذا تجلی . آیات ۱ و ۲
سوره اللیل . یعنی : قسم به شب تار که جهان را در پرده تاریکی شب به
پوشاند ، و قسم به روز هنگامیکه عالم را بنور ظهور خود روشن گرداند .
محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت کرده که :
مقصود از واللیل اذا یخشی علی بن ابیطالب است که در دولت باطل مستور
گشت و ناگزیر به صبر گردید ، والنهار اذا تجلی که روز روشن ظهور قائم ما آل
محمد است در آن هنگام که قیام میکند و برد دولت باطل پیروز میگردد ، خداوند
در قرآن برای مردم مثلها زده و پیغمبرش و ما اهل البیتش را به آن مخاطب
ساخته و غیرا ز ما ائمه کسی عالم به تاویل آن نیست .

۵۲۔ وتلك الايام نداولها بين الناس . آیه ۱۴۰ سوره آل عمرا
ن
یعنی : این روزگار را به اختلاف میان مردم میگردانیم . زراة بن اعین از امام
صادق روایت میکند : از زمان خلقت آدم مدام دولتی از جانب خداوند
و دولتی از شیطان بوده ، پس آگاه باشید که دولت خدا مهدی منتظر است .

۵۲۔ واذکروانعمه الله علیکم وميثاقه الذی واثقکم به اذقلتم

سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله علیم بذات الصدور . آیه ۷ سوره المائده

یعنی : و یاد کنید نعمت خدا را که به شما ارزانی داشت و عهد او را

که با شما استوار کرد (که اطاعت امر را بکنید) آنگاه که گفتید امر ترا شنیدیم و

اطاعت تو را پیش گرفتیم ، پس از خدا بترسید که خدا به نیت قلبی واندیشه

های درونی شما آگاه است .

از حضرت امام محمد باقر (ع) رسیده است که مراد از عهد و میثاق

در این آیه اتمام حجت در سفر حجة الوداع رسول اکرم بمردم است که

تحریم محرّمات از شرب خمر و تاکید بر طهارت و قبول ولایت و ضوحا برای هر

مسلمان شده (که انشاء الله هنگام قیام قائم آل محمد (عج) عموماً اجرا

خواهد شد .

۵۴۔ سنریهم آیا تنافی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم

انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید . آیه ۵۳ سوره فصلت

یعنی : ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان

کاملاً آشکار و روشن میگردانیم تا ظاهر و هوید گردد ، که خدا و آیات حکمت

و قیامت و رسالتش همه بر حقست ، آیا ای رسول خدا : مگر پروردگارت که بر

همه چیز گواه است کافی نیست ؟

ابوبصیر از امام جعفر الصادق (ع) روایت میکند که : مقصود از این

آیه را سئوال کردم فرمود : خداوند به اهل باطل نشان میدهد که چگونه

مَسَّحٌ میشوند و آفاق بر آنها تنگ میگردد ، پس در آنوقت قدرت خدا را در

خود و آفاق خواهند دید . مجدداً پرسیدم : حتی یتبین لهم انه الحق

یعنی چه ؟ فرمود : ظهور قائم آل محمد به امر خدا حتمی است خداوند

اورا ظاهر کرد اند تا همه مردم به بینند و احکام خدا را سرتا سر عالم جاری سازد .

۵۵ - الیوم یئس الذین کفرو ان یدینکم فلا تخشوهم و اخشون .

یعنی : امروز کسانی که راه کفر پیش گرفته اند از دین شما نا امید شده اند ، پس از آنها نترسید بلکه از قهر و سختی من بترسید .

عیاشی در تفسیر خود از حضرت امام محمد باقر (ع) نقل میکند که

آنحضرت در تفسیر این آیه فرمود : آنروز روز ظهور قائم آل محمد (عج) است که بنی امیه از روال خود مایوس میشوند و آنها یاند که کافر شده و از (سازش) آل محمد نومید میباشند .

۵۶ - قال رب فانظرنی الی یوم یبعثون ، قال فانک من المنظرین

الی یوم الوقت المعلوم . آیه ۳۶ سوره انعام . یعنی : شیطان گفت خدا یا بمن مهلت بده تا روزیکه مردم برانگیخته شوند (قیامت) خداوند فرمود : به تو مهلت دادم تا روزی که وقت آن معلوم است .

و هب بن جمع روایت نموده که از حضرت امام جعفر الصادق (ع) در

مورد روز معلوم در این آیه پرسیدم که چه وقت است ؟ فرمود : ای وهب روزیست که پیغمبر شیطان را بقتل میرساند و این بعد از قیام قائم مامهدی است .

۵۷ - یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم

تفلحون . آیه ۲۰۰ سوره آل عمران . یعنی : ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید ، و یکدیگر را به بردباری و صبر (بر مشکلات) و استقامت سفارش کنید و مراقب نیرنگهای دشمن بوده و از خدا بترسید ، باشد که پیروز و رستگار شوید .

یزید بن معاویه عجللی از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت

کرده که فرمود : در اجرا و انجام فرائض استوار و شکیبا باشید و بر آزار دشمنان صبور

و مواظب باشید و منتظر قیام و ظهور مهدی موعود قائم آل محمد باشید .

۵۸ - وكذلك انزلناه قرآناً عربياً و صرفنا فيه من الوعيد

لعلهم يتقون او يحدث ذكرى . آیه ۱۳۱ سوره طه . یعنی : وما اینگونه قرآن را با فصاحت عربی برتونازل کردیم و در آن وعده ها و احوال قیامت را تذکر دادیم باشد که مردم پرهیزکار شوند ، یا به پندی از نویاد آوری شوند . (برای آنها یاد آوری و تذکری یعنی ظهور قائم آل محمد و خروج سفیانی بشود) .

۵۹ - فاذا جاء وعد اولیہما ما بعثنا علیکم عبادنا اولی باس شدید

فجاسو خلال الدیار و کان وعداً مفعولاً . آیه ۵ سوره اسراء . یعنی : پس چون وقت انتقام اول فرارسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را برابرانگیزیم تا آنجا که درون خانه ها را جستجو کنند و این وعده انتقام حتمی است .

عیاشی در تفسیر خود از حضرت صادق (ع) روایت کرده که آنحضرت

در مورد این آیه فرمود : پس از شهادت حضرت سیدالشهداء (ع) و اصحاب با وفایش خداوند مردمی را پیش از ظهور قائم آل محمد برانگیزد که هر جاد شمنی از دشمنان و ظالمان بر آل محمد (ص) بیابند نابود کنند و این کار از امور حتمی است که قبل از قیام قائم آل محمد شدنی است .

و در همان تفسیر عیاشی از حرمان بن اعین از حضرت امام محمد باقر روایت میکند که آنحضرت این آیه را : (وبعثنا علیکم عبادنا اولی باس شدید) میخواند و میفرمود : این بندگان خدا قائم ما و یاران او هستند که سخت نیرومند می باشند .



وَقَدْ يَدْرَأُ نُمْرًا عَلَى الدِّبِ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً
وَجَعَلْنَاهُمْ الْوَارِثِينَ

انتخاب ۵۹ حدیث معتبر به یمن نام مبارک مهدی (عج)

توضیح لازم : چون به حساب ابجد اسم مبارک مهدی ۵۹ می باشد ، تیمناً به یمن وبرکت نام مبارک حضرت مهدی در این فصل (۵۹) حدیث معتبر از کتب نامبرده مندرج در صفحه ۸۸ قبل این کتاب استنساخ و با ترجمه فارسی یا حاصل معنی بنظر شما میرسد .



حدیث اول - از کتاب کمال الدین صفحه ۱۵۰ و کتاب اعلام

الوری صفحه ۲۲۹ به سند متصل از حضرت صادق : عن آباءه قال رسول الله صلى الله عليه وآله : حدثني جبرئيل عن الله انه يقول من علم انه لا اله الا الله وحدي ، وان محمداً عبدي ورسولي ، وان علي بن ابيطالب خليفتي وان الائمة من ولده حججى ادخلنه الجنة برحمتي ، تا آنکه میفرماید :

فقام جابر بن عبد الله الانصارى فقال : يا رسول الله ومن الائمة من ولد علي بن ابيطالب ، قال : الحسن والحسين ، اسامى ائمه را يك بيك بيان مينمايد تا آنکه میفرماید : ثم الزكى الحسن بن علي ثم ابنه القائم بالحق مهدى امتي ، الذى يملأ الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً هولاء يا جابر خلفائى واوصيائى ، والذى انكروا احداً منهم فقد انكرونى .

حاصل معنی : حضرت صادق ازید رانشيك بيك شنیده كه حضرت رسول (ص) فرمود : جبرئيل از جانب خدا بمن خبر داد هر آن كس كه بداند غير از من خداى يگانه خدائى نيست و اينكه محمد بنده من

ورسول من است ، و (هم) اینکه علی بن ابیطالب خلیفه من است ، وائمه از فرزندان او (علی) ججتها ی من هستند آنرا در رجوار رحمت خود داخل بهشت میکنم .

پس از آن جابر بن عبد الله انصاری برپا خواست ، عرض کرد : یا رسول الله ، ائمه ای که از اولاد علی بن ابیطالب هستند چه کسانیند؟ پس از آن رسول خدا فرمود : حسن و حسین ، ویک بیک نام امامان از اولاد امام حسین شمرده تا رسید به (امام یازدهم فرمود :) حسن بن علی زکوی و پس از او پسرش قائم بحق مهدی امت من است ، او چنان زمین را پر از عدل میکند که همچنان از ظلم و بیاد پر شده بوده ، اینان خلفاء و اوصیاء و جانشینان من هستند ، فرمود ای جابر : هر که یکی از آن ائمه را انکار کند مرا انکار نموده است .

حدیث ۲ - از صفحه ۱۵۷ کتاب کمال الدین از حضرت باقر

از پدرش این حدیث را ضبط کرده قال الباقر عن ابیه علی بن الحسین عن الحسین قال : دخلت انا و اخی علی جدی فاجلسنا علی فخذیه و قبلنا پس (بمن) فرمود : و اختر من صلبك یا حسین تسعة ائمة ، تسعة هم قائمهم .

حاصل معنی : از امام محمد باقر از پدرش (علی بن الحسین) از پدرش امام حسین که فرمود : من با برادرم حسن بر جد م رسول خدا وارد شدیم آنحضرت ما را برابر آنها پیش نشانید و ما را بوسید و فرمود : اختیار شد از پشت و صلب تو ای حسین ۹ نفر امام که نهمین آنها قائم (حجة بن الحسن العسکری است) .

حدیث ۳ - از صفحه ۱۶۲ کتاب کمال الدین : بسند معتبر متصل

از امام زین العابدین ، عن ابیه عن علی بن ابیطالب قال : قال رسول الله
الائمة بعدی اثنی عشر، اولهم انت یا علی و آخرهم القائم الذی یفتح
الله علی یدیه مشارق الارض و مغاربها .

حاصل معنی : حضرت امام زین العابدین از پدرش امام حسین
و آنحضرت از پدرش علی بن ابیطالب از حضرت رسول فرموده : ائمه بعد از
من دوازده نفرند ، اول آنها یا علی توئی و آخر آنها قائم (حجة بن الحسن
العسکری است) که خداوند بادیست او مشرقها و مغربها ی زمین را میگذراند

حدیث ۴ - در صفحه ۱۴۶ کتاب کمال الدین و صفحه ۰۴ کتاب

غیبت شیخ طوسی از حضرت صادق نقل نموده اند : عن الصادق عن
آبائه عن امیر المؤمنین ، قال : قال رسول الله (ص) لما أُسری بی الی
السماء اوحی الی ربّی : اخترتک فجعلتک نبیاً ، و اخترت علیاً فجعلتته
وصیاً . تا آنکه فرمود : فَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنِ وَ
عَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ
عَلِيٍّ بِنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بِنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسْنَ بِنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ
بِنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ ، كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ ، قَلْتِ يَا رَبِّ وَ
مَنْ هُوَ هَؤُلَاءِ ؟ قَالَ : الْإِئِمَّةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يَحُلُّ حِلَالِي وَ يَحْرُمُ
حِرَامِي ، وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةُ أَوْلِيَائِي وَ هُوَ تَشْفِي
قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاهِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ .

حاصل معنی : حضرت صادق از پدرانش و از امیر المؤمنین که
فرموده که حضرت رسول (ص) فرمود : چون مرا به معراج آسمانها سیر
دادند به من وحی شد که : اختیار کردم تو را به نبوت و برگزیدم علی را

به وصایت ، آنگاه مشا هده نمودم (اشباه نورانی) علی وفاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسن و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و محمد بن الحسن و علی بن محمد بن الحسن القائم را در وسط آنان مانند ستاره درخشان پرنوری ایستاده است ، عرض کردم خدایا اینان چه کسانی هستند ؟ فرمود : اینان اوصیاء تو (و خلفاء و حجج من) هستند و آن قائم که در وسط آنها ایستاده است حلال میکند حلال مرا و حرام میکند حرام مرا ، و بدست او از دشمنانم انتقام می گیرم ، و او موجب آسایش دوستان من خواهد بود ، و او شفا دهنده قلوب شیعیان* تو از بیداد و زورگویان و کفار است .

*

حدیث ۵ - از صفحه ۱۰۱ کتاب غیبت شیخ طوسی به سند

متصل از حضرت صادق رسیده که فرموده : قال رسول الله : ان الله اختار من الناس الانبياء ومن الانبياء الرسل ، واختار مني علياً واختار من علي الحسن والحسين واختار من الحسين الاوصياء ، تاسعهم قائمهم و هو ظاهراً و باطنهم .

حاصل معنی : از حضرت صادق رسیده به سند متصل که میفرماید

حضرت رسول فرموده : خداوند از میان عموم مردم سلسله انبیاء را بر گزید و از میان انبیاء و رسولان مرا و از من علی را و از علی حسن و حسین را اوصیاء اختیار نمود (که) نهمین ایشان قائمشان می باشد و او ظاهر و باطن همه آنهاست

* آنانکه گفته اند شیعه را صفویه یا سیاست های روز ساخته اند اینجا میفهمند خدا به حضرت رسول میگوید : مهدی موعود موجب شفای قلوب شیعیان تو (ای محمد) خواهد بود .

حدیث ۶- از صفحہ ۱۴۷ کتاب کمال الدین از حضرت رضا از

آباء گرامی اش حدیث فرموده: قال رسول الله: ما خلق الله خلقاً افضل مني والفضل بعدى لك يا على والائمة من بعدك (يك بیک اسامی ائمه اثنی عشر رانام میبرد سپس میفرماید): رایت اثنا عشر نوراً، فی کل نور سطر مکتوب علیہ اسم کل وصی من اوصیائی، اولهم علی بن ابیطالب و اخرهم مهدی امتی، فنودیت یا محمد هـولاء اوصیائك، وعزتی وجلالی لأظہرن بهم دینی ولأظہرن باخرهم من اعدائی، ولأملکنه مشارق الارض ومغاربها ولأسخرن له الرياح ولأذلن له الرقاب الصعاب ولأرقینہ فی الاشباب ولأنصرنه بجنندی ولأمدنه بملائکتی حتی یعلو دعوتی و یجمع الخلق علی دعوتی، ثم لأدیمن ملکہ الی یوم القیمة •

حاصل معنی: از حضرت رضا از آباء گرامش رسیده که حضرت

رسول (ص) به علی بن ابیطالب فرموده: خلق نکرده خداوند بر ترا از من کسی را و این فضیلت بعد از من برای تو و ائمه بعد از تو است، و نام هر کدام از ائمه را نام میبرد، بعد فرمود دوازده نور دیدم که در هر نوری ضمن سطری نام یکی از اوصیاء من نوشته شده بود بطوریکه اول از ایشان نام علی بن ابیطالب و آخرین آنها اسم مهدی امت من بود •

پس از جانب حق تعالی ندایم رسید که یا محمد: این ها اوصیاء و خلفاء تواند • قسم بعزت و جلال خودم بوسیله آنان دینم را ظاهر کنم و به دست آخرین ایشان (حضرت مهدی) زمین را از دشمنان پاک میکنم و او را سلطان و مالک مشرقها و مغربهای زمین مینمایم و باد را مسخر او و گردنکشان را ذلیل و منقاد او میگردانم، و تمام اسبابها و تجهیزات (فتح) را برای او آماده کنم و به لشکرهای خود او را نصرت و یاری دهم و به ملائکه او را مسدد

وكمك میکنم تا دین حق را به اعلی مراتب (در همه جا) جاری و مجری نماید
و حکومت و سلطنتش را تا قیامت دوام میدهد .

حدیث ۷- از صفحه ۱۵۴ کتاب کمال الدین و صفحه ۲۳۱

کتاب اعلام الوری از امام محمد تقی از آباء گرامیش تا حضرت سید الشهداء
این حدیث را بیان میکند که : حضرت سید الشهداء قال : دخلت علی
رسول الله (ص) فقال : مرحباً یا ابا عبد الله ، اسامی و احوالات ائمه در
صلب امام حسین رایك بیک خبر میداد و برای هر یک دعائی مخصوص نمود
تا آنکه رسید به امام دهم علی النقی ، فرمود : وان الله تعالی ركب فی صلبه
نطفة و سما الحسن فجعله نوراً فی بلاده و خلیفة فی ارضه ، . وان الله تعالی
ركب فی صلب الحسن نطفة زکیة طیبة طاهرة یرضی بها کل مؤمن آمن
الله قلبه للإیمان ، فهو تقی نقی یرج من تهامة حتی یراه السدائل
والعلامات . آنگاه از رسول خدا پرسیدند آن دلائل و علامات چیست ؟ فرمود :
له عَلمٌ اذا حان وقت خروجه انتشر ذلك العَلمٌ بنفسه و انطقه الله
فناداه العَلمُ : اُخْرَجْ یا ولی الله ، واقبل اعداء الله . وله سیف مغمذ فاذا
حان وقت خروجه اقتلع ذلك السیف من غمده و انطقه الله ، فناداه السیف
اخرج یا ولی الله واقتل اعداء الله و امرنی بامرک یا حجة الله فلا یحل
لك ان تقعد عن اعداء الله و یقیم حدود الله و یحکم بحکم الله .

حاصل معنی : امام نهم حضرت محمد تقی از پدران مکرم خود
تا حضرت سید الشهداء خبر میداد که امام حسین فرموده : روزی شرفیاب
خدمت رسول اکرم (ص) شدم مرا خوش آمد گفت و اسامی و حالات هر یک
از ائمه ای که از صلب من (امام حسین) متولد خواهند شد خبر داد و نام هر
کدام را یاد آور شد و عاگرد تا آنکه به نام امام دهم علی النقی رسید ، فرمود :

خداوند در صلب او نطفه ای قرار میدهد که نامش حسن و نور (هدایت) خدا در بلاد و خلیفه اود رزمین است، و در صلب (فرزند او) حسن (هم) نطفه پاک و پاکیزه و ظاهری قرار خواهد داد که تمام مؤمنین که قلوبشانرا خدا از اخلاص و ایمان امتحان کرده راضی و خشنود میشوند، پس او است امام پرهیزکار و زاهد (بانشانه حتمی که) از تهامه خروج میکند در آن هنگام نشانه و علاماتی به او امر و اعلام شود. از حضرت رسول (ص) سؤال شد آن علائم و دلائل کدام است؟ فرمود:

۱- پرچمی دارد که وقتی هنگام خروجش برسد آن پرچم به قدرت و اذن خدا خود بخود باز میشود و به سخن می آید؛ میگوید (از- حال غیبت) بیرون آی ای ولی خدا و یار دشمنان خدا مقابله کن.

۲- شمشیر است که در غلاف خود جای دارد، موقع ظهورش که رسید به اذن و امر خدا خود بخود از غلاف بیرون می آید و به سخن می آید میگوید: (از حال غیبت) خارج شو یا ولی الله دشمنان خدا را بقتل برسان، بمن فرمان بده ای حجت خدا که دیگر در پس پرده نشستن در مقابل دشمن جایز نیست، (چون کفر به نهایت رسیده و دین حق دگرگون شده) توحید و دین خدا و نظام و شریعت اسلام را برپا دار و حکم کن به فرمان خدا.

(این حدیث مفصل است قسمتی از آن نگاشته شد).

حدیث ۸- از کتاب کمال الدین صفحه ۴۶ و صفحه ۲۸۸

کتاب اعلام الورا، جابر بن عبد الله انصاری از حضرت رسول تفسیر آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم را سؤال میکنند آنحضرت فرموده اند: یا جابر: اولی الامر، خلفائی و هم ائمة المسلمین

من بعدی ، اولهم علی بن ابیطالب ثم الحسن ثم الحسين ثم علی بن الحسين ثم محمد بن علی المعروف فی التوراة بالباقر وستدرکه یابا جابر فاذا القیتہ فاقرا منی السلام ، ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر ثم علی بن موسی ثم محمد بن علی بن محمد ثم علی بن محمد ثم الحسن بن علی ثم سميته وكنيته حجة الله في ارضه وبقية في عبادہ محمد بن الحسن بن علی ، ذاك الله الذي يفتح الله علی يديه مشارق الارض ومغاربها ، ذاك الذي يغيب عن شيعة واوليائه غيبة لا يثبت فيها علی القول بامامته الا امتحن الله قلبه الايمان .

حاصل معنی : جابر بن عبد الله انصاری از رسول اکرم (ص) مقصود و تفسیر آیه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم را که اولی الامر چه کسانی هستند پرسید ، آنحضرت فرموده اندای جا بر اولی الامری (که خداد رقرآن مجید امر به اطاعت آنان کرده) جانشینان برحق و خلفاء بعد از من هستند که : اول آنها علی بن ابیطالب و بعد از او حسن و بعد حسین بعد علی بن الحسین سپس محمد بن علی که در کتاب تورات بنام باقر معرفی شده و تو (ای جابر) او را درک خواهی کرد وقتی او را ملاقات نمائی سلام مرا به او برسان ، بعد از (محمد باقر) جعفر بن محمد الصادق است بعد موسی بن جعفر بعد علی بن موسی بعد محمد بن علی بعد علی بن محمد بعد حسن بن علی بعد (کسیکه) هم نام وهم کنیه من و حجت خداد ر روی زمین و آثار وجود خد است در نزد بندگانش : محمد بن الحسن است ، که مشرقها و مغربهای زمین به دست او فتح می شود ، و او است که از انظار شیعیان نشود و ستانش (بعقل

متعدد ه) پنهان میشود ، و در زمان غیبتش کسی ثابت العقیده نمیماند مگر آنانکه خداوند قلوبشانرا امتحان کرده باشد (کنایه از اینکه در زمان غیبت که مردم به امام خود دسترسی ندارند گمراهان و مغرضان و دشمنان اسلام با سخنان عوام فریبانه و با وسوسه های شیطانی و ایجاد شبهات کسانی را که ایمان و باورشان ضعیف است گمراه میکنند ، مگر آن دسته مردمی که آنقدر ایمان قلبیشان استوار است که با القاء شبهات و مطالب بی اساس گمراه نخواهند شد) .

حدیث ۹ - از کتاب کمال الدین صفحه ۱۴۹ عبد الرحمن

بن سمره که از اصحاب پیغمبر اکرم است میگوید : فقال رسول الله يا بن سمره ، اذا اختلفت الارض والاهواء فعليك بعلی بن ابیطالب ، بعد فرمود یا بن سمره : وان منه سیدى شباب اهل الجنة الحسن والحسين وتسعة من ولد الحسين ، تاسعهم قائم امتی یملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً .

حاصل معنی : عبد الرحمن پسر سمره از اصحاب حاضر پیغمبر میگوید حضرت رسول (ص) فرمود : ای پسر سمره : وقتی اختلاف عقاید و آراء گوناگون و هوسهای آلوده (اشاره به غصب خلافت سه خلیفه از خلفاء راشدین و محروم کردن علی بن ابیطالب از خلافت حقه در مورد جانشینی من) پیش آمد بر توباد به پیروی و قبول فرمان علی بن ابیطالب ، و بعد فرمود ای پسر سمره بد رستیکه همانا از اولاد (علی بن ابیطالب) دوسید جوانان اهل بهشت حسن و حسین و ۹ نفر امام از اولاد حسین است که نهمین نفرشان قائم امت من خواهد بود و زمین را مملو از عدل و انصاف میکند همچنانکه هر از ظلم و ستم شده است .

حدیث ۱۰ - از صفحه ۱۴۹ کتاب کمال الدین از عبد الله بن عباس قال : قال رسول الله ان الله اطلع على الارض فاختر منها ، تا اینکه فرموده وجعل من صلب الحسين ائمة يقومون بامري ويحفظون وصيتي ، التاسع منهم قائم اهل بيتي ، يظهر بعد غيبة طويلة وحيرة مضلة ليعلن امر الله ويظهر دين الله ، يؤيد بملائكة الله فيملاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً .

حاصل معنی : عبد الله بن عباس میگوید رسول خدا فرمود در بین اهل زمین خداوند مرا برگزید و بعد از من علی و بعد از او حسن و بعد حسین را و از صلب حسین ائمه را از اولاد او قرارداد تا دین را دوام و قوام و وصیت مرا نگهداری کنند ، نهمین امام از اولاد حسین قائم اهل بیت من است که بعد غیبتی طولانی و (سرگردانی و گمراهی مردم) ظاهر میشود تا دین و فرمان خدا را با تمام (جهات ظاهری و باطنی) آشکارا مجری دارد ، و بایاری ملائکه خدا تایید میشود تا زمین را سرتاسر پراز عدل و انصاف کند همانطور که پراز ظلم و جور شده است .

حدیث ۱۱ - از صفحه ۱۵۲ کتاب کمال الدین از سلمان فارسی قال دخلت على النبي فاذا الحسين على فخذه ويقبله ويقول : انت سيد وانت امام ابن امام واخو امام وابو الامم تسعة ، من صلبك تا سعم قائمهم حاصل معنی : سلمان فارسی میگوید : دا خل شدم بر رسول خدا در زمانی که حسین (ع) بر ران آنحضرت نشسته بود و رسول خدا حسین را می بوسید و میفرمود : تو بزرگواری و امام و پسر امامی و هم برادر امام و پدر ۹ نفر امام هستی که نهمین آنها امام قائم است .

حدیث ۱۲ - از صفحه ۱۵۲ کتاب کمال الدین حضرت امام

حسن عسکری از آباء گرامی اش تاجدش علی امیر المؤمنین فرموده : قال رسول الله : لا یحبک الا مؤمن ولا یبغضک الا کافر ، تا آنکه فرمود : فاذا مضی علی فابنه الحسن امامکم واذما مضی الحسن فابنه الحسین امامکم ثم تسعة من ولد الحسین واحد بعد واحد ائمتکم و خلفائی علیکم تا سعمهم قائم امتی ، یملاء الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً ، اللهم وال من وال و الخلفائی ولا تخل الارض من قائمهم بحجتک ظاهراً او خافئ مغموراً لئلا یبطل دینک و حجتک و یرهانک و بنیانک .

حاصل معنی : حضرت امام حسن عسکری از پدران گرامی خود

تا ازجد مکرمش امیر المؤمنین نقل فرموده : که حضرت رسول فرموده : ای علی تو را دوست نمیدارد مگر مؤمن و دشمن نمیدارد تو را مگر کافر ، تا آنکه فرمود : پس از علی پسرش حسن امام شماست و پس از حسن پسر (دیگرش) حسین امام شماست ، بعد از او ۹ نفر از اولاد حسین یکی بعد از دیگری امام شما (جانشینان) و خلفاء من بر شما هستند که نهمین آنها قائم امت من است ، او سرتاسر زمین را پیر از عدل و انصاف می کند ، همچنانکه از جور و ستم مملو شده است ، الهی دوست بدار آنانکه جانشینان مرا دوست میدارند ، و خالی مگذار زمین را از قائم آنها به حجت خودت - و ظاهر گردان (حجت خود را که از جهل و ظلم و خوف دشمن پنهان است) تا اینکه دین تو و حجت تو در لائل واضح و بنیان استوار شریعت تو باطل نماند .

سیزدهمین حدیث:

معروف بدراج حضرت فاطمه علیها السلام

از صفحه ۳۰ کتاب غیبت نعمانی و صفحه ۲۲۲ کتاب کمال الدین و صفحه ۱۸۰ کتاب غیبت شیخ طوسی و صفحه ۲۲۶ کتاب اعلام الوری از حضرت امام محمد باقر نقل شده که فرموده: مادرم حضرت فاطمه الزهرا علیها سلام فرموده است: خداوند متعال بریدرم رسول خدا و وحی فرستاد که اوصیاء پدرم رسول الله در آن مندرج بود. (از بعضی جملات و کلمات و مطالبیکه با هدف مطلوب و منظور این کتاب "علائم و احوال حضرت مهدی عج" مربوط نیست خود داری گردید، چون حدیث مفصل است)

بسم الله الرحمن الرحيم هذا كتاب من الله العزيز الحكيم، لمحمد نبيه ونوره وحجابه وسفيره ودليله نزل به روح الامين من عند رب العالمين، تا آنجا که فرموده: واني فضلتك على الانبياء وفضلت وصيك على الاوصياء واكرمتك بشبليك وسبطيك احسن والحسين جعلت كلمتي التامة معه وحجتي البالغة عبدة بعتره ائيب واعاقب اولهم على سيد العابدين ودين (زين) اوليائي الماضين وابنه سمى جده محمد الباقر لعلمي والمعدن لحكمتي سيهلك المرتابون* في جعفر الراد عليه كالراد على حق القول مني لاكرمن مشوي ابن جعفر

* (سيهلك المرتابون) : اشاره است به گروهی از شیعیان که امامت را تا امام پنجم (امام محمد باقر) ع) دانسته و گفته اند: امام محمد باقر امام غائب است و آنان شیعه پنج امامی هستند و از شیعیان اثنی عشری جدا شده اند **إلّا**

خبط
 ولا سرنه فی اشیاعه وانصاره واولیائه وانتحبت بعد موسی فتنه عمیاء حندس لان
 فرضی لا ینقطع وحجتی لا یخفی الامن جحد واحداً منهم فقد جحد نعمتی
 ومن غیر آیه من کتابی فقد افتری علی ویل للمفتیین الجاهدین عند اقتضاء
 مدة عبدي موسی المكذب الثامن مکذب بكل اولیائی هو ولیی وناصری
 علی بن موسی الرضا یقتله عفريت مستکبر یدفن فی المدینة الی بناها
 العبد الصالح ذوالقرنین یدفن الی جنب شر خلقی حق القول لا قرن
 عینه بابنه محمد و خلیفته من بعده..... واختم بالسعادة لابنه علی
 ولیی وناصری وشاهد فی خلقی و امینی علی وحیی اخرج منه الداعی الی
 سبیلی والخازن لعلمی الحسن العسکری ثم اکمل ذلك بابنه محمد
 (م ح م د) رحمة للعالمین ، علیه کمال موسی وبهاء عیسی و صبر ایوب
 تستذل اولیائی فی زمانه وتتهاوی رؤوسهم کما تتهاوی رؤوس المتکرم والدیلم
 سیقتلون ویحرقون ویکونون خائفین وجلین مرعوبین اولئک علیهم صلوات من
 ربهم واولئک هم المهتدون .

* (فتنه عمیاء) : با اینکه اسماعیل فرزند حضرت امام جعفر الصادق (ع)
 شش سال قبل از پدرش امام صادق وفات یافت و هنوز امامت امام صادق بجا
 بوده مع ذلك گروهی دیگر کورکورانه با ادعای امامت امام غائب به اسماعیل
 از شیعیان اثنی عشری جدا شدند بنام فرقه اسماعیلیه (شش امامی) که یکی
 از مدعیان این فرقه حسن صباح یکی از سران این فرقه سیاسی بوند باقی
 مانده . *

* این فرقه گویا نمیخواهند فکر کنند که : وقتی اسماعیل پسر امام
 صادق ۶ سال قبل از دوره امامت پدرش ازدنیارفته چگونه ممکن است
 دو امام در یک زمان امام باشند لابد است داعیه امامت اسماعیل از جانب
 اسماعیلیه عاقل و باطل است .

حاصل معنی : از حضرت امام محمد باقر که فرموده : حضرت فاطمه
 مادرم فرمود خداوند متعال لوحی را بریدم رسول الله فرستاد که در آن بود :
 ترافضیت و برتری داده ام بر انبیاء و فضیلت داده ام وصی تو (علی بن ابیطالب)
 را بر تمام اوصیاء و کرامت داده ام و فرزند و دوسبب تو حسن و حسین را و با
 حسین کلمه تامه و حجت بالغه را (در فرزندان حسین) قرار داده ام که به
 ترتیب اول از آنها علی بن الحسین سید العابدین و زینت اولیاء گذشته و
 بعد از او پسرش هم نام (جدش پیغمبر) محمد نامیده شده و او شکافنده علم
 و حکمت من است ، هلاک می شوند مرتابون (کسانی که سلسله امامت را تا
 امام محمد الباقر ختم می پندارند) * و بعد از او جعفر است که صادق
 و برحق و موجب نجات شیعیان و دوستان و یاران خود از فتنه هائی است که
 ظاهر میشود ، و آنانکه عداوت ورزند و انکار نعمت من کنند و بغیر از کتاب من
 رفتار نموده و افتری زنند * (و دانسته اسماعیل پسر امام صادق را امام گرفته
 و حال آنکه اسماعیل ۶ سال پیش از رحلت و امامت پدرش مرد بوده) و از راه
 راست منحرف و از امر حق جدا شوند و انکار امامت برحق موسی بن جعفر را
 نمایند ، خود را بهلاکت رسانند ، و ای برافتر گویان .

بعد از موسی بن جعفر علی بن موسی الرضا ولی و جانشین بر
 حق موسی بن جعفر است که او را دیو سیرت متکبری (مامون الرشید)
 شهید می کند و او را نزد شیر و زشت ترین خلق (هارون الرشید) در شهری
 که بنای اولش راز و القرنین بنا کرده * دفن میکنند و قول الحق آنکه چشم

* به پاورقی صفحه ۱۲۵ رجوع شود * به پاورقی صفحه ۱۲۶ مراجعه شود
 * به استناد این حدیث : شهر سناباد (مشهد کنونی) را که در زمان حضرت
 رضا و هارون نامش سناباد بوده ذوالقرنین که نامش در قرآن مجید آمده بنا
 کرده است .

اوبه جانشینی پسرش محمد (التقی الجواد) خلیفه من روشن است، و بعد از او هم علی بن محمد الهادی ولی و ناصر من و شاهد در خلق و امین من است، و بعد از او فرزند ی بوجود خواهد آمد که مردم را براه حق دعوت کند و او خزینه علم من الحسن العسکری است پس از او پسرش کامل کنند (مقصود انبیاء و اوصیاء انبیاء) آباء خود بنام: م ح م د و رحمت و راحت عالمیانست، او کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را داراست،

اما در زمان غیبت طولانی حضرت مهدی (م ح م د) دوستان و شیعیانش خواری و اهانت از مخالفان می بینند و مانند اسراء ترک و دیلم در ترس و واهمه میگذرانند، چون به امام غایب اعتقاد و اخلاص و ایمان دارند متحمل سختیها و اهانتها میشوند، ولی پیش خدا بهترین مردمند و درود و رحمت خدا بر آنها شامل است، و آنان هدایت یافتگانند.*

حدیث ۱۴ - از صفحه ۱۸۰ کتاب کمال الدین از حضرت صادق

روایت شده: قال وجدنا صحيفة باملاء رسول الله (ص) ^{منین} و بخط امیر المؤمنین (ع) فیها: بسم الله الرحمن الرحیم، هذا کتاب من الله العزیز الحکیم (و ذکر الحدیث مثله سواء) متن این حدیث همان متن حدیث لوح حضرت فاطمه الزهراء است لذا از تکرار خود داری گردید.

* در متن این حدیث (لوح) تمام مشخصات و مختصات و حالات دوازده امام جانشینان پیغمبر اسلام را در زمان خود آنحضرت بصورت وحی آسمانی خداوند بر سولش خبر داده، پیش آمده و وقایع تا سال ۲۶۰ هجرت و بلکه تا آخر دنیا حتی نقطه و محل دفن حضرت رضا و قاتل آنحضرت را پیشگوئی نموده آیا جای شبه و تردیدی هست که فرقه های مجزاشده از شیعه اثنی عشری غیر از ائمه برحق و معصوم که احادیث بی شمار و بخصوص این لوح و ضوحاً معرفی شده اند برای خود خلیفه یا امام و پیشوا بتراشند؟! !!

حدیث ۱۵ - در صفحه ۱۸۱ کتاب کمال الدین و صفحه ۲۲۷

کتاب اعلام الوری از حضرت امام محمد تقی نقل شده : ان محمد بن علی جمع ولده ثم اخرج کتاباً الیهم بخط علی بن ابیطالب (ع) و املاء رسول الله مکتوب فیہ : هذا کتاب من الله العزیز الحکیم (حدیث اللوح الی الموضع الذی : یقول فیہ اولئک هم المهتدون) .

حاصل معنی : از حضرت امام محمد تقی امام نهم رسیده است که آنحضرت همه اولاد خود را جمع کرد پس از آن نوشته ای به خط حضرت امیرالمومنین علی (ع) با املاء حضرت رسول (ص) بیرون آورد و آنچه در لوح منصوب به لوح حضرت فاطمه علیها سلام (که در حدیث ۱۳ قبلاً در این کتاب خواندیم) نوشته بوده برای فرزندانش خواند (از تکرار خود داری شد)

حدیث ۱۶ - در صفحه ۲۳ کتاب غیبت نعمانی این حدیث

که بسیار هم مفصل است نوشته شده که : معمر بن ابی اسلمه روایت کرد ه امیرالمؤمنین فرمود : رسول خدا مرا و اولاد مرا منصوب به امامت نمود ه و فرمود : آیاتی را خداوند در کلام الله در باره من و اولاد من نازل فرموده ، تا اینکه سلمان از حضرت رسول پرسید ، یا رسول الله : هؤلاء الایات نزلت فی علی خاصة ، قال : بل فیہ و فی اولیائی الی یوم القیامة ، فقال یا رسول الله بینهم لی ، قال : علی اخو و وصی و خلیفتی فی امتی و احد عشر اماماً من ولدی اولهم ابنی حسن ثم حسین ثم تسعة من ولد الحسین و احد ابعد واحد هم مع القران و القران معهم لا یفارقون حتی یرد و علی حوضی .

حاصل معنی : معمر بن ابی اسلمه از امیرالمؤمنین روایت می

کند که آنحضرت فرمود : رسول خدا مرا و فرزندان مرا (به امر خدا) به امامت

و ولایت مؤمنین منصوب نمود و فرمودند : در باره من و اولاد من در قرآن مجید آیاتی نازل فرموده ، آنوقت سلمان از حضرت رسول پرسید : این آیه ها مخصوص علی نازل شده ؟ رسول خدا فرمود : آری نه تنها علی ، بلکه در باره او و سایر اولیاء من تا روز رستاخیز ، آیاتی نازل گردیده ، پس از آن سلمان عرض کرد یا رسول الله نامهای ایشان را بیان فرما ، آنحضرت فرمود : علی برادر و وصی و خلیفه من در امت من است و یازده نفر از امامان از فرزندان من که اول آنها پسر حسن سپس حسین پسر دیگرم پس از حسین ۹ نفر دیگر از اولاد حسین یکی پس از دیگری همراه با قرآن و قرآن با آنها است قرآن از آنها و آنها از قرآن جدا نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض به من بازگردند .

حدیث ۱۷ - از صفحه ۱۶۴ کتاب کمال الدین : عن عبدالله

بن عباس قال : قال رسول الله : اناسید النبیین و علی بن ابیطالب سید الوصیین و ان اوصیائی بعدی اثنا عشر ، اولهم علی بن ابیطالب و آخرهم القائم .

حاصل معنی : عبدالله بن عباس روایت کرده ، رسول خدا فرمود : من سید پیغمبرانم و علی بن ابیطالب سید اوصیاء است و به یقین اوصیاء و جانشینان من بعد از من دوازده نفرند که اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین آنان قائم (آل محمد) است .

حدیث ۱۸ - از صفحه ۱۵۰ کتاب کمال الدین : عن الصادق

عن ابیه عن جده قال : قال رسول الله : الائمة بعدی اثنا عشر اولهم علی بن ابیطالب و آخرهم القائم ، هم خلفائی و اوصیائی و اولیائی و حجج الله علی امتی ، المقرب بهم مؤمنون و المنکر لهم کافر .

حاصل معنی : حضرت صادق از پدرش و او از جدش فرمود که

رسول خدا فرمود : ائمه بعد از من دوازده نفرند ، اول آنها علی بن ابیطالب
وآخرینشان قائم (است) این دوازده نفر جانشینان و اوصیاء و خلفاء
من هستند و حجت خدا بر امت منند ، هر که اقرار به امامتشان داشته باشد
مؤمن و هر که پیشوائی (و امامت آنانرا انکار کند کافر است .

حدیث ۱۹ - از صفحه ۴۵ کتاب غیبت نعمانی : حدثنا

ابوالحارث بسند متصل عن سالم بن عبدالله عن ابيه قال : قال رسول
الله : ان الله اوحى الى ليلة اسرى بي ، يا محمد : انى خلقت علياً
وفاطمة والحسن والحسين والائمة من نور واحد ، ثم قال يا محمد
اتحب ان تراهم ، فقلت نعم ، فقال : تقدم امامك ، فتقدمت امامى
فاذاً على بن ابیطالب والحسن والحسين وعلی بن الحسين ومحمد بن
علی وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلی بن موسى ومحمد بن علی
وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة القائم ، كانه الكوكب
الدرى فى وسطهم ، فقلت يارب من هو لاء ؟ قال : هؤلاء الائمة
وهذا القائم محلل حلالى ومحرم حرامى ومنتقم من اعدائى
يا محمد احببه فانى احبه واحب من يحبه .

حاصل معنی : ابوالحارث از سالم بن عبدالله از پدرش روایت
نموده که رسول خدا فرمود : در شب معراج خدا به من وحی فرمود : ای
محمد ، همانا خلق کردم علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه بعد از حسین
را از یک نور واحد ، آنگاه فرمود : ای محمد دوست میداری آنانرا ببینی ؟
گفتم بلی ، پس فرمود : جلوتر بیا ، من جلو تر رفتم ، پس آنها را که علی
بن ابیطالب و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر
بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد

و حسن بن علی بودند و الحجة القائم، نیز در میانشان چون ستاره ای می درخشید دیدم، سؤال کردم: ای پروردگارا اینان چه کسا نیند؟ فرمود: آنها ائمه (واوصیاء) تو بعد از تو هستند) و آنکه در وسط آنها ایستاده آنکسی است که احکام حلال مرا حلال میکند و او امر حرام مرا حرام می کند (و در سرتا سر زمین اجرا مینماید) و هم او انتقام مرا از دشمنانم می کشد، یا محمد: او را دوست بدار که من او را دوست میدارم و هر که هم او را دوست بدارد (مراد دوست داشته) و من هم دوستان او را دوست می دارم.

حدیث ۲۰ - از صفحه ۲۰۰ کتاب بحار الانوار: عن ابن عباس عن النبی (ص): التاسع منهم (الائمة من ولد الحسين) قائم اهل بیتی، و ا شبه الناس بی فی شمائله و اقواله و افعاله و مهده ی امتی لیظهر بعد غیبة طویلة و حیرة مضلة فیعلی امر الله و یظهر دین الله ریؤید بنصر الله و ینصر بملا ئکة الله و یملأ الارض عدلاً حاصل معنی: ابن عباس از رسول خدا روایت میکند: نهمین نفر از ائمه معصومین (از اولاد امام حسین) قائم اهل بیت من و شبیه ترین مردم از خَلْقٍ و خَلَقٍ و شکل و گفتار و رفتار به من است، و او امام مهدی امت من است که بعد از غیبتی طولانی و پس از حیرتها و گمراهیها (ئی که مردم گرفتار خواهند شد) ظاهر می شود و امر خداودین مقبول خدا را آشکارا و علان و اجرا میکند و با تائیدات خدائی مؤید و بایاری ملائکه خدا مظفر و عالم و تمام زمین و مملو از عدل می نماید.

حدیث ۲۱ - از صفحه ۳۶ کتاب غیبت نعمانی حدیث بسیار مفصلی نقل شده که قسمتی از آن را می نگارم: حضرت امیرالمؤمنین

در مراجعت از جنگ صفین سر راه در نقطه ای بالشکریان خود نزول فرمود
 در آن حوالی دیر نصرانی بود، پیر مرد دیرانی از دیر بیرون آمد و کتابی در
 دست داشت، بحضور امیر المؤمنین آمد و عرض کرد: من از نبیرگان حواریون
 حضرت عیسايم این کتاب را حضرت عیسی املاء و جدم نوشته است، در
 این کتاب نام پیغمبر آخر الزمان و اسامی اوصیاء او ثبت است که اول آنها:
 اسم علی بن ابیطالب، ثم احد عشر من ولد محمد و ولده، اولهم یسمن باسم
 هارون (وابنائہ) شبراً و شبیراً و تسعة من ولده اصغرهما واحد ابعد واحد
 آخرهم الذی تُصلی عیسی خلفه.

حاصل معنی: پس از علی بن ابیطالب یازده نفر از فرزندان محمد
 و اولاد (علی)، که اسم اولین از یازده نفر از اولاد علی (که در آن کتاب بنام
 هارونست) شبر (حسن) و بعد فرزند کوچکترش شبیر (حسین) و بعد
 ۹ نفر از اولاد حسین یکی پس از دیگری نند و آخرین آنها کسی است که حضرت
 عیسی پشت سراو به نمازی ایستد (و نمازش را به دوازدهمین آنها که
 نهمین نفر از اولاد حسین است اقتدا میکند).

حدیث ۲۲ - از صفحه ۲۰۰ کتاب بحار الانوار، عن علی

قال: قال رسول الله: بعد عد الاثمة، ثم یغیب عنهم امامهم
 ما شاء الله ویكون غیبتان: احديهما اطول من الاول، الحذر، الحذر
 اذا فقد الخامس من ولد السابع من ولدی، آنگاه من (علی) از رسول خدا
 سؤال کردم: مما یكون فی غیبة؟ قال: تصبر حتی یأذن الله بالخروج
 فیملأ الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.

حاصل معنی: در صفحه ۲۰۰ کتاب بحار الانوار علامه مجلسی

ثبت است که امیر المؤمنین فرموده: حضرت رسول (ص) نام ائمه معصومین

راتادوازدهمین نفرشمرده ، آنگاه فرمود : امامشان (امام دوازدهم) تا هروقت که خدا بخواهد از انظار مردم غایب خواهد شد ، و برای اود و غیبت است که غیبت (دومی) طولانی تر از غیبت اول خواهد بود : زنهار زنهار از زمانیکه پنجمین پسر هفتمین (امام) از فرزندانم (در حال غیبت است) آنوقت امیرالمؤمنین علی پرسید : در زمان غیبت آن امام چه خواهد شد ؟ رسولخدا فرمود : صبر کنید تا خداوند اذن خروج به او بدهد ، پس اوزمین را مملوبه انصاف و عدالت می کند همچنانکه پسر از جور و بیداد شده است .

حدیث ۲۳ - از صفحه ۲۹ کتاب غیبت نعمانی و صفحه ۱۶۹

کتاب کمال الدین و صفحه ۵۵۴ کتاب کلم الطیب از کتابهای غیبت شیخ طوسی و اختصاص شیخ مفید و کفایت الاثر خزاز : عن اصبح بن بناته که روایت کرده : اتیت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ، فوجدته متفکراً فقلت : مالی اریک متفکراً ؟ قال : فکرت فی مولود یكون من ظهري الحادی - عشر من ولدی ، هو المهدی الذی یملاءها عدلاً کما ملئت ظلماً تکون له حیره و غیبه یضل فیها اقوام ، و یهتدی فیها آخرون ، فقلت یا امیر المؤمنین : وان هذا کائن ؟ فقال نعم کما انه مخلوق ، قلت ادرك ذلك الزمان ؟ فقال : وانسی لك بهذا الامر یا اصبح ، اولئک خیار هذه الامة مع ابرار هذه العترة ، قلت وما یكون بعد ذلك ؟ قال : ثم یفعل الله ما یشاء ، فان له ارادات و غایات و نهایات .

حاصل معنی : اصبح بن بناته که یکی از اصحاب امیر المؤمنین

است میگوید : روزی شرفیاب حضرت امیرالمؤمنین شدم حضرتش را متفکر یافتم ، عرض کردم مولا یم سبب تفکر شما چیست ؟ فرمود : در کار مولودی

از صلب من و از نسل فرزندانم که یازدهمین پسر من و دوازدهمین امام معصوم است مکر می کنم، زیرا: او همان مهدی موعود است که (جهان را) پر از عدل میکند همچنانکه پراز ظلم شده باشد، برای اوحیرت و غیبتی است که گروهی (بسبب غیبت طولانی آن امام) گمراه می شوند و گروههای دیگر (که خداوند ایمان ثابتی به آنان عطا فرموده) هدایت میشوند: مجدداً پرسیدم یا امیرالمؤمنین این چنین که فرمودید خواهد شد؟ فرمود: بلی چنان یقین دارم که هم اکنون مثل آنست که اورا می بینم خلقت یافته (و من آینده را مینگرم) عرض کردم من آن زمان را درک خواهم کرد؟ فرمود این برای شما و زمان تو نیست، فرمود ای اصبح: آنها (مؤمنین آخرالزمان) و بهترین این امتند که با بهترین این عترت هستند. عرض کردم بعد از آن چه خواهد شد؟ فرمود: خداوند مشیت و امر خود را از اول تا نهایت تماماً انجام خواهد داد.

غایات و نهایات: کلمات: ارادات و غایات و نهایات که در متن

حدیث ۲۳ بیان شده شاید مقصود آن باشد که:

۱- غیبت قائم آل محمد (عج) در طول قرون بسیار موجب خواهد

شد تا ثابتهای عقاید در ایمان با شایعات بی اساس و دیدن و شنیدن فتنه

ها و بدعتها چون کوههای شامخ ثابت العقیده و پابرجا خود را از دروغسازها

و فرقه بازها سالم نگه میدارند با قوه ایمان قلبی اخبار و احادیث مستند و

معتبر صحیح رسیده از رسول خدا و ائمه معصوم و راویان صادق با سختیهای

تمام در فتنه های حادثه زمان داخل نشده با تطبیق پیشگوئیهای ائمه

و اتفاقات و بدعتهای گوناگون فریب دهند و بر زهد و تقوی خود می افزایند

ریشه ایمان نشان قوی و محکمتر میگردد و همچنین مهلتی است برای منکرین و

کافران تا بلکه و شاید به راه حق هدایت پیدا کنند .

۲- استمرار و امتداد زمان غیبت و طول عمر و حفظ جسم آنحضرت

از تغییرات مرور زمان که ملجاء و امید و پناه مؤمنان است .

۳- بروز و ظهور استعداد های باطنی مردم که با وجود در ماندن

و نا امید گردیدن از هرگونه تشبثات قدرتمندان و زورگویان و تحمیل قوانین

ناقص و مخرب و فشار ظلم و ستم و کشت و کشتار ها ، تا خود مردم از هر مذ هب و

مرام و هر فرقه و گروه چون حق و حقیقت نمیابند مشفقانه و طبعاً مایل و تشنه

قبول قانون خدائی و قابلیت پذیرش مصلحی عادل و باسلطه گردند و آنحضرت

با سلطنتی که مظهر تام و تمام سلطنت الهی است که همگی مردم را بدون

هر تبعیضی بیک قانون و یک دین د رزیریک پرچم متحد کند و دست هر غاصب

ستمکار و دین ساز و فتنه انگیزی را کوتاه کند .

۴- نهایت مدت غیبت و نهایت عمر آنحضرت که تا چه مدت

باشد و آن سلطنت الهیه تا آخرین روز دنیا و ام دارد که بقیامت و روز جزا

منتهی گردد ، با این توضیح معنی کلمه : ارادات و غایات و نهایتات را

شاید بتوان توجیه و تفسیر نمود .

حدیث ۲۴ - در صفحه ۱۵۰ کتاب کمال الدین : قال اصبح

بن نباته خرج علينا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ذات یومٍ و وضع

یده فی ید ابنه و هو یقول خرج علينا رسول الله ذات یومٍ و یده

فی یدی هکذا و هو یقول ، وانی اقول : خیر الخلق بعد ی ابنی

هذا و سیدهم بعد الحسن ابنی الحسین و من بعد الحسین تسعة من

صلبه هم ائمة المسلمین و تاسعهم القائم الذی یملاء الله الارض نوراً

بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها .

حاصل معنی : اصیغ بن نبیاته میگوید : روزی امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب در حالیکه دست پسرش (حسن) دردستش بود بر ما وارد شد ، فرمود : یک روز هم حضرت رسول (ص) دست من دردستش بود همینطور (که مرا می بینید) و فرمود : آنچه را که من اکنون میگویم : بعد از من (علی بن ابیطالب) ، بهترین مردم این پسر حسن است و بعد از حسن پسر حسین است ، و بعد از حسین ۹ نفر از فرزندان معصوم حسین ائمه مسلمین هستند ، و نهمین نفر آنان قائم است که زمین را پس از آنکه تاریک شده باشد نورانی و روشن می کند و بعد از آنکه پراز ظلم شده بود مملو از عدل مینماید و همانطور که سرتاسر عالم پراز جهل و نادانی گردیده شده باشد پراز علم و فهم و معارف خواهد نمود .

حدیث ۲۵ - از صفحه ۳۱ کتاب بحار الانوار : عن الرضا

عن آبائه عن امیرالمؤمنین ، انه قال للحسین : التاسع من ولدك هو القائم بالحق المظهر للدين الباسط للعدل ، فقال الحسين ان ذلك لكائن يا امیرالمؤمنین ؟ فقال : بلى والذى بعث محمداً بالنبوة ولكن بعد غيبه و حيرة لا يثبت فيها على دينه الا المخلصون المباشرون لروح اليقين ، الذى اخذ الله بيثاقهم بولايتنا و كتب فى قلوبهم الايمان وايدهم بروح منه .

حاصل معنی : از حضرت رضا ازید رانش از حضرت امیرالمؤمنین روایت شده که بفرزندش حسین گفت : نهمین فرزند تو همان قائم بالحق است که دین (خدا) را آشکار و عدل را (بر تمام گیتی) گسترش میدهد . آنگاه امام حسین پرسید ای امیرالمؤمنین چنین که فرمودید می شود ؟ آنحضرت فرمود : آری ، قسم به آنکه محمد را به نبوت برگزید ، لیکن

پس از یایان یافتن غیبت او و سرگردانی مردم، زیرا مردمی که در ایمان نشان ثابت نیستند سرگردان و گمراه میشوند، مگر آنهاییکه بایقین و اعتقاد در ایمان خود ثابت العقیده و دینداری مخلص باشند، که خداوند بر ولایت (ما ائمه معصومین) از آنان پیمان گرفته و نیروی ایمان را در قلوبشان ثبت کرده و با نیروی روحانی الهی مؤید هستند (یعنی به سبب ایمان محکمی که خداوند بآنها عطا کرده از شكوك و گمراهیها محفوظ و براه راست و رضای خدا سالک خواهند بود) .

حدیث ۲۶ - در صفحه ۱۸۱ کتاب کمال الدین و کتاب کافی

و کتب غیبت نعمانی و عیون شیخ صدوق و احتجاج طبرسی و فرائد السمعتین حموی با اسناد متعدد از جابر بن عبد الله انصاری روایت شده : دخلت مولاتی فاطمة (ع) و قد امها لوح یکاد ضوئه یغشی الابصار فیه اثنا عشر اسماً ، فقلت اسماء من هؤلاء ؟ قالت : هذا اسماء الاوصیاء اولهم ابن عمی واحد عشر من ولدی آخرهم القائم ، قال جابر : فرایت فیها محمداً محمداً محمداً فی ثلاثة مواضع و علیاً علیاً علیاً علیاً فی اربع مواضع .

حاصل معنی : جابر بن عبد الله انصاری گفته است : شرفیاب حضور حضرت فاطمه زهراء علیها سلام شدم ، مقابل آن خاتون لوحی قرار داشت که از روشنی چشمها را خیره میکرد ، دوازده اسم در آن لوح بود ، پرسیدم اینان اسامی چه کسانی هستند ؟ فرمود : در این لوح اسامی اوصیاء نوشته شده که اولی آنها پسر عمویم (علی) و یازده نفر از فرزندان منند که آخرین آنها قائم است ،

جابر میگوید : در آن لوح نظر کردم دیدم دوازده جا نوشته

بود : محمد ، محمد ، محمد ، ودر چهار جای آن نوشته بود : علی ، علی ، علی ، علی ، علی .

(واضح است در لوحی که جابر گفته در سه جای آن محمد و در چهار جای دیگر نام علی نوشته بوده : ۳ نام محمد یکی نام امام محمد باقر دومی اسم امام محمد التقی سومی اسم امام دوازدهم امام قائم مهدی موعود است ، و ۴ نام علی مقصود : اولی علی امیر المؤمنین و دومی امام چهارم علی بن الحسین و سوم امام هشتم علی بن موسی الرضا و چهارمی امام دهم علی النقی است) .

حدیث ۲۷ _ در صفحه ۱۸۳ کتاب کمال الدین و صفحه ۲۴۴

کتاب اعلام الوری و صفحه ۵۵۵ کتاب کلم الطیب از کتاب کمال الدین بسند خود از ابی سعید خدری (که اهل سنت از روایات بسیار میکنند) : لما صالح الحسن بن علی (ع) معاویة بن ابی سفیان ، دخل علیه الناس فلامه بعضهم علی بیعته ، فقال : ویحکم ماتدرون ما عملت ، والله الذی عملت خیر لشیعتی اما علمتم ان الخضر لما خرق السفینه واقام الجدار وقتل الغلام کان ذلک سخطاً لموسی بن عمران اذ خفی وجهه الحکمة فیه وکان عند الله حکمة وصواباً ، اما علمتم انه ما منا احد الا ویقع فی عنقه بیعة لطاغی زمانه الا القائم الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم ، فان الله ینغیب شخصه ویخفی ولادته لتلایکون لاحد ففی عنقه بیعة ، اذا خرج ذلک التاسع من ولداخی الحسین وسیده الاماء یطیل الله عمره فی غیبتیه ، ثم ینظره بقدرته فی صورة شاب اویزیدون اربعین سنة وذلک لیعلم ان الله علی کل شیء قدیر

حاصل معنی : آنگاه که امام حسن مجتبی (ع) با معاویة

بن ابی سفیان پیمان عدم تعرض منعقد کرد بعضی از مردم آنحضرت را ملامت میکردند (که چرا با معاویه صلح کردی) حضرت امام حسن فرمودند :
وای بر شما ! اگر شما میدانستید این بیمانیکه بستم به خیر و صلاح و نفع شیعیان
ما بود (مرا ملامت نمیکردید) !

وقتی حضرت موسی بن عمران همسفر حضرت خضر نبی (ع) بسود
حضرت خضر : ۱ - طفلی را بقتل رسانید ۲ - کشتی کسانی را سوخت کرد
دیوار برآه در حال سقوط بود ترمیم کرد ، حضرت موسی سخت در شگفت
مانده بود ، خضر حکمت آن سه عمل را بموسی گفت (موسی حکمت سه کار
خضر را دریافت) امام حسن (ع) فرمود همچنانکه در کار حضرت خضر حکمت
هائی بود ، شما هم از حکمت این مصالحه آگاه نیستید :

مگر نمی دانید هیچیک از ما امان نیست که گردنش از قید فرمانروای
سرکش زمان آزاد باشد جز قائم ما (مهدی موعود) که (پس از
خروجش) حضرت عیسی بن مریم (ع) پشت سر مهدی در نماز به او اقتدا
خواهد کرد .

او (قائم آل محمد) ولادتش (ونشونمایش از انظار اغیار مخفی و
وزندگیش در قرون متما دی) تا هروقت که خدا بخواهد پنهان و غیبی طولانی
دارد تا اینکه هیچ بیعت و شرطی از هیچکس در گردن او قرار نگیرد ، و آن قائم
موعود نهمین پسر برادر م حسین و پسر بهترین زنان (مجله نرگس خاتون
مادر رگرا میش) می باشد ، او عمر و غیبت طولانی کند و پس از ظهورش و به
قدرت الهی سیما ی جوانی که کمتر از چهل ساله دارد ، چنین است تا
اینکه مردم بدانند خداوند بر همه کاری قادر است .

(چنانکه در سوره بقره قرآن مجید داستان عزیز پیغمبر آمده

است : قال بل لبثت مائة عام فانظر الى طعامك وشرابك لم يتسنه
وانظر الى حمارك ولنجعلك آية للعالمين ، عزيز پیغمبر هنگام
عبور از شهری که اهل آن همه مرده بودند پیش خود فکر کرد ، گوشت‌های آنان
را جانوران خورده و استخوان‌هایشان پراکنده شده چگونه در قیامت دوباره
استخوان‌ها بهم وصل و گوشت‌هایشان می‌روید و زنده خواهند شد ؟ عزیز
که با خود توشه ای از شیر و انگور (یا انجیر) همراه داشت قبض روح شد و
مرد ، صد سال از مردن عزیزگذشت تا اینکه بقدرت قادر مطلق مجدد ابرو
روح دمیده و زنده شد ، عزیز که تصور کرده بود خوابیده بوده با خود
گفت چند ساعتی از زمان من خواب یا بیهوش شده ام ، در صورتی که الاغ
سوارش مرده و پیوسیده و هرتکه از استخوان‌هایش بسمتی پراکنده شده بود
در این وقت ندائی به او رسید که : تو صد سال مرده بودی ، اما در این صد
سال غذا و توشه ای که همراه داشتی تر و تازه مانده و فاسد هم نشده ولی
الاغ سواریت مرده و متلاشی شده ،

اکنون : به استخوان‌های پیوسیده و پراکنده شده الاغت نگاه کن
و با چشم خودت ببین چگونه استخوان‌های الاغت بهم وصل و گوشت و پوست
اومی روید و در حال زنده شدنست و بصورت اول رجعت میکند ، خداوند
غالب و قادر است هر کاری مصلحتی و حکمتی دارا باشد انجام دهد .
قرآن مجید کلام الله است و بیهوده در آن نیست ، قصه‌ها و
سرگذشت‌های گذشتگان در قرآن داستان سازی و افسانه بازی نیست سر
گذشت و تاریخ پیشینیان در قرآن برای تحکیم عقاید و ثبات ایمان مردم و
گروندگان اسلام و جستجوگران حقیقت است .

در این صورت شك و شبهه‌ای نخواهد بود که : وقتی مشیت و مصلحت

وحکمت خدایتعالی اقتضا کند ، امام زمان وقائم آل محمد را هزاران سال زنده وجوان نگه می دارد تا بوقت مقتضی ظاهر شود وسلطنت مطلقه الهی را بر همه جاو همه کس با عدل وانصاف در سرتاسر جهان بگستراند وخود قائم مقام ملک خدا باشد وتا هروقت خدا بخواهد حکمرانی ودین حق را اجرا ونظم عالم راتمشیت دهد ، انشاء الله .

حدیث ۲۸ - از صفحه ۱۸۳ کتاب کمال الدین وصفحه ۲۴۵

کتاب اعلام الوری ، قال الهمدانی : سمعت الحسین بن علی یقول : قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی ، هو صاحب الغيبة ، هو الذی یقسم میراثه وهو حسی .

حاصل معنی : همدانی میگوید ، از حضرت امام حسین بن علی شنیدم که : فرمود نهمین (امام) از اولاد من قائم این امت است واواز انظار اغیار غایب می شود ، واوست باوجودیکه نمرده میراثش را قسمت کنند . بواسطه اختفای ولادتش حتی عمویش جعفر کذاب از ولادت فرزند برادرش (مهدی موعود) بیخبر بود که به تحریک معتمد خلیفه زشتکار وشقی عباسی میخواست پس از وفات برادرش حضرت امام حسن عسکری غاصبا جانشین برادر گردد ! وبه تصور خود که امام حسن عسکری فرزند ی نندارد میراث واثاث برادرش امام حسن عسکری را قسمت وخود را امام وجانشین امام بدانند ! غافل از آنکه منصب امامت از جانب خداست ورسول خداوهمه ائمه معصومین باعلامات ونشانیهای صریح معین وشناسانده شده .

اما : امام دوازدهم ونهمین فرزند امام حسین باتایید الهی عموی خود جعفر کذاب ودیگران را از منصب شامخ امامت وخلیفه الهی بازداشت وحق خود را قبضه کرد ، وبه یقین قائم آل محمد نسه پیش از وفات

پدرش و نه تظاهر و پایان سلطنت خدائیش نمرده و زنده وحی است و تا هر وقت خدا بخواهد نخواهد مرد، زیرا: **ولو يك روز از عمر دنیا باقی باشد همان مهدی قائم موعود باید خروج کند و دین کامل اسلام را از هر لحاظ اجرا کند و از غاصبان و مخالفان دین حق و بدعت گزاران و مدعیان مهدویت دروغی و کفار و ظالمین انتقام گیرد.**

حدیث ۲۹ - از صفحه ۱۸۴ کتاب کمال الدین: قال الحسين

بن علی: **منا اثنا عشر مهدیاً اولهم علی بن ابیطالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو الامام القائم بالحق، یظهر به الدین، له غیبة یرتد فیها اقوام و یشیت فیها علی الدین آخرون، فیؤذون، و یقال لهم متی هذا الوعد ان کنتم صادقین؟ اما ان الصابرفی غیبتہ علی الاذی و التکذیب بمنزلة المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله.**

حاصل معنی: حضرت سیدالشهداء فرمود: **از ما دو ا زده**

نفر راهنما و مهدی امت اند که اول آنها علی بن ابیطالب و آخرین نفر آنان نهمین فرزند من است که او امام قائم بحق و همان موعود است که دین اسلام با ظهور او در همه روی زمین اجرامی گردد و برای او خد اوند غیبتی مقرر کرده (برای امتحان مردم، تا خودشان حقیقت ایمان خود را به اختیار بروز دهند) زیرا در غیبت امام قائم بسیاری از مردم که ایمانی ثابت ندارند بی دین و مرتدمی شوند، ولی آنها تیکه (هدایت یافته اند) در اعتقاد به حقانیت دین اسلام ثابت میمانند اما مورد اذیت و مسخره و تحقیر بی اعتقادان قرار میگیرند! (مثلاً گروه بی ایمانان میگویند: این امامی که شما معتقد هستید هزار و اندی سال زنده است اگر زنده است کجا است؟ و مگر آدم هزار سال و بیشتر زنده میماند، شماها که چنین عقیده دارید نفهم

وخرافاتى و قشرى و دروغگو يا احمق، هستيد، اين حرفها را آخوند ها درست کرده اند! ولى مؤمنينى كه مورد اذيت قرار ميگيرند و متحمل استهزاء بسي اعتقاد ان وجهال و مرتدين واقع ميشوند اجرشان نزد خدا بمنزله پاداش مجاهدين و ياران رسول خداست كه پيش روى رسول الله در غزوات اسلام شمشير مى زدند و در يارى دين خدا جان فدا ميکردند.

حديث ۳۰ - از صفحه ۴۱ كتاب غيبت نعمانى : عن ابي حمزة الثمالي قال : كنت عند ابي جعفر محمد الباقر ذات يوم ، فلما تفرق من كان عنده ، قال لى يا ابا حمزه : من المحتوم الذى لا تبدل عند الله قيام قائمنا ، فمن شك فيما اقول لقى الله وهو كافره وجاهد له ثم قال : بابى وامى المسمى باسمى والمكنى بكنيتى السابع من بعدى ، بابى يملاء الارض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً .

حاصل معنى : ابي حمزه ثمالى (كه از اصحاب صميمى امام زين العابدين و امام محمد باقر عليهم السلام است) ميگويد : روزى در خدمت حضرت امام محمد باقر بودم ، پس از اينكه مردمى كه در خدمتش بودند متفرق شده و رفتند بمن فرمود اى ابو حمزه از امور محتومى كه نزد خدا تغيير و تبديل نخواهد شد قيام قائم آل محمد است ، پس هر كه در آن قيام شك كند من ميگويم در حالى كه كافر و دشمن خدا باشد خدا را در روز قيامت ملاقات ميكند ، پس فرمود : پدر و مادرم بقد اى او ، اسم او اسم من و كنيه او كنيه من است ، و او هفتمين (امام) بعد از من است اوست كه زمين را از عدل و انصاف پر مى كند همچنانكه از ظلم و جور پر شده باشد .

حديث ۳۱ - از صفحه ۹۱ كتاب غيبت نعمانى : و صرح

ابو عبدالله (ع) اذاتوالثلاثة اسماء محمد وعلی و الحسن کان
رابعهم قائمهم

حاصل معنی : حضرت ابو عبدالله امام جعفر الصادق تصریح
فرمودند : هرگاه اسم سه نفر از ائمه متوالیاً محمد و علی و حسن نام
شود (بعد از آن سه نفر) چهارمین نفر امام قائم خواهد بود .

حدیث ۳۲ - از صفحه ۱۲۹ کتاب کافی : عن علی بن جعفر
عن اخیه موسی بن جعفر قال : اذا فقد خامس من ولد السابع ، فالله الله
فی ادیانکم لایزیکم عنہا احد ، یا بنی انه لا بد لصاحب هذا الامر من غیبة
حتى یرجع عن هذا الامر ، من کان یقول به انما هی محنة امتحن الله
خلقه ، لو علم آباءکم واجدادکم دیناً اصح من هذا اتبعوه ، قال فقلت
یا سیدی من الخامس من ولد السابع ؟ فقال : یا بنی عقولکم تصغر عن هذا
واحلامکم تضیق عن حلمه ولكن ان تعیشوا فسوف تدركونه .

حاصل معنی : علی بن جعفر پسر امام جعفر الصادق از برادرش
حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت می کند که آنحضرت فرمود : زمانی که
پنجمین پسر از امام هفتم غایب گردید ، از خدا بخواهید تا خدا بیاری و رحم
خودش دین شمارا نگهدارد ، هیچیک از شماها بدون امتحان نخواهید
ماند (زیرا امام قائم به امر خدا مورااست و چاره ی جز انجام ماموریت (غیبت)
از انظار مردم ندارد ، چون امر غیبت آزمایشی است از جانب خدا
بندگان را امتحان می کند تا آنانکه در قلب و عمل عقیده ای به دین
ندارند از زمره مؤمنان حقیقی جدا شوند ، اگر پدران و نیاکان شما
(یعنی : رسول خدا و ائمه اسلام) دینی صحیح ترازدین اسلام میدانستند
از آن تبعیت و قبول میکردند (کنایه از اینکه کسانی که اعتقاد به طول عمر

و ادامه مدت غیبت امام قائم حضرت حجة بن الحسن (عج) ندارند از شریعت اسلام خارجند ، کمال اسلام و اثبات ایمان و یکی از مواد پنجگانه اصول دین منوط به آنستکه سلسله دوازده گانه امامت را قلباً معتقد باشیم و احادیث متعدد دیکه از رسول خدا و هر کدام از ائمه اسلام متواتر و مکرر رسیده است و عقلاً هم میتوان دریافت که هیچگاه زمین از وجود حجت خدا خالی نخواهد ماند ، واجب است معتقد باشیم امام قائم آل محمد زنده و از پس پرده غیبت همچنانکه خورشید از پس ابر موجب حیات انسان و حیوان و نباتات است وجود حجت و خلیفه خدا هم فیض بخش عالم وجود و هادی و راهنمای خلق خداست) .

حقیقت اسلام همان دینی است که آباء موسی بن جعفر داشته و لا غیر ، پس از فرمایش حضرت موسی بن جعفر پسرش علی بن جعفر از آن حضرت پرسید ، پنجمین فرزند از اولاد هفتمین (امام) کیست ؟ امام هفتم موسی بن جعفر فرمود : ای پسرم عقلهای شما برای شناخت آن نارسا و حوصله تان تنگتر از آنستکه مطلب را دریافت کنید ولیکن اگر زندگانیتان دراز آورد رک خواهید کرد .

حدیث ۳۳ - از صفحه ۲۰۵ کتاب کمال الدین : عن یونس

بن عبد الرحمن قال : دخلت علی موسی بن جعفر ، فقلت یا بن رسول الله انت القائم بالحق ؟ فقال : انا القائم بالحق ولكن القائم الذی یطهر الارض من اعداء الله و یملاءها عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً هو الخامس من ولدی ، له غیبة یطول امدها خوفاً علی نفسه ، یرتد فیها اقوام و یشبت فیها آخرون ، ثم قال : طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی موالاتنا اولئک منا و نحن منهم ، فقد رضوا بنا ائمة

ورضينا بهم شيعة فطوبى لهم ثم طوبى لهم ، هم والله معنا في درجاتنا
يوم القيامة .

حاصل معنی : یونس بن عبد الرحمن میگوید : خدمت حضرت موسی
بن جعفر رسیدم واز آنحضرت پرسیدم : ای پسر رسول خدا شما (امام) قائم
برحق هستید؟ فرمود: من امام قائم برحق هستم ، ولیکن آن امام قائم بالحق
کسی است که زمین را از (وجود) دشمنان خدا پاک میکند و زمین را پیر از
عدل مینماید همانطور که (پیش از آن) از ظلم و ستم پرشده بوده او پنجمین
(امام) از فرزندان من است ، برای او غیبتی دراز مدت بواسطه خوف
برجانش مقرر شده ، و در مدت غیبت طولانی اش اقوامی مرتد (و کافر) می
شوند و گروهی هم در دین حق و عقیده به وجود و ظهور و غیبت امام زمان
پابرجا و ثابت خواهند ماند ، پس در مدت غیبت قائم آل محمد بر
شیعیان ماکه محکم به رشته دوستی و صدق عقیده به مایبوسته اند گوارا باد
آنها از ما هستند و ما هم از آنان هستیم ، (شیعتنا خلقو من فاضل طینتنا)
آنان از ما آل محمد راضیند و ما آل محمد نیز از آنان راضی و خشنود هستیم
پس گوارا باد برایشان و خوشا بر حال آنان ، قسم بخدا آنها روز قیامت در
درجات ماقرار خواهند گرفت .

حدیث ۳۴ - از صفحه ۲۱۲ کتاب کمال الدین : بیان بن صلت

قال : قلت للرضا انت صاحب الامر ؟ فقال : انا صاحب الامر ولكني لست
بالذي املاء هاعداً كما ملئت جوراً ، وكيف اكون ذلك ؟ على ماترى
من ضعف بدني ، ولكن القائم هو الذي اذا خرج كان في سن شيوخ
و منظر الشباب ، قوي في بدنه ، حتى لو مدَّ يده الى اعظم شجرة على
وجه الارض لقلعها ولو صاح بين الجبال لتدكدت صخورها يكون معه

عصاء موسى وخاتم سليمان ، ذاك الرابع من ولدي ، يغيبه الله في ستره
 ماشاء الله ، ثم يظهره فيملاء به الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً
 حاصل معنی : ریان پسر صلت میگوید : به حضرت رضا
 عرض کردم ، تو صاحب الامری ؟ فرمود من صاحب الامر هستم ولی نه آن
 صاحب الامری که زمین را پیر از عدل و داد می کند همانقسم که پراز جور وستم
 گردیده بوده ، چگونه من او هستم ؟ با اینکه می بینم بدنم (چون او آنقدر
 پرزور نیست) ولكن قائم ما (صاحب الامر) آنچنان کسی است که وقتی از غیبت
 خروج کند در سن پیری ولی منظره جوان دارد ، و آنقدر زورمند است که اگر
 بخواهد ستبر و قوی ترین درختی را باریشه از زمین می کند ، و اگر فریاد زند
 کوهها با صخره هایش به لرزه در می آید ، او عصای موسی و انگشتر سلیمان
 را با خود دارد ، او چهارمین فرزند من است ، خداوند او را تا زمانی که
 مشیت و حکمتش اقتضا کند در پرده غیبت از انظار مردم پنهان نگه میدارد ، و
 آنگاه که مامور شود ظهور کند عدل و انصاف را در تمام عالم پر میکند همانقسم
 که پیش از آن از ظلم و بیداد پر شده بوده .

حدیث ۳۵ - از صفحه ۴۱ کتاب بحار : حسن بن فصاک

عن الرضا : قال : كاني بالشيعة عند فقد هم الثالث من ولدي يطلبون
 المرعى فلا يجدونه ، قلت : ولم ذلك يا بن رسول الله ؟ قال : لان امامهم
 يغيب عنهم ، فقلت : ولم ؟ قال : لئلا يكون في عنقه بيعة اذا قام بالسيف
 حاصل معنی : حسن پسر فصاک از حضرت رضا روایت می کند که
 فرمود : چنان می بینم که شیعیان ما بعد از رحلت سومین پسر من (امام حسن
 عسکری) امام و پیشوا و رهبر خود را میجویند ولی (چون امامشان غایب است)
 اورانمی یابند ، پرسیدم ای پسر رسول خدا چرا چنین میشود ؟ فرمود :

سبب غیبت آن امام چنانست که وقتی خروج کند تبعیت و تقیہ ی از هیچ جابر و ظالم و طاغی و زورگوئی نخواهد کرد ، و طوق بیعت و سرسپردگی به کسی را برگردن نداشته باشد .

حدیث ۳۶ - از صفحه ۴۱ کتاب بحار : دعبل خزاعی شاعر

معروف اهل البیت و مخلص حضرت رضا (ع) میگوید قصیده ای در مدح آل محمد (ص) ساخته بودم خدمت آنحضرت خواندم تا رسیدم به این دو بیت

خروج امام لا محاله خارج يقول علی اسم الله والبرکات
یمیز فینا کل حق و باطل ویجری علی النعماء والنقعات

آنحضرت بسیار گریست و فرمود : دعبل تومی شناسی آن امامی که از پس پرده غیبت خارج میشود و حق و باطل را از هم جدا میکند ؟ عرض کردم : من خبر و بشارت او را به تکرار و تواتر شنیده ام ، فرمود : یا دعبل الامام بعدی ابنی محمد و بعد محمد ابنه علی و بعد علی ابنه الحسن و بعد الحسن ابنه الحجة القائم المنتظر ، فی غیبتہ المطاع فی ظهوره فیملأ هاعداً كما ملئت جوراً ، و امامتی ؟ فاخباره بالوقت .

حاصل معنی و فرمایش حضرت امام رضا (ع) پس از شنیدن اشعار دعبل خزاعی که در ثنای اهل البیت سروده بود ، حضرت رضا وقتی در بیت مزده ظهور امام قائم را شنید ، از دعبل پرسید تو آن امام غایب را می شناسی ؟ دعبل عرض کرد خبر و بشارت او را مکرر و به تواتر شنیده ام ، آنگاه حضرت رضا فرمود : ای دعبل امام بعد از من پسر محمد (الجواد) و بعد او پسرش امام علی (الهادی) و بعد از او پسرش امام حسن (العسکری) و بعد امام حسن العسکری پسرش حجت قائم است که هم مؤمنین انتظار ظهور او را دارند و هم خود امام منتظر است که چه وقت مشیت خدا اقتضا نماید تا

باتائیدات الهی از غیبتی که بدان مامور بوده خارج وزمین وزمان را پراز عدالت نماید همچنانکه (پیش از آن) از جور و ظلم مملو شده است ، اما چه وقت ظاهر خواهد شد هیچکس جز خدا نمیداند .

حدیث ۳۷ - از صفحه ۲۴۹ کتاب اعلام الوری و صفحه ۲۱۳

کتاب کمال الدین : حضرت عبد العظیم حسنی امام زاده واجب التعظیم مستقیماً از حضرت امام محمد تقی (ع) روایت میکند که آنحضرت فرمود :
ان القائم منا هو المهدي الذي يجب ان ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولد ي .

حاصل معنی : حضرت عبد العظیم (مدفون در ری) از امام

نهم حضرت امام محمد تقی روایت کرده : همانا امام قائم مهدی موعود از ما آل محمد است که در زمان غیبتش واجب است در انتظار او باشند و وقتی که ظاهر شود همگی مردم فرامین او را اطاعت کنند و او سومین فرزند من است

حدیث ۳۸ - از صفحه ۲۵۰ کتاب اعلام الوری و صفحه ۲۱۴

کتاب کمال الدین از صقر بن ابی دلف از حضرت امام محمد تقی : ان الامام بعدي والامام بعده ابنه الحسن ثم سكت ، فقلت ومن الامام بعد الحسن؟ فبكي بكاء شديداً ، ثم قال : ان من بعد الحسن ابنه القائم المنتظر ، فقلت له ولم سمى القائم؟ قال : لانه يقوم بعد موت ذكره وارتداد اكثر القائلين بامامته ، فقلت : ولم سمى المنتظر؟ قال : لان له غيبة يطول امدها فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون ويستهزء بذكره الجاهلون ويكذب فيه الوقتون ويهلك فيه المستعجلون وينجوا فيه المسلمون .

حاصل معنی : صقر بن ابی دلف از امام محمد تقی (ع) روایت

کرده که آنحضرت فرمود : بعد از من پسر امام علی (الهادی) و امام بعد از او پسرش حسن (العسکری) است ، آنگاه ساکت ماند ، پرسیدم بعد از امام حسن چه کسی امام خواهد بود ؟ در این وقت امام محمد تقی گریه

کرد گریه بسیار شدید ، سپس فرمود : جزاین نیست که بعد از امام حسن (عسکری) پسرش قائم منتظر خواهد بود ، پس عرض کردم چرا او قائم میگویند ؟ فرمود : برای اینکه در اثر طول زمان غیبتش یاد او را فراموش می کنند و اکثر مردم که ثبات ایمان و اعتقاد ندارند مرتد و گمراه میشوند ، آنوقت قیام میکند ، باز پرسیدم : چرا او را منتظر میگویند ؟ فرمود : چون او به امر خدا غیبت میکند غیبتی بسیار طولانی (خود او منتظر اذن ظهور از خدا است و مخلصین و ثابتین در ایمان نیز) انتظار ظهورش را دارند ، و آنانکه منکر وجود و غیبت و ظهورش میشوند ، و آنها که کافر و دشمنند وقتی وصف و یاد امام قائم را می شنوند تکذیب و مسخره مینمایند ، و هر که وقت معینی برای ظهور او تعیین کند دروغگواست ، و گروهی هم بی جهت (قبل از وقوع علامات حتمیه) برای خروجش عجله میکنند (بواسطه نادانی و بی اعتقادی تا هر کس بی دلیل مدعی مهدویت کاذب شد گوسفند وارد نبال او می روند و خود را هلاک میکنند ، و کسانی که تسلیم فرمایشات پیغمبر و ائمه معصومین باشند از فتنه ها و بدعتها و گمراهیها نجات خواهند یافت .

توجه: از صد را سلام و زمان خود پیغمبر و دوران زندگی

دوازده امام برحق هر که بظاهر میگفت مسلمانم و شهادتین را بزبان جاری میکرد و لو اینکه در باطن مسلمان نبود و خدا و پیغمبر و اوصیاء پیغمبر را هم قبول نداشت ، بحکم ظاهر او را مسلمان میدانستند و در زیر لوای اسلام جان و مال و ناموسش در امان و از مزایای مسلمانی برخوردار بود .

اما امام قائم و حجت آخرین حجة بن الحسن (عج) در ایام ظهورش مامور است به کشف باطن و صدق نیت قلبی و صحت عمل . بهمین وجه است که در زمان ظهور امام زمان : منافق ، دروغگو ، ظالم ، فاسق

و فاسد و فاجر و نیرنگ باز و منافق و تملق گویافت نخواهد شد و دین اسلام به تمام معنی و جهات بر تمام ادیان غالب خواهد شد. ولو کره المشرکون.

توضیح: در چند حدیث گذشته خواندیم که یکی از علل

غیبت امام زمان محفوظ ماندن جان آنحضرت از شر و عناد دشمنان و طاغیان و مدعیان خلافت حقه است تا دست رسی به آن ذخیره علوم انبیاء و خلاصه مجاهدات اوصیاء پیدا نکنند، و او را هم مانند اجداد شریفش شهید ننمایند، باید توضیح داده شود که از صد را اسلام خلفاء بد نام و غاصب و بنی امیه و بنی المروان جانشینان رسول خدا تا امام پنجم را شهید یا مسموم کردند سلسله خلفاء بنی عباس هم که خود را پسر عموی امام همزمان خود میدانستند و به ظاهر اعمال شرم آور و جنایات بنی امیه را محکوم میکردند. شگفت آور آنکه باز هم می بینیم منصور و انیقی امام ششم را و هارون الرشید امام هفتم را و مأمون امام هشتم را و به همین قسم خلفاء نابکار عباسی ائمه معصومین و اوصیاء پیغمبر و عموزادگان خودشان را یکی بعد از دیگری تا امام حسن عسکری را مسموم و شهید نمودند !!!

پس مسلم و یقین معتمد خلیفه عباسی که شنیده بود پسر امام حسن عسکری یعنی دوازدهمین و آخرین وصی رسول خدا و قائم آل محمد از جانب خدا مأمور است غاصبان و ظالمان حق آل محمد را اریشه کن کند، همینکه پس از رحلت امام حسن عسکری واقعه نماز حجت خدا بر جنازه پدر فهمید امام حسن عسکری دارای پسری است که منتقم از غاصبان و ظالمان بحقوق آل الله است و برای نابودی و قتل یگانه پسر امام عسکری هم اقدام نمود ولی خدا نخواست، چنانچه امام قائم به مشیت الهی از انظار عموم مستور و غایب نمی بود مسلماً معتمد عباسی و خلفاء بعد از او جدا در صد قتل

آن ذخیره اصلاح مفسد یا مهدی موعود بودند ، لیکن به خواست خداوند که تا آخرین روز دنیا نباید رشته امامت قطع و مسند نشینی خلیفه‌اللیهی تعطیل گردد (همانطور که در واقعه کربلا و جنایات فاجعه عاشورا فقط چند روزی امام زین العابدین به تب شدید مبتلا شد تا طبق فقه اسلام بواسطه ابتلاء بیماری از شرکت در قتال معاف باشد و زنده بماند و پس از پایان قتال سلامت خود را بازیابد و در اجرای مأموریت خدائی در مسجد اموی دمشق و فرمایشات منطقی و مدلل خود خلفاء اموی را رسوا و زمینه انحلال و سقوط بنی امیه را آماده کند ، و ودیعه و منصب امامت را بفرمان احدیت به فرزندش امام محمد باقر برساند) همان شکل هم باید امام زمان حجه‌بن الحسن العسکری در پس پرده غیبت پنهان و زنده بماند تا زمانیکه مشیت و حکمت خدای حکیم اقتضا کند با تایید الهی ظاهر و بر همه ظالمان و غاصبان فائق آید ، و بانشر معنویت اسلام و مقررات شریعت ، احکام الهی را در سرتاسر پهنه گیتی اجرا نماید .

حدیث ۳۹ - از صفحه ۲۱۷ کتاب کمال الدین و صفحه ۱۱۲

کتاب بحار: عن احمد بن اسحق الاشعری قال: دخلت علی ابی محمد بن علی فقال: ان الله لم یخل الارض منذ خلق ادم ولا یخلیها من حجة الله علی خلقه، به یدفع البلاء عن اهل الارض، و بهینزل الغیث و به ینخرج البرکات الارض، فقلت یا بن رسول الله فمن الامام و الخلیفة بعدک؟ فنهض مسرعاً و دخل البیت، ثم خرج و علی عانقه غلام من انباء ثلث سنین، فقال: یا احمد بن اسحق: لولا کرامتک علی الله و علی حجة ما عرضت علیک ابنی هذا، انه سمی رسول الله و کنیته، الذی یملاء الارض عدلاً كما ملئت جوراً، یا احمد بن اسحق مثله کمثل

الخضر ليغيبن غيبة لا ينجو من الهلكة فيها الا من ثبته الله على القول
 بامامته ووقفه فيها للدعاء بتعجيل فرجه ، فقلت : هل من علامة
 تطمئن اليها قلبي ؟ فنطق الغلام عليه السلام بلسان عربي فصيح
 فقال : انا بقية الله في ارضه والمنتقم من اعدائه ولا تطلب اثراً بعد
 فخرجت مسروراً ، فلما كان من الغد عدت إليه ، فقلت يا بن رسول الله فما
 السنته الجارية فيه من الخضر ؟ قال ، طول الغيبته وان غيبته لتطول
 حتى يرجع عن هذا الامر اكثر القائلين به ولا يبقى الا من اخذ الله عنده
 بولايتنا وكتب في قلبه الايمان وايده بروح منه ، يا احمد بن اسحق
 هذا امر من امر الله وسر من سر الله وغيب من غيب الله ، فخذ ما اتيتك
 وكن من الشاكرين تكن معنا غداً في عليين .

حاصل معنی : احمد بن اسحاق اشعری که از بزرگان صحابها خلاص
 ماندان و محبان حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری است
 میگوید : بخدمت حضرت امام حسن عسکری رسیدم به من فرمود :
 از زمان خلقت آدم تا آخرین روز دنیا زمین و خلق زمین بدون
 حجت خدا خالی نخواهد ماند ، چنانکه تا این زمان که از خلقت گذشته
 هیچ لحظه ای از زمان خلق خدا بدون حجت و خلیفه الله نبوده اند ، بقاء
 عالم منوط بوجود حجت خدا بر خلق است که بواسطه وجود حجت خدائی
 بلاها از اهل زمین دفع می شود ، و باران بسبب وجود آن حجت نازل
 میگردد ، و به یمن وجود حجت الهی برکات و ارزاق خلق از زمین روئیده
 می شود ، احمد بن اسحاق میگوید : از حضرت امام حسن عسکری پرسیدم
 و عرض کردم یا بن رسول الله ، بعد از شما امام و حجت خدا بر خلق کیست ؟ پس
 باشتاب برخاست و به اندرون خانه رفت آنگاه در حالی که پسر بچه ای به

سین سه ساله مینمود در آغوش داشت از درون خانه خارج و نزد من آمد فرمود : ای احمد بن اسحاق ، چنانچه تواز خاصان و دوستان و محبان خدا و حجت‌های خدا نبودی هرگز این پسر را به تو نشان نمیدادم ، اسم و کنیه او اسم و کنیه رسول خدا است ، او سراسر زمین را که از ظلم و جور پر شده ، از عدل و داد مالا مال می سازد .

ای احمد بن اسحاق : همچنانکه حضرت خضر پیغمبر از نظر مردم جهان غایب گردیده این پسر و حجت خدا بعد از من نیز از انظار غایب خواهد شد ، هیچکس در زمان غیبت او از هلاکت نجات نمی یابد مگر آنانکه خدا قلوبشانرا به اعتقاد امامت او ثابت نگهدارد و توفیق آن داشته باشند که پیوسته برای تعجیل فرج آن حجت غایب از نظر مردم دعا کنند .

پس عرض کردم : آیا برای امامت و امر غیبتش علائمی هست تا اینکه دلم آرام و قلبم مطمئن شود ؟ آنگاه پسر امام حسن عسکری که سلام بر او باد بازبان فصیح عربی فرمود : من هستم بقیة الله (و حجت خدا) در دوری زمین و خلق خدا و انتقام کشنده از دشمنان خدا ، و بعد از این دیگر مرا طلب مکن که یار دیگر مرا نخواهی دید .

پس از آن با خوشحالی تمام از منزل حضرت عسکری خارج گردیدم همینکه فردای آنروز دوباره به خانه حضرت امام حسن عسکری رفتم عرض کردم : ای پسر رسول خدا (دیروز) فرمودید : مَثَلِ او مانند حضرت خضرو غیبت خضراست ، فرزند شما و حجت خدا بعد از شما چه تشبیهی با حضرت خضر دارد ؟ امام عسکری فرمود : اونیز مانند خضر پیغمبر غیبتی طولانی دارد که در زمان غیبت او که بسیار طولانی خواهد شد اکثر کسانی که قائل به امامت او بوده اند از عقیده خود برمیگردند ! مگر کسانی که خداوند ایمان

راد رقلوبشان ثبت کرده و به ولایت مآل محمد از آنان پیمان استوار و محکم گرفته و مؤید به تأییدات الهی هستند و با ظهور فتنه و بدعتها گرفتار شکوک نخواهند شد ، ولی مردم سست ایمان که معتقد به امامت و غیبت او بوده اند از عقیده خود برمی گردند و گمراه می شوند!

ای احمد بن اسحاق : این امر (غیبت) امریست از جانب خدا و سری است از اسرار الهی و غیبتی است از راز غیب الهی ، پس آنچه به تو آگاهی دادم نگهدار و از سپاسگزاران حق شناس باش تا فردای (قیامت) در علین بهشت با ما هم نشین باشی .

حدیث ۴۰ - از صفحه ۲۲۸ کتاب کمال الدین و صفحه ۳۳

کتاب بحار : موسی بن جعفر البغدادی عن العسکری : قال : کان بکم وقد اختلفتم فی الخلف منی ، اما ان المقر بالائمة بعد رسول الله المنکر لولدی کمن اقر بالانبياء ثم انکر نبوة محمد رسول الله ، وان المنکر لآخرنا کالمنکر لاولنا ، اما ان لولدی غیبت یرتاب فیہ الناس الا من عصمه حاصل معنی : موسی پسر جعفر بغدادی از امام حسن عسکری روایت میکند که آنحضرت فرمود : مثل اینکه می بینم بعد از من (بایکدیگر) در امامت اختلاف خواهید کرد .

اما هر کس که به ائمه پس از رسول خدا اقرار کند و امامت پسر را منکر شود مانند کسی است که همه پیغمبران را اعتراف کرده ولی پیمبری محمد رسول خدا (ص) را انکار کند .

همانقسم هم آنان که منکر آخرین ما (امام قائم پسر) بشوند مثل آنستکه اولی از ما (علی بن ابیطالب و ائمه بعد از آنحضرت) را انکار کرده اند !!!
پسر من (امام دوازدهم) مامور به غیبتی است که در آن غیبت

مرد می گمراه و گرفتار شك در امر اومی شوند ، مگر کسانی که خداوند آنان را به نور ایمان و یقین محافظت فرماید .

حدیث ۴۱ - از صفحه ۲۲۸ کتاب کمال الدین : عثمان بن سعید

از امام حسن عسکری این حدیث متواتر را روایت میکند که آنحضرت فرمود :
ان الا رض لا تخلو من حجة الله على خلقه وان من مات ولم يعرف امام زمانه ، مات ميتة جاهلية ، ان هذا حق كما ان النهار حق . آنگاه عثمان بن سعید از امام حسن عسکری پرسید : حجت بعد از شما کیست ؟ آنحضرت فرمود : ابني محمد ، هو الامام والحجة بعدى ، من مات ولم يعرفه مات ميتة جاهلية ، اما ان له غيبة يجار فيها الجاهلون ويهلك فيها المبطلون ويكذب فيها الوقتون ، ثم يخرج فکانى انظر الى الا علام البيض يخفق فوق راسه من نجف الى الكوفة .

حاصل معنی : عثمان بن سعید که یکی از صحابه و وكلاء موثق حضرت امام حسن عسکری و یکی از نواب خاص حضرت صاحب الامر امام زمان است میگوید : حضرت امام حسن عسکری فرمود : همانا زمین از حجة خدا (و قلب عالم امکان ، وجود امام ،) بر خلق هیچگاه خالی نخواهد ماند ، و چنانچه هر يك از افراد خلق امام زمان خود را تا رسیدن مرگ نشناسد مانند مردم زمان جاهلیت (بی دین) خواهد مرد ، این مطلب آنقدر محقق و صحیح است که مانند روشنائی خورشید در میان روز است که کسی نمیتواند وجود خورشید را انکار کند .

آنگاه عثمان بن سعید از حضرت امام حسن عسکری پرسید : امام بعد از شما کیست ؟ فرمود : بعد از من فرزندم محمد امام و حجت خدا بر خلق است ، هر کس تا زمان مرگش او را نشناسد ، به امامت او معتقد نباشد

مانند مردم زمان جاهلیت (کافر) مرده است ، اما برای پسر م حجت بعد از من خداوند غیبتی مقرر کرده که در مدت غیبت او مردم نادان گمراه و مدعیان باطل که میخواهند دین حق را باطل جلوه دهند هلاک می شوند و هر که وقت معینی را برای ظهور او تعیین نماید دروغگو است (زیرا جز خدا و حتی خود امام زمان هم وقت خروج از غیبتش را نمیداند) و فرمود بعد از یاریان ماموریت غیبتش ظاهر خواهد شد ، و من گانه می بینم او را که پرچم های سفید (پرچم صلح حقیقی همگانی دائمی) از نجف تا کوفه بالای سرش در اهتزاز است . (این حدیث را که خواندیم از احادیث متواتر است)

حدیث ۴۲ - از صفحه ۱۶۷ کتاب کمال الدین : جابر بن

عبدالله انصاری قال : قال رسول الله : المهدی من ولدی اسمه اسمی وکنیته کنیتی ، تكون به غیبة وحیرة تضل فیها الأمم ، ثم یقبل کالشهاب الثاقب ، یملاءها عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً .

حاصل معنی : جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده : که حضرت

رسول خدا فرمود : مهدی از فرزندان من و اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است غیبتی برای او هست که (بواسطه طول مدت غیبت) اقوامی گمراه می شوند و همینکه ماذون خروج از غیبت شد (ناگهان مانند ستاره ثاقب یا شتاب ظاهر خواهد شد و زمین را که پراز ظلم و جور شده ، مالا مال از عدل و داد خواهد کرد .

حدیث ۴۳ - از صفحه ۱۶۷ کتاب کمال الدین از حضرت امام

محمد باقر : قال : قال رسول الله : طوبی لمن ادرك قائم اهل بیتی و هو یاتم به فی غیبتیه قبل قیامه ویتولی اولیائه و یعادى اعدائه ذلك من رفقاءى وذوی مودتی واکرم امتی علی یوم القیامة .

حاصل معنی : ناقل حدیث حضرت امام محمد باقر است که

فرموده حضرت رسول فرموده است: خوشا بحال کسی که با اخلاص قائم
 اهل بیت مراد رک نماید در حالیکه او را زمان غیبت و پیش از ظهورش امام
 خود بداند و بادوستان و معتقدین به امامت آنحضرت در غیبتش دوستی
 نماید و با منکرین و دشمنانش دشمنی داشته باشد، این چنین مؤمنان در روز
 رستاخیز از یاران و دوستان من هستند و با ایشان محبت و مودت می‌نمایم
 و از گرامیترین پیروان من هستند.

حدیث ۴۴ - از صفحه ۱۶۸ کتاب کمال الدین عن ابن عباس:

قال رسول الله: علي بن ابيطالب خلیفتی من بعدی ومن ولده القائم
 المنتظر الذی یملاء الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً،
 و الذی بعثنی بالحق بشیراً ان الثابتین علی القول به فی زمان غیبتہ
 لأعز من الکبریت الاحمر، فقام جابر بن عبد الله، فقال: وللقائم من
 ولدك غیبة؟ قال: ای وری ولیمحص الله الذین آمنو ویمحق الکافرین.
 حاصل معنی: ابن عباس از رسول خدا روایت میکند که آنحضرت
 فرمود: علی بن ابیطالب بعد از من خلیفه و جانشین من است، و قائم
 منتظر از فرزندان علی است که خداوند زمین را بدست او از عدل
 و انصاف پر میکند همچنان که از ظلم و ستم پر شد است.

به آن خدائیکه مرا بحق (نبی) و مؤذنه دهند مبعوث کرد کسانی که
 در طول زمان غیبت (قائم) به امامت (مهدی امت) ثابت العقیده بمانند
 گرامی تر از کبریت احمر (کیما) هستند.

سپس جابر بن عبد الله برخاست، و از حضرت رسول پرسید: این
 اوصافی که فرمودید برای معتقدین به امامت قائم در زمان غیبت او است؟
 فرمود آری، بخدا قسم آنانکه در آن زمان برایمان خود ثابت بمانند و در

فتنه های حادثه گمراه نگردند خداوند آنانرا یاری و در امان قلعه استوار
ولایت آل محمد از گمراهیها و فتن آخر الزمان محافظتشان می نماید و کفار
و منکرین را هلاک و نابود خواهد نمود .

حدیث ۴۵ - از صفحه ۱۶۸ کتاب کمال الدین از حضرت امام

باقر از آباء گرامی اش فرموده : قال رسول الله : المهدي من ولي تكون
له غيبةٌ وحيرةٌ يضل فيها الأمم، يأتي بدخيرة الأنبياء فيملاءها عدلاً
وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً .

حاصل معنی : به حضرت امام محمد باقر از آباء گرامی اش رسیده
که رسول خدا فرموده مهدی (موعود) از فرزندان من است و او مأمور به
غیبتی است که در زمان غیبت او گروههایی گمراه خواهند شد ، مهدی
که ذخیره علوم و سنت و شریعت همه پیامبرانست می آید و جهان را پر
از عدل و انصاف میکند آنچنانکه از آشوب و ظلم و ستم پر شده است .

حدیث ۴۶ - از صفحه ۱۶۸ کتاب کمال الدین : حضرت امام

صادق فرموده : قال رسول الله : يا علي اعجب الناس ايماناً واعظمتهم
يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا النبي وحببت عنهم الحجة
فأمنوا بسواد علي بياض .

حاصل معنی : حضرت صادق فرموده : رسول خدا فرموده است
یا علی : شگفت انگیزترین مردم از لحاظ ایمان و بزرگترین مردم از جهت یقین
در آخر الزمان کسانی هستند که گرچه به حضور پیغمبر نرسیده و حجة خدا از
نظرشان پوشیده است تنها از روی سیاهی های که بر سپیدی نقش بسته ایمان می
آورند ، (منظور از سیاهی بر سپیدی نوشته های همانند قرآن و احادیث معتبره و اخبار
و روایات صحیح رسیده از اقوال ائمه معصومین) محکم است ، این دسته از امت اسلام

با وجود شیوع فتنه‌ها و تبلیغات گمراه‌کننده با گرفتاریهای سخت که مورد استهزاء و تمسخر لامذهبان و گمراهان واقع میشوند، ایمان و اعتقادشان را محکم و محفوظ میدارند، ایمان این چنین مردم اعظم و ارزشمندتر است از ایمان کسانی که درك حضور پیغمبر و امامان علیهم السلام نموده اند. زیرا مؤمنین صدر اسلام و زمان امامان معجزات و کرامات و نفوذ اوامر و فرمایشات پیغمبر و ائمه معصومین را دیده و شنیده اند، اما مؤمنین آخر الزمان از آن فیوضات محروم بوده، و فقط به احکام قرآن و احادیث رسیده از معصومین معتقد و متوسل و ملتجی هستند که در این حدیث که خواندیم رسول خدا به سیاهی هائیکه بر سفیدی (نوشته مرکب بر کاغذ) تعبیر فرموده اند.

حدیث ۴۷ - از صفحه ۱۴۳ کتاب بحار الانوار: عن جابر

الانصاری عن النبی (ص) قال: یغیب عنهم الحجة، طوبی للصابرين فی غیبتہ، طوبی للمتقین علی محبتهم، اولئک وصفهم الله فی کتابه فقال: الذین یؤمنون بالغیب، وقال: اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون.

حاصل معنی: از جابر بن عبد الله انصاری از حضرت رسول خدا رسیده است: حجت خدا از نظر مردم آخر الزمان غایب می شود، خوشایه حال مؤمنینی که در ایام غیبت آن حجت خدا در سختیها و فتنهها استقامت و صبر می کنند و رانیتها و تمسخر منافقان و منکران و گمراهان برد بارند و بر سرهیز کاران که با وجود ندیدن پیغمبر و امام به موجب احکام قرآن و احادیث و اخبار مستند از معصومان رسیده ایمان و عمل میکنند و از اعمال حرام و زشت دوری کرده و از ارتکاب گناه خود را محفوظ میکنند گوارا باد زندگی بر آن گروه از مؤمنان که از عقاید پاک و استوار خود به تمامی

خاندان رسالت و اهل بیت طہارت و اولیاء و دوستان کہ مؤمنین بحق آل محمد هستند محبت دارند ، کہ خداوند ہم آنگونہ مؤمنان را در قرآن کریم وصف فرمودہ در آیہ دوم از سورہ بقرہ : (الذین یؤمنون بالغیب.....) مؤمنین بہ غیب کسانی هستند کہ : سؤال نکیرین در قبر وزندہ شدن در قیامت و حساب و میزان و سنجش اعمال روز حشر و همچنین قبول نبوت پیامبران و اعتقاد بہ امامان و خلافت حقہ اوصیاء پیغمبر و غیبت دوازدهمین وصی رسول خدا و ظہور شریفش در ہر وقت کہ خدا بخواہد) اینان حزب خدایند (از میان تمام احزاب عالم فقط) حزب اللہ رستگار خواهند بود .

حدیث ۴۸ - از صفحہ ۲۹۹ کتاب کمال الدین : از حضرت صادق از آباء گرامی اش از حضرت رسول : قال رسول اللہ : القائم ولدی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی و شمائلہ شمائلی و سنتہ سنتی ، یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوہم الی کتاب ربی من اطاعہ فقد اطاعنی و من عصاہ فقد عصانی و من صدقہ فقد صدقنی ، الی اللہ اشکو المکذبین لی فی امرہ و الجاہدین بقولی فی شأنہ و المضلین لامتی عن طریقہ و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

حاصل معنی : حضرت صادق از آباء معصومش و آنها از حضرت رسول شنیدہ اند کہ رسول خدا فرمود : امام قائم (موعود) از فرزندان من است اسم او اسم من و کنیہ او کنیہ من است و شباهت و شمایل او شبیہ بہ شمایل من و رفتار او رفتار من است ، او مردم را بر ملت و شریعت من را ہنمائی میکند و امت مرا بہ اجرای احکام قرآن دعوت مینماید ، ہر کہ او را پیروی کند مرا اطاعت کردہ و ہر کہ خلاف امر او کند خلاف امر و فرمان من کردہ و ہر کہ او را تصدیق کند مرا تصدیق کردہ و ہر کہ او را انکار کند مرا انکار کردہ ، من از

آنانکه سنت من و فرزند من قائم راتکذیب وانکارکنند من از آنها بخداوند شکایت میکنم (که دروغها ساخته و موجب گمراهی امت اسلام شده و با من و امت من دشمنی کرده اند) وهم آنان بزودی خواهند دانستکه چگونه ظلم کرده اند و چگونه ظلمشان بخودشان برگشت خواهد نمود .

حدیث ۲۹ در صفحه ۲۰۲ کتاب کمال الدین و صفحه ۱۱۴

کتاب غیبت شیخ طوسی حدیث مفصلی است که این مختصر از آن نقل می شود : جمعی از اصحاب حضرت صادق بر آن حضرت وارد شدند ، دیدند آن حضرت مانند شخص جوان مرده ای گریه میکند ، از آن حضرت سبب این چنین گریستن را سؤال کردند فرمود : انسى تأملت مولد غائبنا و غیبتنا و ابطائه و طول عمره و بلوی المؤمنین فی ذلك الزمان و تولد الشکوک فی قلوبهم من طول غیبتنا و ارتداد اکثرهم عن دینهم و خلعهم عن ربقة الاسلام من اعناقهم التي ، قال الله جل ذکره : وکل انسان الزمانه طائره فی عنقه ، یعنی الولاية ، فاخذتنی الرقة و استولت علی الاحزان .

حاصل معنی : وقتی اصحاب حضرت صادق سبب گریستن آن حضرت را پرسیدند فرمود : سبب گریستن من آنستکه اندیشه و تأمل نمودم در امرولات امام غائب از ما و غیبت و تاخیر ظهور و طول عمر اوست .

و این که در زمان غیبت او مؤمنان در ربه امتحان قرار می گیرند بواسطه طول غیبت او شک در دلهای ایشان ایجاد می شود و بیشترشان از دین خود برمی گردند و طوق اسلام را از گردن خود برمی دارند (با وجودیکه) خدا ی بزرگ در قرآن کریم فرموده : " وکل انسان الزمانه طائره فی عنقه " یعنی :

"مانامه اعمال هرکسی را به گردن او افکنیم" (پس تأمل در این امور سبب و باعث رقت قلب و حزن من گردد) .

مجدداً آن گروه از اصحاب حضرت صادق از آن حضرت خواستند
 امریکه در آن زمان واقع میگردد بیان فرماید ، فرمود : ادا ر للقاء منا
 ثلاثة ، ادا رها لثلاثة من الرسل : قدر مولدة تقدير مولد موسى وقد ر
 غيبته تقدير غيبته عيسى ، وقد ر ابطائه بتقدير ابطاء نوح وجعل بعد
 ذلك عمر العبد الصالح اعنى الخضر دليلاً على عمره .
 يعنى : خداوند برای قائم از ماسه تقدير و سرنوشت مانند سر
 نوشت از سه پيغمبر مقدر فرموده :

۱- ولادت امام قائم است که مانند و نظير ولادت حضرت موسى
 اره ر لحاظ مخفی باشد (که نه در زمان حاملگی مادر که تا لحظه وضع حمل
 ابد آثار حمل در آن مجلله مشهود نبود ، وجه هنگام تولدش کسی از غیا ر
 مطلع نگردد) .

۲- غیبت قائم موعود هم نظیر غیبت حضرت عیسی خواهد بود
 که به سبب غیبت طولانی او و اثراتیکه بر آن مترتب می شود ، گروههایی
 بسیار از مردم گرفتار شکوک و منکر وجودش میگرددند .

۳- تاخیر شدن امر ظهور امام قائم است که مانند تاخیر نزول عذاب
 ح می باشد ، (تا بسبب طول زمان غیبت بر منکرین و بی اعتقادان
 م حجت باشد که با فرصت و تعقل و دیدن اوضاع باطل که خارج از عقل
 ر ک و حقیقت است هوشیار شده به اصلاح عقاید خود بپردازند و به راه
 یعت اسلام روند و در قبول امامت و غیبت قائم منتظر آمادگی پیدا کنند)
 بآرد یگرا اصحاب از حضرت امام صادق تقاضا کردند تا موارد سه گانه
 ابرای آنان مکشوف فرماید ، حضرت صادق فرمود : اما مولد موسی
 فان فرعون لما وقف على ان زوال ملكه على يده امر باحضار

كهنه فد لوه على نسبة وان يكون من بنى اسرائيل ، ولم يزل يا امر اصحابه
 بشق بطون الحوامل من نساء بنى اسرائيل حتى قتل فى طلبه نيفاً و
 عشرين الف مولود ، وتعذر عليه الوصول الى قتل موسى بحفظ الله اياه
 وكذلك بنو امية وبنو العباس لما وقفوا على ان زوال ملك الجبابرة منهم
 على يد القائم منا وضعوا سيوفهم فى قتل آل الرسول طمعاً منهم فى
 الى قتل القائم ، ويابى الله ان يكشف امره لواحد من الظلمة الا ان يتم
 نوره ولو كره المشركون .

حاصل معنى : همينكه فرعون آگاه شد زوال ملك وسقوط فرعونيتش
 بدست مرد خدائى (موسى) خواهد بود كه نه و جاد و گران را خواست تا
 نسب موسى (واژگون کنند) دولتش را معين کنند ، كه نه گفتند آن مولود
 از بين قوم بنى اسرائيل قيام خواهد كرد : فرعون فرمان داد زنان حامله
 بنى اسرائيل را شكم پاره کنند و جنين هاى درون شكم آنها را تا پيش از بيست ^{هزار}
 طفل كشتند !!! تا از تولد محو کنند ، ملكش جلوگيرى شود ، ولى نتوانست به
 كشتن موسى دسترسى يابد زيرا خداوند قادر آثار ملكى ماد موسى را از انظار
 همه مخفى نگه داشت و او را خدا حفظ كرد (چنانكه ميدانيم حضرت موسى در
 خانه فرعون وزير نظر فرعون بزرگ شد " اين است قدرت خداى قدير و حكيم "
 و بالاخره مشيت و حكم خدا جارى شد) ، فرعون و فرعونيان را با تا بيد خدا
 هلاك كرد .

نار نمود شد بهار خلیل آب دریا وقایه موسى

ولادت امام منتقم وقائم موعود هم همانقسم كه فرعون آگاهی
 یافت زوال سلطنتش به دست رجل الهی (موسى) صورت خواهد گرفت
 سلسله بنى امیه و بنى عباس هم كه دانسته بودند سلطنت و خلافت ناحق

آنان بدست مهدی موعود قائم آل محمد سقوط خواهد کرد (میخواستند مانع قیام قائم آل محمد شوند) از همان اول با شمشیر و مسموم کردن امامان نسبت به خاندان رسالت و آل محمد و حتی یاران و شیعیان و دوستان آنها دشمنیها کردند ، و هیچیک از دودمان و فرزندان علی مرتضی و فاطمه زهرا را آسوده نگذاشتند ، با تبعید و زندان و قتل و اسارت میخواستند ریشه آل محمد را برکنند تا از بیدایش و ظهور امام منتقم قائم موعود و نابود کنند ، باطل جلوگیری کنند ، ولی آنچه خدا خواست همان شد و آثار ولادت خلیفه خدا حجة بن الحسن عسکری بردشمنان خدا مکشوف نگردد تا محفوظ بماند و دین حق را عالمگیر و نور خدا را کامل بگرداند ، هر چند کافران و مشرکان و مخالفان کراهت داشته باشند ، آحادی قدرت کشف اسرار الهی را ندارد و قادر نخواهند بود از مشیت الهی جلوگیری کنند .

واما غیبة عیسی : فان الیهود والنصارى اتفقت علی انه قتل فکذبهم الله بقوله : وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبه لهم ، كذلك غیبة القائم فان الاممة ستنکرها لطولها ، فمن قائل یقول : انه ولد ومات ، وقائل یکفر بقوله : ان حادی عشرنا کان عقیماً ، وقائل یمرق بقوله : انه یتعدی الی ثالث عشر وقائل بنصی الله بقوله : ان روح القائم ینطق فی هیکل غیره .
حاصل معنی : اما شباهت امر غیبت قائم موعود با غیبت حضرت عیسی

آنستکه چون یهودیان قصد کشتن حضرت عیسی را کردند (در شامگاهی بسا روسای کهنه یهود (خاخامها) نزد پنطیوس پادشاه یهود خواستند تا که عیسی را مصلوب کند ، سربازان پنطیوس در باغی که حضرت عیسی در آنجا بود ریختند تا حضرت عیسی را بقتل برسانند ولی خداوند یهودا را اسکر یوطی یکی از شاگردان حضرت عیسی که خیانت کرد و آنحضرت را به روسا

کاهنان یهودی نشان داده بود به شباهت عیسی نمایان نمود و کاهنان یهودا، اسکر یوطی را بجای حضرت عیسی گرفته به سربازان پنطیوس دادند بنا به خواسته کاهنان یهود بدارش کشیدند و تصور نمودند عیسی را کشته اند ولی به حقیقت و قول خداد آیه: ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره نساء: و قولهم انا قتلنا المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فيه لفی شك منه مالهم به علم الا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً بل رفع الله الیه و کان الله عزیزاً حکیماً.

خداوند حضرت عیسی را به آسمان عروج داد و زنده است تا هنگام ظهور حضرت مهدی صاحب الامر به زمین نزول خواهد یافت و با اقتدایه قهائم آل محمد حضرت مهدی پشت سر آن حضرت نماز خواهد خواند. حضرت امام صادق در متن حدیث فرمودند: شباهت غیبت امام قائم و اختلاف عقاید با غیبت حضرت عیسی میباشد آنستکه گروههایی از مردم گفتند عیسی را کشتند در مورد غیبت امام قائم هم گروههایی از مردم مخالف پس از رحلت امام حسن عسکری اختلاف گوئیهای بروز دادند!

- ۱- گروهی گفتند: امام حسن عسکری عقیم بود و اصلاً پسری نداشته!
- ۲- دستهای گفتند: امام حسن عسکری دارای پسری شد، امامرد!
- ۳- عده ای قائل به حلول روح شده گفتند روح امام قائم حجة بن الحسن در هیكل فلان و فلان حلول کرده!

۲- کسانی هم از حد پیشگوئیهای انبیاء و احادیث رسول خدا و ائمه معصومین و آیات قرآن تجاوز کرده برای خود امامهای سیزدهم * و بیشتر

■ مانند ادعای شلمغانی، به صفحه ۲۰۹ این کتاب مراجعه فرمائید.

* سید علی محمد باب پس از ادعای بابیت مدعی مهدویت شد و بالاخره خود را امام سیزدهم دانست و بعد هم بیشتر کرد.

پیدا کردند ! و اینها است صدق فرمایش حضرت صادق در سیزده قرن قبل .
وبعد حضرت امام صادق فرمود : واما ابطاء نوح فان الله
بعث جبرئیل فقال یا نبی الله : ان هولاء خلائقی وعبادی لست ابیدهم
بصاعقه من صواعقی الا بعد تاکید الدعوة والزام الحجة فعاد و
اجتهادك فی الدعوة لقومك فانی مشیك علیه .

حاصل معنی : پس از اینکه حضرت نوح از ایمان آوردن قومش
(با آنها همه مدت طولانی و کوشش بیحد دعوتش) چون مایوس شد تا هفت
بار برای هلاک قوم خود از خداوند طلب عذاب نمود ، ولی در هر بار از جانب
خدا ی رحیم در نزول عذاب تاخیر می شد ، و قومش برای هردفعه که نوح
وعده نزول عذاب به آنها میداد و بواسطه عنایات پروردگار حدوث عذاب
تاخیر می افتاد بر سرکشی و کفر و ارتداد خود می افزودند و نوح را سنگباران
و استهزاء میکردند .

با همه این سرکشی و طغیانها در هر مرتبه که نوح از خدا برای قوم
خود عذاب میخواست بوسیله جبرئیل به نوح وحی میگردد : ای نوح تو
این مردم را خلق نکرده ای آنها بندگان من هستند ، من ارحم الراحمین
پیش از توضیح حق و بیان و تمامیت دعوت و اتمام حجت بر آنان که باید حد
اعلای کوشش بجا آوری و حجت را بر آنها تکرار و تمام کنی تا وقتی به حد کامل
استحقاق عذاب برسند ، تا شاید بعضی ولو یکنفر تابع دین حق گردد .

نگارنده در کتاب " قصص قران " خواندم : آخرین مرتبه که نوح
از خداوند برای قوم خود نزول عذاب درخواست کرد ، خداوند به جبرئیل
فرمود ۷۰ هسته خرما برای نوح ببر و بگو این هسته های خرما را در زمین
غرس کن ، آنگاه که نخلها بحد قوت ورشد و تهیه مصالح ساختن کشتی رسید
کشتی را بدستور من بساز و مؤمنین را به درون کشتی ببر که بر بقیه قوم نافرمان
عذاب طوفان و غرق نازل و هلاکشان میکنم ، همینکه نخلها بحد قوت مصالح

ساختن کشتی رسید کشتی بسازه باز جبرئیل از جانب رب العالمین به نوح پیغام رسانید : از هسته این نخلها بگیر و غرس کن به حد رشد و قوت که رسیدند از مصالح آنها کشتی بساز، تا آخرین باری یعنی مرتبه سوم مجدداً جبرئیل به نوح از جانب خدا وحی رسانید این بار هم از هسته خرماهای نخلها بگیر و غرس کن وقتی بقوت و رشد رسیدند به امر من از مصالح این نخلها کشتی بساز، گفته اند از کشتن هسته خرما ی دسته اول تا رشد نخلهای مرتبه سوم ۳۰۰ سال گذشته بود که عذاب طوفان و غرق بر قوم نوح نازل گردید .

در آن مدت طولانی و دراز که قوم طغیانگر و سرکش نوح ایمان و هدایت نیافتند ، آن دسته بسیار قلیل از قوم نوح که ایمانی ثابت داشتند هنگام نزول عذاب همراه خود نوح بکشتی اندر شدند و از بلای غرق نجات یافتند و بقیه قوم با تمام مواعظ شبانه روز و مشاهده معجزات نوح بجای هدایت و خلاصی از گمراهی بیشتر کفر ورزیدند تا بحد کمال استحقاق عذاب رسیدند " حتی کنعان پسر خود نوح " عذاب طوفان و غرق بر آنها نازل و هلاک شدند و دیاری از آنان باقی نماند .

نوح را باور ندارند از بی پیغمبری از خری موسی بهشته وز بی گوساله ی پس تقدیر خدای عزیز و قدیر است که : در مدت طولانی غیبت قائم آل محمد هم مردم به اختیار خود در معرض امتحانات گوناگون قرار گیرند تا : خبیث از یاک و شریر از آرام و ظالم از مظلوم و نافرمان از فرمانبر تمیز یابند و گناهکاران و متعردان بحد اعلا ی شقاوت برسند و مستحق هلاک و عذاب شوند تا مهدی امم و انتقام گیرنده و کاروان الهی ظاهر و از طاغیان فتنه انگیز و دین سازان تفرقه اندازاگر قابل هدایت نباشند

بجرم دشمنی باحق انتقام گیرد و جهان را به صلح و صفا و حق بینی بیاراید .
دنباله همین حدیث حضرت صادق (ع) فرمود :

فانه تمتدایام غیبت فیصرح الحق من محصنه ویصفوا الایمان من
الکدر ویرتد کل من كانت طینته خبیثة من الشیعة الذین یحس علیهم
النفاق اذا احسوا بالاستخلاف والتمکین والامر المنتشر فی عهد القائم
علیه السلام .

حاصل معنی : پس امتداد غیبت (حجة خدا) از آن جهت است
که حق از جائیکه حفظ شده بود آشکار و ایمان از کدورت مصفی شود ، آنها که
باطن خبیث دارند هویدا و عقاید صحیح ارزش و اثرات خود را نشان دهند و
پاک از ناپاک جدا شود لذا آنحضرت فرمود :

متی کان الدین الذی ارتضاه الله ورسوله متمکناً بانتشار فی الامر
امة وذهاب الخوف من قلوبها وارتفاع الشک من صدورها فی عهد واحد
من هؤلاء ؟ یعنی این دین منین که مایه خشنودی خداوند و پیغمبر اوست
کی آزادانه در میان امت انتشار یابد و بیم و هراس را از دلها ی ایشان ببرد و شک
را از رویشان بزداید ؟

زیرا مدت های مدیدی در نتیجه ممانعت و تهدید خلفاء بنی امیه و بنی عباس
ایمانی که در قلوب مؤمنین مستور و پنهان بود اجرا نگردد و بدیناذا تا ظهور
مهدی موعود تقیه و خوف اجرای احکام قرآن در دل مؤمنین و شک در
کسانیکه هنوز ایمان در نهادشان استوار نگردیده است !

انشاء الله هنگام ظهور امام قائم خوف و تقیه بکلی از مؤمنان
برطرف و مشکوکین هم : یا بکلی شکویشان به یقین می رسد و یا اینکه بواسطه
شدت شک بالمره گمراه و هرکس بسستی که باطن اوست روان و حق از باطل
تمیز می یابد .

آری بغض و کینه مویان و سلسله خلفاء عباسی نسبت به مؤمنین و

و شیعیان آل محمد بحدی شدید بوده که مؤمنان ناگه زیر از تقیه بوده اند (حتی علی بن یقطین و زبیرهارون الرشید که از شیعیان اخلاصند حضرت موسی بن جعفر بوده مجبور به رعایت تقیه بوده ، در داخل اطاق درسته و محصور خود از لحاظ تقیه ناچار بود غیر از دستور فقه شیعه وضو بسازد) و اینگونه مؤمنین که از ترس خلفاء و ایادی نابکار آنها نمیتوانستند به دستور و وظایف فقهی خود عمل کنند مستحق عذاب نبوده اند ، در آن روزگاران حق از باطل و خبیث از طیب آشکار نبود ،

ولی در کشور شیعه ایران و بعضی کشورها از زمان پادشاهان دیالعه کم کم آن سختگیریها و تفتیش و تعقیب شیعیان که در زمان خلفاء بوده تقریباً از میان رفته و پیرو هر مذهبی میتواند بوظیفه دینی خود عمل کند مثلاً امروزه همه شیعیان در مکه معظمه و مدینه طیبه و جدّه (غیر از گذاشتن مهر برای سجده) بقیه دستورات فقهی را می توانند عملی کنند و در انظار و هابیان متعصب نماز گزارند .

مهلت و امتحان

این موضوع مهم و روشن را به برادران و خواهران و خوانندگان گرامی توجه میدهد : با رجوع به وجدان و انصاف خود قضاوت فرمائید :
 در جامعه کنونی ما با اینکه محرمات و ارتکاب گوناگون گناه شایع است ! با این وجود هر مؤمن آگاهی به آزادی میتواند وظایف فردی و اخلاقی و دستورات عبادت خود را انجام دهد ، امروزه هیچکس در هیچ منطقه ای کسی را مجبور نمیکند که تو : نماز نخوان ، روزه نگیر ، عبادت نکن یا وادار کند : دزدی کن ، شراب بخور ، بی عفتی نما ، دروغ بگو ، تقلب کن بحمد الله همه در حال اختیار و بدون ترس و تقیه میتوانند فرایض دینی

را انجام دهند ، کسی مارا به ارتکاب معصیت وادارنمیکند ، خود ما هستیم که بامیل خود میتوانیم ثواب و امور خیر یا بالعکس گناه و کارهای زشت بانجام آوریم ، منتهی قبل از اقدام به امر ثواب یا گناه بقول خدا یکریم در قرآن سوره والشمس : فاللهمها فجورها وتقویهاها از جانب خالق قدیر به هر انسانی زشتی و خوبی کاری که میخواهد اقدام نماید به او الهام می شود .

در زمان ما و ایام غیبت امام چون امر دین بطور کامل انتشار یافته طبعاً امتحان بزرگ پیش آمده ، باتعلیمات دینی و احکام خدا و احادیث نبوی و اقوال ائمه معصومین و رسائل بزرگ دانشمندان شیعی که در دسترس همگان قرار دارد جای عذری باقی نمانده و هر کس فاعل و مختار رفتار خویش است . باطن هر شخص گردد آشکار در عمل کردن به روز امتحان

کسانی که با داشتن اختیار و بدون هیچگونه کراهتی مرتکب گناه شده و از دستورات دین ابا کرده و بانجام وظایف اسلام فاصله گرفته اند مستحق عذاب و عقوبتند ، و همین آزمایش وضع موجود اتمام حجتی است کامل و اگر بلائی بر آنان برسد کمال استحقاق را دارند .

پس شایسته سنت و روشی که در ایام غیبت امام قائم (عج) با زمان طوفان نوح که در خلال این حدیث خواندیم دارد و تاخیر عذاب بر قوم نوح از جانب خدا ، باتوضیحات گوناگونی که در پیش گفتیم برای اتمام حجت است و نتیجه بدست می آید که فرمایش امام صادق : (تاخیر ظهور امام قائم یك جهتش امتحان است) و تا فرد یا جمعیتی بواسطه مهلتها و تفکر و تعقل اگر باز هم به سرحد طغیان نرسد مستحق عذاب و بلا نمیشود . رحم خدای غفار بر غضبش سبقت دارد ، تاخیر در ظهور ولی عصر مهلتی است تا با اختیار مردم پاك از ناپاك جدا و مردود از مقبول متمایز گردد .

جواب حضرت صادق (ع) در مورد تشبیه غیبت امام قائم با امتداد

طول عمر و غیبت حضرت خضر پیغمبر (ع) : و اما العبد الصالح الخضر فان الله تبارك ما طول عمره لنبوة قدرها ، بلى ان الله تعالى لما كان فى علمه ان يقدر من عمر القائم ما يقدر علم ما يكون من انكار عباده بمقدار ذلك العمر فى طول عمر العبد الصالح من غير سبب او جب ذلك الا لعللة الاستدلال به على عمر القائم وليقطع بذلك حجة المعاندين لتلايكون للناس على الله حجة .

حاصل معنی : در این حدیث خداوند طول عمر حضرت خضر پیغمبر را دلیل قرار داده برای اثبات و قبول عمر حضرت قائم آل محمد : زیرا هزاران سال است به استناد کتب مقدسه تورات و انجیل و هم در اخبار مستند و متواتر اسلامی و هم در آیه ۶۵ سوره کهف قرآن مجید : فوجد اعبداً من عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علماً . در قوم یهود و مسیحیان و مسلمانان طول عمر و زنده بودن حضرت خضر پیغمبر مدلل و ثابت شده است . حال در صورتیکه خضر پیغمبر که در زمان ارفحشد پسر و وصی و جانشین حضرت نوح متولد شده (قریب به چهار هزار سال پیش از ولادت امام حجة بن الحسن) و تا خدا بخواهد زنده خواهد ماند اعتقاد به طول عمر امام قائم بیشتر و بهتر باور کردنی است .

عمرهای طولانی ... چه موقع مرگ انسان قطعی می شود؟

در اینجا مناسب میدانم : نام اشخاصی را که در مدارك و اسناد و اوراق تواریخ قدیم و جدید از مؤمن و کافر نام برده شده و مدت عمر طولانی داشته اند از نظر خوانندگان بگذرانم .

حضرت شیث (هبة الله) پسر حضرت آدم - ۷۱۲ سال

حضرت نوح بقولی ۹۵۰ سال وبقول دیگر ۳۵۰۰ سال

حضرت هود ۸۰۰ سال

حضرت سام بن نوح ۴۰۰ سال

حضرت ارفحشد ۳۸۰ سال

در کتاب قصص قرآن صفحه ۴۸۸ بقول کتاب اثبات الوصیه مسعودی ضبط

شده حضرت موسی (ع) عوج بن عناق را که در زمان حضرت آدم بدنی آمده

بوده اورا پس از گذراندن قریب ۳۶۰۰ سال بواسطه تمرد و کفرش بقتل رسانید

حضرت خضر و الیاس که هر دو از انبیاء هستند هنوز زنده اند .

در تورات عمر ذوالقرنین راسه هزار سال نوشته ولی مسلمین عمر ذوالقرنین

را ۱۵۰۰ سال میدانند .

در کتاب تاریخ معجم فی آثار العجم عمر ضحاک علوانی (بیوراسب) را هزار

سال نوشته .

عمر قنیاں را ۹۰۰ سال دانسته اند .

عمر مهلائیل را ۸۰۰ سال = = = =

عمر سطیح کاهن (ربیعۃ بن عمرو) را ۶۰۰ سال نوشته اند .

عامر بن ضرب که حاکم عرب بوده ۵۰۰ سال زندگی کرده

حرب بن مضاخ جرهمی ۴۰۰ سال عمر کرده

قسی بن ساعد را گفته اند ۳۸۰ سال زنده بوده .

کعب بن حمۃ هم ۳۸۰ سال عمر کرده .

و امروزه هم در روزنامه ها و مجلات نام اشخاصیکه عمرشان از مرز ۵۰ سال هم

گذشته و بانشاط و سلامتی زندگی کرده اند میخوانیم : منجمله شیرعلی مسلم

اف که عکس اورا در صفحه بعد می بینید، بمقاد دوتکه گراور روزنامه توجه کنید



کهنسال ترین فرد پیش در گذشت
 این شخص در جنگ ناپلئون اول آهیز و ترال میر مولفسر دارووشی بود
 مسکو - نام خیر کرداری روسی شوروی خیر داد که کهنسال ترین فرد
 مورد گذشت .
 این شخص که ایکور کرویف نام داشت ۱۵۷ سال از عمرش میگذشت
 ی در جنگ های ناپلئون اول علیه ژنرال الکسی میر مولف فاتح جنگ ۱۸۱۲ آهیز
 بنژرال بودایکورا از استیمال مشروبات الکلی و دخانیات سفید احتر از مسجست
 روزنامه اطلاعات ۱۹ / ۲۶ / ۵۶ (روسی)

صد ساله ها دو گرجستان از ۲۰۰۰ نفر بیشترند

مسکو - خبرگزاری فرانسه - خبرگزاری تاس بر اساس
 کتابی که بنام سیبال با منتشر شده است، گزارش داد که
 در جمهوری گرجستان نزدیک به دو هزار نفر از هر صد
 سالگی گذشتگانند.
 در میان این افراد دو برادر دیده می شوند که یکی از
 آنها ۱۴۴ و دیگری ۱۴۹ سال دارد و یک نفر هم ۱۳۲ سال
 است.
 این کتاب نشان می دهد که رقم کسانی که به بالای
 را هفت سر گذاشته از ۱۴ هزار نفر متجاوز است و ظاهراً آنها
 ساکن کوهستان هستند و از لحاظ جسمی و روحی وضع
 بسیار خوبی دارند.
 دانشمندان شوروی معتقدند که بهترین شرایط زیست
 برای طولانی شدن عمر انسان در فاصله ارتفاع ۵۰۰ تا ۱۵۰۰
 متری وجود دارد.



این پیرمرد که سال از پرو چرد به قم رفت تا امام را ببیند و وقتی که خبرنگار عکاس مابین پیرمرد نزدیک شد او عصایش را بلند کرد و گفت: متابعان کسی از من عکس نگرفته، اگر عکس را بگیری با این عصای سرت میزنم اما وقتی با عکاسها، جعفر دانیالی، که او هم پرو چردی است هم شهری در آمد اجازت داد تا از او عکس بگیرد. پیرمرد پرو چردی که برای دیدار امام شب رادر کنار رودخانه قم خوابید به خبرنگار ما گفت: در زمان سلطان ناصر تبعال خیلی چیزها دیدم اما دیدن امام خمینی را ندیده‌ام. از تمام دیدنیهای دنیا بیشتر قیمت دارد، فقط بخواهم امام را ببینم و چیزی از او نمی‌خواهم.

یک دلیل تصدیق سلاه

* * *

از روز گاران اولیه زندگی انسان هر آدمی زاده ای دردوران زندگی صحرا و جنگل و غارنشینی سعی کرده از بیماریها و امراض خود را محفوظ و در صورت ابتلاء با آنچه به عقلش می رسیده به مداوا می پرداخته، و بعدها هم که علم طب یادانش پزشکی بروز کرد تمام اطباء قدیم و پزشکان جدید همه دنیا کوشش داشته اند با ترکیب و معزوج کردن دوا مبتلایان به امراض را درمان و به طول عمر انسان که حد و مرزی پیدا نکرده بیافزایند و مخصوصاً در قرن اخیر با اختراع دستگاه های رادیوسکپی و رادیوگرافی با کشت و کشف میکروبها و شناخت انگلها و تهیه واکسنها و ساختن دواها و سرمها با اعمال جراحی و هزارانگونه فنون پزشکی همه سعی کرده اند با بیماریها مبارزه و مبتلایان را از خطر مرگ و میر برهانند .

کوششهای پزشکان محکمترین دلیل تصدیق شده اینستکه اعلام میکند : خداوند برای عمر انسان مدت معینی که مثلاً ۱۰۰ سال یا ۲۰۰ یا ۵۰۰ یا هزار سال یا بیشتر تعیین نفرموده تا بگوئیم وقتی انسان به فلان مدت عمر رسید حتماً خواهد مرد .

اخیراً مکرر در مجلات و روزنامه ها نوشتند : پزشکان شوروی داروئی کشف کرده اند و بی تکمیل آن هستند که مانع پیرشدن انسان می شود ، و پیر ها را به دوره جوانی برمیگرداند و مدت عمر انسانها را طولانیتر خواهد نمود شاید روزی برسد که با تکمیل برنامه بهداشت و دستورات و تاثیر دواها

و غذاها حقیقتاً عمر آدمیزادگان را به سالهای بسیار طولانی بالاتر ببرند نگارنده در پی اطاله مطلب و ضخیم کردن اوراق این نگارش نیستم، قصد آنست که دانسته شود: از اول خلقت بشر هیچکس نگفته و نخواهد گفت برای عمر انسان حدی محدود معین گردیده، چنانچه در خلال سطور تاریخ و قصص قرآن و کتب تورات و اناجیل نام اشخاصیکه عمرشان از سه هزار سال تجاوز کرده بسیار است.

اکنون اگر بیطرفانه کسانی را که تواریخ بسیار طول عمر معرفی کرده اغراق ندانیم، هیچ محل تعجب نیست که قبول کنیم کسانی: مانند خضر پیغمبر یا امام قائم حضرت حجة بن الحسن که وجودشان مشحون با علم اکمل و تعلیمات الهی است، و بواسطه اخلاق فاضله از هرگونه کینه و حسد و حرص و اموریکه موجب تحلیل قوا و تشدید عصبانیتها که حتماً باعث بیماری و فرسودگی جسم و تیرگی روان است برکنارند، و با رعایت اندازه خواب و خوراک و اعتدال امور معیشت (علاوه از مشیت و قدرت خدائی) استبعادی ندارد هزاران سال عمر طولانی نمایند.

حدیث ۵۰ - از صفحه ۱۲۷ کتاب کافی ابو عبد الله مفضل بن عمر

جعفی که از اصحاب اخلاص مند حضرت صادق است از آنحضرت روایت کرده که فرمود: اقرب ما یكون العباد من الله وارضی ما یكون عنهم اذا افتقدو حجة الله ولم یظهر لهم ولم یعلموا مکانه وقد علم الله ان اولیاء لا یرتابون ولو علم انهم یرتابون ما غیب عنهم حجة طرفة عین.

حاصل معنی: مقربترین بندگان خدا کسانی هستند که اما م

و حجت خدا از نظر آنان پنهان و مستور است و جا و مکان امام خود را نمیدانند

(فرائض دینی و شریعت اسلام را اجرا مینمایند) .

از علم خداوند گذشته است که دوستان خدا او ائمه بواسطه ایمان و اعتقاد راسخی که دارند (هر قدر هم زمان غیبت امام قائم طولانی شود هیچگاه در شك و شبهه واقع نشده و هرگز گمراه نخواهند شد) .

اگر غیبت امام سبب شك و گمراهی مؤمنین میگردد خداوند هرگز حتی بقدر يك چشم بهم زدن هم امام و حجت را از آنان غایب نمیکرد چون دوستان خدا با نور ایمان ثابت و محکم که عطیه الهی است قلوبشان مطمئن و همیشه درین راه خدایند بخصوص در مواقع شداید و گرفتاریها از جانب خدایاری می شوند ، و در هر حال نور خدا را با چشم دل می بینند و به امام خود اعتقاد دارند بطوریکه خود شان را در خدمت امام حاضر میدانند و بیوسته مؤید به تاییدات الهی هستند .

حدیث ۵۱- از صفحه ۱۲۸ کتاب کافی عمار (دهنی) از حضرت

صادق روایت کرده که آنحضرت فرمود : **والله عباد تکم فی السر مع امامکم المستتر و تخوفکم من عدوکم فی دولة الباطل و حال الهدنة افضل ممن يعبد الله فی ظهور الحق مع امام الظاهر ، وليست العبادة مع الخوف فی دولة الباطل مثل العبادة مع الامن فی دولة الحق .**

حاصل معنی به خدا سوگند شما با امامتان که از انظار پوشیده است ،

عبادت می که از ترس دشمنان در دولت باطل می کنید برتر است از عبادت کسانی که هنگام ظهور حقیقت با امام ظاهر بیجا می آورند ، زیرا عمل به احکام و انجام عبادات در زمان دولتها ی باطل و جابر با حال ترس بمراتب ارزشمند تر است از عباداتی است که در امنیت و آرامش در دولت حق اسلامی انجام میگردند .

حدیث ۵۲- از صفحه ۱۹۲ کتاب کامل بهائی : پس از عقد

قرارداد حضرت امام حسن با معاویه بن ابوسفیان ، سفیان بن لیلی خدمت

حضرت امام حسن آمد و از جهت انعقاد قرار صلح با معاویه امام را ملاحت
میکرد ، حضرت امام حسن فرمود : یاسفیان ، انی سمعت علیاً یقول : لا
تذهب اللیالی والایام حتی یجتمع امر هذه الامة علی الرجل واسع السرم
ضخم البلعوم لا یشبع ولا یموت حتی لا یكون له غادر فی السماء ولا فی الارض
وانه معاویة ، وانی عرفت ان الله تعالی بالغ امره .

یعنی ای سفیان من از یدرم علی (ع) شنیدم که میفرمود : نگذرد
چندانی از شبانه روز تا جمع گردد دامت این امت بر مردی فراخ روده و بزرگ
معدده و بسیار خورنده که سیر نمیشود و نمی میمیرد تا کسی نه در آسمان و نه
در زمین به اندازه او بامن دشمنی کند ، او معاویه است ، ومن محققاً
میدانم خدا ی تعالی امر خود را خواهد رسانید .

سفیان میگوید : لحظه ای با خود در مفاد فرمایش امیرالمؤمنین
علی تفکر کردم و از آنجا که خدمت امام حسن به مسجد رفتم ، پس از نماز همینکه
از مسجد بیرون آمدیم امام حسن از من پرسید به چه حاجت آمده ای ؟ گفتم
مرا محبت شما اهل بیت رسول خدا بخد مت شما آورد .

حضرت امام حسن فرمود : ابشر یاسفیان ، انی سمعت ابی
علیاً یقول : قال رسول الله (ص) یرد علی الحوض اهل بیتی ، ومن احبنی
واحب اهل بیتی من امتی که هاتین و سوی بین اصبعین السبابه والوسطی ،
ابشر یاسفیان ، فان الدنيا یتسع علی البر والفاجر حتی یربعث الله امام
الحق من آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم .

حاصل معنی : بشارت باد تو را ای سفیان به آنکه شنیدم از یدرم
علی (ع) که میگفت رسول خدا فرمود : وارد می شوند در کنار حوض کوثر بر من
اهل بیت من و هر که مراد دست دارد و دوست بدارد اهل بیت مرا از امت

من مانند این ، ود وانگشت سبا به وانگشت میانه خود را راست نمود و بهم وصل کرد و فرمود : این چنین .

آنگاه امام حسن فرمود : مؤده باد تورا ای سفیان که از دوستان ما اهل بیت هستی ، و بدان که دنیا جای وسیعی است برای نیکوکاران به کردار نیکشان وهم برای زشتکاران به رفتار زشتشان تا برانگیزد خداوند امام حق و حجت خود از آل محمد را (از پرده غیبت خارج نماید)

حدیث ۵۳ - از صفحه ۱۲۸ کتاب کافی حضرت امیر المؤمنین

فرمود : اللهم وانی لا علم انك لا تخلق الا رض من حجة علی خلقك ظاهر لیس بالمطاع او خائف مغمور کیلاً تبطل حجتك ولا یضل اولیاءك ، اولئک الاقلون عدداً والاعظمون عند الله قدراً ، اولئک اتباع العلماء فعلمائهم واتباعهم خرس صمت فی دولة الباطل منتظرون لدولة الحق طوبی لهم علی صبرهم علی دینهم فی حال هدنتهم ، ویا شوقاه لرؤیتهم فی ظهور و لتهم .
حاصل معنی : امیر المؤمنین میفرمود :

خدا ایامید انم که توری زمین را برای مردم از حجت خود خالی نمیگذاری ، یعنی از امامی که یا ظاهر است و او امرش را پیروی نمیکنند یا از دشمنان هراسان است و پنهان و گمنام به سر می برد تا حجت تو باطل نشود .
و اولیاء تو گمراه نگردند ، اولیاء تو که شماره ایشان از همه کم تر است و قد رومنزلتشان از همه بیش تر است ایشان پیروان علما هستند ، چون آنها و علماء آنها که برای نگهداری دین حق و اصول عقاید شریعت اسلام چون کرها و اولیاءها بر جور و زور د ولت های باطل تحمل و صبر میکنند و انتظار دولت حق دارند نزد خداوند بزرگوار و منزلتی عظیم دارند ، حضرت امیر المؤمنین فرمود
من اشتیاق دیدار آنان و ظهور دولت حق (امام قائم) را دارم .

حدیث ۵۴ - از صفحه ۳۱ کتاب بحار الانوار از امیرالمؤمنین

علیه السلام : فقال علی : اما والله لا قتلن انا ولورای هذان ولیبعثن الله رجلاً من ولدی فی آخر الزمان یطالب بدما ثنا ولیبعثن عنهم تمیزاً لاهل الضلالة حتی یقول الجاهل : ماله فی آل محمد من حاجة .

حاصل معنی : امیرالمؤمنین خدا را قسم یاد می کند که من و این دو پسر (حسن و حسین) را میکشند ، و خداوند از اولاد من مردی را مبعوث میکند که در آخر الزمان قیام میکند و خون ما را مطالبه خواهد کرد ولی برای آنکه گمراهان از دین و اصول انسانیت از مؤمنان تمیز داده شوند او ما موربه غیبتی است بطوریکه جهال و نادانان هم میگویند خدا چه حاجتی به آل محمد دارد ! و میگویند حجت خدا بر مردم لازم نیست !!!

توضیح لازم است در مفاد این حدیث تفکر و تدقیق کنیم که :

تا بحال همه مدعیان دروغ ساز و دروغ پرداز از با جعل و الحاق آیات قرآن و متن احادیث و اخبار هر دسیسه و فریبکاری توانسته اند کرده اند جز آنکه در حدیث فوق الذکر که علی امیرالمؤمنین اشاره به مطالبه خون خود و دو پسر خود نموده ، یکی از القاب شریف حضرت امام حجة بن الحسن امام منتقم است تا کنون به فکر انتقام خونهای آل محمد نبوده اند برای لفت و لیس خود و ایادیشان با شیادی هر ادعائی کردند غیر از آنکه نتوانستند از ظلم کنندگان به آل محمد انتقامی بگیرند زیرا خود شیوه کارشان ظلم در حق قرآن و آل محمد و حقوق عمومی انسانیت بود .

خداوند وصی دوازدهمین پیغمبرش امام منتقم از آل محمد را ذخیره نگه داشته تا با انتقام و مطالبه خونهای کشته شدگان راه انسانیت

هر ظالم و غاصب و طاغی و بدعت گری را در جهنم ابدی سرجای خود بنشانند
خوشبختانه دین سازان و افتسراق اندازان بفکریافتن لقب (سر)
و مدال از یاد شاه انگلستان بودند تا دستمزدها را دادند فلسطین و آواره
کردن فلسطینیها باشد ، کاری به گرفتن انتقام خون مظلومان آل محمد
نداشتند ، تا کذب ادعایشان آشکار باشد .

حدیث ۵۵ - از صفحه ۱۸۶ کتاب کمال الدین عن سعید بن

جبیر : قال سید العابدین : القائم منایخفی علی الناس و لادته حتی
يقولوا لم یولد لیخرج حین یخرج ولیس لاحد فی عنقه بیعة .

حاصل معنی : سعید بن جبیر از حضرت امام زین العابدین
روایت میکند که آنحضرت فرمود : امر ولادت امام قائم از ما ، بر مردم مخفی شد
آنچنان که مردم (جاهل) میگویند او متولد نشده ، و علت اختفای
ولادت و سبب غیبتش آنستکه هنگام ظهور ، طوق بیعت هیچکس در گردن او
نباشد .

حدیث ۵۶ - از صفحه ۱۸۷ عن ابی محمد الحسن العسکری

قال : اذا قام القائم ، امر یهدم المنار و المقاصیر التي فی المساجد لانها
محدثه مبتدعة لم یبنها نبی ولا حجة .

حاصل معنی : حضرت امام حسن عسکری فرمود : زمانیکه امام قائم
ظهور میکند : منارها و مساجدی که خارج از سنتهای اسلام با تجمل و زینت
بدعتاً ساخته که نه پیغمبر و نه امامی چنان مساجد پرتجملی ساخته اند
خراب میکند .

حدیث ۵۷ - از صفحه ۱۸۷ کتاب بحار الانوار و صفحه ۳۷۷ کتاب

کمال الدین عن الصادق قال : القائم منایرجم الزانی المحصن و ما نع

الزکوة يضرب رقبه .

حاصل معنی : از حضرت صادق : آنگاه که امام قائم به امر خدا
از استتار غیبت با تائیدات ظاهر گردد کسانی که مرتکب زنا می‌شوند
(رجم) سنگباران می‌کند و هر که پرداخت حقوق زکات برعهده داشته و
ترك کرده گردن می‌زند .

در این زمینه از متن فرمایشش دو امام حضرت امام صادق و حضرت
امام حسن عسکری در حدیث بالا چنین نتیجه می‌گیریم ، می‌گوئیم : کدام
يك از مدعیان مهدویت دروغی زناکاران زنا می‌محسنه را سنگباران کرده و کدام
مانع الزکوة را گردن زده‌اند؟ و یا کدام مسجدیکه برخلاف دستور اسلام بنا
شده خراب کرده‌اند ؟

حدیث ۵۸ - از صفحه ۱۸۴ کتاب کمال الدین و کتاب احتجاج

مبصری و کتاب بحار الانوار و صفحه ۱۵۰ کتاب اطیب البیان فی تفسیر
القرآن ، از ابی حمزه ثمالی از ابی خالد کابلی : قال دخلت علی سید العابدین
فقلت : یا سیدی روی لنا ان امیر المؤمنین (ع) قال : ان الأرض لا تخلو
من حجة الله علی عباد فمن الحجة بعدك ؟ قال : ابني محمد واسمه فی
التوریه باقر ، ومن بعد محمد ابنه جعفر واسمه عند اهل السماء الصادق ،
فقلت : کیف صار اسمه الصادق وکلکم صادقون ؟ فقال : حدثنی ابی عن
ابیه ان رسول الله قال : اذا ولد ابني جعفر بن محمد بن علی بن الحسین
فسموه الصادق ، فان الخامس من ولده الذی اسمه جعفر یدعی الامامة
اجترأ علی الله وکذباً علیه ، فهو عند الله جعفر الکذاب الذی یروم
کشف سر الله عند غیبة ولی الله ، ثم بکی علی بن الحسین ، ثم قال
کانی بجعفر الکذاب وقد حمل طاغیة زمانه علی تفتیش امر الله فی المغیب

فی حفظ الله ، جهلاً منه بولادته وحرصاً منه على قتله ان ظفربه طمعاً
 فی میراث اخیه ، حتی يأخذ بغير حق ، فقلت له یا بن رسول الله ، ثم
 ماذا یكون ؟ قال : ثم تمت الغيبة ولی الله الثانی عشر من اوصیاء رسول
 الله (ص) ، یا ابا خالد : ان اهل زمان غيبته القائلین بامامته والمنتظرون
 لظهوره افضل من اهل كل زمان ، لان الله تبارک وتعالی اعطاهم من
 العقول والافهام والمعرفة ، ما صارت به الغیبت عندهم بمنزلة المشاهدة
 وجعلهم فی ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بین یدی رسول الله بالسيف
 اولئك هم المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاة الى دين الله سرا وجهراً
 وقال : انتظار الفرج من افضل العمل .

حاصل معنی : ابو حمزه ثمالی که از اصحاب خاص و مخلص حضرت
 امام علی بن الحسین است از خالد کابلی روایت میکند کہ : بخدمت حضرت
 سید العابدین علی بن الحسین بودم پرسیدم کہ از حضرت امیر المؤمنین
 روایت شده : هیچگاه زمین از حجة خدا بریندگانش خالی نخواهد ماند
 (در این صورت) شما بفرمائید بعد از شما حجت خدا چه کسی خواهد بود ؟
 حضرت امام زین العابدین فرمود : بعد از من پسر محمد کہ در
 ثورات به اسم باقر معرفی شده ، و بعد از محمد پسرش جعفر کہ در نزد
 اهل آسمانها صادق نام دارد حجت خدا خواهند بود .

ابی خالد میگوید : پرسیدم چرا اسم جعفر را اهل آسمانها
 صادق میگویند ؟ و حال آنکه شما همه ائمه معصومین صادق (راستگو) هستید
 فرمود : پدرم امام حسین از پدرش امیر المؤمنین و آنحضرت از رسول خدا
 شنیده کہ فرموده : زمانیکه پسر جعفر بن محمد بن علی بن الحسین متولد
 شد ، او را صادق بنامید ، زیرا پنجمین فرزند همین جعفر صادق کہ اسم

او نیز جعفر خواهد بود به دروغ دعوی امامت میکند و برخد اگستاخ می شوند و بر او دروغ می بندد (زیرا حجت خدا را انکار می کند) بدین جهت در نزد خدا جعفر کذاب است چون می خواهد در غیبت ولی الله (حجه بن الحسن) پرده از خدا بردارد.

بعد از این گفتار امام زین العابدین علی بن الحسین (ع) گریه کرد، پس از آن فرمود: جعفر کذاب به کید و اغوی طاغی آن زمان (معتد خلیفه عباسی) قصد می کند میراث امامت امامی را که خدا نگهدار و حافظ اوست تصاحب کند، با اینکه از طرف معتد خلیفه وقت مأمور به تفتیش جدی ولادت فرزند امام حسن عسکری بود و ولادت امام قائم حجه بن الحسن عجل برای جعفر کذاب معلوم و مکشوف نگردید و اگر میدانست پسری از برادرش امام حسن عسکری بدنی آمده و او را در همان اوان طفولیت شهید میکرد تا بناحق میراث امامت برادرش امام حسن عسکری را تصاحب کند!!!

ابی خالد کابلی مجدداً از امام علی بن الحسین پرسید یا بن رسول الله

بعد از آن چه میشود؟ امام فرمود غیبت ولی الله که در نزد همین نفر از اوصیاء پیغمبر ص است طولانی خواهد شد مرد مزمان غیبت آن حجت خدا آنها که قائل به امامت قائم آل محمد و از منتظرین ظهور او هستند برتر از مؤمنین هر زمانی می باشند، زیرا خداوند تبارک و تعالی برای محفوظ ماندن از فتنه و گمراهی و انحرافها به مؤمنین زمان غیبت امام چنان عقل و درک و فهم و معرفت شناسائی امام زمان خود را عطا میکند که آنها با نیروی ایمان و شناسائی حق و چشم دل چنانند، گانسه امام زمان را مشاهده و اوامرش را اطاعت مینمایند و او را امام مفترض الطاعة میدانند، (بدان جهت) خداوند اجر آنان را بمنزله مجاهدین با شمشیر در حضور و رکاب رسول خدا قرار داده، مؤمنین زمان غیبت که اعتقادشان ثابت و اوامر و نواهی احکام اسلام را نصب العین

قرار میدهند بندگان مطیع خدا و شیعیان راستین ما آل محمد در آشکار و نهان
و پیروان حقیقی شریعت و دین حنیف اسلامند .

انتظار فرج و ظهور امام غائب مهدی آل محمد (عج) برترین

اعمال و ارزشمندترین عبادات است .

حدیث ۵۹ - از صفحه ۱۲۹ کتاب کافی از ابی عبد الله جعفر

بن محمد قال : ان لصاحب هذا الامر غيبة ، المتمسك فيهابد ينة كالأخارط
للمغيلان .

حاصل معنی : حضرت امام جعفر الصادق فرموده : برای

حضرت صاحب الامر غیبتی است که در زمان غیبت صاحب الامر کسانی که متمسک
بدین و شریعت حق اسلام هستند چنان در رزحمت و شدت و سختی میگذرانند
مانند کسی که شاخه بوته خار مغیلان را از بالا به پائین دست بکشد .

زیرا خار مغیلان پر زهر و سوزاننده و نوك خارها چون نشتر زهر
آگین رو بیابا قرار دارد و دست را عمیقاً مجروح میکند و از آن نارواتر اینکه تا
مدتی طولانی در اثر زهر تیغ خارها سوزش جراحی آرام نمیگیرد .

کنایه از اینکه وضع مردم زمان چنان به زمان جاهلیت بر میگردد که
مشاهده روش اکثر مردم که بی پروا مرتکب افعال زشتند و مؤمنان هم بواسطه
معانعتها قدرت نهی از منکر ندارند خونابه میخورند و چاره ای جزرنج کشیدن
ندازند !!!



فصل ۱

انسان با نیروی عقل گل سرسبد آفرینش شده

* * *

در فصل اول شمه ای از قانون حیرت انگیز خلقت که هیچ پیکری بدون عضو قلب قادر به ادامه زندگی نخواهد بود خواندیم، و نوشتیم که سرانجام زندگی آدمی که بواسطه قوه تفکر و نیروی عقل، گل سرسبد آفرینش و اشرف مخلوقات و صد رنشین کائنات شده تیره روزی و بد بختی و تباهی نیست. و بازبان بسیار ساده همه کس فهم عقلاً و نقلاً مدلل ساختیم: همانطور که زندگی جانداران بدون وجود قلب امکان پذیر نیست، همانقسم هم برای نظم خلقت و ثبات زندگی جوامع انسانی در هر زمان نماینده خالق و خلیفه الهی که بمنزله قلب عالم هستی است لزوم حتمی دارد و بدون وجود حجت خدائی لحظه ای زمین و آنچه در زمین هست قادر به ادامه حیات و گردش زندگی نخواهد بود.

از فصل اول تا این فصل هم پیشگوئیهای از کتب مسلکی: بودائیان و هندوان و پارسیان و آیات متعدد از سفر تورات یهود و اناجیل چهار گانه مسیحیان و مکاشفات یوحنا و فرازهای بی شمار از عقاید فرق مختلف اسلامی و روایات چند از گفتار و اخبار علماء و مورخان و دانشمندان و صاحب قلمان

مذاهب اربعه عامه و برادران اسلامی اهل سنت و ضوحاً شرح دادیم
همچنین ۵۹ حدیث متقن و متواتر و معتبر و مستند رسیده از طریق
علماء و دانشمندان بزرگوار شیعه از اقوال حضرت رسول خدا (ص) و ائمه
معصومین علیهم السلام را نیز در فصل هفتم خواندیم *

اکنون در این فصل و فصول بعد هم گوشه مختصری از مقصود داعیه
مدعیان دروغی مهدویت را بطور اجمال خواهیم خواند - نتیجه ای بد و ن
حب و بغض و قضاوت خالی از تعصب با اتکاء و رهبری عقل بی غرض با یسد
بدست آوریم : که انسان خاکی هیچوقت بدون خلیفه خدائی یا رهبری
روحانی اعلم و اشجع و توانا و مافوق همه قدرتمندان که زرق و برق و تجملات
مادی و دبستگی دنیائی را پشت سر رها کرده نبوده ، تماماً موریت بر نامه
خدائیش عدالت مطلق همه جانبه اجتماعی را اجرا نماید و پیروان خود را با
کاملترین و بهترین رشد فکری بدون آلودگی به مادیات بمراتب عالی و کمال
صیانت انسانیت ارتقاء دهد *

این رهبر حقیقی بواسطه تاییدات الهی از هیچکس و هیچ قدرتی
غیر از خدای قدیر و مقررات شریعت آسمانی تبعیت نمیکند، و باید بدون استثناء
تمام آدمیزادگان تابع بی چون و چرای آن رجل مقتدر الهی باشند *

نتیجه ای که می خواهیم اینک : خوانندگان گرامی با ارزشیابی
و آگاهی و مقایسه داعیه دروغی و دسائیس مدعیان مهدویت با علائم و اخبار
احادیث رسیده در شناخت صفات حضرت مهدی موعود قائم آل محمد (ص)
آگاه و هوشیار تر گردند تا مبادا خدای نا کرده در اثر بی اطلاعی و غفلت میسر
دام حيله گران سیاسی و مغرضان بی دین و دست پروردگان استعمار چیان شوند
که باز هم ممکن است در آینده مدعیان دیگری بالباس و نوای دیگر سراز

لانه های روباه صفتان بیرون آرند و با حیلہ های احمقانه بخواهند شکافها
 وجدائیهای تازه ای بر بیکر اجتماع مسلمانان وارد آورند، و مابنه تباهی و
 گمراهی و خسران اخروزی دچار نگردیم و از مواد آزمایشات و امتحاناتی که
 خداوند برای ثبوت و استواری عقیده و ایمان بندگان خود بواسطه غیبت
 طولانی مهدی موعود امام حجه بن الحسن العسکری مقرر فرموده سالم و
 صالح بیرون آئیم و انشاء الله در شمار مؤمنین روشن فکر حقیقی ثابت القدم
 و پیرو احکام قرآن و اوامر آن مهدی اُمم و جامع الکلم بشمار آئیم.

۶۰ کذاب مدعی مهدویت

حضرت رسول اکرم در زمان حیات خود از قرنهای جلوتر آگاهی داده
 و فرموده: شصت نفر کذاب و دروغگو که دوازده نفرشان از سادات بنی هاشم
 هستند مدعی مهدویت خواهند شد.

باید توجه داشت که: پیدایش این همه مدعیان دروغی مهدویت
 روشنترین دلیل وجود امام قائم آل محمد است.

لازم به توضیح است که مقصود از آگهی و فرمایش حضرت رسول اکرم
 مدعیان کذاب مهدویت کسانی هستند که خود شان داعیه مهدویت در
 سرداشته اند، نه آنهائیکه خود هیچگونه ادعائی نداشته اند.

ولی عده ای گمراه و مغرض بمنظور نفاق اندازی بین مسلمین و سر
 بازدن از قبول امام وقت با افتراء و دروغ یکی از فرزندان ائمه یا اشخاص
 دیگر را برای خود امام و پیشوا قرار داده اند؛ مانند فرقه کیسائییه که پس از
 شهادت امام حسین علیه السلام:

از قبول امامت امام زین العابدین امام چهارم سرباز زدند و محمد بن حنفیه
فرزند امیر المؤمنین علی بن ابیطالب را پیشوای خود دانستند .

اما محمد حنفیه و خود مدعی امامت نبود بمنظور رفع شبهه آن گروه :
محمد حنفیه با حضرت امام زین العابدین در مسجد الحرام مقابل حجر الاسود
و خانه کعبه ایستادند در انظار جمعیتی کثیر ، ابتدا محمد حنفیه سؤال
کرد : آیا بعد از برادرم امام حسین من حجة خدا نیستم ؟ حجر الاسود
ساکت بود محمد جوابی نگرفت ، هنگامیکه امام زین العابدین از حجر الاسود
شهادت خواست حجر الاسود آشکارا به امامت امام زین العابدین شهادت
داد ، در زمان امامت حضرت امام جعفر صادق هم ابوالهاشم اسما عیل
بن محمد حمیری که خود را پیرو محمد حنفیه میدانست و شعری سروده بود
و گفته بود : محمد حنفیه زنده و در کوه رضوی روزی میخورد و کی خواهد آمد ؟
حضرت صادق برای بطلان عقیده ابوالهاشم حمیری را بالای قبر محمد
حنفیه آورد ، به قبر محمد دستی کشید به اذن خدا برای کشف حق محمد
در حالی که موهای سرش می ریخت بلند شد و گفت ای ابوهاشم مرا میشناسی
ابوهاشم حمیری گفت نه ، محمد گفت من محمد حنفیه پسر وصی پیغمبر
امیر المؤمنین علی هستم بدانکه : بعد از برادرم امام حسین علی بن ^{الحسین}
پسر امام حسین و بعد از او پسرش محمد بن علی و پس از او (اشاره به امام
صادق) این است حجت خدا ، و آنوقت سرش را داخل قبر نمود و قبر بهم آمد .
و همچنین فرقه های دیگر : طایفه زیدیه بعد از امام زین العابدین
زید پسرش را امام فرض کردند و از پذیرش امامت امام محمد باقر ابا کردند و
گروهی دیگر (مرتابون) امامت امام صادق را نپذیرفتند .

فرقه اسماعیلیه : که ضمن حدیث سیزدهم در صفحه ۱۲۶ این

کتاب خواندیم ، با وجودیکه اسماعیل پسر حضرت امام جعفر صادق شش سال پیش از رحلت امام صادق وفات یافت فرقه اسماعیلیه امامت امام هفتم حضرت موسی بن جعفر را قبول نکردند و گفتند : بعد از امام صادق اسماعیل که قبل از پدرش مرده بوده امام است (در صورتیکه در يك زمان ابد آد و امام از جانب خدا مورا امامت و حجیت نبوده اند وقتی که امام صادق در حال حیات و مسند شریف امامت بوده اسماعیل از دنیا رفته ، آیا شخص مرده میتواند مسئول پیشوائی مردم باشد؟!) چون اسماعیل پسر بزرگتر و مورد محبت امام بوده لذا حضرت صادق برای روشن شدن اذهان که واقف بوده گروهی به غلط و غرض مدعی امامت پسرش اسماعیل خواهند شد ، هنگام تشییع جنازه اسماعیل فرزندش خود پیش پیش جنازه می رفت و چند بار دستور فرمود تا جنازه رازمین بگذارند و روپوش صورت اسماعیل را بر میداشتند و امام صادق صورت و زنج و زیر گلوی اسماعیل را میبوسید ، وهم بنیابت فرزندش اسماعیل شخصی را موسم حج به مکه فرستاد که به نیابت پسرش حج بجا آورد .

مگر با این قرائن و خصوصاً متن وصیت امام صادق در ۶ سال پس از مرگ اسماعیل که در تاریخ و اسناد شیعه و مدرک اهل سنت ضبط شده برای حفظ جان موسی بن جعفر از این پنج نفر : ۱- خود خلیفه منصور و انیقی ۲- محمد بن سلیمان والی مدینه ۳- پسر دیکر امام عبدالله که مبتلا به نقص پا بود ۴- حمیده مادر موسی بن جعفر ۵- موسی بن جعفر و جانشین خود قرار داده بطلان عقیده اسماعیلیه روشن نیست ؟ *

باید دانستکه : هیچکدام از : محمد حنفیه یا اسماعیل پسر حضرت امام صادق (ع) ، یازید پسر حضرت امام زین العابدین خودشان ابد مدعی امامت نبوده اند ، ولی فرقه هائی بدون دلیل یا وصیت امام هردسته شخصی را که خود داعیه ای نداشته برای خود زعیم و امام قرار داده اند و راه خود را از شیعیان حقیقی اثنی عشری جدا کرده اند .

چرا منتظرین ظهور حضرت قائم (عج) اجر و ثواب هزار شهید مثل شهداء غزوات بدر واحد دارند؟

در جلد سیزدهم کتاب بحار الانوار صفحه ۱۳۶ نقل از کتاب کافی از حضرت امام سجاد علی بن الحسین (ع) روایت میکند :

من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا اعطاه الله اجر الف شهید
مثل شهداء بدر واحد .

حاصل معنی : کسیکه در زمان غیبت قائم آل محمد (عج) پیرو احکام قرآن و در قبول ولایت آل محمد ثابت العقیده باشد اجر و ثواب هزار شهید مانند شهداء غزوات بدر واحد را دارد .

در زمان حیات رسول خدا ۲۸ غزوه پیش آمد که در همه آن غزوات عموم مجاهدین مخلص اسلام در رکاب پیغمبر بی مضایقه حاضر بودند ، ولی در هفده غزوات ، رگبری رخ نداد ، فقط در ۹ غزوه که مهمترین آنها غزوات بدر - احد - خندق یا احزاب - خیبر - حنین و غیره مقابله و مقاتله روی داده که با مجاهدات دلیرانه و بی مضایقه شهداء جلیل القدری چون حمزه بن عبد المطلب عموی مهربان پیغمبر و مصعب بن عمیر و عبد الله رواحه و عبد الله بن جحش و یمان بدر حدیفه و بالاخره فدائی جانباز جعفر طیار و چند تن دیگر از صحابه پراچ و یاران رفیع المنزلت رسول خدا ابی شرف و فتوحاتی حاصل شد . ولی در غزوه بدر کبری چنان شهدائی نداشته و تمام افراد مجاهد غزوه بدر ۳۱۳ نفر بوده که گفته اند از این عده فقط ۱۴ نفر شهید گردیده ، ولی موقعیت زمانی غزوه بدر برای پیشرفت و گسترش شریعت اسلام بسیار حساس بوده ، که رسول خدا برای پیشبرد اجرای مأموریت الهی

از خداوند مسئلت کرد : که اگر این عده قلیل مجاهدین حاضر در غزوه بدر ر فاتح نشوند اسلامی که به امر تو آورده ام متوقف خواهد شد، و با قلبی امیدوار به نصرت الهی خود مجاهدان با اخلاص حاضر در غزوه بدر را آرایش جنگی وصف آرائی نمود و خود را و بر وی مجاهدان ایستاد خطاب به آنها فرمود :

شما ای یاران الله و ناصران دین خدا امروز در این سرزمین و در موقعیتی ایستاده اید که هر کس شایسته این مقام حق خواهی و حُب خدائی نیست ، منزلت روحانی و قدر مجاهدات خود را بدانید خوف در دل خود راه ندهید ، در شدا ئد پر تحمل باشید و بر خدای رؤف توکل کنید .

خداوند قاضی الحاجات دعای رسول الله را اجابت فرمود و بالشکری از ملائکه مجاهدان غزوه بدر را کمک و نصرت داد که با وجود کمی نفرات غزوه بدر ۷۰ نفر از مشرکین مکه که ۳۶ نفرشان چون : ابوجهل و عتبه و شیبه و حنظله پسر ابوسفیان و نوفل و ولید و خویلد و طعمه بن عدی و عاص بن سعید و چند نفر دیگر از رجال برجسته و گردنکشان مشرکین مکه بودند بدست مسلمانان کشته شدند و ۷۰ نفر هم که من جمله عباس عموی پیغمبر و ابی العاص داماد پیغمبر را اسیر گرفتند و فاتح و مظفر با غنائم بسیار بمدینه برگشتند ، و در مقابل از ۳۱۳ نفر سپاهیان مسلمان غزوه بدر فقط ۴ نفر شهید گردیدند همچنین در غزوه احد که اگر علی بن ابیطالب و حمزه شجاع جانباز و نسیمه جراحه از جان پیغمبر حمایت نکرده بودند و مثل دیگران پیغمبر را تنها گذاشته بودند ابوسفیان و خالد بن ولید و دیگر سران قریش و کفار مکه وجود رسول خدا را از میان بر میداشتند و نور اسلام را بکلی خاموش می کردند و دوباره کفر و جاهلیت ریشه دار می گردید .

اگر بگوئیم : سپاهیان مجاهد غزوه بدر به نسبت و مقایسه شهداء

غزوات دیگر عبادت بیشتر داشته اند میگوئیم همه میدانند و در تاریخ وقایع اسلام هم ثبت نموده که در سال دوم هجرت که غزوه بدر اتفاق افتاد هنوز بسیاری از احکام اسلام از حلال و حرام و واجب و مستحب از قبیل: وجوب حج و اداء زکات و حرمت شرب خمر و حد زنا کاران مقرر و اجرا نشده بود، و اعمال عبادتی که مجاهدان غزوات دیگر ملزم به اجرای آن احکام بودند بیشتر از عبادات مجاهدان غزوه بدر بوده اند.

پس تفاوت و ارزش شمندی اهل غزوه بدر از آن جهت است که آنان در موقعیت وزمانی که اسلام نو بنیاد و هنوز ریشه گیر نشده بود، با پایمردی و از خود گذشتگی و مجاهدات بی شایبه از نهال جوان اسلام نگهداری و با نثار خون خود ریشه دین حق را آبیاری و باغبانی کردند.

میدانیم و دیده ایم وقتی نهال جوانی را در زمینی میکارند چوبی بمنظور تکیه گاه پای نهال جوان قرار میدهند و مواظبتهای جدی تری از نهال تازه میکنند تا از شدت بادهای مخالف محفوظ بماند و ریشه ها رشد کرده خود را جاگیر و محکم کند، غزوه های بدر واحد هم در زمانی پیش آمده بود که رسول خدا نهال اسلام را تازه نشانیده بود، که اگر پایداری و اخلاص و کوشش ۳۱۳ نفر مجاهدان غزوه بدر واقع نمیشد و دوام و پیشبرد اسلام تا زمان وقوع غزوه احد نمی رسید، و وقتی بقاء اسلام تا واقعه غزوه احد رسید هنوز هم نهال نوجوان دین حق درست پاگیر و تنومند نشده بود چنانکه تاریخ ثبت کرده بجز زنده خیلی معدودی سپاه اسلام در غزوه احد گریختند که با پایداری و فداکاری علی بن ابیطالب و حمزه و سلمان و نسیمه جراحه و یسر نسیمه وضع جنگ تغییر و دوباره افراد فراری جمع و از رسول خدا که ریشه پر قوت اسلام است محافظت و حمایت نمودند و تا بانصرت خدائی سران

لجوج و خطرناك مشركين مکه کشته نمیشدند ابوجهل و ابولهب و عتبہ و شیبہ و عمرو بن عبدودها و ابوسفیان مسلکها ریشه تازه نهال اسلام را از بیخ می کردند ، اما رشادت و پایداری و مجاهدتهای جانبازان غزوه بَدْر و خوز محترم شهداء اُحُد و بَدْر نهال جوان شریعت اسلام را تا ابد رشد و نمو دادند و زمینه گسترش و پیشرفت دین حق را شهیدان بَدْر و اُحُد فراهم کردند . در غزوات بعد از غزوه های بَدْر و اُحُد اسلام قوی تر و تجهیزا و تشکیلات و ادوات و نفقات جنگی کاملتری دارا شده بود ، و هم منطقه فرما و احکام اسلام وسعت پیدا کرده بود بطوریکه حتی کسانی که قلباً ایمانی محکم نداشتند به محض گفتن : اشهدان لا اله الا الله ، و اشهدان محمد ارسوا الله در حمایت اسلام و مسلمین در می آمدند و جان و مال و ناموس و شرفشمار در پناه اسلام محفوظ میماند ، اگر فقیر بودند برایش راه معاش میرواگ . عیال و جای زندگانی نداشتند آنان را صاحب خانه و کاشانه می کردند .

اما زمانی که ۳۱۳ نفر فداکاران و غازیان به غزوه بدر می رفتند بود چه و بیت المال و تجهیزات کافی نداشتند ، چنانکه بیشتر افراد پیاد بودند و چند نفر چند نفر روی یک شتر سوار می شدند .

ولی در غزوات و سربیه های بعد از بدر و احد نفوذ و شوکت و قدر اسلام بقدری رسیده بود که فرضاً اگر شمر بن ذی الجوشن شهادتین را بر زبان جاری میکرد در حمایت بی مضایقه اسلام قرار می گرفت و از مزایای زیاد بهره مند می شد ، مهم مطلب اینکه در نتیجه فداکاری و استقامت مجاهدان غزوات بَدْر و اُحُد دامنه تبلیغ اسلام بالا گرفت و از شهر مدینه به فتح مکه رسید و بالاخره از شبه جزیره عربستان پا بیرون گذاشت تا ایران و مصر و شام و فلسطین و روم و چین نفوذ یافت و پیش رفت ، تا آنروز که یزید نوه ابوسفیان میخواست تا

قطب آسیای اسلام امام حسین نوه رسول خدا را در واقعه تاریک کربلا از میان بردارد و با همان هدفی که ابوجهل و ابولهب و ابوسفیان تاریک بیند و غزوه های بدر واحد میخواستند و قصد کرده بودند نور اسلام و هدایت قرآن را مضمحل و خاموش کنند ، یزید عنید هم میخواست با کشتن امام حسین بن علی و هفتاد و چند نفر یارانش اسلام و انسانیت را از ریشه یکجا برکند ، یزید میخواند و میگفت : کجایند اجداد و اعمام من که در بَدْرَ و اَحُدْ کشته شدند تا بنگرند من امروز به تلافی شمشیر محمد فرزندش یگانه رکن مسلمانی را به خاک و خون کشیدم !!!

اینجا هم شهداء واقعه کربلا همان استقامت و پایداری که اهل غزوات بدر واحد کرده بودند انجام دادند ، و امام حسین راه دیگری برای نجات و بقاء دین حضرت ابراهیم و شریعت محمدی و ترویج احکام قرآن نداشت خود و یارانش جانانه قیامی چنان عجیب بپا کردند که امروز و تا دنیا باقی است لعن و نفرت بر آل امیه از بیگانه و خودی جاری و مجاهدات امام حسین و یارانش سر بر نامه آزاد مردان قرار گرفته است .

سر باختگان واقعه عاشورای کربلا از آنجهت که چون سربازان بدر واحد بانثار خونهای خود از سقوط اسلام مردانه جلوگیری کردند و موجب گسترش و بقاء اسلام شدند منزلتی عظیم و مرتبتی جلیل دارند ، چنانکه در زیارت حضرت ابا الفضل العباس میخوانیم : اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلٰی مَا مَضٰى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ .

یعنی : شهادت میدهم بر تو همان گذشت که بر اهل غزوه بَدْرَ گذشت ، شهداء کربلا هم بانثار خون خود پای درخت اسلام و حضرت زینب با خطبه های متقن و غرّای خود در دروازه های کوفه و شام و مجلس یزید و خطبه پُر بُرْهَانَ امام سجاد در مسجد جامع اموی دمشق با بلندگوی بلاغت و استلال و منطق ، سلسله جاهلیت خواه و خون آشام اموی را واژگون و ساقط کردند .

خبر داده اند و حقیقت آنهم آشکار است که آنقدر اجرای شریعت و دینداری مشکل میگردد که نگهداری آتش در کف دست و آهن سرخ شده در مشت آسانتر از حفظ ایمان خواهد بود یا دست کشیدن از بالا به پائین بوته خا رمغیلان آسانتر از انجام قواعد دین می شود ، آنچنان مؤمنانی در چنین اوضاعی که بتوانند حقیقت دین خود را نگهدارند اجر و ثوابشان هزار برابر ثواب شهداء غزوات بَدْرٍ وَّأَحُدٍ است که در آن روز از اسلام نوبنیاد و از دین حق و رسول خدا حمایت کردند .

هند
این توضیح در اینجا لازم است که گروهی مردم با افکار سطحی خوا
 گفت : چگونه کسانی با خواندن دو رکعت نماز و انجام قواعد دین اجر و مزدشان هزار برابر با اجر شهدائیکه جان خود را در غزوات بَدْرٍ وَّأَحُدٍ از دست داده و غرق در خون خود شده اند برابر است ؟

با منطق عقل پسند میگوئیم : مجاهدان غزوات بَدْرٍ وَّأَحُدٍ چند روز بیشتر زحمت سفر نداشتند و ۱۴ نفر شهداء بَدْرٍ در نیم روز و هفتاد نفر شهداء أَحُدٍ هم در یک روز زحمت و سوزش جراحات شمشیر و نیزه و سختی شهادت را کشیدند ، ولی مؤمنان و دینداران آخر الزمان در مدت طولانی غیبت امام قائم آل محمد (ص) هر دقیقه و هر لحظه ای که از عمرشان بگذرد و ناظر امور خلاف حق و شریعت اسلام هستند و نتوانند امر بمعروف و نهی از منکر کنند و خودشان برای اینکه مقررات دینی انجام میدهند مورد تحقیر و آزار و استهزاء بی اعتقادان و فجار قرار میگیرند چندین برابر سخت تر از جان دادن شهداء غزوات بَدْرٍ وَّأَحُدٍ می گذرانند و مستحق وعده خداوند صادق الوعد و اجر و مزد شهداء بَدْرٍ وَّأَحُدٍ خواهند شد .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَأَرْزُقْنَا رُزْقَهُ حُجَّتِكَ الْقَائِمِ (عج)

انتظار ظهور حضرت مهدی به جهات متعدده‌ای

افضل اعمال است

برای اینکه روشن و شناخته شود چرا انتظار ظهور حضرت خاتم
الاولیاء مهدی آل محمد (ص) افضل از همه اعمال و عبادات است به این
مختصر نمیتوان جهات متعدده آنرا بیان داشت بلکه تدوین کتب مفصل و
فصول مطول لازم است تا گوشه‌ای از فلسفه موضوع روشن گردد، با این حال
چون ظرفیت این نگارش و حوصله خوانندگان اجازه تفصیل مطلب را نمیدهد
ناگزیر مختصراً به یکی از جهات افضلیت انتظار ظهور ولی عصر می پردازیم.
مع التاسف برخی مؤلفان و گویندگان بانسختن هسته مقصود اصلی
و توجیه علل و جهات غائی فضیلت‌های انتظار ظهور قائم آل محمد (ص) سطحی
گذشته و سر بسته ثواب‌های نوشته یا گفته‌اند و شنوندگان هم خود و بی تحرك
و خود سازی و آمادگی دیدار و تهیه رویارویی امامی که منتظر ظهورش هستند
با اینکه غوطه و دررذائل اخلاقی و سوء رفتارند به تصور واهی خود خوشدل
نشسته‌اند و خود را مشمول ثواب و فضیلت‌های منتظرین ظهور و رسیدن فرج
مصلح کل مهدی آل محمد (ص) میدانند !!!

گروهی هم با گوشه گیری و انزوا و رخوت تمام از هرگونه اقدامات -
اصلاحی و فراگیری علوم و فنون نیازمندی زمان جامعه مسلمین کنار گرفته‌اند
غافل از اینکه تا جامعه‌ای قابلیت رشد پیدا نکند استحقاق رفاه و آسودگی و
و تعالی نمی یابد، و مسلماً فرج و ظهور امام زمان (عج) منبع خیرکلی و برکت
و ترقی و رفاه عمومی است.

مخبرین صادق خیر داده اند : در آخر الزمان در ایام غیبت طولانی
 امام قائم که بظاہر دسترسی به امام خود ندارند و بظاہر ملجاء و پناهی
 ندارند و در اثر مخالفت منافقان شب و روز گرفتار اذیت و آزار و تمسخر
 بی اعتقادان قرار دارند و دشمنی و کینه و تلقینات و تبلیغات کنیسه های
 جهودان مُزور و اقدامات کلیساها ی مسیحیان جنگ طلب و حلقوم فراخ
 استعمارگران دجال صفت نمیگذارند احکام قرآن و اسلام اجرا
 شود ، با فریفتن مردم کم اعتقاد و پدید آوردن گناهان و رواج و شایع
 ساختن گناهان رنگارنگ آنقدر مردم را بی اعتقاد و نفوذ اسلام را ضعیف
 میکنند که فرموده اند : از اسلام بجز اسمی و از قرآن بجز درسی باقی نمی
 ماند ، در نتیجه آنها که ایمانشان سست و عقاید ثابتی ندارند بدنبال
 اراجیف و هر آب و رنگ و لفت و لیس می روند تا جائیکه بدگویی از اسلام را روشنفکری
 می دانند و بدخواه امام زمان می شوند !!! بطوریکه آداب انسانیت و مروت
 و دین و اخلاق و ناموس و عفت و حیا دستخوش اغراض و اباطیل می گردد
 و دروغ و ظلم و ستم همه جا رافرا میگیرد ، رقاصه ها و مطربان و دلک ها
 و فجار بالا نشین و فواحش و شرب مسکرات علنی و رواج پیدا میکند و هر کار
 زشتی موجب افتخار مرتکبین میگردد !!!

متاسفانه در آن روزگار برهیزکاران و مؤمنین خواری شوند و مورد
 استهزاء و اذیت و آزار قرار میگیرند ، آنان را سطحی و قشری می نامند و
 در هیچ انجمن و مجلس و اجتماعی راهشان نمیدهند و از همه مزایای
 حق زندگی محرومشان می نمایند و دینداران و درستکاران بحدی
 گرفتار محرومیتها و مضیقه می شوند که برای گذران و سیر کردن شکم
 خود و فرزندانشان از لقمه حلال در مانده و مضطر شوند !

انتظار ظهور و شوق دیدار رکسانی صدق میکند که باروش خود نشان دهند آمادگی پذیرائی کسی را دارند که انتظارش را می کشند، مثلاً جمع یافردی که انتظار ورود شخص محترمی دارند بکلی فارغ و بی تهیه نمی نشینند و با اصطلاح معروف: باری به هر جهت و تصادف نمیگذرانند.

آنانکه منتظر ورود شخصیت عزیزی هستند اقلاد زون خانه را از کثافات پاک کرده اطاقها را مرتب و نظیف نگاه میدارند، محلی را برای نزول شخص بزرگواری که منتظرش هستیم معین و غذای مطبوعی مهیا میکنیم و صحن منزل را با چند بوته گل و آب پاشی و با صفای آرائیم و پیوسته چشم براه و گوش به زنگ در خانه هستیم که تا آن شخصیت گرامی برسد.

گرچه تمام مردم جهان و پیروان همه ادیان چنانکه در فصول چهارم تا فصل هفتم این نگارش عقایدشان را نوشتیم همه و همگان و بالخصوص شیعیان اثنی عشری منتظر ظهور و تشریف فرمائی مصلح حقیقی یعنی مهدی آل محمد هستند، حال از خود می پرسیم: برای خوشنودی آن شخصیت الهی و آن آقای مکرم و گرامی که منتظر قدم پر میمنتش هستیم چه وسائلی فراهم کرده ایم؟ آیا خانه دل و فکر خود را از زدا ایل اخلاقی پاک کرده ایم؟ آیا بجای وسائل پذیرائی به اجرای احکام الله که مورد میل امام علیه السلام است پرداخته ایم؟

آیا لباس تقوی و عفت و امانت بخود پوشانده ایم؟ آیا محوطه کشور و شهر و خیابانها و کوچه و گذرگاهها را از ابا طیل و خرافات و ناد رستیها و بی شرمیها و آلودگیها پاک و نظیف و مهیا کرده ایم؟ آیا هرزگیها و جورروستم به زبردستان و تضيع حقوق مردم و خواهشها دلها ی هرزه پسندمان را ترك کرده ایم؟ و در دیوار گذرگاه و محل ورود او را

باعلم و تقوی و فضیلت و مکارم اخلاق و جهان بینی آرایش داده ایم ؟

یا وقتی به دیدار کسی امیدوار و دلخوش هستیم می خواهیم از اود و ناپاک ترین مکان و ناخوشترین منظره و بافاسدترین رفتار استقبال کنیم ؟

چگونه می خواهیم از کسی که برنامه عمل و دستور و فرامینش صدق و وفا امانت و عفت و مهر و صفا و رفع ستم است درد هلیز دل حسود خود با افکار شیطانی و فرس بخل و متاع مغشوش و معامله ربا و سنگ و ترازوی کم فروشی بپذیرائی و بجای تحفه اخلاص نیرنگها و رشوه خواری و عمل تبعیص و حیف و میل مال یتیم و فشردن گلوی مستمند و ظلم بر بیچاره اوراد دیدار و در شهری که در رود یوارش را فجایع و بی عفتیها و شیطنت ها و شرمسارترین رفتارها پوشانده پذیرائی کنیم ؟ !!! با وجود اینکه میدانیم آن شخصیت معظمی که منتظرش هستیم از وضع موجود و آنچه فراهم کرده ایم سخت متاثر و ناراضی است .

باید مطمئن بود چنین منتظرانی نه اینکه مشمول ثواب انتظار ظهور که افضل اعمال و عبادات است نیستند بلکه مورد غضب و ناخشنودی — خدای شدید العقاب و مشمول عتاب سخت حضرت بقیه الله حجة بن الحسن (عج) نیز هستند .

پس برای آنکه سر براه بوده و حقیقتاً منتظر ظهور خلیفه الله مهدی آل محمد (ص) و مشمول ثواب انتظار ظهور باشیم ، باید با مواظبت کامل و کوشش همه جانبه به ترمیم رفتار و کسب معاش و زدودن فجایع و ناروائی ها از رود یوارخانه و کوچه و خیابان و شهر و جامعه پرداخته و تجدید نظر کلی و معقول در رفتار و اعمال خدا پسند نمائیم تا واقعاً از منتظران ظهور و انصار دین خدا و یاوران امام زمان محسوب گردیم ، انشاء الله .

فصل ۹

دشمنی خلفاء جور با خاندان پیغمبر اسلام (ص)

در این فصل درباره کسانی که خودشان ادعای امامت و داعیه مهدویت نداشته اند از اطاله کلام خودداری می شود و رمورد بعضی آنها نیکه بواسطه بی ایمانی و اغراض فاسد وجهات دیگر شخصاً مدعی مهدویت شده اند چند نمونه ای متذکر میگردد :

یکی از مدعیان غصب مقام والای امامت و مهدویت با توجه به مفاد حدیث ۵۸ این کتاب در صفحات ۵-۶ که در حدود ۱۷۹۰ سال پیشتر از تولد او حضرت امام زین العابدین از قول حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام خبر داده : جعفر کذاب پسر بلا فصل امام دهم حضرت امام علی النقی و برادر حضرت امام حسن عسکری و عموی حضرت امام قائم سلام الله علیهم بوده است .

جعفر کذاب خود را وارث امامت میدانست!

عموم خلفاء اموی و همچنین خلفای عباسی هر کدام از امام زمان و عصر خود به شدت هراس و واهمه داشتند تا مبادا معارض و مزاحم عیش و نوش خلافت آنان شوند و هم میدیدند مردم بواسطه جلالت و علم و کمال و صفای باطن و روحانیت و شرافت نسب و دودمان پیغمبری و خاندان علوی محبتهای باطنی و اخلاص بروز میدهند می ترسیدند نکند با هواخواهی مردم حقوق حق خود یعنی خلافت را از آنها منتزع کنند ، هر یک از خلفاء با حيله و ریا برای امام همزمان خود محدودیتهایی فراهم می ساختند تا مردم نتوانند با امام آن

عصر ارتباط پیدا کرده و تحت تعلیمات روحانی قرار گیرند !

ستیزه جوئی و دشمنی های خلفاء غاصب اموی و عباسی نه تنها در تاریخ اسلام بلکه در تواریخ ملل دیگر هم به ثبت رسیده و نیز میدانیم یازده نفر امام راستین و اوصیاء پیغمبر و تربیت یافته های خاندان وحی را خلفاء غاصب شهید کردند : علی امیر المؤمنین بدست یکی از خوارج و امام حسین سید الشهداء بظلم یزید پسر معاویه علناً با شمشیر شقاوت شهید شدند ولی بقیه ائمه و فرزندان پیغمبر اسلام را خلفاء اموی و عباسی با زهر مسموم و شهید نمودند و بیشتر اوقات زندگانی امامان راستین را تحت نظر و آشکارا در زندان نگه میداشتند تا نکند برخلیفه وقت خروج کنند .

خلفاء عباسی مخصوصاً متوکل و معتصم و معتمد که مفاد احادیث و پیشگوئی های پیغمبر اسلام را شنیده و دانسته بودند که دوازدهمین وصی پیغمبر که همان امام قائم پسر امام حسن عسکری است خروج خواهد کرد و تخت و بخت امراء جابر و خلفاء ظالم را واژگون و حکومتشان را ساقط و سرنگون می کند بیشتر و شدید تر از خلفای سلف خود نگران بودند و پیوسته آنها را از مدینه به بغداد و سامرا میخواستند و محدود نگه میداشتند تا با مردم تماس نداشته باشند ! ولی معتمد عباسی که هم زمان با امام حسن عسکری پدر امام دوازدهم بود به اعلی مراتب خود را در خوف و خطر قیام امام قائم آل محمد^ص میدید ، جاسوسه های زن به خانه و اندرون و حرم امام عسکری میفرستاد که باریقت و آمد متصل خبر پیدا کنند تا در صورت بوجود آمدن فرزندی برای امام حسن عسکری بهرحیله او را بقتل برسانند !!!

بهترین و نزد یکتربین جاسوسها و خبرچین ها که میتوانست از درون خانه امام حسن عسکری آگاهی پیدا کند همان جعفر کذاب برادر حضرت امام

حسن عسکری بود که با تطمیع معتد و وعده های بسیار خلیفگان مأموریت بد نام و خیانت زشت را بعهده گرفت، اما اراده و مشیت خدای ازلی و ابدی بر این قرارداد است که وصی دوازدهم رسول خدا و مصمّم عدل و امام منتقم حضرت مهدی حجه بن الحسن العسکری و ذخیره دودمان محمدی و برطرف کننده ظلم و دشمنی باید بوجود بیاید و احکام قرآن و مقررات اسلام را بدون هیچ مانع و رادعی اجرا و تمام مردم جهان را زیر چتر قرآن کلام حق یکدین کند.

حتی حمل و پرورش دوازدهمین وصی پیغمبر بوجود مطهر ماد رش نرجس خاتون از نسل یسوعا و نوه قیصر روم (که تفصیلش راد فصل دوم این کتاب دانستیم) مانند جناب یوکا بد ماد رحضرت موسی (ع) آثار و وضع حملش تا نیمه شب پانزدهم ماه شعبان ۲۵۵ هجری آشکار نبود و هیچ کدام از جواسیس متعدد خلیفه احتمال وجود فرزندی راد رخانه امام حسن عسکری نمیدادند.

پس از ولادت امام مهدی یگانه پسر حضرت امام حسن عسکری جز چند نفر معدودی مؤمن خاص الخاصان مخلص حق ولایت آل محمد (ص) کسی از تولد و وجود پسر حضرت عسکری آگاه نبود است.

(با توجه به حدیث ۵۸) تا سال ۲۶۰ هجری هنگام وفات حضرت امام حسن عسکری که جعفر کذاب تصور کرده بود برادرش امام حسن عسکری فرزندی وارثی ندارد (غافل از شرایط الهی امامت) خود را بی چون و چرا وارث و جانشین او میدانست، بنا بر تصور و تباهی افکار خود و بیادستیاری دستگاه المعتمد بالله عباسی بمنظور تصاحب مسند شریف امامت خود را آماده تجهیز و تدفین برادر خود امام عسکری کرده بود، ولی چون باید جسد امام را امام بعد تجهیز و نماز بخواند بنا بر آن جسد مطهر حضرت عسکری را پسر شش ساله اش امام قائم که به امر خدا و ابع امامت را پدرش حضرت امام حسن عسکری به

اوتفویض کرده بود در اندرون خانه غسل و تجهیز داده بود ، همینکه جنازه
 مطهر حضرت عسکری را از خانه بیرون آوردند تا شیعیان هم به فیض نماز
 گزاردن برسند ، در حضور شیعیان مقیم سامرا و همگی وزراء و درباریان و کار
 گزاران دستگاه خلافت و خود خلیفه عباسی و جوه سران و شرفای سامرا
 جعفر کذاب برای خواندن نماز به جنازه حضرت عسکری پیشرفت و در مقابل
 جنازه ایستاد ، در این هنگام خود حضرت مهدی آل محمد (ص) که نمود
 جوان کم سنی داشت با وقار تمام و هیمنه خلافت حقه خدائی از خانه امام
 حسن عسکری بیرون آمد با اُبَّهتِ روحانی و طمانینه کامل بسوی جنازه پدید
 پیشرفت و در حضور جمع فزون شیعیان و امراء و سالاران و رؤساء و شرفاء سامرا
 و معتدلیفه، جعفر کذاب عموی خود را عقب راند و فرمود : عموی من برای نماز
 گذر به جنازه پدرم حجت خدا از تو اَحَقُّ هستم .

در این اوقات بقدرت خدای خیرالناصرین از جعفر کذاب و همه
 درباریان خلیفه و جمعیت حاضر قدرت حرکت و سخن گفتن سلب شده بود
 کوچکترین عکس العمل یا جنبش و سخنی نتوانستند انجام دهند ، وصی
 دوازدهمین رسول خدا و جانشین و وارث حقیقی امام حسن عسکری بر جنازه
 پدرش نماز خواند ، پس از نماز : حجت خداوند خیره خاندان وحی قائم
 آل محمد حضرت مهدی صلوات الله علیهم با همان هیمنه و اُبَّهتِ خاصه
 ولایت مجدد اُبه درون خانه برگشت ، و دیگر کسی از اغیار آنحضرت راندید
 و از آنساعت غیبت صغری و تفتیش جدی همه جانبه معتمد خلیفه عباسی
 از خانه امام حسن عسکری برای دستگیری امام حجة بن الحسن (عج) وارث
 منحصر بفرد مسند حقه امامت شروع شد .

برای اینکه بقطر کتاب افزوده نشود از توضیح کار جاسوسان و نحوه

عمل ماموریت ماموران معتمد خلیفه جابر و ظالم عباسی در پی جوئی و دستگیری امام منتقم حجة بن الحسن در درون خانه امام حسن عسکری که امروزه بنام سردابه غیبت مشهور است از اطاله گفتار خود داری می شود .
 همین قدر باید دانست که لقب نام عسکری به امام حسن عسکری از آن جهت است که بیشتر زمان عمر شریفش را در سامراء در خانه خود نبوده کراراً به حکم معتمد خلیفه عباسی در معسکر (سربازخانه) سامراء تحت نظر بوده تا ضمن اذیت و ناراحتیها هر چه زودتر بدو زندگی کند و هم بسبب دوری از خانواده اش از بیبیداری فرزند ی (همان شخصیتی که خلیفه عباسی برای سرنگون شدن دستگاه خلافتش بشدت از او هراس داشت) جلوگیری کند !
 لذا لقب عسکری بواسطه طول مدت اقامتش در لشکرگاه چون به عربی سر باز راعسکر میگویند به آنحضرت اطلاق یافت ، و آخر هم آنحضرت را خلیفه مسموم نمود ولی آنچه خدا خواست همان شد ، وارث الاولیاء و امام منتقم به وجود آمد تا انشاء الله روزی که ظاهر شود و حق را از باطل جدا و ریشه ظلم و فساد را از همه روی زمین برکنند .

مدعیان دیگر مهدویت

از آنجا که مقام شامخ ولایت و مسند ولای امامت و هدایت باید از جانب خدای سبحان معین و یاریان نبوت به کافه مردم ابلاغ شود ، از زمان حضرت آدم (ع) تا زمان نبوت حضرت محمد بن عبد الله پیوسته بموجب کتب اصلی تورات و انجیل و قرآن و احادیث مکرر و مستند نشانی و علامات دوازده وصی برحق پیامبر اسلام را خبر داده و پیش پیش یک به یک معرفی شده اند ، با این وجود در گذشت تاریخ اسلام احققان بسیار و سرگردانان

بیشماری : یا گرفتار نقص عقل و بغض و جهل بوده و یا بواسطه شرارت ذاتی در دام و آلت دست متجاوزان و منافقان تفرقه انداز و حمال مقصود استعمار حقه باز گردیده بامغز خالی و بپوک که خود راه از چاه نشناخته اند مدعی مهدویت شده اند که لازم نمیدانم از همه آنان نام ببرم .

ولی بمنظور تشخیص مقام خلفاء معصوم خدائی و تمیز دامهای شیطانی فقط مختصری از عقاید سخیف چند تنی از مدعیان دروغی مهدویت که خود غرق شهوت بوده و بپایانهای بی حیائی : در عوض هدایت خود گرفتار ضلالت بوده امور حرام و فوضیحت باری چون ازدواج با محارم و عمل شنیع لواط و فحشاء را که تمام ادیان آسمانی حرام و به شدت برای هر مرتکبی مجازات (رَجْم) سنگباران و حد قتل معین کرده اند حلال دانسته و مشت رسوائی خود را بالتعمام باز کرده اند بطور نمونه می نگارم :

محمد بن نصیر نمیری از اصحاب امام حسن عسکری بود که در زمان غیبت صفرای امام زمان هنگامی که ابو جعفر محمد بن عثمان دومین نایب خاص امام حجة بن الحسن واسطه بین امام و مردم بود محمد بن نصیر نمیری را به خود راعوض کرد و مدعی بایبیت امام غایب شد و بعد از مدتی ادعای پیغمبری نمود ، محمد بن نصیر ازدواج با محارم و وطی با مردان و بسیاری از محرّمات فقه اسلامی را حلال میدانست و گفته بود اصلاً هیچ چیز حرام نیست !!!

ولی در اثر هرج و مرج درهمه گفتارش و افشای مفعول شدن خودش که یحیی بن عبدالرحمان مشاهده و به مردم گفته بود پیروان او فرقه نصیریّه مضمحل شد و از بین رفتند .

دیگر از مدعیان مهدویت دروغی محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن العزافراست، که همزمان با حسین بن روح سومین نایب خاص حضرت امام مهدی حجة بن الحسن بود، شلمغانی میان طایفه بنی بسطام ابتدای کار مدعی باییت شد و گفت من از طرف حسین بن روح (سومین نایب خاصه حضرت حجت) وکالت دارم، طایفه بنی بسطام ادعای باییت شلمغانی را قبول کردند، ولی همینکه شلمغانی بین بنی بسطام قرب و منزلتی یافت مدعی شد که بعضی اسرار را فقط اختیار میدانند و اغیار بدان اسرار آگاهی ندارند و باید اسرار از اغیار پنهان بماند، از جمله این اسرار آنکه: روح پیغمبر در جسم محمد بن عثمان نایب دوم حضرت حجت حلول کرده و روح حضرت فاطمه زهراء در جسم ام کلثوم دختر محمد بن عثمان حلول کرده و روح خدا هم در من (شلمغانی) حلول کرده! اما چون محمد بن عثمان و دخترش ام کلثوم اهل ظاهرند این اسرار را فاش نکردند، اما من که اهل باطن هستم مطلب را فاش می کنم و گفتم:

الْحَقُّ وَاحِدٌ وَإِنَّمَا يَخْتَلِفُ قَمِيصُهُ، فَيَوْمٌ يَكُونُ فِيهِ أَبْيَضٌ وَيَوْمٌ يَكُونُ فِيهِ أَحْمَرٌ وَيَوْمٌ يَكُونُ فِيهِ أَرْزَقِي.

یعنی حق یکی است و حلول حق هر روز در شخصی موجب تعدد خواهد بود، زیرا که جسم و پیکر انسان نسبت به روح بمنزله جامه و پیراهن است نسبت به بدن شخص که يك روز پیراهن سفید، يك روز پیراهن قرمز و يك روز هم پیراهن کبود می پوشد، چنانکه شاخه گل هر جا که بروید گل است و خم شراب هر جا بجوشد مل است.

الرازی خلیفه عباسی شلمغانی را

کشت و جسدش را سوزانید ساکسترش را به دجله ریخت

چون یاوه گوئیها و مزخرفات شلمغانی بین مسلمانان از شیعه‌وسنی منتشرگشت و موجب انحراف مردم می گردید از جانب امام غائب حضرت حجة بن الحسن (عج) توقیعی بر لعن شلمغانی صادر و توسط حسین بن روح نایب خاص امام انتشار یافت و سبب دوری مردم و طایفه بنی بسطام از شلمغانی گردید ، لذا در سال ۳۲۲ بدستور ابوالعباس الرازی خلیفه عباسی در خانه ابن مقله که از قضات و علماء مشهور آن زمان بود جلسه ای تشکیل گردید و شلمغانی که مدتی مخفی شده بود دستگیر و حاضر گردید ، پس از محاکمه و ثبوت کفر گوئیش مرتد شناخته شد و به حکم الرازی شلمغانی را در آرزند و جسدش را سوزانیدند و خاکسترش را هم به شط دجله ریختند .

هر

شلمغانی بمردم گفته بود لعن صادره از حضرت حجة هم معنی ظاهر دارد و هم معنی باطن ، لعن یعنی دوری از رحمت خدا ، ولی سراً و در باطن دوری از آتش جهنم است و شما علماء که در منزل ابن مقله جمع شده اید معنی را درک نکرده اید ، شما ظاهراً ابلیس را ملعون میدانید ولی اوقائم به امرالله است سراً و باطناً .

و هنگامی که حسین بن روح به فرمان امام غائب برضد شلمغانی قیام کرد ، شلمغانی گفت من امرعظیم و سرباطن را برای اغیار فاش کردم از این جهت رانده درگاه حسین بن روح شدم !

درید و ادعای شلمغانی بنی بسطام و تابعین او از عقیده خود منصرف نشدند ولی بعد آنکه کفر و ارتداد او ثابت و روشن شد همه از او برگشتند .

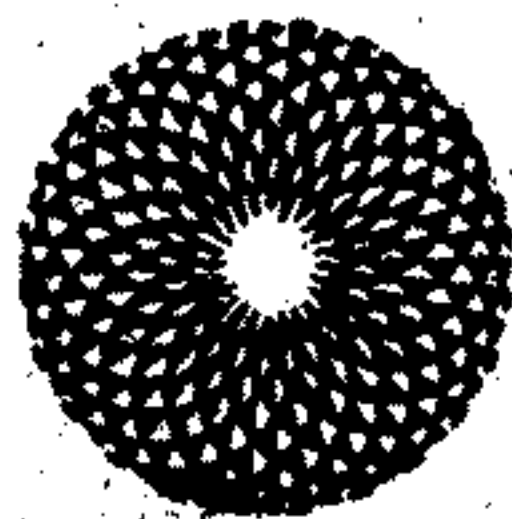
در تاریخ کامل ابن اثیر جلد هشتم صفحات ۱۰ و ۱۱ و ۱۱۱ تفصیل
 مسلك شلمغانی و پیروان او را مشروحاً نوشته ، شلمغانی گفتاری دارد که هیچ
 عقل سلیمی ولو اینکه مذهبی هم برای خود بر نگزید باشد نخواهد پذیرفت
 برای نمونه به این جمله از گفتار شلمغانی دقت شود :

إِنَّ الْحِكْمَةَ الْآنَ أَنْ يَمْتَحِنَ النَّاسُ بِأَبَاحَةِ فُرُوجِ نِسَائِهِمْ وَلَا بُدَّ
 لِلْفَاضِلِ مِنْهُمْ أَنْ يَنْكَحَ الْمَفْضُولَ لِيُوجِجَ النُّورَ فِيهِ !!!

نگارنده از ترجمه جمله بالا که دنباله ای هم از همان قماش دارد
 معذورم قلم عفیف و نام این کتاب شریف است بواسطه وقاحت از برگردان گفته
 شلمغانی معلوم الحال خود داری می کنم .

اگر خواسته شود نام و شرح همه مدعیان مهدویت از زمان غیبت
 تا حال را بنگارم نه اوراق این نگارش را گنجایش است و نه حوصله خوانندگان
 رایاری .

لازم میدانم در فصل بعد مختصری از حالات احمقانه مدعیان باطل
 مهدویت و نبوت و الوهیت و بالاتر از دعاوی خدائی آنان به نامهای باب و بهاء
 که در سالهای اخیر صد درصد سیاسی و آموخته و دست پرورده دول استعمار
 طلب بوده اند بخوانیم تا در دام تفرقه اندازان چپا و لگرنیفتیم .



گمراهان و عوامل استعمارچیان

آنچه تجربه و تاریخ نشان داده : استعمارگران و استعمارچیان در هر دوره یکی از مؤثرترین عوامل مخفی استعمارگری و استعمارشان آن بوده که از بین جمعیتی را که هدف استثمار خود قرار داده اند شخص طمعکاران و آزمند و آرزومند و خوشگذران و عشرت طلبی را اغوا نموده با امید و وعده ریاست و رتبه و مقام برای خرابکاری و ایجاد اختلاف و یاس و ناامیدی و امید آرند و او را به صورت عروسک خیمه شب بازی درمی آورند که سرور پیمان عروسک را با بازیگری گرفته و هر جور که بخواهد عروسک را بالا و پائین می جهاند ، بطوریکه آنانکه به تماشا ایستاده و اطراف صحنه خیمه شب بازی جمع شده اند از مقصود استعمارگر و دستیار او خیرند آرند ! اما پس از چندی که تماشاچیان فهمیدند صحنه بازی مقصودش حقه بازی و خالی کردن جیب تماشاگران بود همه متفرق می شوند و دنبال کار خود می روند و روسیاهی و سرگردانی به عروسک بی اراده رقاص خیمه شب بازی میماند و بس .

امروز که بیشتر از گذشته امیدان مبارزات وسیع تر و مخارج لشکر کشیها سنگینتر است ، ولتها می مهاجمی که قصد استعمار مردم یا کشور کنند در عوض مخارجات سنگین لشکر کشی و صرف ادوات و تجهیزات و از دست دادن تلفات سربازان خود و نیروی انسانی کم زحمت و پیر صرغه و سریع و مؤثرترین تمهید و نقشه پیشرفتشان آنستکه با ایجاد اختلاف و فتنه و بلوا مردم مطمح نظر خود را گرفتار تفرقه و دسته بندیهای مخالف یکدیگر میکنند تا از آب گل آلود بیشتر ماهی به تور انداخته و صید کنند !!!

فصل ۱۰

دالکور کی سفیر روسیه تزاری امام و پیغمبر و بعد خدا و از خدا هم بالاتر می سازد!

یکی از دلتها ی استعمارگرو متجاوز روسیه تزاری بود که از ضعف دولت قاجاریه استفاده و در اجرای وصیت پطرکبیر پادشاه روسیه تزاری برای دست یابی به خلیج فارس و دریاها ی آزاد در ظرف مدت ۲۸ سال از ۱۲۱۵ تا ۱۲۴۳ اداء آباد ولت ایران در جنگ بود ، ولی با رشادت عباس میرزا سردار ایرانی تلفات سنگینی را متحمل شده بود چند مرتبه شهرها ی شوشی و گنجه تا باد کوبه دست بدست می گشت .

چون قشون ایران بفرماندهی عباس میرزا باد لیری عده زیادی از فرماندهان (کماندانها) و سربازان روسی را بقتل رسانید روسیه تزاری برای اینکه قوای ایران را در دو جبهه بچنگ مشغول کند با تحریکاتی ترکمانان شمال خراسان را بر علیه دولت مرکزی ایران شورانید ، در نتیجه فتحعلی شاه که میدید ارتش ایران در دو جبهه : ترکمن صحرا و قفقاز نمیتواند بچنگد ناچار در سال ۱۲۱۸ در قریه گلستان برای بار اول و در سال ۱۲۴۳ بار دوم در قریه ترکمانچای با از دست دادن ۱۷ شهر قفقاز معاهده ای با روسها منعقد کرد ! ولی تلفات بسیار سنگینی را متحمل شده بود .

هنگامیکه انگلیسیها با طرح نقشه استعماری خود به تشکیل نیپانی هند شرقی در هندوستان پرداختند و راه افغانستان را هم بر روی روسیه تزاری بسته بودند ، دولت روسیه تزاری برای مقابله با استعمار و استثمار طلبی انگلیسها بدنبال اجرای وصیت پطرکبیر میخواست بدون از دست دادن قوای خود و صرف هزینه و تجهیزات و ادوات جنگی و جلوگیری از تلفات

نیروی انسانی (افسران و سربازان روسی) با ایجاد اختلاف و فتنه و آشوب داخلی در ایران به آسانترین حيله ای به خلیج فارس و دریاهای آزاد دسترسی پیدا کند و با انگلستان رقابت کند بدین منظور: شخصی از اتباع خود از اهل ولادی وستوک (YELADIVSTWK) روسیه را با تعلیمات لازم و پوشش نیدن لباس روحانیان مسلمان بنام سید کاظم نامگذاری کرد و به مجتمع دینی و مرکز روحانیت تشیع اسلامی به کربلا و نجف فرستاد .

سید کاظم روسی الاصل مجهول الهویه چون لهجه عربی و فارسی را نمیتوانست روان صحبت کند خود را اهل رشت (سید کاظم رشتی) معرفی کرده بود ولی هیچکس از اهالی رشت او را نمی شناخت .

سید کاظم (به اصطلاح رشتی) پس از مدتی توقف در مجامع دینی و دینی در نجف و کربلا و تماس با شیخ احمد احسائی تعلیماتی هم از او گرفت تا پس از مرگ مرموز (یا مفقود الأثر) شیخ احمد احسائی شاگردان شیخ احمد را دور خود جمع کند و در اجرای نقشه و وصیت پطرکبیر و ایجاد تفرقه و آشوب و اختلاف از راه مذهب از بین طلاب علوم دینی (چون عنکبوتی که با تنیدن تار پشه ای را گرفتار کند) جوان احمدق و مغرور ۲۴ ساله شیرازی بنام سید علی محمد پسر میرزا رضای بزاز شیرازی را که در اثر به خیال خودش ریاضت، حرارت خورشید و ربو شهر مشاعرش مختل و ضعیف شده بود انتخاب کرد و بدام کشید .

سید علی محمد شیرازی پس از فرا گرفتن اجرای نقشه استعماری روسیه تزاری از استادش سید کاظم روسی الاصل (معروف به رشتی) از کربلا به بندر بوشهر سفر کرد ، ابتدا خود را باب و مبشر: یعنی واسطه امام زمان حجة بن الحسن العسکری معرفی نمود و در کتاب احسن القصص نوشته خود می گفت: (انی عبد الله آتانی البينات من عند بقية الله المنتظر امامکم) یعنی منمبنده

خدا ، بقیة الله آن امامی که شما منتظر ظهورش هستید به من نشانیهای
داده !!!

در جای دیگر همان کتاب احسن القصص میگوید : **اللَّهُ قَدْ قَدَّرَ أَنْ
يُخْرِجَ هَذَا الْكِتَابَ فِي تَفْسِيرِ أَحْسَنِ الْقَصَصِ مِنْ عِنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، عَلَى عِبْدِهِ لِيَكُونَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ عِنْدِ الذِّكْرِ عَلَى الْعَالَمِينَ بَلِيغاً**
یعنی خدا مقدر فرموده : این کتاب تفسیر احسن القصص بیرون
آمده از جانب محمد بن الحسن (امام زمان) پسر محمد پسر علی پسر محمد پسر
علی پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر حسین پسر علی پسر ابی
طالب ، بر بنده اش که حجت است و یاد آوری بلیغی است بر جهانیان .

به دعوی این دروغ قضاوت کنند !

قدری تفکر و اندیشه در دو جمله یاد شده در بالا از گفته ها
و قلم سید علی محمد شیرازی (باب) در کتاب احسن القصصش لازم است زیرا :
در جملات فوق اولاً : خود را بنده حضرت حجت محمد بن الحسن امام قائم
معرفی کرده و ثانیاً : خود سید مدعی بابت که در کتاب احسن القصصش -
گفته : **إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْبَيِّنَاتِ مِنْ عِنْدِ بَقِيَّةِ اللَّهِ الْمُنْتَظَرِ أَمَّا مَكُمُ ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ لَا يَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ مَا أَنتُمْ آتِيهِ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ إِلَىٰ
الْحَقِّ وَالْحَقَّ يَحْسِبُونَ** حضرت بقیة الله امام منتظر شیعیان را قبول داشته و خود را واسطه و رابط
بین امام و مردم معرفی کرده ، پس چه شد و چگونه در فاصله کوتاهی در کتاب
بیان میگوید : **الثَّالِثُ عَشْرُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ وَالرَّابِعُ عَشْرُ الْبِهَاءِ الَّذِي نَزَلَ
فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ،** یعنی امام حسن عسکری امام سیزدهم و امام چهاردهم آن
روشنائی است که در شب قدر نازل گردیده است .

یا اینکه تا ۲۴ سالگی بین مسلمانان نشوونما کرده و سالیانی در

مجمع دینی مدرسین و علماء مسلمان در کربلا و نجف حضور داشته نفعید که حضرت امام حسن عسکری امام یازدهم است و دوازدهمین امام شیعیان امام حجة بن الحسن ختم ائمه اثنی عشریه است، گویا منظورش چهارده معصوم است، و حضرت رسول و حضرت فاطمه زهراء (ع) را هم امام به حساب آورده که امام حسن عسکری را امام سیزدهم شمرده و خودش را بهاء (روشنی) چهاردهمین نورنازل شده در لیلۃ القدر دانسته است.

این ادعای سید باب را فرمایش معجز بیان و پیشگوئی امام جعفر صادق هزارویکصد و هشتاد سال قبل از داعیه سید باب خبر داده است، به متن حدیث ۴۹ این کتاب در صفحه ۱۶۷ دقیقاً توجه فرمائید: آنجا که حضرت امام صادق فرموده: (فمن يقول ولد ومات، وقائل يكفر بقوله ان حادى عشر كان عقيماً، وقائل يمرق بقوله انه يتعدى الى ثالث عشر...) یعنی منکرین امام دوازدهم گروهی خواهند گفت: پسر امام حسن عسکری متولد شد و مرد، دسته ای هم میگویند: امام یازدهم (امام حسن عسکری) عقیم بوده و اصلاً فرزندی نداشته، وعده ای هم (سید علی محمد باب و پیروانش) میگویند: شماره امامهای شیعیان از دوازده نفر متجاوز است و به سیزده نفر می رسد!!!

باز هم تعمق و دقت فرمائید: در صفحه قبل خواندیم که سید باب در کتاب احسن القصص گفته (بقية الله امامي که شما منتظرش هستید به من نشانیهائی داده) با این وجود اقرار و گفته خود را فراموش کرده در کتاب بیانش غلو کرده گفته است: وَلَعُمْرِي اَوْلَ مَنْ سَجَدَ نِي مُحَمَّدٌ ثُمَّ عَلَيُّ ثُمَّ الَّذِينَ هُمْ شُهَدَاءُ مِنْ بَعْدِهِ اَبْوَابُ الْهُدَى اُولَئِكَ الَّذِينَ سَبَقُوا لِي اَمْرِهِمْ وَاُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ .

یعنی بجان خودم قسم اول کسیکه به من سجده کرد محمد و بعد

از او علی و بعد از او گواهانی که ابواب هدایت بودند و در انجام فرمان پروردگارشان پیشی گرفتند، آنان رستگاران هستند.

شما در هیچ يك ارادیان گذشته نشنیده اید که کسی اول خود را واسطه بین امام وقت و مردم و بنده خدا معرفی کند و بعد همان شخص خود را امام و بعد پیغمبر و پس از آن خودش را مسجود محمد پیغمبر اسلام و علی خلیفه پیغمبر بداند و باین مدعا دعوی خدائی کند؟!!!!

مگر نه سنت خدای حکیم از زمان حضرت آدم ابوالبشر تا زمان امامت امام حسن عسکری هریک از انبیاء در زمان حیات خود پیغمبر بعد از خود و هر امام در ایام زندگی خود امام بعد از خود را مکرر معرفی و شناساند است؟ آیا در کدام روایت و خبر و حدیث امامان وصی پیغمبر اسلام سید علی محمد پسر میرزا رضای بزاز شیرازی را امام و پیغمبر و مسجود پیامبر اسلام و علی وصی مطلق پیغمبر خوانده یا این شاگرد سید کاظم روسی الاصل معروف به رشتی را معرفی کرده اند؟ بلکه هم رسول اسلام و عم ائمه اسلام همه يك قول گفته اند هر که قبل از وقوع علائم ظهور و خروج سفیانی و وقوع هرج و مرج و پیر شدن سرتاسر جهان از ظلم و جور مدعی مهدویت شود دروغگو و ملعون است! ما کتاب سرتاسر مخدوش و منحرف (فرائد) ابوالفضل جردقانی را کلمه به کلمه و سطر تا سطر و ارسی و خوانده ایم که در جواب شیخ الاسلام مصلحتی با جعل و الحاق و حذف کلمات و از سر وته و اول و آخر احادیث دزدیده و ارسی و با اصل احادیث و روایاتی که او (ابوالفضل گلپایگانی) بیشتر از کتاب بحار مرجوم مجلسی جعل کرده تا بیق کرده سرقتهای گزاف او را که سرقت از کتب حدیث ننگین ترین دزدی است یافته ایم که اصلاً شرح دزدیهای کتاب فرائد گلپایگانی قبلاً در کتاب دزد بگیر جوابهای دهان خرد کن و قلم

شکن رامستقلاً داده است و من در جای خود بعضی از جعل الحاقیکی دو حدیث تحریف شده از کتاب فرائد را برای نمونه نشان خواهم داد طالبان شناختن جعلیات فرائد گلپایگانی بهتر است کتاب دزد بگیر را مطالعه کنند تا بیشتر و بهتر به دزدی گلپایگانی واقف شوند .

البته این مطلب شایسته دقت است که خود سید باب هم ههای دوازده گانه قمری را که در قرآن مجید آمده: ان الشهر عند الله اثني عشر شهرًا... بهم زده و از خودش سال را ۱۹ ماه کرده و بکلی زیر ماه مبارک رمضان و روزه رمضان زده، ولی گلپایگانی که پای علم سید محمد علی شیرازی معروف به باب سینه می زده و باب را مظاهر امر الله دانسته متأسفانه فراموش کرده دم خروسش را پنهان کند زیرا اربابش ماه رمضان و غره ماه شوال و عید فطرا رد کرده و قبول ندارد! اما گلپایگانی در صفحه آخر (۷۳۱) در خاتمه کتاب فرائدش که خواسته خدا حافظی کند هم عید فطر را و هم غره شوال را ثبت کرده و نوشته است: (وَقَدْ فَرَّغَ مِنْ تَأْلِيفِهِ وَتَنْمِيقِهِ مُؤَلَّفَةَ الْفَقِيرِ إِلَى اللَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ابِوَالْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ رِضَا الْجُرْدِ قَانِي فِي مَدِينَةِ الْقَاهِرَةِ حَاضِرَةَ الْبِلَادِ الْمِصْرِيَّةِ فِي لَيْلَةِ عِيدِ الْفِطْرِ الْمُبَارِكِ غُرَّةَ شَوَّالِ الْمَكْرَمِ سَنَةِ ۱۳۱۵ مِنْ الْهَجْرَةِ النِّيْوِيَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا اَزْكَى الصَّلَاةِ وَاتَمَّ التَّحِيَّةَ آمِينَ)

معلوم نیست چرا امام یایغمبر یا پیغمبر درست کن و یا خدا و یا خدا خلق کن ایرانی شیرازی و کارچاق کنش (ابوالفضل گلپایگانی) کتاب فرائد را در کشور مصر در شهر قاهره در چاپخانه هندیه در خیابان المهدی بالأزکیه چاپ کرده اند؟

مجدد ابر میگردیم به دنبال ادعای سید باب شیرازی:

سیدعلی محمد باب زیاده از طمع يك انسان طمعکار غلو و حد اعلاى حماقت احمقترین افراد را آشکار کرده و گستاخانه مدعى مقام نبوت گردیده و گفته است: **وَلَقَدْ بَعَثْنَا اللَّهَ بِمِثْلِ مَا قَدْ بَعَثَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ قَبْلِ** .
یعنى همچنانکه خداوند محمد رسول الله را مبعوث کرده مراهم مبعوث کرده است!

نگارنده سخت معتقد به عفت قلم هستم ، شاید خواننده ای بگوید نسبت حماقت به مدعى دروغى مهديت دادن از شدت تعصب است ، ولى در این نگارش شماکاهى از کوه غلو ادعاهاى باب را میخوانید ، چون در این کتاب قصد تفصیل همه داعیه هاى سید باب نیست ، برای روشن شدن — چند نمونه از تناقضات ادعاى باب را به اطلاع میرساند ، مثلاً:

سیدعلی محمد باب درید و ادعا گفته بود من از جانب محمد بن الحسن (بقیه الله امامى که شما منتظرش هستید و به من نشانیها داده باب و مبشر هستم) اما آنجا که مدعى نبوت هم گردیده میگوید همچنانکه محمد رسول الله را خدا مبعوث نمود مراهم مبعوث کرده و ادعاى نبوت کرده!
این ادعا میرساند با اینکه تا سن ۲۴ سالگی در خانوادۀ مسلمان بار آمده و بین مسلمانان و در حوزۀ علمیه کربلا و نجف گذرانده گویا هیچوقت قرآن و این آیه: **مَا كَانَ مُحَمَّدٌ ابًا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ** را نخوانده! که در موضوع ادعاى پیغمبریش گفته: خدا پیش از من محمد رسول الله را به نبوت مبعوث کرده مراهم مبعوث نموده!
میگوئیم: محمد رسول الله از جانب خداوند محل نزول وحی قرآن بوده اگر محمد را به نبوت پذیرفته ای به قول خودت تا هزار سال هم قرآن قبول و معتبر است مگر در آیه ۴۰ سوره احزاب قرآن نخوانده: **مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**

خاتم النبیین (آخرین پیغمبر) است ، پس چگونه خداوند از خواست و مشیت و فرموده خودش (نعوذ بالله) غفلت کرده و به اراده روسیه تزاری و خواسته دالکرکی سفیر روسیه تزاری در ایران تورا به نبوت مبعوث کرده است؟

سید باب خود را عزیز تر و برتر و پرهنرتر از محمد رسول الله (ص) دانسته و در کتاب بیان عربی خود میگوید : **وَلِعُمْرِي أَنْ أَمُرَ اللَّهُ فِي حَقِّي مِنْ أَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ لَوْ أَنْتُمْ تَفَكَّرُونَ ، إِنَّهُ رَبِّي فِي الْعَرَبِ ثُمَّ أَرْبَعِينَ سَنَةً نَزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْآيَاتِ وَجَعَلَهُ رَسُولَ اللَّهِ إِلَى الْعَالَمِينَ ، وَإِنِّي رَبِّيْتُ فِي الْأَعْجَمِينَ وَقَدْ نَزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِ مَا قَضَيْتُ مِنْ عُمُرِي خَمْسَةَ بَعْدَ عَشْرِينَ سَنَةً آيَاتِي كُلِّ عَنْهَا تَعْجِزُونَ .**

یعنی : بجان خودم قسم ، خدا کار مرا عجیب تر از امر رسول خدا که پیش از من بوده قرار داده اگر تفکر کنید ، (زیرا) که رسول خدا در میان قوم عرب پرورش یافته و بعد از گذشتن چهل سال از عمرش آیات خدا بر او نازل شد و او را پیغمبر عالمیان قرار داد : امامان در عجم (ایران) پرورش یافته ام و در سن ۲۵ سالگی آیاتی که همه از آوردنش عاجز هستند بر من نازل گردیده **!!!** باز هم سید باب بادی به غیب خود انداخته که در ۲۵ سالگی آیاتی به من نازل گردیده ، معلوم میشود سید باب حتی يك بار هم قرآن را نخوانده و از آیه ۳۰ سوره مریم خبر ندارد که خداوند حضرت عیسی بن مریم را در شیرخوارگی و در گهواره به نبوت اولی العزمی برگزید و در گهواره سخن گفت و فرمود : **انسی عبد الله آتانی الكتاب وجعلنی نبیاً .**

و همچنین از تاریخ اسلام نا آگاه بوده تا بداند امام نهم شیعیان حضرت امام محمد تقی جواد الائمه در ۸ سالگی به مسند شریف امامت جلوس کرد و به اعتقاد شیعیان اثنی عشری حضرت حجة بن الحسن العسكري امام زمان

در سن ۵ یا ۶ سالگی پس از رحلت پدرش حضرت امام حسن عسکری امام زمان
و حجت بالغه خداوند منتقم منصوب شد .

سید باب قرآن که نخوانده ، با اینکه در آیه ۱۲ سوره مریم قرآن
مجید آمده است : یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبياً ، حضرت یحیی
علیه السلام را خداوند در طفولیت کتاب نبوت داده و در اناجیل چهارگانه
مسیحیان هم با وجود تحریفات نبوت حضرت یحیی پیغمبر ثبت گردیده .
سید باب کتابی ساخته به نام بیان که نایابست و سواى کهنه بابی
هاکسی از بابی ها و بیهایها و بیهایزادگان دسترسى به کتاب اصلیشان ندارند
این مدعى امامت که در جای دیگر به پیغمبری ترفیع رتبه گرفته ، چون فارسی زبان
بوده میبایست کتاب بیانش را هم به زبان قوم خودش بنویسد ، چنانکه در پیغمبر
که صاحب کتاب بود ، کتابش را خدا به زبان آن پیغمبر و قوم او به او نازل کرده
کتاب باب هم باید به زبان فارسی میبود نه زبان (به اصطلاح) عربی آنها
عربی آب نکشیده ، که از لحاظ دستور زبان و رعایت قواعد و افعال مخاطب
و متکلم و صفت و موصوف نامفهوم و ازروال صرف و نحو برکنار و پرازا غلط فاحش
(تا آنجا که يك بچه عرب با سواد میتواند سلیس ترازمیرزا علی محمد باب جملاً
عربی بهم بیافد) !

اکنون برای نمونه و ارزیابی فهم و معلومات سید باب که بقول خودش
(خدا او را برای رهبری همه اصناف خلق مأمور کرده) از میان کتاب بیان و
نوشته های دیگر سید باب جمله های : تربیتی - اخلاقی - و حفظ ناموس
و میزان حلال و حرام را که برای (اغنام) خوش باور و گوسفندان کند فهم خود
صادر کرده ، ذیلاً مینگارم : قضاوت و ارشاد آن با شما خوانندگان است :

رشد عقلی و فهم سید باب

سید باب در صفحه ۴۹ کتاب عربی‌ش میگوید : لَا تَرْكِبَنَّ الْبِقْرَ وَلَا تَحْمِلَنَّ مِنْ شَيْءٍ وَلَا تَشْرَبَنَّ اللَّبْنَ الْحَمِيرَ وَلَا تَضْرِبَنَّ الْبَيْضَةَ عَلَى شَيْءٍ يَضِيعُ مَا فِيهِ قَبْلَ أَنْ يَطْبَخَ هَذَا مَا قَدْ جَعَلَ اللَّهُ رِزْقَ نُقْطَةِ الْأُولَى فِي أَيَّامِ الْقِيَامَةِ لِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .

شعور این مدعی مهدویت یا پیغمبر جاهل بیش از این نمیرسد که سفارش کند : گاوسوار نشوید و برگاو چیزی بار نکنید و شیر خرن خورید و تخم را پیش از ریخته شدن به چیزی نزنید تا آنچه در اوست ضایع شود ، این است آنچه خدا روزی نقطه اولی (نقطه اولی خود سید بابست) در روزهای قیام او قرار داده شاید شما شکر کنید !!!

مسابقه بی عفتی !

سید علی محمد باب و پیشوای بهائی ها اجازه داده و چقدر هم شریین گفته : فِي أَنْ فَرَضَ لِكُلِّ أَحَدٍ أَنْ يَتَاهَلَ لِيَبْقَى عَنْهَا مِنْ نَفْسٍ يُوَحِّدُ اللَّهُ رَبَّهَا وَلَا يَدَّأَنَّ يَجْتَهِدَ فِي ذَلِكَ ، وَإِنْ يَظْهَرُ مِنْ كُلِّ أَحَدِهِمَا مَا يَمْنَعُهُمَا عَنْ ذَلِكَ حَلَّ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ بِإِذْنِ دُونِهِ لِأَنَّ يَظْهَرُ عَنْهُ الشَّرُّ !!!

حاصل معنی مقصود باب : در اینکه بر هر کس واجب است تا که ازدواج کند تا از آنها (اولاد ی) باقی بماند که یکتا پرست باشد و چاره‌ای ندارد جز آنکه کوشش نماید ، و هرگاه برای هر کدام از زن و شوهر مانعی بهم رسد که دارای فرزند نشوند ، از این سبب حلال است که هر یک از زن و شوهر) با اجازه یکدیگر برای خودشان فرزند ی بوجود آورند !!!

بابا ایوالله ! دست خوش به این غیرت ناموسی و این رهنمائی

به امت باب یا نقطه اولی و به وجود آوردن نسل مغشوش و ناپاک !!!

همه مطالب کتب بیان وایقان والواح بهاء وشرح مبادی بهاء الله را که عبدالبهاء آنرا تصحیح کرده اگر ارزشی نداشته باشد اجازه هم خوابگی زن شوهر دار بامردان بیگانه برای کسانی که از جوهر و بوی غیرت خالی هستند گل گفته !!!

زیرا بخاطر این يك اجازه یا سفارش هم که شده بدون منظور بهائی نمیشوند چرا که برای لذت بردن بی هزینه همه جهنمیها بعوض عذاب و شرمساری در قیامت از هم آغوشی با حوریه های بایی در این دنیا بی نصیب نیستند !!!

مگر چه عیبی دارد زن به شوهرش اجازه دهد يك دیوار آن طرفتر سیمین بدن طالب اولاد را در آغوش بکشد و نطفه حرام و ناپاک خود را به زن همسایه بهائی بدهد که اولاد بی هم رساند تا نفوس و پیروان سید علی محمد باب زیاد تر گردد !!!

همچنین وقتی شوهری دید زنش برای او بچه نمیزاید به همسرش اجازه دهد آن گردن کلفتی که سرکوجه و گذرگاه خانم: یا همسایه چشم چران او که روزی وبه هر دیداری صد بار قربان و صدقه آن خانم مه رومی رفته و دلش میخواسته حتی پاشنه کفش او را بلیسد و ببلعد حالا خانم با اجازه شوهرش بلا مانع و با پای خودش بموجب فتوای سید باب جانانه خود را تسلیم آن آرزومند خیلی تشنه کند !!!

و برای آنکه کاملاً خاطر جمع شود که حتماً حامله شده ماهها و مدتها با او هم آغوش و همبستر شود و اگر اینگونه داد و طلبها متعدد باشند هر بار با یکی از آنها همبستر شود تا يك ثمره هفتجوشد و قلوبی کاکل زری به خانم جا کند تا امت باب زیاد و عالمگیر شوند !!!

آری آنروز هنگام بنای خانه کعبه که حضرت ابراهیم خلیل و حضرت اسماعیل علیهم السلام ارکان خانه کعبه معظمه را بالا میبرد نده دست بدعا برداشتند و عرضه داشتند : خدایا از ما قبول کن و مناسک حج را بما بیاموز و از نسل من امام و راهنمای دین و شریعت خود قرار بده .
و عیسی مسیح (ع) از میگزاری و نگاه خیانت آمیز به زن همسایه مردم را بر حذر میداشت .

و محمد رسول الله و خاتم النبیین (ص) بموجب آیه ۲ سوره نور قرآن مجید : الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحدٍ منهما مائة جلدة ولا تأخذکم بهما رافة فی دین الله مجازات زناکاران را حد زدن با تازیانه و در زنا ی محصنه رجم (سنگسار کردن) را تشریح کرده و هم برای پاکی و صیانت و شرافت نسل انسانها بعد از حکم طلاق زن هم سه ماهه و ده روز آیام عدّه طلاق قرار داده است .

همه ادیان و مذاهب عالم زن را دادن و زنا کردن را مخالف با شأن و شرف انسانیت دانسته اند : منتظر چنین موعودی مسخره و کاذب (باب و بهاء) مفسدی بوده اند تا حلالیهای خدا را حرام و حرامها را حلال بدانند و نسل بشر را مغشوش و حرام زاده کند ، افسوس بر انسان نماهای مغرض !

آری خدا سید علی محمد پسر میرزا رضا ی بزاز شیرازی (تعلیم یافته سید کاظم رشتی و پرنس دالکوری سفیر روسیه تزاری) را ذخیره نگاه داشته بوده تا بیاید به زنان شوهر داران و اجازه زنا ی محصنه بدهد تا موجب افتخار باب و بابیان شوند ؟ !!!

نمیدانم بابی ها و بهائی ها در این دستور منحرف کننده مؤسس مسلکشان تعمق و دقت کرده اند ؟ و آیا بهائیزادگان اصلاً فهمیده اند

این چنین موضوع سخیف و مطالب عجیب و خلاف عقل و شرف انسانی در کتاب بیان وجود دارد که بواسطه آنگونه عقاید باطل از دسترس خارج کرده اند؟! یقیناً که خیر؟؟ می پرسیم چرا کتب اصلی که ریشه اصلی مسلك ساختگی باب و بهاء بوده در هیچ کتابخانه یا کتابفروشی وجود ندارد؟ دلیلش همین دستورات خلاف عقل و فطرت انسانی است! اینگونه اراجیف تهی از شعور مورد قبول هیچ بی خدائی نیست تا چه رسد خداپرستان!

کتاب سوزی و قتل عام

هـیچیک از کتب آسمانی و ادیان خدائی چنین اجازه ای نداده اند که کتب ادیان و مذاهب پیشین سوخته شود چنانکه کتب اوستا و زند و پیا زند زردشتیان و توراة یهودیان و اناجیل مسیحیان با وجود تحریفاتشان هم اکنون مورد احترام است و قرآن مسلمانان: قرآن مصدق کتب زبور و توراة و انجیل حقیقی است، این سنت خدائی تغییر و تبدیل پذیر نیست، آیه ۶۲ سوره احزاب: *سنة الله في الذين خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلاً* پس با چه فکر غلطی سید باب در صفحه ۱۹۸ کتاب بیانش گفته: *فِي حُكْمِ مَحْوِ كُلِّ الْكُتُبِ كُلِّهَا أَلَا مَا أَنْشَأَتْ أَوْ تَنْشَأُ فِي ذَلِكَ الْأَمْرِ*، یعنی: تمام کتابها باید محو شود غیر از کتبی که باب نوشته یا به دستور او بعداً انشاء شود! در صفحه ۲۶۶ جلد مکاتیب عبدالبهاء هم موضوعی فجیعتر از پیش نوشته: *يَوْمَ ظَهَرُ حَضْرَتِ أَعْلَى مُنْطَوِّقٍ بِيَانِ ضَرْبِ أَعْنَاقِ وَ حَرَقِ كُتُبٍ وَ أَوْرَاقٍ وَ هَدْمِ بَقَاعِ وَ قَتْلِ عَامٍ، الْأَمْنُ آمِنٌ وَ صَدَقَ!!!*

یعنی: در روز ظهور حضرت اعلی جز آنها که به باب و بهاء ایمان آورده اند همه مردم را گردن بزنید و تمام کتب و اوراق را بسوزانید و همه مقابرو بقعه ۱۵

(مساجد و معابد و قبور پیامبران و امامان) را ویران کنید !!!

بدیهی است با این آرزو و دستوراتی که برخلاف آرمان و عقیده همه انسانهای متعین است (قتل عام عمومی و کتاب سوزی) دنیا از مردم چیز فهم و دانش دوست خالی میگردد آنوقت برای پرکردن جای انسانهای معدوم شده لازم است طبق دستور باب حتی به زنها ی شوهر دار اجازه داده شود هرزنی با هر مردی که دلش بخواهد جفت گیری کند) تا امت باب و بهاء زیاده شود ، و برای اینکه وجدانها و عقلها خاموش و از کار بیفتد چاره را منحصر به آن دانسته که همه کتب دینی و اخلاقی و علمی و همه اوراق تربیتی و عقل پرور به آتش جهل و عداوت سوخته شوند تا دنیا پر از جهل شود که نوشته ها و الواح باب و بهاء جای علوم و حکمت و اندیشه های عاقبت گرائی را بگیرد و مردم قبول کنند که شیر خرنخورند ، زیرا در چنان هنگامه ای غیر از شیر حر که مخصوص رزق نقطه اولی (سید باب) شده خوراک بهتری گیر کسی نمی آید

دقت و تامل در این گفتار ضرورت دارد

کتاب بیان سید باب و احکامش آنقدر مشوب و مغشوش است و دستورات خلاف خرد و بیجا دارد که حتی بهائیان بر بایبها طعن می زدند که چرا منتظر اجرای آن هستند ؟ و میگویند اگر بهاء الله نیامده بود اصلاً مسلك باب لایق و قابل اجرا نبود ! و هر وقت که دچار ایرادات مسلمانیان می شدند از شاخی به شاخ دیگر رفته و تغییر مطلب داده و مغلطه میکنند و راه گریزی میجویند ، زیرا اگر کتاب بیان را منکر شوند اساس بهائیت که پایه آن روی بنیان کتاب بیان گذاشته شده آشکارا متزلزل میگردد !!!

بهاء الله برای روپوشی و بست و بند در کتاب اقدس (که این کتاب

هم از قواعد عربیت واد بیات، وراست) دستور کتاب سوزی را معاف و ملقن کرده میگوید: **قَدْ عَفَى عَنْكُمْ مَا نَزَلَ فِي الْبَيَانِ مِنْ مَحْوَالِ كِتَابِ وَادِ نَاكِمِ بِيَانِ تَقْرَأُوا**: یعنی خدایه شما بخشید حکم کتاب بیان راد رخصوه، محو کردن کتب و ما اذن دادیم به شما که آنها را بخوانید.

از این قبیل تناقضات میان کتب بیان سید باب و کتب ایقان و اقدس و حتی الواحی که خود بهاء الله نوشته بسیار است که جای ارائه همه آنها در این مختصر نیست.

سید علی محمد باب هنگامیکه از کر بلا به بندر معشور (بندر ماه شهر کنونی) مراجعت کرد و دعوی بابیت نمود چند نفر را باو عده هائی برای تبلیغ مرامش به شیراز و اصفهان فرستاد، در شیراز حسن خان نظام الدوله والی فارس بس از اطلاع از ماجرای دعاوی مهدویت سید علی محمد راد ربوشهر دستگیر و به شیراز آورد، در حضور مجتهدین بزرگ شیراز از مقصود سید علی محمد تحقیق نمودند و او را از غلطی او نارسائیهای جملات عربی نوشته ها و گفتارش که خارج از قواعد زبان عربی و معنی بود آگاه کردند، اما سید علی محمد که از جواب ایرادات در مانده بود گفت: این جملات به من وحی میشود اگر غلط است به من مربوط نیست از مبدء وحی است!!!

پس از سئوالاتی که در محضر مجتهدین اعلام آنروز شیراز از او شد چون خود را از هر جهت عاجز و مانده دید از گفته های خود معذرت خواست و اظهارندامت کرد و قبول کرد: طبق دستور مجتهدین در مسجد نو مسجد وکیل شیراز بالای منبر برود و در حضور مردم از ادعا و گفته های خود استنادهار و اظهارندامت نماید و باب این دستور مجتهدین راد در حضور مردم انجام داد حاکم فارس برای اینکه سید باب موجب فساد و اخلال نشود او را از شیراز

زندانی نمود ولی منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان که به ظاهر مسلمان شده بود بدستور سری پرنس دالکورکی سفیر روسیه تزاری دایران با تمهید سید باب را از زندان شیراز ربوده به اصفهان آورد و مدتی که حاکم اصفهان بود در حمایت خود نگهداشت!

پس از مرگ منوچهرخان گرجی حاکم اصفهان؛ در اثر شکایت علماء اصفهان و بدستور میرزا آقاسی سید باب را تحت الحفظ بدون اینکه وارد تهران کنند از راه حسن آباد و رباط کریم شهریار یک سره به تبریز و از آنجا به ماکو بردند و در قلعه چهریق زندانی نمودند، اما در قلعه چهریق سید باب مجدداً داعیه امام زمانی را از سر گرفت و بوسیله سید حسن نام یزدی که اجیر کرده بود موجب شورشهایی؛ در ریار فروش مازندران و زنجان و یزد و قلعه طبرسی گردید.

در این ایام ناصرالدین میرزا که هنوز در تبریز ولیعهد محمد شاه قاجار بود از محمد شاه درباره سید باب کسب تکلیف کرد و محمد شاه دستور داد که سید باب را در تبریز در حضور مجتهدین محاکمه کنند.

جلسه تحقیق با حضور مجتهدین تبریز تشکیل شد ولی سید باب در تبریز هم در حضور مجتهدین تبریز مانند گذشته اش در شیراز منکراد عا شد و اظهار پشیمانی نمود و در مجمع علماء و خلق کثیری از مردم تبریز به توبه و انابه پرداخت (متن توبه نامه سید علی محمد باب عیناً بشرح زیر است که اصل آنهم به خط خود سید باب در صندوق نسوز در مجلس شورایی با یگانی است)

صدای طبل تو خالی = توبه نامه سید باب

(فداک روحی الحمد لله کما هوا هله و مستحقه که ظهورات فضل و رحمت خود را در هر حال بر کافه عباد خود شامل گردانیده الحمد لله ثم حمد اله که مثل

آنحضرت را اینبوع رافت و رحمت خود فرموده که ظهور عطفوتش عفو از بندگان
 و تستر بر مجرمان و ترخم بر یانغان فرموده و شهد الله من عنده که این بنده
 ضعیف را قصدی نیست که برخلاف رضای خداوند عالم و اهل ولایت او باشد
 اگرچه بنفسه وجودم ذنب صرف است ولی چون قلبم موقن به توحید خداوند
 جل ذکره و نبوت رسول (ص) او و ولایت اهل ولایت اوست و لسانم مقرر بر کل
 ما نزل من عند الله است امید رحمت او را دارم و مطلقا خلاف رضای حق را
 نخواسته ام و اگر کلماتی که خلاف رضای او بود از قلم جاری شده عرضم عسیان
 نبوده و در هر حال مستغفر و تائبم حضرت او را و این بنده را مطلق علمی نیست
 که منوط به ادعائی باشد استغفر الله و اتوب الیه من امری ینسب الی امبرو
 بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده دلیل بر هیچ امری و مدعی
 نیابت خاصه حضرت حجت الاسلام را محض ادعای باطل است.

و این بنده را چنین ادعائی نبوده و نه ادعای دیگر مستدعی
 از الطاف حضرت شاهنشاهی و آنحضرت چنانست که این دعا گو را به الطاف
 عنایات و بسط رافت و رحمت خود سرافراز فرمایند والسلام.

آنگاه طبق رای و فتوای مجتهدین تبریز که در حضور شیخ الاسلام
 و آخوند ملا محمد و حاجی ملا محمود و ملا ابوالقاسم الحسن الحسینی و ملا علی
 اصغر الحسن الحسینی و ملا مرتضی قلی با حضور: امیر اصلان خان و میرزا
 یحیی و کاظم خان و والا حضرت ولیعهد به تصویب محمد شاه قاجار سید باب
 مرگ محکوم گردید.

در این هنگام مرگ محمد شاه پیش آمد و ناصرالدین شاه از تبریز
 به تهران آمد و به اریکه سلطنت نشست و اعدام سید باب معوق ماند ولی در این
 فرصت به تحریک دالکورکی سفیر روسیه تزاری حامیان سید باب بازگسانیرا به

بمنظور شورش و اختلاف و قتل و آزار مردم بکوشه و کنار مملکت میفرستادند!!!

میرزاتقی جان امیرکبیر صدراعظم برای جلوگیری از کشتار مردم و رفع آشوب و انتظام امور کشور* و کوتاه شدن دست متجاسران بانقشه های ایادی و جاسوسان روسیه تزاری دستور اجرای حکم اعدام سید باب را که مدتی به تعویق افتاده بود مجدداً به تصویب ناصرالدین شاه رسانید* و سید باب را در کنار جباخانه تبریز بدر کشیدند و جسد او را بکنار خندق انداخته بودند، در این موقع قنصل روسیه مقیم تبریز بایکنفرنقاش به کنار خندق آمدند و وضع جسد باب را روی کاغذ ترسیم کردند* تا برای اربابان و

* تاریخ مذاهب و فلسفه در آسیای مرکزی تالیف کنت گوپینو، فصل دهم.

* زمینه قتل امیرکبیر که با تحریک مهد علیا در حمام فین کاشان صورت گرفت علتش اقدام به اعدام سید باب بود که از جانب جاسوسان روسیه تزاری که با اغوی مردم عامی طرفدارانی برای سید باب می تراشیدند بوده!

بارزترین دلیل دخالت و حمایت روسیه تزاری در مذهب سازی و تحریک سید باب در اجرای مواد وصیت پطرکبیر که: باید با ایجاد تفرقه و آشوب ایران را متلاشی و به هر تدبیر و تمهید به خلیج فارس و دریای آزاد برای بلعیدن معادن و مخازن دول مسلمان و تصرف هندوستان و مقابله با کمپانی هند شرقی انگلیسی هادست یابد. این عمل قنصل روسیه مقیم تبریز در ترسیم وضع جسد باب که بایکنفرنقاش (چون در آن سالها هنوز دوربین عکاسی و فیلم برداری نبوده) کافی است!!!

* زیرا وقتی دولت ایران بر طبق قوانین خود بخواهد یکی از افراد مقصر خود را که بر ضد امنیت مملکت و پناه انداختن آشوب و بلوا محکوم شده مجازات کند چه ربط به دولت دیگر دارد؟

دخالت قنصل روسیه تزاری مقیم تبریز در این مورد با سوابقی که در جریان سوء قصد به ناصرالدین شاه وسیله میرزا حسینعلی نوری و اختفای او در منزل مذبی سفارت روسیه در زرگنده اتفاق افتاده و دیگر تحریکات از جانب داکورکی سفیر روسیه تزاری چون روز روشن است!!!

و محرکان و حامیان روسی و استحمارکنندگان سیدباب بفرستند .

میرزا حسینعلی بهاء و سوء قصد به ناصرالدین شاه

سیدباب وصیت کرده بود میرزایحیی صبح ازل که جوان کم سن سالی بود جانشین او باشد ولی بین او و برادرش حسینعلی نوری مازندرانی برسر جانشینی باب اختلاف شدید پیدا شد ، بابیهاد و فرقه شدند و به دو گروه

۱- اَزَلِی ۲- بِهَائِی تجزیه و تقسیم شدند .

میرزا حسینعلی (لقب میرزا را از پدرش ارث برده چون پدر او به میرزا بزرگ معروف بوده) که بعد ها خود را بهاء الله خواند اولین جنایتش آن بوده که پرنس دالکورکی سم مهلکی در اختیارش گذارد داخل گلنبات بخورد حکیم احمد گیلانی که از روحانین بنام و مانع نفوذ روسها در ایران بود ، داد و او را مقتول نمود ، بعد از این جنایت میرزا حسینعلی با تصویب قره العین چهار نفر از بهائیان را تحریک نمود بجان ناصرالدین شاه قاجار سوء قصد کنند ولی ناصرالدین شاه فقط پایش مجروح شد و از این سوء قصد سالم مانده وقتی عاملین سوء قصد را دستگیر کردند معلوم شد عامل اصلی میرزا حسینعلی آنروز و بهاء الله فردا بوده ، همینکه میرزا حسینعلی فهمید سوء قصد کارگرنیفتاده و عاملانش گرفتار شده اند برای اختفای خود به زرگنده شمیران رفت و در منزل میرزا مجید خان شوهرخواهرش که منشی سفارت روسیه تزاری بود مخفی شد .

پس از اقرار عاملان سوء قصد به شاه مامورین برای جلب میرزا حسینعلی

ما مورشدند سفیر روسیه شدیداً مانع اجرای جلب میرزا حسینعلی گردید ، اما حاجب الدوله مراتب را به شاه اطلاع داد که بامذاکره با سفیر روس قرار شد میرزا حسینعلی را با حضور نماینده سفارت روسیه بازجوئی کنند و آخرالامر با حمایت دالکورکی سفیر روسیه تزاری به همراه نماینده سفارت روسیه از تهران به بغداد تبعید گردید ، در این تبعید هم ایادی میرزا حسینعلی از ادیت و آزار اطرافیان برادرش صبح ازل کوتاهی نکردند ، عده ای از آنان را در آب خفه کردند و بعضی را کشتند تا بالاخره حکومت امپراطوری عثمانی در بغداد برای سرکوب کردن ماجراجوئی آنان میرزا حسینعلی را از بغداد به اِدْرَنَه و از آنجا به عکا تبعید نمود عاقبت میرزا حسینعلی در عکا مرد و سما نجا خاک شد .

حسینعلی بهاء پسر عباس اهل نور مازندران
باب و بابیت را نسخ و ادعای بهائیت کرد

با وجودیکه سیدعلیمحمد باب در زمانیکه خود را مبشر میدانسته گفته بوده : تا سال المستغاث (به حساب حروف ابجد ۲۰۳۲ سال میشود) دین باب باقی خواهد بود و تا سال ۲۰۳۲ چنانچه کسی احکام و کتابی آورد کاذب و مورد قبول نیست .

اما هنوز چهار رینج سال از اعدام سید باب نگذشته بود میرزا حسینعلی نوری مازندرانی خود را بهاء الله و مَنْ يَظْهَرُ اللهُ خواند و دروغ سید باب را که گفته بود تا سال المستغاث (سال ۲۰۳۲) دین باب دوام خواهد داشت ثابت شد ، زیرا میرزا حسینعلی هم کتاب بیان سید باب را و هم بابیت را ناکیده گرفت و مسلک بهائی را به اطرافیان خود تبلیغ و کتاب ایقان را به عربی و کتابی دیگر بنام اقدس بفارسی با مشاورین خود از جمله مشکین قلم نوشت که بسیاری از احکام بیان سید باب را که با هیچ عقلی سازگار نبوده نسخ کرد ، و فرقه بابی

راهم منسوخ نمود و خود را آورنده دین بهائی میخواند .

میرزا حسینعلی بهاء الله گاهی ادعای خود را با رجعت حضرت مسیح (ع) و زمانی خود را بنام رجعت حسینی امام حسین (ع) جازده ولی تا این حد هم قانع و راضی نشده خود را خدا و خدا خلق کن معرفی و در قصیده عَزْرُ وِرقائیه گفته است خدا هم مخلوق من است !!!

كُلُّ الْأَلْوَةِ مِنْ رَشْحِ أَمْرِي تَأَلَّهَتْ كُلُّ الرُّبُوبِ مِنْ طَفْحِ حُكْمِي تَرَبَّتْ

یعنی همه خداها از رشحه فرمان من خدا شدند و همه پروردگاراها

از اثر حکم من پروردگارند!

اگر مسیحیان قائل به تثلیث (سه خدا) شده اند میرزای مازندران

صدها خدا برای خودش درست کرده !!!

میرزا حسینعلی بهاء در لوح بالا بلندی به زبان عربی که برای

جشن مولود خود نازل کرده این جمله که جزئی از آن لوح است: الْيَوْمُ فِيهِ

وَلِدٌ مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ . گفته است، یعنی: در روزیکه متولد شدم خدائی که

متولد نمی شد و صاحب اولاد نمیگردد متولد شد !!!

نبیل زرنندی (که اسمش ملا محمد بوده) و از یاد مجانهای دورقاب

چینهای بهاء الله و جزء مخلصین و مبلغین او بوده درباره مولود بهاء الله این شعر

را در خوش آمد بهاء الله سروده:

مستعد باشید یاران مستعد جاء شاه لم يلد ولم يولد !

اما چون ملا محمد نبیل زرنندی بعداً با بهاء مخالفت کرد بدستور

بهاء در آب غرقش کردند و شهرت دادند او خود را غرق کرده!

حسینعلی بهاء عقایدی عجیب و سخیفتر از گفته های سید باب

بروز داده، از جمله اینکه: (قَدْ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَزْوَاجِ آبَائِكُمْ) یعنی غیر از زن

پدر ازدواج بامحارم حتی : عمه وخاله ودختر خود وخواهر ومحارم دیگر
میتوان ازدواج کرد!!!

بهاء الله باتناقض گوئی هم مسلك من در آوردی خود را پنجر کرده
اویکجامیگوید : همه چیززاحتی فضله سگ وخون خوك ومنی وهمه نجاسات را
در دریای طهارت خود شستشو کرده وهرکثافتی را پاک دانسته !!! اما با
آن همه هوش خدا خلق کنی فراموش کرده که همه کثافات و آلودگی ها را پاک
وجارو کرده ، ولی با این وجود گفته : **قَدْ أَذِنَ اللَّهُ لَكُمْ السُّجُودَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
طَاهِرٍ** ، یعنی خدا اذن داده به هرچیز پاک سجده کنید .

بهاء الله صدها : لوح - رقعہ - غیر از کتب ایقان و اقدس و شعر
وهجویات زیاد ی از خود و مشاورینش نشر داده که نگارنده در پی تفصیل اینگونه
گفته های خلاف عقل نیستم ، مقصود ارائه نمونه هائی از عقاید و قصد مذہب
سازان و خدا خلق کن ها و هرج و مرج طلبان و مجریان وصیت پطرکبیر یاد شاه
روسیه تزاری واستعمار طلبان انگلیسی برای تضعیف دول مسلمان وتصاحب
معادن و تسلط بر مردم مسلمان است .



عباس افندی سربه پای ژنرال المپی انگلیسی فاتح فلسطین میساید

حسینعلی بهاء الله د رزمان زندگیش وصیت کرده بود ه جانشینش پسر کوچک او میرزا علی محمد معروف بغضن اکبر باشد ولی عباس افندی (عبدالبهاء) نیز مانند خود میرزا حسینعلی باغضن اکبر مخالفت و مجادله کرد و خود را جانشین میرزا حسینعلی معرفی و لقب خود را عبدالبهاء قرارداد .

زمانیکه عباس افندی (عبدالبهاء) د ر عکا جانشین حسینعلی شد مصادف بود با انقلاب بالشویکی و متلاشی شدن دولت روسیه تزاری و شروع جنگ بین المللی اول ، چون عباس افندی دید دولت روسیه تزاری که عامل و محرک فرقه بابی و بهائی بوده از بین رفت سربه پای انگلیسها گذاشت با جاسوسی و خبرچینی توانست تسلط انگلیسها را بر فلسطین که جزء خاک امپراطوری عثمانی بود فراهم نماید که منجر به تصرف فلسطین بدست انگلیسها شد و زمینه تشکیل نطفه صهیونیسم کنونی و پیدایش اسرائیل از آنوقت فراهم گردید !!!

د ر نتیجه این خوشخدمتی ژنرال المپی فاتح انگلیسی اول کسی را که با شادی ملاقات کرد و رضایت دولت انگلیس را ابلاغ کرد همین عباس افندی بود !!!

عباس افندی خود ش قبلاً برای خود لقب عبدالبهاء انتخاب کرده بود و ژنرال انگلیسی هم د ر مقابل کمک به تصرف و تسلط انگلیسها بر فلسطین لقب نایت هود (سر) به او داد و از طرف ژرژ پنجم پادشاه انگلستان توسط همان ژنرال المپی یک قطعه مدال هم زیب سینه عباس افندی کرد .*

* صفحه ۹۷ کتاب نه گفتار د تاریخ ادیان تالیف علی اصغر حکمت .

فصل ۱۱

مقام روحانی به لقب و مدال پادشاه انگلیس افتخار نمی‌کند

در جنگ صفین ابن عباس پسر عموی رسول خدا اوارد خیمه ایکه علی امیرالمؤمنین نشسته و مشغول وصله کردن کفش خود بود گردید و عرض کرد : یا امیرالمؤمنین هیچده هزار جوان مسلح حاضر بکنگ در میدان ایستاده و آماده بازدیدوسان شما هستند .

حضرت علی امیرالمؤمنین آهی از دل کشید و در جواب ابن عباس همان لنگه کفش پیرا وصله را به ابن عباس داد و پرسید این لنگه کفش چقدر ارزش دارد ؟ ابن عباس بانگاهی به لنگه کفش عرض کرد این کفشها آنقدر وصله روی وصله دارد که فاقد ارزش است و خریداری نخواهد داشت ، پس از آن امیرالمؤمنین فرمود : پسر عمو قسم به خدائی که جامه رید قدرت اوست دنیا و آنچه در اوست مانند این لنگه کفش پیش من بی ارزش است ، و این جوانان هم هرگاه حکم حقی که ولو بر ضرر آنها باشد قبول نکنند ارزشی ندارند مگر طالب حق باشند و آنچه که حق است (ولو بر ضرر خود باشد) بپذیرند .

سران قریش و بزرگان مشرکین مکه هم بحضرت ابیطالب عموی پیغمبر گفتند به برادرزاده ات محمد بگو اگر دست از دعوتش بردارد و ما را بحال خود واگذارد هر قدر مال بخواهد و هر دختری بخواهد بی مضایقه در اختیارش میگذاریم ، ولی آنحضرت جواب داد : اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپ (دارائیهای شرق تا غرب عالم) را در اختیارم بگذارند هرگز از دعوت به راه راست و پرستش خدای یگانه دست نخواهم کشید .

در همان ایامی که عباس افندی (عبدالبهاء) به دریافت قطعه

مدال از جانب پادشاه انگلستان توسط ژنرال المپی فاتح فلسطین دست
مزد سقوط فلسطین مسلمان افتخار می کرد ریوست خود نمی جنگید در جنگ بین الملل
اول وقتی ژنرال مُت افسرانگلیسی فاتح بغداد میخواست مفتی مسلمین
بغداد را ملاقات کند وسیله بک، افسرارشد انگلیسی از آلوسی مفتی بغداد
اجازه ملاقات خواسته بود ، اما آلوسی مفتی بغداد : نه افسر ما مور ابلاغ
پیغام ژنرال مُت را و نه خود ژنرال مُت فاتح بغداد و فرمانده عالی رتبه انگلیسی
را و نه مدالی را که برایش فرستاده بود هیچکدام را نپذیرفت .

ولی عباس افندی به داشتن لقب (نایت هود) و دریافت نشان از
دولت انگلیس خوشحال و خود را مفتخر می دانست و با افسران انگلیسی
و تشریفات مفصل اخذ نشان عکسها گرفت و برای اغنام الله (بهائیان) فرستاد
تا آنها بدانند پیشوایشان بواسطه از بین بردن استقلال فلسطین مسلمان
و تضعیف و تجزیه کشورهای مسلمان نشین مورد انعام زبردستان و مخلوق خود
یعنی انگلیسها قرار گرفته است .

آیا نوبهائیان و بهائی زادگان از جنایات و خیانتها و تجمل دوستی
سران و پیشوایان باب و بهائی که مختصری از آن در این نگارش آمده اطلاع
دارند ؟ یا تصور کرده اند سید باب و حسینعلی بهاء و عباس عبدالبهاء و بعد
شوقی افندیها و تا آخر مانند پیشوایان وارسته ادیان حقیقی مردمی عاقل
و پرهیزگار و از تجمل دنیا بیزار و فدائی حق و راهنما و رهبران بی غرض بوده
اند ؟ اگر این تصور را داشته اید اشتباه کرده اید ، اگر قبول ندارید محض
کسب اطلاع نوشته های گینارد الکورک سفير روسیه تزاری بنام اعترافات
و کتاب ادوارد برون مستشرق انگلیسی را که بقلم مسلمان نیست بخوانید تا
این گفته ها حمل بر بی اطلاعی و غرض نشود ، آنوقت برای خود مذهب و دین

قضاوت بیطرفانه

حجت باطنی هر انسانی عقل است ، خداوند بزرگ عطیه و راه هدایت را برای انسان گوه عقل قرار داده و هر صاحب عقلی را مسئول کردار و رفتار خود کرده ، چنانکه از دیوانگان شرط انجام فرائض را برداشته و همچنین قوانین جزائی هر کشور و جامعه ای دیوانگان را از مجازاتها معاف دانسته اند .

حال اگر عقل بیغرض را حاکم کنیم و به این موضوع بی طرفانه تفکر و قضاوت کنیم میفهمیم که : سیدعلیمحمد باب و میرزا حسینعلی بهاء و عبدالبهاء (عباس افندی) با ادعای خود گاهی واسطه بین امام و مردم وزمانی امام و پیغمبر و بموجب مندرجات کتابهای : بیان و ایقان و اقدس بود ر الواح نوشته بهاء خود را خدا و بالاخره خدا خلق کن و از خدا هم بالاتر می دانسته اند ، یعنی مافوق تمام انسانها ، امامی پرسیم :

اگر سیدعلیمحمد باب از جانب خدا و یا خود خدا بوده چرا در تبریز و شیراز از داعیه خود برگشت و نادم شد و توبه از ادعایش کرد ؟ اگر از ترس جانش بوده خدا که از کسی نمیترسد خدا قادر و قادر است از تهدید کسی نمی ترسد .
و اگر میرزا حسینعلی بهاء الله که مکرر خود را خدا و خدائی که زائیده نمی شده با تولد بهاء الله زائیده شده ! پس چگونه وقتی که در زندان بود و بیاد شاه روسیه تزاری اقدام به استخلاصش کرده (بانوشتن نامه :
(يَا مَلِكِ الْرُوسِ قَدْ نَصَرَنِي أَحَدُ سُفْرَائِكَ إِذْ كُنْتُ فِي السِّجْنِ تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ *) یعنی ای پادشاه روسیه آن وقتیکه من در زندان محبوس و در بند و زنجیر بودم کمک یکی از سفراء تو مرا آزاد کرد و نجاتم داد و یاریم نمود

* صفحه ۷۶ کتاب مبین چاپ ۱۳۰۸ که سوره هیکل و الواحی چند از بهاء در آن صادر شده

(مرهون منت توهستم) !!!

میگوئیم برای چه عبدالبهاء (عباس افندی) دریافت يك تکه آهن صیقلی شده یا مدال دولت انگلیس را ولو اینکه همه اش جواهر نشان باشد که مادون مقام روحانیت (به - ورمد عیان باب و بهاء است آنهاهم مزدخیانت به هم نوع خود که دولت فخیمه) بمنظور استعمار و استعمار کردن ملت ستمدیده فلسطین به عبدالبهاء داده افتخاری عظیم شمرده؟ و از آن عکسها گرفته و از شادی در پوست خود نمیکنجید؟ !!!

در همه ادیان آسمانی و خدائی یاری از جانب خدا به مخلوق است ولی در فرقه بابی و بهائی بنده و مخلوق خالق را یاری میدهد !!!
آیا اینگونه قرائن و رفتار سران باب و بهائی آشکارا نمیرساند که تخم بابی و بهائی درید و امر بموجب وصیت پطرکبیر توسط سفیر روسیه تزاری به دست سید کاظم رشتی و عاملیت سید علی محمد باب پاشیده شده و بعد از انقراض امپراطوری روسیه تزاری انگلیسها بنا به عادت دیرینه خود از فرصت و سفره گسترده بهره برداری و این کشتزار تفرقه و تجزیه و استعماری را در کشورهای مسلمان نشین خاور میانه آبیاری کردند و سالها رمق آنان را مکیدند؟ مگر مردان روحانی و خدائی به مقام و منصب و منال و جیفه دنیا برخود می بالند و به لقب (نایت هود یاسر) یا مدال ژنرال المپی اهمیت قائلند؟



بہائی زادہ‌ها بخوانند

د رھرمذ ھب و مسلك و شریعتی حتی ھند وان و بود ائیان کتا بی را کہ حاوی مقررات و آداب دینی است بطور فراوان درد سترس پیروانشان دارند کہ از پایه دیانت خود آگاہ باشند ، حال این سؤال پیش می آید کہ چرا کتب بیا سید علی محمد باب و کتاب اقدس و ایقان میرزا حسینعلی بہاء نایاب و درھیچ کتابخانہ یا کتابفروشی وجود ندارد ؟ و صدی نود از کھنہ بہائیان آنہم اگر از پیش داشته باشند مخفی نگہداشته و نشان نمید ھند ؟!

از شما بہائی زادگان منصفانہ می پرسیم : آیا شما تا کنون یکی از کتب نامبرودہ را دیدہ و یا خواندہ اید ؟

امادہ مقابل این سؤال : کتب تورات یہودیہ و انجیلہای چہارگانہ مسیحیان بہ زبانہای ملل دنیا ترجمہ شدہ و در ھمہ جا حتی خانہ ہای مسلمانہام فراوان و در کتا بخا نہ ہا و کتا بفرو شیہا برای فروش موجود است .

ھمچنین : قرآن مجید آخرین کتاب وحی آسمانی بدون کمترین تحریفی بہ تمام زبانہای زندہ دنیا ترجمہ شدہ و در ظرف یکساعت میتوان ہزاران ہزار جلد قرآن را بدست آورد و بہ خلاف کتب تورات و انجیل کہ تا کنون با بیش از ۵ ہا مفاد و مطلب مختلف چاپ شدہ ، اما تمام قرانہای دستنویس ہزار سال قبل تا کنون با قرآنہای حاضر امروز چاپہای ھمہ کشورہا بدون کوچکترین اختلاف یک کلمہ یا نقطہ ای در تمام کشورہا و شہرہا و روستا ہا و خانہ ہا و مساجد بہ ہر تعداد کہ بخواہید فراوان است ، و بخصو ص مستشرقین زیاد ی در فصاحت و بلاغت و حکمت و سازگاری قرآن با فطرت باطنی انسانہا قلمفرسائیہا کردہ اند .

فصل ۱۲

نگهدار قرآن و اسلام خدا است

از زمان خود حضر محمد بن عبدالله پیامبر اسلام که بعثت همه انبیاء با ختم نبوت به آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم پایان پذیرفت و با رحلت آنحضرت نزول وحی در قرآن قطع گردید مدعیانی نیز چون مسیلمه کذاب و اسود بن زید غیبی که کاذبانه ادعای پیغمبری کردند و تا حال افراد زیادی که در هر دورهای دست پرورده غاصبان و استعمارگران آن دوران - بوده اند، به معارضه با اسلام و قرآن برخاستند تا قرآن با آخرین قانون آسمانی را از میان بردارند ، ولی خداوند قدیر با اعلان ضمانت : نحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون ، همه مدعیان سیه اندیشه را رسوا و شرمند و مضمحل فرمود و با کشفیات و اختراعات جدید حکمت و حقانیت قرآن مجید روز به روز بهتر کلمات خدا و کتاب مبین مسلمین نورانی تر و درخشانده تر جلوه میکند .

دشمنی های صهیونیسم یهودیان و براه انداختن جنگهای صلیبی کشیشان مسیحی مآب و دین سازان بین المللی و فرقه تراشان سیاسی با صرف پیوند ودلار و لیره و روپیه ها و تفرقه اندازیهای رنگ به رنگ کوشیدند تا به تدلیس های گوناگون اسلام و قرآن را از بین ببرند اما نتوانستند و تا ابد نخواهند توانست زیرا خداوند بقاء و حفظ قرآن را ضامن و نگهدارنده اسلام خدا است ، ولو کره الکافرون .

لُرْدِ گِلادِستون چه گفت؟

لُرْدِ گِلادِستون در بحبوحه اقتدار امپراطوری انگلستان آشکارا و

بدون پرواد رمجلس عوام انگلستان قران مجید را بادست بلندوبه خانه کعبه اشاره کرد وگفت تا این کتاب قران وآن خانه و نفوذ روحانیت اسلام در شرق حکومت میکند نقشه استعمار ما بیهوده ورنگی نخواهد گرفت ، یعنی باید مردم معالک اسلامی را با سرگرم کردن به لهویات لایالی بارآوریم که از تأثیر آموزش قرآن و نفوذ روحانیان وتوجه به خانه کعبه جدا کنیم .

به لرد گلاستون وگلاستون مشربها باید بگوئیم : تووهمفکرانت در آن روزمحو قرآن واسلام وخانه کعبه وروحانیت را آرزومیکردی حال سراز خاک برداربه بین دکشور خودت جزیره انگلستان نمیتوانید بلفاست که جزئی از خاک خود را از سرخوردگان(انگلیس)ست حفظ کنید .

کشمکش داخلی کشور لرد گلاستون تا آنحد رسید که ملکه انگلستان را میخواستند بدزدند وهمان امپراطوری انگلستان که روزگاری مدعی بود که هیچگاه شعاع خورشید ازیرجم انگلستان غروب نخواهد کرد بواسطه عدم تدبیر وظلمهائیکه بهکشورهای مسلمان مرتکب شده خود گرفتارهرج ومرج واعتصابات ملت خود می باشد !!!

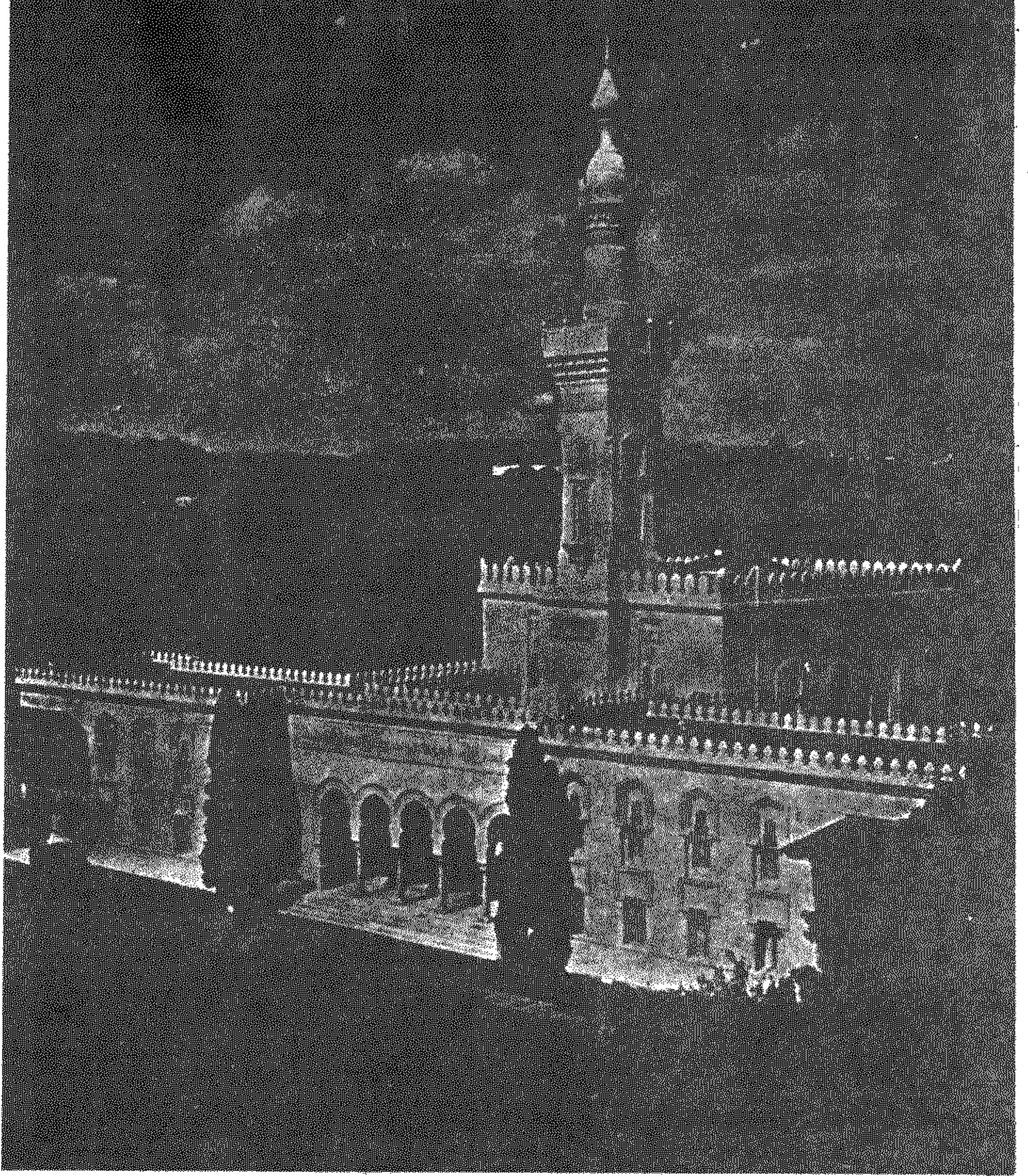
میگوئیم ای لرد گلاستون از خاک برخیز وچشم تنگ نابینایت را بازکن ببین همان نفوذ روحانیت وجاذبه اسلامیت که عرصه زنده ماندن رابه توتنگ کرده بود امروز درلندن ناظر وشاهد ساختمان مسجدیست باتامین یکمليون ونیم پوند که بامنظره ومناره وگنبد طلای دشمن کورکن نشانه نفوذ اسلام است . (طرح مسجد جدید ومركز فرهنگي وديني لندن را در صفحه بعد دیدارنمائید)

درهنگام نهضت انقلابی مقدس ملت ایران ازستم وجوراستعمارگران به جان آمدوبا همپشتی نیروی پرقدرت روحانیت مظالم استثمارطلبان

مسجد و مرکز فرهنگی جدید اسلامی با طرح گنبد طلائی بقطر ۷۰ فوت و متعاره مرتفع ۱۱۲ فوتی که توسط مهندس آرشیستکت انگلیسی بنام سرفردریک گیبورد طراحی شده با اعتبار ۱۵۰ میلیون پوندی ساختمان آن که کمی بیش از یکسال بطول خواهد انجامید پس از تکمیل میتواند در شمار یکی از نقاط مشهور و دیدنی لندن درآید.

مسجد و مرکز فرهنگی جدید اسلامی با طرح گنبد طلائی بقطر ۷۰ فوت و متعاره مرتفع ۱۱۲ فوتی که توسط مهندس آرشیستکت انگلیسی بنام سرفردریک گیبورد طراحی شده با اعتبار ۱۵۰ میلیون پوندی ساختمان آن که کمی بیش از یکسال بطول خواهد انجامید پس از تکمیل میتواند در شمار یکی از نقاط مشهور و دیدنی لندن درآید.

مسجد مسلمانان وکانون اسلامی در واشنگتن که در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۳۶
توسط رئیس جمهور وقت رسماً افتتاح شد .



واستعمار چیان بی رحم و عظوفت که علاوه بر چپاول ذخایر ملی و غارت معادن نفت به مقدسات دینی و عقاید سنن اسلامی هم آشکارا دست درازی کرده بودند بپا خاسته و از حق خود بافدا کردن هزاران قربانی خونین دفاع کردند (دیوید اوان) وزیر خارجه انگلستان مسلمانان آزاد یخواه ایران را به ارتجاع متهم کرد !!!

با اینکه مردم ایران بوسیله مجلات و روزنامه جوابهای دندان و دهان شکن و خفه کننده به وزیر خارجه انگلستان دادند و دنیا منتشر شد ، میگوئیم مدرك ارتجاعی خود قانونگذاری انگلستان که چهار سال قبل مجالس مقننه انگلستان برای آزادی هم جنس بازی (رسماً قانونی تصویب کرد) تا پیرمرد های انگلیس د ریبیری با جوانان انگلیسی همجنس بازی کنند این ارتجاع است یا حماسه ملتی که طوق بندگی استعمار شمارا از گردن بیرون کرد ؟

از خردمندان هر مذهب و هر ملت می پرسیم : آیا رسمیت دادن لواط ارتجاع و بربریت است یا ملتی که بخواهد حلقوم خود را از غارتگران بین المللی رها کند ؟

مجلس عوام انگلستان با تصویب قانون لواط نشان میدهد ملت انگلیس به بربریت سه هزار سال قبل از میلاد برگشته و خود را هم سلیقه قوم لوط قرار داده اند ! (حیوانات هم همجنس بازی نمیکنند تا چه رسد انسان ؟) ملت مسلمان ایرانی و غیر ایرانی به پیروی از کتب آسمانی (تورات اصلی و انجیل اصلی " تحریف نشده " و قرآن مجید) صهیونیست و امپریالیست های ستمکار بین المللی را که هر روز بمنظور فروش اسلحه و ادوات قتال با تفرقه اندازی ملت ها را بجان هم می افکنند وحشی ترین و مرتجع ترین مردم میدانند .

قرآن وحی آسمانی آخرین قانون سازگار با فطرت نسوع بشر است
 و دستور زندگی هر انسان در هر زمانست، قرآن مجید به پیروان خود نوید مطمئن
 و روشنی داده که اسلام دین حق است (لیظهر علی الدین کله ولو کره الکافرون)
 قرآن برای برهمنان کتاب رحمت است و بر تمام ادیان عالم غالب خواهد شد
 و سلطنت و زمامداری و امپراطوری عالم به دوازدهمین امام شیعیان یگانه فرزند
 بلا فصل امام حسن عسکری علیهم السلام خواهد رسید و در آن روزگار که
 سرتاسر جهان پر از ظلم و ستم شده باشد ظاهر خواهد شد (یملاء الأرض بعد
 ما ملئت ظلماً) و با تاییدات آسمانی لکه های نایابی و دغلیکاری و ابرهای
 ظلمت و جهل و نفاق و ستم را بر طرف و جهان را کران تا کران معلوم و سرت
 و عدل و انصاف خواهد کرد *



سرات حق «قرآن مجید» در نظر عالمان مسیحی

در

جواب لورد گلاستون

همینکه : نزول قرآن و دعوت پیامبر اسلام رونق گرفت و گروهی از آنانیکه خدا نعمت هدایت نصیبشان کرده بود از زلال چشمه جوشان تعلیمات قرآن و دعوت رسول خدا به احترام و تفکر و تعقل در رهائی از قید اوهام و عادات جاهلیت و هوسهای نفسانی پیش آهنگ و سیراب شدند و آوازه و نظام روشن دین مبیی اسلام و فرامین محمد رسول الله (ص) بحکم قرآن رواج گرفت و از میان کوههای مکه پا بیرون گذاشت به اطراف مکه و قبائل دیگر رسید ، چون انحصار طلبی و زور و ظلم و ربا خواری و شهوت رانی سردمداران و صناید قریشیه با به خطر افتاد ، دارالندوه (مجلس سنای آنروز مکه) بعضویت نمایندگان قبایل قریش و به رهبری ابوالحکم مخزومی (عموی پیامبر) معروف به ابوجهل دایه قریشیه فعالیت گسترده وجدی برضد اسلام آغاز کرد .

ولی از آنجا که احکام قرآن و رهنمائیهای محمد پیامبر اسلام با فطرت طبیعی انسانها سازگار بود ، آیات قرآن مجید کا رنامه نهضت عظیم جهانگیر اسلام و بارقه مقدسی از عالم غیب بود نخست در شهر مکه درخشیدن گرفت و در

مدت کوتاهی جزیره العرب را روشن کرد و در کمتر از يك قرن بزرگ معموره آنروز
بهان براتحت نفوذ خود گرفت و اکنون نیز بیشتر از يك چهارم نفوس آنها ی
ساکن خاکدان زمین براهنمائی و تعلیمات قرآن و میثاق مقدس آسمانی با تعلیمات
قرآن آشنا شده و با این میثاق مقدس آسمانی پیوند یافته اند

این کتاب به نام مبارک "مهدی" که به حساب ابجد ۵۹ می شود ۵۹
آیه از آیات قرآن و ۵۹ حدیث از هزاران حدیث مستند و معتبر و متواتر در نشانیها
و بشارت ظهور مهدی موعود نگاشته ام که در اغلب آیات قرآن و حدیث آمده که
حضرت مهدی موعود قائم آل محمد (عج) پس از ظهور موفورالسرور بنی امیه
را بجرم خرابکاریها و دشمنی های با حق و آیات قرآن و آل محمد (ص) در عالم از
خانه و سوراخ زمین بیرون میکشد و از میان بر میدارد، خوانندگان: تعجب خواهند
کرد که مگر بعد از گذشت چهارده قرن از بنی امیه کسی وجود دارد؟

ولی میبینیم در راس دول استعمارگر و جهانخواران کسانی چون
گلا د ستونها که با همان روش ابوجهل ها و ابوسفیانها قصد محو قرآن و برد
نگهداشتن افراد بشر را دارند، بسیارند اشخاصی چون گلا د ستن که در
مجلس عوام انگلستان میگویند: تا خانه کعبه و نفوذ روحانیت و تعلیمات قرآن باقیست
مانع بسط سیطره شیطانی و استثمار و استعمار و بیخاک و خون کشیدن مردم
و متوقف ساختن اخلاقیات و تمدن مکتسبه از قرآن انسان ساز است، همچنانکه
ابوجهلها و ابوسفیانها عزم ریشه کن کردن قرآن و اسلام و شخص راهبان اسلام
و مسلمین را داشتند!

گلا د ستنها نیز به خیال ناپخته خود تصور میکنند: اسلام و قرآنرا
که خداوند قادر ضمانت نگهداری آنرا کرده خواهد توانست از میان بردارند
هیئات، هیئات لما توعدون °



THE OPENING

Revealed at Mecca

1. In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful.

2. Praise be to Allah, Lord of the Worlds:

3. The Beneficent, the Merciful:

4. Owner of the Day of Judgement.

5. Thee (alone) we worship; Thee (alone) we ask for help.

6. Show us the straight path:

7. The path of those whom Thou hast favoured; Not (the path) of those who earn Thine anger nor of those who go astray.

آيَاتُهَا ۱۱ سُوْرَةُ الْفَاتِحَةِ مَكِّيَّةٌ رُكُوْعُهَا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③

مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤

اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ

عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑦

دوسال پیش - سال ۱۹۷۷ - کتابخانه مسجد مسلمانان واشنگتن، کتاب آسمانی ما، قرآن مجید را که به وسیله محمد - م - بیکنال ترجمه شده بود

انتشار داد در هر صفحه این قرآن دو ستون، یک ستون آیات آسمانی به زبان عربی، و ستون دیگر به زبان انگلیسی چاپ شده است.

از تاریخ چاپ و انتشار این قرآن، معمولاً مسلمانانی که از کشورهای دیگر به امریکا سفر می کنند و به این مسجد می روند از جانب مسئولان کتابخانه، یک جلد کلام الله مجید بعنوان هدیه دریافت می دارند

در اینجا صفحه یی از چاپ این قرآن را ملاحظه می کنید.

قریب نود و چند سال قبل کلادستون نخست وزیر انگلستان در مجلس عوام انگلستان آرزو داشت تا قرآن مجید و خانه کعبه و نفوذ روحانیت تضعیف شود اولی بحمد الله مشاهده میکنیم هر ساله بیش از یک میلیون زائر کعبه در موسم حج و هر روز تحلیمات - قرآن گسترش می یابد، اینک قرآنیکه در ۱۹۷۷ از زبان انگلیسی ترجمه شد و در امریکا و کشورهای دیگر اروپا انتشار یافته که آرزو بگور بردن کلادستن صفتها را نشان میدهد

آگای

(نشر معارف قرآنی)



باتوجه عمیق بمقدمه کوتاهی از هذیان ویاوه گوئیهای کلام ستن

نخست وزیر مفلوک انگلستان (تاخانه کعبه و کتاب قران و نفوذ روحانیت، هست ما نخواهیم توانست بر اوضاع جهان مسلط شویم) اکنون به نظرات و عقاید گروهی از مستشرقین غیرمسلمان (که نگارنده گمان ندارم اینان پیرواناجیل و مسیحیت جعل شده باشند، بلکه با ابراز عقاید منصفانه و بی پروا حکمت قران کریم و رهنمائی پیامبر اسلام را پذیرفته اند، باشد که بفضل خدای دادگر از گمراهی کشیشان کج فهم گمراه بصراط مستقیم اسلام روان شده باشند) دقت کرده و بخاطر بسپریم که عقاید و نظرات این چند نفر انگشت شمار از دانشمندان غیرمسلم غربی نمونه گاهی از کوهی مردمی است که بارقه حکمت اسلام و نفوذ فرمان محمدی (ص) عقلشان را بیدار و روشن ساخته است که فرمان خدا و تعلیمات قرآن و رهبری پیامبر گرامی اسلام محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله وسلم در ریای زلال بیکرانی است که جگرهای تشنه حکمت و هدایت را سیراب میکند و بازبان زدن سگان پلیدی چون گلاب ستن های ابوجهل صفت و ابوسفیان و معاویه کردار نجس و آلوده نخواهد

شد.

بشر برده پی بر حقایق بسی	نموده است کشف دقایق بسی
نباشد جزا سلام دین دگر	قبول و پسندیده دادگر
نگویم نداند که داند تمام	ندانسته بگرفته تم الکلام

اینک نظرات و عقاید ۱۲ نفر از صد هانفرد دانشمندان محقق و مستشرق

غیرمسلمان غربی را با هم مرور میکنیم:

توماس کارلیل اسکاتلندی دانشمند معروف و فیلسوف نامی مؤلف

کتاب الابطال (پهلوانان) و تالیفات ذیقیمت دیگر میگوید: وقتی که ما وجه بلاغت قرآن مجید را اندیشه و تأمل میکنیم قطع نظر از اینکه این کتاب مبارک وحی و کلام الهی است می بینیم که قرآن از حیث لفظ و ترکیب بلیغترین کتابی است که بزبان عربی

مدون شده ، زیرا اسلوب بلاغت قرآن از جهت تسجیع و ترسیل و غیره موافق بالاترین ذوقی است که از قرن‌ها سال بین اهل لسان انتشار داشته و قرآن به اعلی مدارج بلاغت و فصاحت گرد آمده و این کتاب معلو از مثالهای روشن و آشکار و درستی و راستی و یادداشت‌های تازه و بدیع است .

کارلیل در چند جای کتاب خود از قرآن مجید نام برده تا اینکه میگوید : هیچکس قرآن را با اندیشه و تأمل نمیخواند مگر اینکه می بیند حقایق جوهری بذات نزد وی آشکار و ظاهر است به این معنی که قرآن وابسته به اصلی حقیقی و پیوسته بمبدأی عالی و مقدس است ، این نکته مسلم و واضح است که هر کلام حقیقی و پرج در دلها نفوذ و تسلطی بخصوص دارد ، حق است که تمام کتب در برابر قرآن حقیر و کوچکند و این کتاب از هرگونه عیب و نقص و اصول ناپسند پاکیزه و مبرا است .

لئون تولستوی دانشمند اخلاقی و فیلسوف نامی روسی نگارنده کتاب (حکم محمد) و تالیفات مهم دیگر ، در کتاب خود (حکم محمد) مینویسد هر کس بخواهد مسأله و سادگی دین اسلام را بفهمد باید که قرآن مجید را بدقت نظر مطالعه نماید زیرا در آن احکامی مبنی بر حقایق روشن و آشکار صادر و تعلیماتی سهل و ساده بعموم داده شده ، در این قرآن آیات کریمه ای نزول نموده که دلالت بر مقام عالی دین اسلام و پاکی روح آورنده آن دارد از آن جمله آیه : *واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم انکم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً وکنتم علی شفا حفرة من النار و انقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون ، یعنی : همگی بر پیمان خدا چنگ زنید و پراکنده مشوید و بیاد آورید موهبت خدا را بر خودتان آنوقت که بایگد یگرد شمن بودید و میان دل‌هاتان پیوند داد و بموهبت الهی باهم برادر شدید ، بر لبه*

مغاکي از آتش بوديد و شمارا از آن برهانيد ، بدينسان خدا آيات خویش را برای شما بيان میکند شايد هدايت شويد .

سودیو مششرق فرانسوی مؤلف کتاب تاریخ عرب و اسلام و تاریخ زندگی رسول اکرم (ص) و صاحب تالیفات دیگر میگوید : قرآن چیزی را از آداب و حکم فروگذار ننموده و آداب قرآن منتهی بر حکمت و اساس آن بر عدل و احسان قرار گرفته و غرض آن پیمودن راه حق و منع از رفتار باطل و رفع و دفع گمراهی و بیرون شدن از تاریکی و ذالت و پستی و توجه بجانب انوار فضائل و کمال میباشد و چیزی از اصول پاکیزگی و نظافت و درستگاری از شوائب عیب و نقص فروگذار نشده و کتابی است که خلق را بزرگوار کند و زینت میدهد .

این کتاب دلیل بر تقدس غرض و غایت شریف اسلامیت و احترامات مذہب و برتری حکمت بوده و شخص بینا و بصیر از این آیات و احکام بفضیلت و مزایای قرآن مجید پی خواهد برد ، زیرا این کتاب شامل تمام مبادی اصول است که به پیامبران سلف از آیات و معجزات داده شده و مشتمل بر مواعظ و احکامی است که باعث کوری منتقدین و عیبجویان اسلام و کوری گوشهای ایشان از دیدن و شنیدن حق میگردد ، برتوباد که به محتویات قرآن مجید و آیات بیّنات آن که عرب را از فضایح و فجایع زیاد مانند : خود ستائی و مفاخرت و ارتکاب کارهای ناروا باز داشته و جلوه گیری نموده و آنها را براه راست راهنمایی کرده توجه کاملی داشته باشی .

و باز در کتاب خلاصه تاریخ عرب خود مینویسد : فصاحت عربی و حفظ قرآن باعث مزید اهتمام این ملت در تحسین کلام شده و بدین جهت مباحثات و افتخار نموده و پیشرفت و غلبه پیدا کرده ، پیغمبر اسلام برای آنها قرآنی آورده که زبان اعراب را پابرجا و ثابت گردانیده و ملل اسلامی غیر عرب بفرار گرفتن زبان عرب و تکلم بدان مبادرت جسته و با تعمق و تحقیق در اسلوب تالیف جمل و تنسیق

عبارات قرآن از نقطه نظر نحوی و محسنات لفظی و معنوی و تجمع مضامین نیکو بیش از صد فن بوجود آورده اند .

گوسین دو پر سوال خاورشناس معروف فرانسوی که کتب و مؤلفات بسیاری از علماء اسلام را بطبع رسانیده و خود کتاب (حکایات المسلمین) و کتبی هم در صرف و نحو عربی تالیف کرده می نویسد :

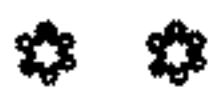
مسئله وحی در باره قرآن از امور پیست که زیاد پراشکال شمرده میشود ، زیرا که اهل جستجو و تحقیق هنوز راه حلی پسندیده برای آن نیافته اند و عقل را اینجا سرگشته و حیران است که : چگونه ممکن است آیات کتاب قرآن بزبان مردی در رس نخوانده و سواد خواندن و نوشتن نیاموخته جاری شود ؟ مردم شرق عموماً اعتراف دارند قرآن آیاتی است که فکری نوع بشر از آوردن بمانند آن از حیث لفظ و معنی عاجز و ناتوان خواهد بود و آن آیاتی است که وقتی عقبه بن ربیعہ شنید در زیبایی و جمال آن حیران گردید و در برتری و رفعت عبارات آن همین کافی است که : عمر بن الخطاب را قانع نمود و به پروردگار قایل آن ایمان آورد و چون جعفر بن ابیطالب برخی از آیات قرآن را برای نجاشی پادشاه حبشه خواند اشک از چشمان نجاشی سرازیر گردید .

دوزی هلندی خاورشناس و استاد زبان عربی دانشگاه لیدن میگوید : بعد از اینکه عرب صاحب دیانت شد و بقرآن ایمان آورد و دلها بنور دین حنیف اسلام روشن شد مسلمین بالباس نوری در برابر تمام مردم زمین عرض اندام نموده که اسلام و قرآن آئین صلح طلبی و آرامش خواهی و آزادی افکار و درستی و امانت در معاملات و کردار است .

آیات قرآن بی دریغ مردم را به نیکوکاری امر کرده و از طرفی مردم سرکش و نافرمان را هم بیم و انذار مینماید (اجبار و اکراهی در قبول دین اسلام

نبست، زیرا که حق از باطل و راه از بیراه پید او نمایان و بر همه آشکار است آیه ۲۵۶ سوره بقره) و نیز (به کسانی که بغیر از خدا ی یگانه را میپرستند فحش و ناسزا مگوئید و قبایح ایشان را یاد مکنید، چه اگر شما ناسزا گوئید آنان از راه ظلم و تجاوز از حق بپید انشی خدا را ناسزا گویند آیه ۱۰۸ سوره انعام) و نیز (بر آنچه میگویند تحمل کن و آنان را به نیکوئی ترک نما ۰ آیه ۱۱ مزل) و نیز (بندگان خاص خدا آنانند که با کمال تواضع در روی زمین حرکت میکنند و چون مردم نادان ایشان را بی ادبانه مخاطب سازند ایشان راه مسالمت گیرند و آنان را درود فرستند و سلام گویند ۰ آیه ۶۲ سوره فرقان) بعد از آنکه اعراب اسلام آوردند، تعلیمات پیغمبر اسلام بدین گونه ها است .

گوستا و لوبون فیلسوف محقق و متبع فرانسوی نویسنده کتاب تحقیق
 در انقلاب فرانسه و کتاب تمدن عرب که تحقیقات عالی و محققانه درباره دیانت اسلام و قرآن و مآثر دانشمندان و علماء اسلامی و فنون و صنایع مسلمین نموده است میگوید : تعلیمات اخلاقی که قرآن آورده خلاصه ای از آداب عالی و نتیجه و حاصل مبادی اخلاق کریمه است، قرآن مردم را بصدقه و احسان و بزرگواری و عفت و اعتدال و میانه روی تشویق و ترغیب نموده و آنان را به اهمیت عهد و پیمان و وفا و میثاق دعوت نموده و به درست رفتاری با همسایگان و پیوست با خویشاوندان و دادن حق به مستمندان و مستحقان و مراعات بیوه زنان و یتیمان و در ماندگان و اهتمام در امرستمدیدگان امرود ستورا کید داده و در چندین جای قرآن بدی و خوبی را سنجیده و بایکدیگر مقابله کرده است، اینها است آداب و تربیت عالی که قرآن مردم را بجانب آن دعوت نموده و آداب و احکام قرآن بمراتب بالاتر از کتاب انجیل و آداب آنست .



ژول لا بوم دانشمند و خاورشناس معاصر فرانسوی که از مطلعین علوم اسلامی و قرآن و مؤلف بهترین فهرستهاست که مشتمل بر موضوعات مختلف قرآن مجید میباشد چنین میگوید: قرآن اکثراً شامل و عظم و زجر و ترغیب و ترهیب است و توجه آن تنها ببزرگان و سران قوم نبوده بلکه روی خطاب به جانب عموم مردم است که فرموده (یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها النار و الحجارة ۰۰۰۰) آیه ۶ سوره تحریم یعنی: ای کسانی که بخدا ایمان آورده اید خود و خانواده خویش را از آتش جهنم نگهدارید از چنان آتشی که خود مردم آتش انگیزان و سنگ گدا زنده باشند ۰۰۰ و در آیه ۱۷۴ سوره نساء: (یا ایها الناس قد جائکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً مبیناً یعنی: ای مردم برای ارشاد شما از جانب خدا برهانی محکم آمد "رسولی با آیات و معجزات فرستاده شد" و نوری تابان به شما فرستادیم) و این دلیل پُر قوتیست که موجب هدایت و رشد میگردد و شمار ابراه سعادت و مدارج کمال میکشاند.

ژول لا بوم در مقدمه فهرست قرآنش می نویسد: بایستی که اهل دنیا بر حسب اختلاف جنس (زن و مرد) به دیده انصاف نظری بگذراند و نیا کرده معارف و علوم پیش از اسلام را مطالعه کنند و معترف شوند که دانش امروزه از قرآنی که مانند ریائی دانش بود گرفته و از آن نهرها و جویبارها جدا نمودند. این قرآن برای همیشه موجود مانده و مردم هر دوره و زمان باندازه فهم و ادراک خود از آن استفاده مینمایند.

گفته شاعر و فیلسوف و متفکر نامی و بلند پایه آلمانی که صاحب تالیفات عدیده ذی قیمتی است میگوید: ما در اول از قرآن روگردان بودیم ولی طولی نکشید که این کتاب توجه ما را بخود جلب کرده و ما را بحیرت در آورد و بالاخره ما مجبور شدیم که اصول و قواعد آنرا تنظیم نمود و آنرا بزرگ بشماریم و در مطالعه

و مطابقه الفاظ قرآن با معانی بکوشیم ، مرام و مقاصد این کتاب کاملاً متین و قوی و محکم و مبانی آن بلند و با عظمت و مزایای آن هر روز فزونتر میگردد و ما را بجانب اهمیت و علو مقام خود بیشتر جلب میکند ، این کتاب قرآن بزودی بزرگترین تاثیر در تمام روی صحنه گیتی نموده و نتیجه مهم وجهانگیری خواهد داد .

نولدکه که محقق بزرگوار و مستشرق عالیقدر آلمانی که مؤلف تاریخ قرآن و صاحب تالیفات عدیده است میگوید : قرآن بقوه اقناع و نیروی برهان دل‌های شنوندگان را بخود جلب نموده و طرف خطاب قرار میدهد و همیشه بر عناصری که از آن دور و مخالف و معاند قرآنند تسلط یافته و آنها را بخود پیوسته و جوینده مینماید که در آن روح حیات ثابت و برقرار دمیده میشود ، بلاغت قرآن با سادگی که دارد فضیلتش به اوج کمال رسیده و بواسطه قرآن و آیات متینش ملتی متمدن از قبایلی وحشی تربیت کرد که بدنیاً تعلیم و نظم و تربیت آموختند .

برنارد شاو فیلسوف انگلیسی در سلسله مقالات خود میگوید : ترقیات علم و فلسفه به اسلام تخصیص دارد محمد (ص) با ابلاغ قرآن نجات دهنده بشر است ، پیش‌بینی میکنم اروپا در آینده نزدیک دین اسلام و محمد را اختیار خواهد نمود و آثار آن از حالا نمایان است زیرا اروپائیان به آن اقبال کرده اند .

ژایوانی مورخ مشهور ایتالیائی میگوید : مسلمین همینکه در پیروی از احکام قرآن سستی و رخوت نشان دادند نیروی سعادت و فرشته رحمت و نجات نیز بآبی اعتنائی از آنان دور شد و آنهمه مجد و عظمت از افق زندگی آنان رخت بر بست و به زحمت و خفت و تفرقه گرفتار گردیدند .

ناپلئون بناپارت امپراطور فرانسه گفته است : کجاست آن روزیکه ما جمعی و هیاتی از سیاستمداران و علما محقق دنیا تشکیل دهیم و در آن مجمع قرآن کلام الهی و متین‌ترین قانون محمدی همان نسخه پرافتخار رفتار بشری

راپیش روی خود گذاریم و از روی احکام انسان سازان قوانین و برنامه سرتاسر سعادت
حقیقی بشر را تنظیم و تنسیق و احرا نمائیم ؟



بطله‌ای که در غار «حرا» بر قلب محمد (ص) تابید، نخست شهر «مکه»
و بعد سر اسر عربستان و سپس گستره خاک را روشن کرد.

کتاب بیان و ایقان و اقدس نایاب و پنهانست!

آیا فکر نمیکنید چرا کتابهای بیان و ایقان و اقدس نایاب و در هیچ کتابفروشی و کتابخانه ای وجود ندارد؟!!!

علت آن روشن و معلوم است زیرا مندرجات آنها آنقدر برخلاف فطرت انسانی و برهان را تدلالت عقلی است که هر انسان بی غرض و مرضی از الگوی فکری و عقلی تهیه کنندگان آنها تعجب می کند و بدان سبب است که پیروان و سردهسته های این فرقه نمیخواهند آن کتابها را آفتابی کنند .
مثلاً : پس از ادعای تو خالی سید علی محمد باب آنوقت که

گفته بوده مرام بهائیت تا سال المستغاث (به حساب حروف ابجد) سال ۲۰۳۲ و ام خواهد کرد ، میرزا حسینعلی در کمتر از پنج سال از تونلی عجلانہ از آن سوی مدت ۲۰۳۲ سال مدت المستغاثی که سید باب بنیانگذار بهائیت تعیین کرده بود سرد را آورد و خود را من یظهر الله و جمال مبارک و قلم اعلی و بهاء الله خواند و پیروان خود را از خواندن و عمل به دستورات سید باب در کتاب بیان معاف کرده و گفته : **قَدَعَى اللهُ عَنْكُمْ مَا نَزَلَ فِي الْبَيَانِ** .
و اصلاً کتاب بیان باب را بی اعتبار دانست و آنرا پشت خشتهای بهائیت انداخت و خود کتاب ایقان و اقدس درست کرد .

میرزا حسینعلی بهاء الله هم که مدت ۲۰۳۲ سال المستغاث

را در هم شکست خود در کتاب اقدس گفت : **مَنْ يَدْعُنِي أَمْرًا قَبْلَ أَلْفِ سِنَةٍ كَامِلَةٍ إِنَّهُ كَذَابٌ مُفْتَرٍ نَسْتَلُ اللَّهَ أَنْ يُؤَيِّدَهُ عَلَى الرَّجُوعِ أَنْ تَابَ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ** .

یعنی : هر کس قبل از هزار سال دعوی پیغمبری یا امر الهی کند مفتری

و دروغگو است ! از خدا می خواهم که او را یاری دهد تا از راه خود برگردد و اگر توبه کند خداوند توبه او را می پذیرد .

جای تامل است که : سید باب خود بنیانگزار با بیت مدعی شده که مرام با بیت ۲۰۳۲ سال باقی خواهد ماند ، اما بهاء الله که خود را جانشین و نوحه باب دانسته مدت ۲۰۳۲ سال رابی اعتبار کرده و خودش مدعی شده که تا هزار سال هر که ادعای پیغمبری یا امر الهی کند غاصب و دروغگواست ، میگوئیم اگر سید باب از جانب خدا یا خود خدا بوده باید ادعایش صادق و عملی میگردد چرا بهاء الله که بهائیت را روی شالوده با بیت گذارده به گفته و ادعای باب اعتنا کرده ؛ و اگر بهاء الله من ینظهر الله و حق بوده چرا سید باب اولاً اسمی از او نبرده و ثانیاً چرا برای ظهور بهاء و پیدایش مسلك بهائیت ۲۰۳۲ مدت تعیین کرده ؟ و اگر با بیت و بهائیت هر دو يك مسلك و مرامند چرا میرزا حسینعلی بهاء الله با بیها و بیبها را از عمل و خواندن کتاب بیان معاف کرده و کتابی دیگر نوشته که ناقض کتاب بیانست (بنام کتاب اقدس) و کتاب احکام بهائیان و کتاب بیان سید باب را از اعتبار انداخته است ؟ !!!

پس باید دانست : به این ملاحظات است که رنود کهنه کار و سران فرقه و مبلغین گوسفند چران بهاء هم انتشار کتب بیان و ایقان و اقدس را صلاح ندانسته اند و سرگوسفندان (اغنام الله) بهاء را با ارائه و صد و رصد ها الواح و اسامی قلم اعلی و جمال مبارک و هیکل مبارک و من ینظهر الله شیره مالیده اند تا خودشان از شیر و پشم اغنامشان کیف و سوراخ خود را براه بیندازند آنقدر در این سه کتاب بیان و ایقان و اقدس و الواح بهاء مطالب سرخورده و ضد و نقیض و احکام عمل نشدن و یاوه گوئی که من مسیح آسمانی و رجعت حسینی و پیغمبر و خدا و خدا خلق کن هستم و دعاوی خالی از شعور و عقل و ادراک بهم بافته اند که اگر کسی بخواد يك بيك ایرادات را نمودار کند باید کتابی بقطر سه برابر هر يك از سه کتاب نامبرده بنویسد که حمل و نقل آن کتاب

مشکل است تاچه رسد به خواندن آن .

بنا بر آنچه که گفته شد به عموم و خصوصاً بهائی زادگان توصیه میشود اکنون که کتب بیان وایقان و اقدس در دسترس نیست تایاوه های آنها آشکار شود وبعلاوه کتب بیان و اقدس به عربی نوشته شده که در صورت دسترسی هم از مطالب آن آگاه نمیشوید حتماً کتاب (بهائی از کجا و چگونه پیدا شده نوشته کیائی) و کتبی که فهرست و اراسامی آنها در صفحه ۲۶۵ این نگارش آمده تهیه کنید و بخوانید تا از مفاد کتب باب و بهاء بیشتر آگاه شوید .

مقصود از اشاره به مطالب گذشته آنست که همگان بخصوص بهائی زادگان بی اطلاع از سابقه عجز و جهل و طمع و دنیا پرستی تفرقه افکنان و دین سازان عامل بیگانگان و استعمارگران (در ابتدا در اجرای وصیت پطر کبیر وسیله پرسنال کورکی سفیر روسیه تزاری در ایران و بعد از متلاشی شدن رژیم روسیه تزاری انگلیسها برای تضعیف و از میان بردن ایمان مردم کشور های مسلمان که تصرف معادن و ذخایر و تسلط بر خاک و وطنشان هدف دول اروپائی بوده) سید کاظم رشتی و سید علی محمد باب و بهاء الله ها و عباس افندی ها و شوقی افندیها را در ایران، و در هندوستان احمد قادیانی بین مسلمانان و هند و برسر موی دروغی پیغمبر کشتارها براه بیندازند و کشمکشهای حیدری و نعمتی و چپی و راستی بوجود بیاورند و با این قبیل دود ستگیهای موافق و مخالف بین کشورهای خاورمیانه افتراق و چند دستگی ایجاد کنند ، تا دول استعمارگر بدون بکار بردن توپ و تانک و بی لشکر کشی و بی صرف هزینه تجهیزات و ادوات جنگی و تلف نشدن نیروی انسانی خودشان کشورهای نفت و زر خیز خاوری را مفت و ارزان و اصلاً بی هزینه ای تصرف و مردم را در استعمار و استثمار خود در آورند !!!

یک حساب روشن ولی غلط...

سید علی محمد باب و میرزا حسینعلی بهاء الله و عباس عبدالبهاء که که مؤسس و فرقه بابی و بهائی و در نتیجه به گروههای بهائی و ازلی و ناقضی و الهی آخرت تجزیه شده خود شان ایرانی بوده اند ، اگر اینان برگزیدگان خدا و مردان آسمانی و روحانی بوده اند با اینکه از اول خلقت بشر هر چه از جانب خداوند بر رسولان و پیامبران برحق وحی نازل کرده به زبان همان قومی که پیغمبر از میان همان قوم مبعوث گردیده بوده ، چنانکه قرآن کریم با زبان رسا فریاد میکند: *ولا تجدن لسنة الله تبدیلا و سید باب هم قرآن مجید را تا هزار سال معتبر دانسته: پس چه شد که سنت خدا در مورد باب و بهاء تغییر کرد یا اینکه باب و بهاء که خود شان ایرانی بود ند کتاب بیان و اقدس را به زبان عربی آنهم عربی نامربوط و غیر فصیح که از قواعد زبان عربی فرسنگها فاصله دارد نازل کرده اند!* و دیگر آنکه تمام اقوام و مذاهب و ملل عالم تا بحال سال را به ۱۲ ماه و هر ماه را ۲۹ یا ۳۰ یا ۳۱ روز تعیین کرده اند ، حتی انسانهای اولیه و غارنشین با رؤیت هلال اول ماه و *بَدْرُ و سَطْ* ماه و *مِحاق* (از ۲۷ تا آخر ماه) را با چشم غیر مسلح می دیده اند برای زندگی روزگار خود تقسیماتی که : ماه را ۳۰ روز و سال را ۱۲ ماه میدانسته اند و بعد ها هم که تلسکوپ و ادوات فلکشناسی اختراع گردید با قواعد نجومی و علم هیئت هم تقریبا همان تخمین انسانهای غارنشین که مظهر رؤیت ماه (قمر) بوده ثابت مانده که تفاوت سال شمسی با سال قمری ۶ روز به حساب آمده .

معلوم نیست این دین سازان : (باب و بهاء) با کدام شعور و

استدلالی سال را ۱۹ ماه و ماه را ۱۹ روز قرار داده اند؟ خوب میگوئیم
 صرف نظر از اینکه اینها همه چیزشان با همگان باید تفاوت داشته باشد قبول
 کنیم، ولی وقتی آخر حسابشان درست در نمی آید چه جوری باید جورش کنیم؟
 زیرا اگر سال قمری را حساب نمائیم ۳۵۵ روز میشود اگر سال را شمسی منظور کنیم
 ۳۶۵ روز و هرینچ سال يك روز هم کبیسه است، و بنا به شماره روزها و سال و
 ماه نوزده بهائیان (۳۶۱ = ۱۹ × ۱۹) در سال قمری شش روز اضافه و در
 سال شمسی چهار روز کسری را از کجا بیاوریم؟

نمیدانیم این مذهب تراشان که ادعای مهدویت یا پیغمبری یا
 خدائی یا خدا سازی کرده اند چرا حتی چهار عمل اصلی حساب را نفهمیده
 مدعی رهبری و خدائی شده اند؟ آیا مدرک بطلان و پیوچی ادعایشان از این
 آسانتر و روشنتر و همه کس فهمتر آشکار نیست؟

این مدعیان بی خبر و غافل از همه چیز حتی جلویای خود شانرا
 نمیتوانسته اند به بینند و از آینده نگری محروم بوده اند که حس و درک کنند که
 بهزودی حمامهای خزینه دار منسوخ و حمامهای دوشدار مرسوم خواهد شد این
 میرزا بهاء یا آخدای غیب ندان در سطر ۱۸ صفحه کتاب اقدس بعد از دستور
 ناخن گرفتن آداب حمام رفتن بهائیان را چنین نوشته:

قَدْ كُتِبَ عَلَيْكُمْ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَالِدُخُولِ فِي مَاءٍ يُحِيطُ هُنَا كَلِمَةٌ فِي
 كُلِّ الْأُسْبُوعِ..... إِيَّاكُمْ أَنْ لَا تَقْرَبُوا حَمَامَاتِ الْعَجَمِ.

یعنی: بر شما نوشته ناخن ها را بگیرد و در هر هفته داخل آبی شوید
 که تمام بدن شما را پوشانده و احاطه نماید و در حمامهای عجم داخل
 نشوید.

در لغت عرب کلمه (عَجَم) شامل هر غیر عرب می شود خواه ایرانی و

خواه انگلیسی یا امریکائی یا چینی یا بلغاری یا هلندی، به هرملت و قوم غیر
عرب اطلاق میشود .

حال می پرسیم : هرگاه یکنفر بهائی اهل برلن یا کانادا یا نجف
آباد اصفهان بخواهد حمام برود بموجب حکم بهاء الله باید برود در یکی از
کشورهای عربی مثلاً کویت یا عراق یا مصر تا در آنجا به حمام غیر عجم برود .

ایراد دیگر آنکه امروزه در هیچ جا حمام خزینه دار وجود ندارد که
بهائی داخل آبی بشود تا تمام بدنش را آب احاطه نماید مگر بتواند و دسترس
به حمام شخصی یا حمام نمره خصوصی که دارای وان باشد که اینکار برای
زارع و کارگر بهائی که توانائی مالی نداشته باشد امکان پذیر نیست ، ناچار
است برود در رودخانه های عمیق یا برکه و استخر و حوض که آنهم برای همه
کس و همه وقت و همه جا ممکن نیست ، زیرا فعلاً حمامهای عمومی دارای وان
نیست که عموم داخل در وان پر از آب بشود تا تمام بدنش را آب احاطه کند .

پس این دستور بهاء کلی و عمومی نیست تکلیف اکثریت چیست ؟

خدا یا پیغمبری که نتواند اقلانگرش صد سال آینده را داشته باشد و نداند
فردا چه میشود و بقول بهاء الله که گفته بهائیت تا هزار سال دوام خواهد
داشت اینگونه دستورات یعنی چه ؟ و انگهی بهاء حکم داده است که
هفته ای یکبار به حمام بروند ، آیا بهائیهائیکه اکنون هر روز دوش می گیرند
مخالف امر رهبر خود عمل نمیکنند ؟ !

این میرزا خداها تنها بفکر زنده ها نبوده اند بلکه برای مرده ها هم
فکر بکری کرده اند : دستور داده اند مرده های بهائی را باید در ۵ کفن
ابریشمی کفن کنند و در تابوتی از بلور (یا احجار کریمه) احجار کریمه (از قبیل
فیروزه ، عقیق ، دُر ، یاقوت ، زمرد است) بگذارند و در جائیکه بیشتر

از یکساعت راه نباشد دفن کنند! خواننده عزیز: شما بدون تعصب و بی
و غرض با قضاوت عقل منصفانه فکر کن، آیا این حکم یاد ستور قابل اجرا هست که
مرد زارعی که در مدت عمرش یک پیراهن کرباسی داشته که دو ماه به دو ماه
عوض نمیکرده حالا بعد از مردنش ۵ کفن حریر ابریشمی به پوشانند، آنوقت
تابوت بلور یا عقیق یا یکی از اجزای کریمه و حداقل سنگ مرمر از کجا بیاورند آن
بد بخت بی نواراتوی آن تابوت بگذارند و تا یکساعت راه ببرند و دفن کنند.

در حال حاضر فرض کنیم خانه مرده بهائی در یکی از شهرهای
بزرگ، مثلاً تهران، در خیابان فردوسی که تقریباً وسط شهر تهرانست باشد
از هر طرف بخواهند مرده بهائی را تا یکساعت ببرند با وسعت شهر تهران
با وضع ترافیک کنونی ولو با ماشین هم از هر طرف ببرند در یکساعت ممکن نیست
از محوطه و محدوده شهر به خارج شهر برسند، پس طبق دستور بهائیت باید
در همان میان یکی از خیابانهای شهر با ۵ کفن ابریشمین و تابوت بلور چال
کنند و بروند، به حق قضاوت کنید آیا این حکم عملی است؟

و آنگاه چرا یک ثروت هنگفت: تابوت بلور و اقلاً ۱۰ متر پارچه حریر

را زیر خاک دفن کنند، چه سودی برای مرده های ازنده هادارد؟

می پرسیم از زمان صدور این حکم بهاء تاکنون چند نفر از ثروتمند

ترین بهائی را طبق دستور باب و بهاء الله با ۵ کفن ابریشمی و صندوق بلور

یا فیروزه و یا قوت دفن کرده اند؟

واقعاً اگر کسی عقل داشته باشد میفهمد که مؤسسين فرقه های

گمراه بابی و بهائی چقدر کم فکر و تاریک: گریه اند، و اما فکرشان تا آنجا

رسیده که هر بهائی ۱۹/۱۰ از دارائی و درآمدش را (طلا) به صندوق

بیت العدل بدهد تا آقا زاده ها بخورند و کیف کنند!!! بسی تاسف!

شوقی افندی و چند دستگی بهائیان

پس از مرگ عبدالبهاء (عباس افندی) نوه دختریش شوقی افندی با جعل وصیتنامه ای خود را ولی امرالله و جانشین عبدالبهاء قلمداد کرد . شهرت زیادی داشته که شوقی افندی جوانی خوشگذران و اهل کیف و حال بوده ، بواسطه هوسبازی و شهوترانی و عیاشیها و داشتن مسلك اروپائی (فرنگی مآبی) حتی بهائیان هم رهبریش را قبول نداشته اند شوقی افندی در حدود یکسال بعد از مرگ پدرش مقرّر بهائیان را نپسندید هوس اروپا کرد و عازم سویس گردید ،

شوقی افندی با ابتلاء به بیماری انفلانزا مردوبعد از او امور بهائیان تحت ریاست زن شوقی افندی با تشکیل کمیسیون (لُجِنَه) مرکب از ۹ نفر عضو اداره میگردد . و پس از مدتی امور بهائیت بعهد احمد سهراب و بعد مِسْتَرِ رِیَمَنْ و بعد اسماء الله سپس جمشید معانی بوده و اکنون گویا ولی امر یامرد میدانسی درگود زور آزمائی ندارند و باز هم تر و خشک کردن امورشان با آراء کمیسیون (لُجِنَه) است .

نام هائی که تا بحال فرقه مزبور که هر روز در حال تجزیه است به خود گرفته عبارتست از : بابی - بهائی - ازلی - ناقضین - ثمری - مرآتی - ثابتی - سهرابی - جمشیدی که هر دسته گروه دیگر را طرد و نفی میکنند ، چون تفصیل و شرح این فرقه ها در پیش از پانصد جلد کتاب ودائرة المعارف به اسامی و عناوین ذیل نوشته شده از تفصیل کناره میگیرم .
ناسخ التواریخ (جلد قاجاریه در حوادث سالها ۱۲۳۵ تا ۱۲۳۷) - کوکب الدریه آواره - کشف الحیل - فتنه باب اعتضاد السلطنه مفتاح باب الابواب آقای عبدالحسین نوائی - هدایتنامه - روضة الصفا

تاریخ عضدی - خلسه اعتماد السلطنه - قصص العلماء - امیرکبیر و ایران -
 مقالات عباس اقبال - نقطه الکاف حاج میرزا جان کاشانی - رساله سیاح
 عباس افندی - نوشته های گینازد الکورکی سفیر روسیه تزاری در ایران
 اعترافات خالصی (اخیراً منتشر شده) - ادوارد برون مستشرق انگلیسی -
 تاریخ سیاسی ایران - منتقم حقیقی آقای عمادزاده - یادداشت های عباس
 میرزاملک آرا - ایران در دوره سلطنت قاجاریه تالیف مرحوم شمیم - مزدوران
 استعمار تالیف سید ضیاء الدین روحانی - بایبگری و بهائیگری - تحقیق
 در مذهب باب و بهاء - وفیات در مجله یادگار - مجله اطلاعات ماهانه
 بهمن ماه سال ۲۲ - لغت نامه مرحوم دهخدا در کلمه باب - ۹ گفتار
 مرحوم علی اصغر حکمت - کتاب انگلیس و سر عبدالبهاء تالیف عبدالحسین
 آیتی - مصابیح هدایت و صد ها کتب دیگر که میتوانید برای بیشتر شناختن
 این فرقه دین سازان که از پشم و شیر اغنام (گوسفندان) پرسود عیش و نوش
 میکنند مراجعه نمایند .

بعضی از پیشگوئیهای کتب دینی ادیان مختلف از نشانه های
 مصلح حقیقی و یگانه سامان دهند جهان مهدی موعود (عج) در این نگارش آمده
 و بحمد الله تا حدودی که امکان و حوصله اوراق گنجایش داشت از آیات
 قرآن مجید و اخبار و احادیث موثق از نشانیهای آن شخصیت گرامی که وارث
 جمیع انبیاء و اوصیاء انبیاء هم اوست و دنیا و خلق عالم در انتظار اوست
 توفیق حاصل گردید ، و اکنون قضاوت و داوری بیطرفانه مردم هوشمند و
 صاحب عقلهای بیغرض است که دریافت حقیقت را با مطالعه و دقت در این
 فصل آخرین کتاب بنمایند ، تا سیه روی شود هر که در او غش باشد .

جنگهای بین الملل اول و دوم و نزدیک نمای جنگ سوم

از پیروان گول خورده باب و غفلت زده های دنباله رومیروا بهاء
و تابعین عباس افندی (عبدالبهاء) و شوقی افندی و مخصوصاً بهائی زادگان
بی اطلاع که از هیچ چیز خبر ندارند (از یکی از بهائیان شش آتشه که خود را
از مؤمنین بهائی میدانست و خود را بسیار روشن فکر قلمداد میکرد و هم دکتور
طب بود روزی پرسیدم بهائیان چه میگویند و احکام و دستوراتشان چیست؟
در جوابم گفت: «والآمن هیچ اطلاعی ندارم فقط میدانم پدرم بهائی بوده
و منم بهائی هستم!!!» می پرسیم: سیدعلی محمد باب بنیانگذار فرقه های
بابی و بهائی مکرر و در چند جا و بخصوص صفحه ۱۹۰ کتاب دلائل السبعه و
صفحات ۱۳۶ تا ۱۳۸ کتاب تلخیص نبیل زرنندی و کتاب احسن القصص خود
سید باب که نوشته است: (اللَّهُ قَدْ قَدَّرَ أَنْ يَخْرُجَ هَذَا الْكِتَابُ فِي تَفْسِيرِ أَحْسَنِ
الْقَصَصِ مِنْ عِنْدِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلِيِّ عَبْدِ ه
لِيَكُونَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ عِنْدِ الذِّكْرِ عَلَيَّ الْعَالَمِينَ بَلِيغاً) نبوت پیغمبر اسلام و
امامت راتا امام حسن عسکری (و به استناد گفته خود باب در کتاب احسن القصص
حتی امام زمان را) و قرآن راتا هزار سال از تاریخ رحلت امام حسن عسکری -
قبول و معتبر دانسته اند ، همچنین اخبار و احادیث رسیده از پیغمبر و ائمه
معصومین تا امام حسن عسکری را هم تا سال ۱۲۶۰ که سید باب ادعای
مهدویت کرده ضحیح و معتبر دانسته و قبول کرده اند .

بعلاوه ابوالفضل گلپایگانی (که از ورزیده ترین کارچاق کن

های باب و بهاء بوده) با وجود جهل والحقاقات و تصرفات فراوانیکه در نقل احادیث از کتاب بحارالانوار مجلسی و همچنین استناد به آیات قرآن کرده با این حال در سطور ۳ تا ۵ صفحه ۳۸ کتاب فرائدش که در سال ۱۳۱۵ هجری در قاهره به چاپ رسانیده غیبت حضرت مهدی (عج) را اقرار و اذعان کرده و چنین نوشته: (و چون در سنه دویست و شصت هجریه حسن بن علی العسکری علیهما السلام وفات فرمود و ایام غیبت فرارسید) مدرک روشن و مستند نیست که هم سید باب و هم ابوالفضل گلپایگانی اولاً وجود و هم غیبت حضرت حجة بن الحسن العسکری را قبول و اقرار کرده اند.

ثانیاً احادیث رسیده از پیغمبر اسلام تا امام حسن عسکری را معتبر و صحیح دانسته اند.

بنابراین اقرار سید باب در کتاب احسن الفصص و ابوالفضل گلپایگانی در صفحه ۳۸ کتاب فرائدش احادیث و اخبار رسیده تا زمان حضرت امام حسن عسکری را صحیح و معتبر دانسته اند، میگوئیم هزاران حدیث که برخی از آنها را در این نگارش خواندیم کلاً و عموماً حتمی ترین نشانه قبل از ظهور حضرت مهدی آل محمد (عج) متفقاً خبر داده اند و نیا مملو از جوهر و ستم خواهد شد و بارزترین نشانه وقایع ظهورش آنستکه آنحضرت با تائید الهی سرتاسر جهان را پراز عدل و مروت و انصاف و آرامش خواهد کرد.

حال میگوئیم فرضاً به تصور شما با بیان و بهائیان چنانچه سید علی محمد باب را (العیاذ بالله) امام زمان و همان مهدی موعود فرض کنیم قریب ۱۴۰ سال تا زمان کتابت این کتاب از ادعای دروغی نقطه اولی یا سید علی محمد پسر میرزا رضای بزاز شیرازی و جانشینان او گذشته، پس آن جهانی که (طبق احادیث اسلامی و اخبار ادیان قبل از اسلام) باید سرتاسر پر از عدل و داد و امن و رفاه و آسایش شود که میش با گرگ و شیر با آهوزندگی کند

در کجای دنیا آسایش و عدالت وجود دارد؟

کجا است؟! می پرسیم در این مدت ۱۴۰ سال که باب آمد و رفت و بهاء و عبدالبهاء و شوقی افندی و صبح ازلهای و غرض اکبرها و قره العین ساو جمشید یها و ثمریها و لِحْنَه ها و کمسیونهای بهائی آمدند و رفتند پس کجای این دنیا روی آسایش و عدالت و مروت به خود دیده؟؟؟

مفایسه و مروری از هنگامی که سید باب به دروغ مدعی مبشر و بعد امام زمان و بعد نبوت گردید :

جنگ جهانی اول با قحطی راه افتاد ، روسیه تزاری متلاشی و امپراطوری عثمانی تجزیه شد و وضع دنیا مغشوش و درهم رفت ، هنوز بقایای جنگ اول ادامه داشت که جنگ جهانی دوم با کشتارهای فجیع و همه جانبه و سوختن هیروشیما و یهودی سوزی هیتلر و اسارت زنان و دختران لهستانی و ویران شدن لندن و آلمان فاشیست و تلفات بیشمار جنگ بر و ز کرد و اکنون از دعوت باب و بهاء ۱۴۰ سال و ۴۰ سال از جنگ بین الملل دوم میگذرد ولی شراره های جنگ خاموش نشده : بمبارانهای هواپیماهای (۵۲-ب) امریکا ویتنام و ویتکنگ را متلاشی ویران کرده حتی دبستانها و کودکستانها و بیمارستانها درهم کوبید !

ارتش هندوستان با کشتار رقت باری پاکستان شرقی را متلاشی و به بنگلادش تبدیل کرد ! هجوم ارتش روسیه کشور افغانستان را تا حلقوم بلعید ! روزی نگذشته که فریاد و ناله و گریه اطفال بی پدر و زنان شوهر کشته در کامبوج و تایلند و برمه و فلیپین از یورشهای بیگانه و خودی سر نکنند . متجاوزان ۳۰ سال است یهودیان سرگردان و لجوج و پرورده امریکا با غصب و ظلم و زور به فلسطینی های آواره از وطن خاور میانه را به غمخانه مبدل کرده و هر شب و روز کشتارهای فجیع سوریه و اردن و لبنان و کانال سوئز

واریتره و کشورهای افریقائی و انفجار هرروزه ربلفاست و ایرلند و سرگردانی کشتی
های مملو از آوارگان کامبوجی و ویتنامی و گرسنگان هند و سیاهان افریقا و نا
بسامانی دولت‌های ابرقدرت و اغتشاشات درهمه جای کره زمین که هرروز در
نتیجه بی‌ایمانی و نافرمانی از دستورات آسمانی و الهی بشدت گرفتار طوفان
و زلزله‌های مکرر شده‌اند آیا اینهاست آن وعده‌هایی که خداوند در مژده
ظهور ولی عصر حجة بن الحسن مهدی موعود داده؟

برخلاف ادعاهای کاذب باب و بهاء بجای صلح و صفا هرروزه زنا امنی
و گرفتاریها و طغیانها ساعت به ساعت افزوده‌تر می‌گردد و کاروفشار ظلم و ستم
و رواج فتنه و آشوب و اضطراب و تجاوز بحدی بالا گرفته که از صفحه خاک سیاه
زمین تا اوج آسمان و پشت ابرها هم کشیده شده، ناراضیان یادزدان‌هوائی
گروه گروه مسافران هواپیما را با خود هواپیما در میان زمین و آسمان می‌ریزند
بطوریکه هر مسافر هواپیما از ساعت تهیه بلیط هواپیما هر لحظه تا اگر به مقصد
برسد در انتظار خطر سقوط یا سوختن و هدف گلوله قرار گرفتن و اسیر شدن است
ریا خوران شیره جان محتاجان! و پزشکان با احجاف و طمع بی
پایانشان باقیمانده رمق و جان بیماران را می‌کنند!

کشتارهای امراض سرطان - وبا - وضعف اعصاب و بیماریها
گوناگون که قبلاً شایع نبوده امروزه دست رد به سینه پیرو جوان نمیگذارد!
نالہ اطفالیکه هنوز چشم به این جهان پر آشوب باز نکرده‌اند
از سوزش قیچی و کارد آد مکشان حرفه‌ای بنام دکتر متخصص کورتاژ فریاد
ظلم رازیرتاس آسمان سرداده‌اند!

آمار دادگاهها و دادگستریهای همه کشورهای شرقی و غربی و شمالی
و جنوبی از وقایع روزانه جنایات و شکایات و تعرضات ناموسی و سرقت و احجاف

وتجاوزات و غصب ملك و مال و حقوق ديگران بطور سرسام آوري بالا و بالا ترميرود
 و هيچ خانواده چهار نفری از نعمت آسایش و سازگاری بهره مند نیست!
 ابرقد رتھا و صد رنشینان جهانی و دول زورگو مانند گرگهای
 گرسنه رود روی یکدیگر نشسته و ندانهای توسعه طلبی را بهم می فشارند
 و چهار چشم مواظب تجهیزات و اختراعات و ادوات اتمی جنگی طرف مقابل
 هستند و هر کدام به نوعی اسباب آدمکشی و دنیا خراب کنی مد رنتری برای مردم
 جهان می سازند و هر روز با تحریکات خود در داخل دول ضعیفتر و کوچکتر
 گود تائی برپا و عده ای بیگناه و بی تقصیر را به دیار نیستی می فرستند!

<p>این چه شوربست که در د و رقمی بینم هیچ رحمی نه برادر به برادر دارد دختران راهمه جنگست وجدل با مادر اسب تازی شده مجروح بزیر پالان ابلهان راهمه شربت زگلابست و زقند هر کسی روز بهی می طلبد از ایام</p>	<p>همه آفاق پراز فتنه و شرمی بینم هیچ شفقت نه پدر را به پسر می بینم پسران راهمه بد خواه پدر می بینم طوق زرین همه در گردن خرمی بینم عارفان راهمه خونابه جگر می بینم علت آنستکه هر روز بتر (بدتر) می بینم</p>
---	--



اشعاریکه خواندیم از غزل خواجه لسان الغیب حافظ شیرازی
 است که متاسفانه از پیش از زمان خواجه شیرازی تا بحال و تا روز ظهور موفور
 السرور حضرت مهدی موعود (عج) همه جهان مضطرب و مغشوش بوده
 و خواهد بود و از روز داعیه سید باب ۱۴۰ سال گذشته نه تنها دنیا آرام نشده
 بلکه هر روز و هر ساعت آشوب زده تر گردیده است!

اعلان این مژده در این نگارش از حد تکرار گذشت که: از روزیکه
 ظهور حجت بالغه خدا حضرت مهدی موعود و قائم آل محمد صلوات الله علیهم

صاحبها! پرده نشینی تا چند؟

خلق از ظلم و ستم خسته شده
 شده در گوشه خلوت هر يك
 مصلحی دادگری می جویند
 راز دل با دگری میگویند
 تا یکی این همه خونریزی و جنگ
 سرزند زین بشر بی فرهنگ

همه بودند در این اندیشه
 شد پدیدار ز بیت عصمت
 که در سامرا ماهی سرزد
 کودکی حیمه بعالم برزد
 ز گلستان رسول اسلام
 مهدی آل محمد زد گام

این ندا گشت در آفاق بلند
 رخت بر بندد، باطل زین پس
 مصلح منتظر آمد بوجود
 که خدا از رخ حق پرده گشود

زهق الباطل و جاء الحق گفت

این سخن گوش دل از غیب شفت
 هر که دیوانه او شد بجهان
 خلعت عقل و خرد را پوشید
 آنکه زد مهر غلامیش بدل
 آب از چشمه حیوان نوشید

با تولای وی از دوزخ رست
 هر که در کوی ولایش بنشست

ای بیادت دل شیدائی ما
 خیز و از ظلم و ستم باز رهان
 صاحبها پرده نشینی تا چند
 این تن خسته ما را از بند
 خود بپاخیز تو ای خسرو دین
 پاک از ظلم نما روی زمین

خسروا خیز و شهنشاهی کن
 پایه تخت بزن برگردون
 تا پپای تو بسائیم جبین
 عدل و انصاف بگستر بزمین
 بنشین داد بده، دادستان

صلح کل، صلح بیاور بجهان

من کیم خسته دای، شیدایم
 سر کوی تو بدریوزه شدم
 عاشقی، سوخته‌ای، رسوایی
 بامیدی که رخی بنمائی

و حکمتم، خاک سر کوی توام

بسته سلسله موی توام (از سیدیحیی برقی حکمت)

فرار سد و از پشت پرده غیبت بفرمان خدا و تا بید الهی ظاهر گردد و در جالان
تفرقه انداز و بدعتگذاران دروغ پرداز و خرابکاران دین ساز و اتباع شیاطین
باهوی و هوس همساز را از ریشه براندازد، آن زمان امن و آسایش و عدل و
داد و مروت و انصاف در همه اقطار گیتی گسترش یابد، آدمیان همه با هم با
صفا و صلح و بی کدورت زندگی کنند و نشانی از تعدی و تجاوز در هیچ نقطه‌ی
از بسط زمین وجود نخواهد داشت چنانکه چهار پایان بادرنندگان بی هیچ
واهمه‌ی چراکنند.

حال از همه شما خوانندگان ارجمند می پرسیم و شما بدون تعصب
و با قضاوت بیطرفانه جواب دهید: در ظرف ۱۴۰ سال گذشته از داعیه باب و
بهاء آیا در جایی از پنج قطعه کره زمین و اقلیم جهان کدام شهرک یاد هکده
کوچکی را سراغ دارید که در آنجا صلح و آرامش حکمفرما باشد؟

سید باب و بهاء و عبدالبهاء و شوقی افندی هر کدام هفت کفن
(اگر کفن داشته باشند) پیوسانیدند، نشانی از آرامش و داد و صلح و صفا
را کسی ندیده، پس اینان چکاره بودند و چه وقت زمین پر از عدل و داد
و انصاف خواهد شد؟

اگر بگویند اخبار و احادیث اسلامی مربوط به وضع ایام غیبت و علائم
ظهور حضرت مهدی موعود ساخته ملاها و آخوند ها است، میگوئیم یکبار
دیگر بند ۶ انجیل لوقا را که در صفحه ۷۳ همین کتاب نوشته ام دوباره
اینجا تکرار میکنم که از قول حضرت عیسی بن مریم (ع) میگوید:

بند ۶ انجیل لوقا: و آید زمانی که گذاشته نشود در آن سنگی
بر سنگی مگر آنکه خراب شود، پس او را پرسیدند که استاد این کی خواهد بود
و چه وقت وجه نشان دارد؟

(عیسی) گفت : آگاه باشید که فریفته نشوید ، زیرا بسیاری به اسم من خواهند آمد که گویند من هستم و وقت قریب است ، پس شما بعقب ایشان نیفتید و چون بشنوید اخبار جنگها و هنگامه ها را مضطرب مشوید زیرا که بایست همه اینها بجا آید لیکن هنوز وقت به اتمام نرسیده - در آن هنگام (عیسی) بهایشان گفت که برخوانند خاست قومی بر قومی و مملکتی بر مملکتی - و در اماکن خواهد بود زلزله های عظیم و گرانیها و بادها خواهد آمد و توهمات و نشانیهای عظیم از آسمان زیرا در آنروزها است انتقام و تکمیل هر آنچه نوشته شده و خواهد بود علامات در آفتاب و ماه و ستاره ها و بر زمین گرفتاری طوایف به تحیر و صدای دریا و امواج و خلق از وهم و انتظار آن قضایا که بر ربیع مسکون می آید بیجان خواهد شد زیرا که توانائی آسمان متزلزل خواهد گردید و آن وقت خواهید دید : فرزند انسان را که برابر نشسته با قوت و جلال میاید آنچه مختصراً خواندید نمونه ای از هرج و مرج شدت گرفته از زمان داعیه باب و بهاء است ! آیا آنچه پیشگوئی مذاهب مختلف و کتسب آسمانی و اخبار و احادیث اسلامی از امن و امان و آسایش و عدل گسترده در زمان ظهور مصلح بزرگ مهدی موعود خبر داده اند و ابوالفضل گلپایگانی در کتاب فرائد به آنها استناد کرده و گفته های خود سید باب اعتراف و اقرار کرده اند که درین اسلام و نبوت پیغمبر اسلام و امامت از علی بن ابیطالب تا وفات حسن عسکری و تا هزار سال هم بعد از رحلت امام حسن عسکری احادیث را معتبر و قبول کرده اند ، پس کو و کجا است و که شنیده و دیده آن صلح و صفا و انصاف و عدل و آسایشی که باید در زمان ظهور حضرت مهدی موعود سرتاسر کره خاکی زمین را بپوشاند ؟ !!!

راستی عقل بیغرض حیران میماند : این اوضاع آشفته و درهم

پیچیده دنیا را که شما با چشم می بینید و با گوش می شنوید کجایش با عدالت گسترده ای که احادیث و قرآن و سایر کتب آسمانی خبر داده اند شباهت دارد
آخر شماها : سید باب و حسینعلی نوری (بهاء الله) و عباس (عبدالبهاء)
و شوقی افندی و پیروان و دنباله روهایی غفلت زده در این کشمکشهای خونین
و شرمگین و ننگین حاضر چه اقدام و تدبیری از شما ساخته شده ؟

شماها که خود را رئیس دنیا میدانید و از دیگران به تصورات واهی
یک سر و گردن درازتر بقول سید باب امام زمان و پیغمبر عجم یا بگفته بهاء خدا
و خدا خلق کن و خدای زائیده و زاینده کجا هستید و چرانتوانسته و نمیتوانید
بعد از ۱۴۰ سال و بلکه بیشتر که از داعیه سرسلسله دروغها تا حال گذشته اقلأ
آرامشی به زیردستان و بندگان خود بدهید ؟ تاگوسفندان شما را گرگها
نخورند و دلهره های روز افزون انقلابات خونپالا و کشمکشها زور و ظلمها
نه بینند و نشنوند؟ تا اغنام الله در آغل های غفلت بیایند!!!

شما از یک شاگرد راننده اتوبوس عاجز و درمانده ترید، شاگرد راننده
یا پارکابی اتوبوس اقلأ مواظب است در داخل اتوبوس بی نظمی نشود و کسی
شیشه های صندوقهای اتوبوس را نشکند، اما باب و بهاءها تا میزان وحد
وظیفه یک شاگرد راننده یا مبصر کلاسی هم قادر نبوده و نیستند این همه
فتنه و فساد و اغتشاش و آشوب را ولوبرای یک روز آرام کنند! آنوقت ادعای من
یظهر الهی و اولی الامر و خدائی هم کرده اند!!!

این جمال مبارکها و باب الباهانتوانستند به کسانی که شیشه های
اتوبوس دنیا را میشکنند و موتور آسایش جهان و نظم و زندگی عمومی مردم دنیا
را خراب و از کار انداخته اقلأ با حرف بگویند (اُس) آرام و ساکت باشید!
و اقلأ مانند پاپها و کشیشهای مسیحی برای صلح و آرامش دعا کنند:

باز هم گلی به جمال پاپ!!!

بازگلی به جمال پاپهای مسیحی ، هرچند گاهی ؛ هرچهارنفر پاپهای گذشته وهم پاپ اعظم فعلی مسیحیان برای صلح جهان دعا میکند و خودی نشان میدهد ، اعلامیه ای برای سران و طرفهای درگیر در جنگ صادرمیکند و طرفین را به سازگاری و صلح و مسالمت نصیحت میکنند ولی شما (باب و بهاء و عبدالبهاءها) حتی به اندازه يك خلیفه مکتب خانه یا مبصر کلاس ابتدائی هم نتوانسته اید بچه هارا ساکت کنید!!!

معلوم نیست شماها چه جوری میخواهید خود را بجای مصلح جهان جا بزنید ؟ شما چگونه جمال مبارک و من یظهر الله و قلمهای اعلائی ^{هستید} که در اثر تاریکی جمال نامبارکتان روز بروز دنیا و مردم دنیا در ظلمت و تاریکی و فقر و فساد و فسق و فجور و جنگ و آشوب و فتنه ها فرورفته باز هم جمال نامبارک خود را جمال میدانید ؟ ! باز هم گلی به جمال پاپها که در حوادث و گیر و دارها با دعا و پیغامهای صلح اظهار وجود میکنند .

آری فقط شما بدعتگذاران و عاملان استعمار و استثمار و تفرقه اندازان توانسته اید زیر این حدیث پیغمبر اسلام : حلال محمد حلال الی یوم القیامة و حرام محمد حرام الی یوم القیامة . بزنید تا فرمان خدا یعنی حلال شرع اسلام تا قیامت حلال و حرام شرع اسلام تا قیامت حرام خواهد بود را معکوس جلوه دهید ! و بگوئید غیر از کتب بیان و اقدس همه کتب حتی قرآن را بسوزانید !!!

آنوقت سید باب در صفحه ۲۹۸ کتاب بیان فارسی طبق حکم کتاب بیان عربی اجازه داده : زنی که از شوهر خود اولاد دارنشود میتواند با اجازه

شوهرش نزد مرد دیگر برود از او تحصیل اولاد کند!!!

بهاء نیز بگوید: غیر از زن پدر با همه محارم: خواهر و عمه و خاله

ازدواج کنند!!!

وقتی کسی زنا کند فقط ۹ مثقال طلا به بیت العدل بدهد معاف

و آنوقت بهشت را خرید است!!!

میرزا حسینعلی بهاء الله درباره همجنس‌بازی (لواط) هم شرم

کرده به بهائیان چه بگوید! چه میتواند بگوید!!!

بهائیان مطمئن باشند: اُمت موسی (یهودیان) از زمان حضرت

موسی (ع) یا هنگام سلطنت رامسس دوم ۱۵۷۱ قبل از میلاد که تاکنون

تقریباً ۳۵۰۰ سال گذشته و تعدادی از پیامبران بنی اسرائیل بقتل رسانیده

اند و نبوت عده زیادی از پیغمبران منجمله، حضرت عیسی مسیح که یکی از

معجزاتش زنده کردن مردگان بوده قبول نکرده و نبوت حضرت محمد پیامبر

اسلام را با معجزات بی‌شمار نپذیرفته اند محال است یاوه گوئیهای باب و بهاء

را بپذیرند و از یهودیت دست بردارند، ولی برای گول زدن شما و خوشباموری

شماها بظواهر خود را بهائی جا میزنند تا با همکاری شما جاسوسی و قاچاق‌فروشی

و تقلب در جنس و فتنه انگیزی کنند!!!

و ایکاش این باب و بهاء و سران فرقه‌های ازلی و ناقضی و دنباله

روهای آنها و هرچه من یظهر الله و ایادی امرالله‌ها میتوانند اقلأ مانند

بعضی از مدعیان مهدویت چند روزی خود داری وزهد و تقوای ظاهری را

رعایت کنند، که اقلأ حفظ ظاهر کرده باشند! ولی از همان اوان وابتدا

با (صدای قره العین و ملائی بشرویه) * بهمه جا رسید و همه فهمیدند که

علی آباد ده خرابه‌ای هم نیست تا چه رسد به شهرک آبادی.

* کشف الحیل آواره

از همان روزگار اول ادعای سید باب غیر از تعداد گوسفندان خوش باور (اغنام الله) همه فهمیدند و بعد هم کتاب اعترافات دالکورکی سفیر روسیه تزاری در ایران و ولی نعم سید باب و رفیق نیمه راه میرزا حسینعلی بهاء الله همه حقه ها و دغلبازیها آشکار و آفتابی گردید که مدعیان طراز اول با بیت و بهائیت توسط سفیر روسیه تزاری در ایران و آلت اجرای وصیت پطر کبیر پادشاه روسیه و مطیع دستور ژنرال المپی انگلیسی فاتح فلسطین و عامل جاسوسی انگلیسها در جنگ اول بین المللی در خاور میانه بوده اند!!!

اولین بشارت :

مهدی آل محمد اول از مکه ظهور میکند

یکی دیگر از علائم حتمی و مسلم ظهور امام دوازدهم حضرت قائم آل محمد : مهدی موعود صاحب العصر فرزند بلا فصل حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام که در صد ها حدیث مستند و متواتر و موثق و اشعار قرآن کریم آمده اولین مژده و محل ظهور و دعوت مهدی موعود در شهر مکه درینا خانه کعبه بین رکن و مقام ابراهیم (ع) در مسجد الحرام شروع خواهد شد و چون نسیم آرام بخشی از شهر مکه به تمام اقالیم جهان منتشر و از هما نجا به یاران و اصحاب خاص الخاص خود مامور یقینا و اوامر الهی را صادر و اعزام میکند و بدون شك مقرر سلطنت و ستاد بزرگ حکومت جهانی اسلامی را هم در شهر کوفه در مسجد سهله قرار خواهد داد .

اکنون می پرسیم : کدام يك از سید علی محمد باب یا میرزا حسینعلی

بهاء یا عباس عبدالبهاء حتی یکبار به مکه رفته اند ؟

جواب مسلم و قطعی آنستکه : هیچ کدام در عمر خود حتی يك

مرتبه هم به مکه نرفته و نه در خواب و نه بیداری مکه و خانه کعبه را ندیده اند

زیرا اعتقاد به شرافت و کرامت و حرمت خانه معظمه کعبه نداشته اند! بلکه
 سید علی محمد باب بعد از مدتی تحصیل نزد شیخ محمد مشهور به شیخ عابد
 در شیراز و او را جوانی از شیراز به بوشهر و بصره و بغداد به کربلا رفت مشغول
 تحصیل علوم دینی شد، پس از آنکه مورد اغفال سید کاظم روسی الاصل
 (رشتی) قرار گرفت از کربلا با قصد داعیه مهدویت به بوشهر برگشت در بوشهر
 ابتدا مدعی بابت بین مردم و امام گردید و به دستور حاکم فارس از بوشهر
 تحت الحفظ به شیراز منتقل شد و بعد از زمانی زندانی و توبه از داعیه اش حاکم اصفهان
 ویرا به اصفهان برد و پس از مرگ حاکم اصفهان بدستور میرزا آقاسی او را از
 اصفهان به تبریز بردند و با زدن در تبریز مجدداً از داعیه اش توبه کرده (متن توبه
 نامه در مجلس شورای ملی ایران ضبط است) از تبریز در قلعه چهریق
 زندانی بود و در زمان صدارت امیر کبیر به فتاوی مجتهدین تبریزه اعدام
 محکوم در تبریز تیرباران گردید .

و میرزا حسینعلی بهاء الله نیز پس از سوء قصد به ناصرالدین شاه
 تحت حمایت نماینده سفارت روسیه تزاری از تهران به بغداد تبعید شد و حکومت
 عثمانی بواسطه شرارتها پیش او را از بغداد به ادرنه و از ادرنه به عکا: اسرائیل
 امروزی تبعید کرد و در همان شهر عکا مرد و همانجا هم خاک شد .

پس کدام رفتار آنها (باب و بهاء) با وقایع و علائم ظهور حضرت
 مهدی موعود تطبیق میکند؟

حضرت مهدی موعود وقائم به امر الله (عج) کسی نیست که از
 کسانی یا از گروهی یا سلطنتی هر چند هم مقتدر باشد تبعیت یا تقیه کند
 مهدی موعود گمراهان و بدعتگذاران را از ریشه برمیکنند، او کجا و توبه و معذرت؟
 او کجا و تبعید و زندان؟ کسی را چنین جرات و قدرت نیست .

آئین‌های پیش از اسلام همه یکصدا علائم ظهور

مهدی موعود را گفته‌اند

کتاب جاماسب حکیم: فرزند دختر پیغمبر عرب خسو رشید

جهان جانشین ماطا (محمد) ظهور کند و شرق و غرب عالم را بگیرد و همه را

یک دین کند و تمام بدیها را دور کند.

فصل ۱۷ کتاب اشعیای بنی: ونهالی از تنه یسی * برآمده

شاخه ای از ریشه هایش قد خواهد کشید * و جهان را از معرفت خداوند پسر

خواهد کرد، مثل آبهاییکه دریاها را می پوشاند.

باب ۲۴ انجیل متی: آنگاه فرزند انسان * را بینید که با قدرت

و جلال عظیمی بر ابرهای آسمان که می آید *

باب ۱۲ آیه ۵ مکاشفات انجیل یوحنا: آن زن پسر نرینه

را زاید که همه امتهای روی زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد.

از پیروان باب و بهاء می پرسیم: کدام يك از وقایع گفته شده تا

کنون واقع شده؟ و آیا باب و بهاء شرق و غرب عالم را گرفتند؟ و همه امتهای

روی زمین را حکمرانی کرده اند؟ و جهان را از معرفت خدا مانند آنکه آب دریا

دریاها را به پوشاند گسترش دادند؟ یا اینکه کسوری خواسته با اغوا و تحریک

بیگانه عصاکش کوران دگر شود؟!!!

* یسی پدر حضرت داود پیغمبر بود.

* نسب شریف حضرت امام مهدی موعود از جانب مادر به حضرت داود

میرسد زیرا حضرت نرجس خاتون مادر گرامی حضرت امام مهدی موعود

دختر یسوعا پادشاه رم است که نژادش به حضرت داود میرسد.

• به پاورقی صفحه ۲۴ مراجعه فرمایند.

آیه ۱ از باب مکاشفات یوحنا: : علامتی در آسمان
ظاهر، زنی که آفتاب را در بردارد و ماه زیر پایش و تاجی بالای سرش با کنگره
هائی از دوازده ستاره بود .

کشف رمزش: به تعبیر نگارنده چنانستکه : آن زن نرجس
خاتون مادر گرامی امام مهدی موعود با قبول خورشید دیانت درخشان حقه
اسلام و با ثبات عقیده و پذیرش ولایت علی امیر المؤمنین وصی رسول خدا (هما^{نقسم})
که ماه نور خود را از خورشید می گیرد ، علی بن ابیطالب و داعی ولایت و امامت
و علوم آینده را از رسول اکرم دریافت کرد (تاج ولایت را بر سر نهاد .

تاج ولایت با ۱۲ کنگره : انوار درخشان دوازده امام که اول
اعلی بن ابیطالب و دوازدهمین امام فرزندش یگانه پسر امام حسن عسکری
مهدی موعود است به رحم مطهرش تابید و مصلح حقیقی جهان از همان مادر
متولد گردید .

ولادت مهدی آل محمد یا موعود اصلاح جهان واقعیت تاریخی دارد

عموم وقایع عظیمه و اتفاقات جهان حقیقت و واقعیت دارد و بدین
لحاظ در تاریخ دنیا ثبت شده و بموجب ضرب المثل مشهور: تا نباشد چیزی
مردم نگویند چیزها ، مثلاً :

در قرن حاضر کسی نمیتواند منکرید ایش هیتلر و ترورگاندی و
قتل کنده و پرواز آپلوهابه کره ماه شود ، از هر کدام از اثراتی در دنیا از خود
بجا گذاشته اند و فصلی در تاریخ جهان از آنها باقی مانده و باقی خواهد ماند .
چند واقعه ای که در بالا اشاره گردید نه از باب مقایسه وجود و

ماموریت مقدس خدائی حضرت مهدی باسفاکی و دیوانگی هیتلر یا زهد و ریاضت گاندی یا ترور مرموز کند، بلکه مقصود ذکر اتفاقات و واقعیاتی است که در جهان روی داده و چون خورشید وسط السماء آشکار است و صفحات تاریخ مطالب النّقش فی الحَجَرُ روی دادها را نمیتواند انکار کند.

خبر ولادت حضرت مهدی امام دوازدهم فرزند بلا فصل حضرت امام حسن عسکری نیز از همان وقایع مهمی است که به یقین در ۲۵۵ هجری در سامراند رزمان خلافت معتمد خلیفه عباسی واقع گردیده و ده ها هزار کتاب به زبانهای ملل مختلف جهان از خودی و بیگانه در ثبوت واقعه ولادت قلم فرسائی کرده اند.

چه اخبار کتب ادیان قبل از اسلام و چه احادیث از حضرت رسول اکرم و لوح حضرت فاطمه زهرا و هر کدام از یازده امام و پدران حضرت مهدی متفقاً و متواتراً نیز در کتب معتبره و مستند سنی و شیعه ثبت و ضبط گردیده که: مهدی موعود و قائم آل محمد علیهم السلام یگانه پسر بلا فصل امام حسن عسکری متولد خواهد شد و بمشیت الهی غیبتی طولانی دارد و علائم و نشانیهای زمان غیبت و وقت ظهور و وضع زمان سلطنت عالم آرایش را بیان کرده اند.

تا در سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراند رزمان خلافت معتمد خلیفه عباسی که شرحش قبلاً (در صفحه ۴۸ گذشت) حضرت مهدی موعود وارث علوم جمیع انبیاء و خاتم جمیع اوصیاء ازیدرش حضرت امام حسن عسکری و مادر پاک گهرش علیا حضرت نرجس خاتون متولد گردید.

با اینکه مطلب تکرار شد، مقصود اثبات وجود واقعه ولادت مهدی موعود است که واقعیتی بسیار روشن دارد و سهم بزرگی از مطالب کتابخانه های

دنیارابخود اختصاص داده است.

علل غیبت حضرت مهدی موعود و مصلح جهان جهات متعدد دارد یکی از آن علل آنستکه جانش سلامت بماند تا زمانیکه از جانب خدای حکیم مأذون بقیام و ظهور و گسترش دین حق گردد و در زمان غیبت آنحضرت به امر خدا چهار نفر از لایقترین و عالم و پرهیزکارترین آن زمان یکی بعد از دیگری که شرح زندگی و نشانی بقاع آنانرا ذیلامیخوانیم تا مدت ۷۲ سال واسطه و رابطه مستقیم بین امام و مردم بودند.

وجود این چهار قبر شریف در مرکز شهر بغداد

که شهرت جهانی دارند یعنی چه؟

از روز اول زمان غیبت صفرای امام دوازدهم مهدی موعود حجة بن الحسن العسکری چهار نفر از پرهیزگارترین علماء که مورد اعتماد امام بودند هر کدام پس از دیگری با صدور توقیعات شریف از ناحیه مقدس امام غایب به منصب خاص الخاص آنحضرت معین و منصوب شدند از اینقرار:

۱- عثمان بن سعید عمری که شغلش در انظار اغیار تجارت روغن بوده و از اصحاب جلیل القدر امام دهم حضرت علی النقی الهادی و سپس حضرت امام حسن عسکری امام یازدهم بوده و در ایام حیات هر دو امام (علینقی و امام حسن عسکری) وکیل امور ایشان بوده و همین شخص عثمان بن سعید متکفل تجهیز و کفن و دفن حضرت امام حسن عسکری بوده و پس از رحلت آنحضرت نایب خاص حضرت امام مهدی بن الحسن العسکری بوده و بعد از وفاتش در بقعه‌ای که امروزه کنار خیابان خلانی (مشهور به شارع

جمهوریة است، مدفون گردیده و اخیراً در نو سازیهای شهر بغداد تجدید بنا گردیده و کتابخانه و مسجد قدیمی جنب مقبره اش را هم تجدید نموده اند.

۲ - در آخرین روزهای زندگی عثمان بن سعید (نایب اول امام غایب) از جانب امام مهدی موعود توقیعی صادر گردید که پسر محمد را بعد از خود نایب و سفیر من به خاصان معرفی نما، بموجب توقیع شریف امام محمد بن عثمان جانشین پدر و مین نایب خاص امام زمان (عج) گردید و تا سال ۳۰۴ هجری قمری با منصب نیابت واسطه میان امام و شیعیان بوده که در آخرین روزهای عمرش بادر یافت توقیع از امام مهدی حسین بن روح نوبختی را جانشین خود و نایب خاص امام به خاصان معرفی و در همان سال ۳۰۴ هجری وفات یافت و اکنون هم قبرش در بغداد در بازار حراج (سوق الحرج) در منطقه میدان قرار دارد.

۳ - حسین بن روح سومین نایب خاص که بموجب توقیع شریف امام زمان توسط محمد بن عثمان به شیعیان مخلص واسطه بین امام و مردم معرفی شده بود تا سال ۳۲۶ هجری که وفات یافت به منصب نیابت خاصه باقی بود و در آخرین روز زندگی به امر حضرت مهدی موعود چهارمین نایب خاص و واسطه امام زمان به شیعیان را معرفی کرد مرقد شریف حسین بن روح نوبختی تقریباً در وسط شهر بغداد در بازار شوره در بقعه ای که اخیراً تجدید بنا گردیده و مسجدی هم جنب همان بقعه احداث شده قرار دارد.

۴ - چهارمین و آخرین نایب خاص حضرت مهدی صاحب الزمان علی بن محمد سمی است که توسط حسین بن روح نوبختی واسطه و سفیر میان امام و شیعیان معرفی گردیده و تا سال ۳۲۹ هجری که وفات یافت در همان سمت

انجام وظیفه میکرد و چون ۶ روز بمرگش مانده بود از امام مهدی حجة بن الحسن این توقیع شریف را دریافت که ترجمه فارسی آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم ای علی بن محمد سمری، خداوند
برادران دینی ترا در مرگ تواجری بزرگ کرامت فرماید، بدانکه
تو تا شش روز دیگر وفات خواهی کرد، پس به احدی وصیت مکن
که بعد از مرگت قائم مقام و جانشین تو گردد، زیرا بدانکه به امر
خداوند غیبت کبری فرارسیده و برای من ظهوری نیست تا زمانی که
خداوند منم دهد، و آن ظهور واقع نمیشود مگر بعد از زمان طولانی
و سخت شدن دلها و پیر شدن زمین از ظلم و جور و زود باشد کسانی
بیایند و ادعای مشاهده مراد روغ کنند (کنایه از ادعای بسابیت و
مهدویت دروغسازانست)، اما آگاه باشید:

هر که پیش از خروج سفیانی و رسیدن صیحه آسمانی دعوی
مشاهده کند او دروغگو و افتراکننده است، لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم.

علی بن محمد سمری روز ششم بعد از دریافت توقیعی که خواندیم
دنیارو ادعای کرد و بفرمان امام زمان (عج) که تقدیر خدای حکیم است دیگر کسی
سفیر و نایب خاص تعیین نگردد و بموجب توقیع دیگر از جانب حجة خدا امام
مهدی موعود: و اما الحوادث الواقعة فارجعوا لی روا حدیثنا فانهم حجتی
علیکم و انا حجة الله علیهم، مسلمانان باید در حوادث و وقایع به راویان حدیث
ما (نواب عام) یعنی (مراجع عظام دینی) رجوع کنند، چه آنان حجت من بر
مردم و من حجت خدا بر آنان هستم.

مقصود از راویان حدیث کسانی هستند دارای شرایطی که امام علیه السلام

بموجب این قسمت از توقیع شریف نشان داده و فرموده : اماکان من الفقهاء صائناً لنفسه ، حافظاً لدينه ، مخالفاً لهويته ، مطيعاً لأمر مولاه ، فللعوام ان يقلدوه - یعنی : بر مردم عوام که اطلاعات دینی آنها تا درجه اجتهاد که خود نتوانند احکام فقه اسلامی را از قرآن استخراج و استنباط کنند واجب است از فقهای یکدجلوگیر از خواهشهای نفسانی خود باشند و نگهدارد ینش باشند و با هواهای نفسانی مبارزه و مخالفت نمایند و اوامر الهی را اطاعت کند بی روی و تقلید کنند .

و از زمان صدور این توقیع شریف که توسط چهارمین نایب خاص حضرت بقیة الله حجة بن الحسن (عج) علی بن محمد سمري انتشار یافت معرفی نواب خاص امام قطع و تقلید از نواب عام (مراجع عظام تقلید) واجب شد که تا ظهور امام علیه السلام بقوت خود باقی است .

و علی بن محمد سمري آخرین نایب خاص امام زمان مهدی موعود در همان روز ششم دریافت توقیع ازد نیارفت و مرقد شریفش قریب هزار و هشتاد سال است هم اکنون در بغداد نزدیک به جسر (پل) عتیق در حوالی مقبره علامه شیخ کلینی و در اوایل بازار عتیقه فروشان قرار دارد که پنجره مشبکی مشرف به همان بازار دارد ، در اثر بازسازی بازار جدید مقداری از محوطه مسجد یکه مزار علی سمري در کنار آن مسجد واقع شده کسرونوسازی شده .

از روز هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری تا سال ۳۲۹ هجری قمری بمدت ۷۲ سال هر چهار نفر نواب خاصه حضرت مهدی آل محمد (عج) که شرح مختصر سفارتشان را خواندیم مستقیماً وکیل و سفیر و واسطه بین امام زمان و شیعیان بودند که در زمان سفارت حسین بن روح نوبختی سومین نایب امام دوم کذاب و طغیانگر : شلمغانی و محمد بن نصیر هر کدام داعیه مهدویت

ن
 کردند و خداوند آنان را رسوا نمود و خلیفه عباسی الراضی بالله پس از محاکمه فرما
 داد جسدش را سوزانید که قبلاً از نظر شما گذشت •
 وکالت و شرح زندگی هر چهار نفر نواب خاص که بیان گردید یکی از
 مواد مهم تاریخ دنیا است که حتی ابن بطوطه و یاقوت حموی و دیگران از
 مورخین متعصب اهل سنت در کتب خود نوشته اند تا چه رسد به کتب علماء و
 محدثین و مورخین شیعه که مجلدات و تالیفات متعدد مشهوری از سالها پیش
 از داعیه سید باب نوشته اند •

اختصای این همه آثار حماقت منکرین را بر ملا میکند!

ثبت احوالات و گزارشات نیابت و سفارت و زندگی چهار نفر نواب
 خاصه حضرت حجة بن الحسن (عج) در کتب تاریخ شیعه و برادران سنی و
 وجود چهار بقعه مشخص و قبور شریفشان در قلب شهر بغداد با تمام مخالفتهای
 مخالفین جدی بشرح زیر:
 با وجود کینه توزیهای بیحد آخرین خلفای عباسی که چه بسیار
 در محو آثار تشیع کوشیدند و حمله های وحشیانه مغولها و کشتارهای فجیع
 و خرابیهای جنگیها و شدت تعصبات سلجوقیان و غزنویان و بالاخره سطوت
 و کشورگشائیهای امپراطوران عثمانی و بالاتر از همه اینها تزویرهای یهود و حیل و
 دشمنیهای کشیشان مسیحی هنوز هم بقاع و مقابر شریف آن چهار نواب خاصه
 با زبان گویای تاریخ در مرکز شهر بغداد با کمال عظمت و روحانیت و تجدید و تعمیر
 و توسعه بنا بر تارک شهر بغداد و دنیا ی شیعه میدرخشد و مورد توجه و زیارت
 حق شناسان است •

دوام و وجود این قبور شریف مطالبی نیست که محض ادعای روایت و نقل حدیث باشد که شك و تصور شود جعل و ساختگی است، بلکه بنا و ساختمان و صدوقه سنگی قبر هر يك از آنانست که مرور زمان هزار و چند ساله و کشمکشهای دوران و مخالفتهای جباران ایام نتوانستند این آثار با عظمت و مدارك تاریخی و لادت و غیبت حجت خدا و امام زمان را محو کنند.

این امارات و مدارك علاوه از کتب تاریخ و حدیث همه از واقعیه حقیقی و لادت ذخیره علوم الهی و وارث پیغمبران و اوصیاء پیغمبران امام منتقم و مصلح مقتدر جهان ولی عصر صاحب الزمان حجة بن الحسن العسکری حکایت مطمئن غیر قابل انکار دارد که کتمان و اختفای این همه آثار و ثبت و سطور کتب تواریخ نشانی حماقت و غرض منکرین را بر ملا و آشکار می سازد! و چون تیغه نورانی و خیره کننده خورشید دیدگان خفاش صفتان را کور میکند!!!
اکنون در این صورت میگوئیم: با وجود هزاران هزار مدارك موجود و زنده و گویا و عقل پسند:

۱ - هر مدعی مهدویت یا سید علی محمد باب و دنباله روهایی حسینعلی بهاء و اعوان و اخلاف و اعقابش یا باید قبری نشان دهند که امام زمان پسر امام حسن عسکری قبل او یا در زمانی که آنها بگویند مرده و بیخاک سپرده شده و این قضیه مستند تاریخی را تمام شده دانست!
و میگوئیم با وجود یکه از چند پشت گذشته امام زادگان و علماء و بلند پایگان مسلمان چون حضرت عبدالعظیم که چهار پشت با حضرت امام حسن مجتبی فاصله داشته و در زمان امام نهم رحلت و در شهری مدفون گردیده و یا چون ثقة الاسلام شیخ محمد بن یعقوب کلینی صاحب کتاب اصول کافی که در زمان نیابت چهارمین نایب خاصه امام زمان می زیسته و در سال

۳۲۹ هجری قمری وفات یافته قبورشان مشخص وبدون اختلاف معلوم است پس چگونه میتوان درك خود را خاهوش وگفت یگانه فرزند حضرت امام حسن عسکری مرد وکسی محل قبرش را نمیداند کجا است؟! که چنین تصوری باطل و غیرممکن است.

۲ - ویا باید مدعیان دروغگوی مهدویت اساساً منکر ولادت حضرت

مهدی در سال ۲۵۵ قمری هجری و وقایع زمان خلافت معتمد عباسی و آنهمه سختگیری و تعقیب و جستجوی خلیفه برای دستگیری و قتل امام مهدی شوند.

۳ - یا بگویند چهار بقعه مشخص چهار نفر نواب خاص و سفراء خاصه

امام مهدی که بیش از هزار سال است در مرکز شهر بغداد باقی مانده بعد از آنهمه حوادث و وقایع جهانی موجودیت خود را حفظ نموده برای چیست و قبور چه کسانیست؟

۴ - ویا باید نشان دهند از زمان ادعای قلابی مهدویت سید

علیمحمد باب در کجای کره خاکی زمین صلح و صفا و امنیت بوجود آمده؟ و این مدعیان بی خبر از خود آیات توانسته اند حتی دهستان کوچکی را آرامش و آرام کنند؟ با وجودیکه یکی از نشانها و علامات حتمی الوقوع دولت مهدی آل محمد گسترش عدل و داد و انصاف و دانش و مروت در سرتاسر جهانست.



مهدی موعود از هیچکس و هیچ پادشاه و حاکم و رئیس و پادشاه و پادشاه و پادشاه

تو صاحب امری و نگهبان جهانی این رتبه شها جز توبه از هر کسی نیست
مهدی موعود امامی است شجاع و مقتدر که مأمور به تقیه و اطاعت
از هیچکس و هیچ پادشاه و هیچ ابرقدرتی نیست ، سطوت و هیمنه ی روحانی
او هر زورمند و متجاسری را به تبعیت و تسلیم وادار مینماید و اگر قابلیت اصلاح
و توبه نباشد از صفحه گیتی نابودش میکند ، نه چون سید باب که دوباره یکی
در مسجد وکیل شیراز و بار دوم در مجمع مجتهدین تبریز با حضور مردم با پوزش و
شرمندگی داعیه خود را تکذیب و عذرخواهی توبه و استغفار کند .

نه مانند میرزا حسینعلی بهاء الله نوری مازندرانی که در ماجرای
سوء قصد بنا صراحتاً درین شاه که پس از دستگیری با سفارش و توصیه دالکورکی سفیر
روسیه تزاری در تهران از زندان آزاد و در حمایت مأمور سفارت روسیه به بغداد
تبعید شده بود و با تعلق تمام از یاد شاه روسیه با امتنان تمام نامه ای به این
مضمون بنویسد : يَا مَلِكِ الرُّوسِ قَدْ نَصَرَنِي أَحَدَ سَفَرَائِكَ إِذْ كُنْتُ فِي السِّجْنِ -
تَحْتَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ .

یعنی ای پادشاه روسیه در آن زمان که در زندان با بند و زنجیر محبوس
و گرفتار بودم یکی از سفرای تو مرا یاری و آزاد نمود و نجاتم داد (یعنی مرهون
منت تو هستم) و حکومت عثمانی بغداد هم میرزا حسینعلی را در بغداد نگذاشت
از بغداد به آذربایجان فرستاد و آزاد رنیه هم به عکاتبعید کرد و در آنجا تحت نظر
بود تا در همانجا مرد .

حضرت مهدی موعود را خداوند علم لدنی کرامت فرموده هیچ معلم
و مربی غیر از پدرش حضرت امام حسن عسکری نداشته ، زیرا امام مهدی

موجود که در سن پنجسالگی پدرش حضرت امام حسن عسکری وفات یافت و از همان وقت هم غیبت صغری و بعد از هفتاد و اندی سال هم غیبت کبری شروع شد روشن میدارد استاد و معلمی نداشته از جانب حق تعالی عالم بعلم ذاتی ولدنی بوده ، نه چون سید باب که در طفولیت در شیراز شاگرد شیخ محمد عابد بوده و پس از توقیف در بصره به کربلا رفت و در حوزه درس سید کاظم روسی الاصل (اهل ولادیوستوک) معروف به رشتی به تحصیل علوم دینی پرداخته ، و میرزا حسینعلی بهاء الله هم بموجب نوشته کتاب کوکب الدریه تالیف آواره که خود بیست سال مبلغ بهائیت بوده و پس از وقوف به پوچی و بی مایگی و تزویر بهائیت مجدداً به اسلام برگشته) میگوید : بهاء در طفولیت نزد پدرش میرزا بزرگ که خوشنویس هم بوده تحصیل کرده و سپس نزد میرزا نظرعلی از سلسله صوفیه درس خوانده و در سلیمانیه کردستان نزد شیخ عبدالرحمن رئیس العرفاء تلمذ میکرده با این سابقه آنوقت خود میرزا حسینعلی بهاء الله در لوح سلطان گفته است : مَا قَرَأْتُ عِنْدَ النَّاسِ مِنَ الْعُلُومِ ، يَعْنِي نَزْدَ هَيْچِکَسِ دَرَسِ نَخْوَانْدَه ام (سوگندش را باور کنیم یا دم خروس را) .

حجة بن الحسن مهدی موعود از جانب خدا و معرفی پیغمبر و ائمه اثنا عشری يك به يك امام منتقم و ذخیره و وارث علوم همه انبیاء مامور است احکام قرآن مجید و شریعت اسلام و سنت جد خود رسول خدا را همانطور که خدا فرمان داده بدون هیچ تغییر و تبدیلی اجرا کند ، آنحضرت مامور است تمام بدعتها ئی که پس از رحلت رسول خدا اکاسه لیسان و ابسته به آل امیه و آل مروان و خلفاء عباسی و غاصبان حق احکام قرآن به شریعت اسلام و حکمت قرآن به دین اسلام و مسلمانی چسبانیده اند جد او طرد کند و عقاید دینی مردم را از خرافات و آلودگیها منزه سازد ، حتی بسیاری از مساجد و ابنیه ای را که به روال

اسلامی ساخته نشده خراب نماید °

نه مانند سید باب و میرزا حسینعلی بهاء که حلالها را حرام و حرامها را حلال * و عفت عمومی و امانات مردم را ضایع و به زنان شوهر دار اجازه دهد تا اگر از شوهر خود آبستن نشود با غیر شوهر خود همبستر شود تا اولاد زن زیاد شود و امت باب فراوان گردد!!! و تنبیه زنا کارانی که بدون اجازه شوهر زنانشند فقط

۹ مقال طلابه بیت العدل بپردازد تا راه زنا آسان و آزاد وارزان شود!!!

مهدی موعود کسی است که او نین مطلع ظهورش در مسجد الحرام در جوار خانه کعبه معظمه بین حجر الا سود و مقام شریف ابراهیم (ع) در شهر مکه است و حضرت عیسی مسیح بن مریم بنت عمران (ع) هم رجعت کند و در عقب حضرت مهدی آل محمد (عج) به نماز بایستد و به مهدی موعود اقتدا کند ° می پرسیم آیا : حضرت عیسی به زمین رجعت کرد و در مسجد الحرام پشت سر سید علی محمد باب نماز کرده ؟ و اصلاً سید باب و لوی کبار به مکه و مسجد الحرام در همه عمرش رفته؟!!!!

مهدی موعود و منتظر معهود باید دارای چنان علم و حکمت باشد که از همه مردم اعلم و اشجع و از جمیع صفات کاملتر باشد و باید به تمام زبانهای مرد دنیا سخن بگوید و در هر علمی و حکمتی سرآمد و استاد تر از دیگر مردم باشد ° نه چون سید باب جملات مبهم و مغلوطنی بعربی بهم بیافند که وقتی شیخ ابوتراب مجتهد بزرگ در مسجد وکیل شیراز نوشته های غلط و جمله های خارج از قواعد زبان عربی را به سید باب تذکر داد ، باب در مانده شد عذر خواهی کرد و گفت این جملات به من وحی میشود اگر غلط است تقصیر من نیست ! وحی کننده غلط فرستاده !!!

و بعد هم که میرزا بهاء الله و عباس عبدالبهاء پی بردند کتاب

بیان سید باب مغشوش و مغلوط است انکار سلیقه باب کنند و کتابهای ایشان
اقدس را بسازند و صد ها الواح مضحك که لوح مناجات در ذیل نمونه ای از
تراوشات مغز میرزا حسینعلی بهاء الله و مسطوره فهم اوست که نه خود او و نه
گوسفندان اغنام الله خواهند فهمید چه خواسته بگوید :

(از باغ الهی آمد با سدره ناری × آن تازه غلام آمد × های های
هَذَا جَذِبَ اللّٰهِي × هَذَا خَلَعَ يَزْدَانِي × هَذَا قَمَصَ رِيَانِي × يَا كَوْثَرَ رُوْحَانِي
× يَا بَحْرَ حَيَوَانِي × اَنْ رَبَّ اِنَامِ اَمَد × هَايَ هَايَ هَذَا عَذِبَ سَبْحَانِي ×
هَذَا لَطْفَ رَحْمَانِي × هَذَا طَرَزَ غَذْبَانِي × اَزْ مَصْرَعَائِي × اَنْ يُوْسُفَ شِيْرَازِي
× بَاعَ شَوْهَ وَنَازَ اَمَد × هَايَ هَايَ هَذَا وَجْهَ اَزْلَانِي × هَذَا طَلَعَ نُوْرَانِي × هَذَا
بَدَعَ قَدْمَانِي ، اِلَى اٰخِرٍ ، وَدَرْجَايَ دِيْكَرٍ كَقْتَهَ اسْت : مَا عَاشِقَانِ رُوِي تُو ×
مَا طَالِبَانِ خُوِي تُو × مَا عَاكِفَانِ كُوِي تُو × مِيْخَامَ رِضَايَ تُو × مِيْخَامَ بِلَايَ تُو ×
جَانِهَ اَفْدَايَ تُو × هِي هِي اَزْ خَدَا طَلَب × هِي هِي اَزْ بَهَا طَلَب آيَا
اَز اَيْنِ خَزْعِبَلَاتِ وَ مَهْمَلَاتِ عَرَبِ زَبَانِ وَ فَاْرَسِي زَبَانِ چَه هِي فَهْمِيْدُ !!

مهدی موعود باید کسی باشد که ریشه ظلم و جفا و جور و کینه و آزار
و اختلاف را ببرد و صلح و صفا و امن و عدل را در تمام اقطار زمین بگستراند .
نه مانند میرزا حسینعلی بهاء که با میرزا یحیی صبح ازل که
طبق وصیتنامه سید علی محمد باب او را جان شین خود کرده بوده او را مُحْمَلٌ
گذارد و یاران و همکارانش را مقتول و مضروب و در آب خفه کرد !!
(آنان که با خاندان خود جفا کنند با دیگران چه ها کنند؟!)



اگر هو شمند

و جستجوگر باشید هنوز بهائی نشده اید

خواننده بیغرض حقجوی خوشفکر: اگر تصور فرمائید مطالب گفته شده تفسیر و تعبیر و جفت و جور کردن مطالب است تعنی دارم این آخرین مدرک و اتمام حجت را با حوصله و تعمق بدون حب و بغض با عقل فطری و بیطرف و بسی غرض بخوانید و خودتان بخود جواب خدا پسند و معقول دهید:

تمام ادیان و مذاهب و مسالک و مرامهای گذشته و حال بموجب کتب دینی خود و همگی ملل گیتی و مجامع جهانی بی شبهه و شک همه منتظر ناجی و مصلحی هستند تا او بیاید و ستیزها و اغتشاشات را خاموش و دنیا و مردم دنیا را به نظم و آرامش درآورد و چنان به عدل رفتار کند که شایسته منصب والای پیشوائی رهبری جهانی و حقیقتاً مصلح کل باشد.

نه آنکه خود آشوبگر و نفاق انداز و بیدعتگزار و خلافکار باشد. مهدی موعود و مصلح کل باید کسی باشد که بتواند از اضطراب و اغتشاشات روز افزون خلق زمین که نمونه های آنها را شهادت طول زندگانی خود می بینید بگاهد مرج و مرج را آرام و فتنه ها و آشوبها را خاموش کند و مظالم را از بین بردارد.

حال قضاوت منصفانه و بی تعصب بعهد شما خوانندگان شریف خصوصاً غفلت زدگان بابی و بهائی است که اگر اندیشمند و هشیار باشید و با ذهن فطری و تشخیص حق از باطل واقعیت را تصدیق کنید و احوالات و نشانیهای زمان غیبت و ایام ظهور حضرت مهدی آل محمد را که جزئی از هزاران علائم را در این نگارش ملاحظه فرمودید و باداعیه سرتاسر دروغ و بی اساس مدعیان لا یَشْعُرُ و بیهوش و مغرض مهدویت قلبی و آلت و بازوی استعمارگران

روس وانگلیس مقایسه کنید ، اگر طرفدار راستی و قبولدار حق هستید یقین داشته باشید که بهائی نیستید ، چند صباحی بواسطه عدم تحقیق و تجزیه و تحلیل مطلب و تعقل در شناخت علائم روشن و واضح امام شناسی اشتباه قابل جبرانی کرده اید ، زیرا رسول و امام و حجت باطنی همان نیروی عقل راهنمای هر انسانیست و خداوند حکیم بزرگترین موهبت خود را عقل و حجت الهی قرار داده ، بنابراین هر کس مسئول رفتار و مؤاخذ کردار خویش است و پس *

عقل فطری و بیغرض و قلب پاک و مطمئن و سربی سودای معنوی و کشف مهملات و دروغهای باب و بهاء صادق ترین و معتبرترین رهنما و رهبر است . لازم است با توجه دقیق به مطالب و اخبار کتب بودائیان و پارسیان و آیاتی از توراة یهودیان و انجیل مسیحیان و آیات قران مسلمین و ۵۹ حدیث جمع آری و نگاشته شده در این کتاب که بمنزله گاهی از کوهی از خرمن اخبار و احادیث معتبر است : امام زمان حقیقی و مهدی موعود و حجت حق و مصلح کل جهان و قائم آل محمد امام منتظر حضرت خجّة بن الحسن العسکری (عج) را بشناسید تا گرفتار کید شیادان دین سازویی دینان سیاست باز و دیو و غولهای تفرقه انداز و بدعت گزاران جعل و تحریف آواز نشوید تا راه را از بیراهه تشخیص داده به سعادت دنیا و سلامت آخرت و خیرد و جهان برسید .

با قبول تمام نقایص و نواقصی که این نگارش دارد ، ولی چون بیغرض و محض رضای خدای رحیم و غفار انجام گردیده به پیشگاه اقدس حضرت مهدی موعود خاتم الاوصیاء امام الامم و جامع الکلم حجت منتقم عجل الله تعالی فرجه تقدیم میدارد ، مسئلت قبول این خدمت ناچیز را از حضرتش دارم .

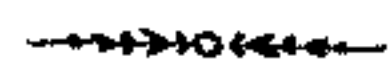
(فَحَمْدُ اللَّهِ ثُمَّ حَمْدُ اللَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا لِلشُّكْرِ النَّعَمَ) • مهدی - ملتجی

تهران

(ماخذ کتاب)

* فهرست مختصری از صد ها کتب معتبریکه : از د اسفندان عالیقدر *
شیعه اثنی عشری و مذاهب اربعه (حنبلی و حنفی و شافعی و مالکی) بانقل
احادیث مستند و متواتر از حضرت رسول اکرم و حضرت فاطمه زهرا و ائمه
معصومین صلوات الله علیهم در باره : تولد و زنده بودن و غیبت و علائم ظهور
و وضع زمان ظهور حضرت امام مهدی موعود قائم آل محمد (عج) نوشته و
انتشار یافته و در این نگارش از بعضی از آنها استفاده شده :

نام کتاب



البرهان .

البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان .

البرهان فی طول عمر صاحب الزمان .

البيان فی اخبار صاحب الزمان .

البيان فی التفسیر القرآن .

التاج الجامع الاصول .

التحصن .

التفصیل .

الترمذی .

اثبات الوصية

الجامع الصغير .

الجفریات والاشعثات .

الجنة الماوا .

- اللجنة الراقية
- الاحتجاج
- اخبار مكة وما جاء فيها
- الخواييج
- الخصال
- ارشاد
- الاربعين
- الزام النواصب
- الاربعين (كشف الحق خاتون آبادى)
- الاستيعاب فى اسماء الاصحاب
- اسعاف الراغبين
- الصحيفة السجادية
- الصواعق المحرقة
- الطرايف
- اعلام الورى
- العمدة
- اعيان الشيعة
- عترة د قرآن
- فرهنك مرحوم استا، محمد معين
- الفتوحات المكية
- الكافى
- الكامل

- الكشاف
- لغت نامه مرحوم استاد دехدا
- امالى
- المحاسن
- المستدرك الصحيحين
- المسلم
- المقدمة
- الملاحم والفتن
- الحجة فيما نزل القائم الحجة
- المناقب
- المناقب المائة
- المهدي
- النجم الثاقب
- انوار التنزيل
- انوار النعمانية
- اليقين في امرة امير المؤمنين
- بحار الانوار
- بشارة
- بشارة المصطفى
- بشارة الا سلام
- تاريخ ابن عساكر
- تاريخ بغداد

- تاريخ الخلفاء
- تذكرة الخواص
- تفسير الصافي
- تفسير علي بن ابراهيم
- تفسير الفرات الكوفي
- تيسير الوصول الى جامع الاصول
- جنة الماوى
- حاشيه فتح المبين
- دارالسلام
- دلائل الامامة
- روضة الكافي
- سنن ابن ماجه
- سنن ابى داود
- شرح النهج البلاغة ابن ابى الحديد
- صحيح البخارى
- عيون اخبار الرضا
- عيون المعجزات
- غاية المرام
- غاية المامل
- غرايب القرآن
- غيبات الشيخ
- غيبات نعمانى

- قرب الاسناد
- كامل الزيارات
- كتاب سليم بن قيس
- كشف الاستار
- كشف الغمه
- كشف اليقين
- كفايت الاشر
- كلم الطيب
- كمال الدين وتعام النعمة
- كنز الاعمال
- كنوز الحقايق
- مجمع البيان
- مرآة الكامل
- مستدرک الوسائل
- مسند احمد
- مصباح السنة
- مصباح المجتهد
- مصباح الكفعمي
- مقاتل الطالبين
- معاني الاخبار
- مكارم الاخبار
- مكارم الاخلاق

- مکيال المکارم
- مکيال المکارم والذعاء القائم
- منتخب کنزالاعمال
- منهج الدعوات
- من لا يحضره الفقيه
- نفس الرحمان
- نهج البلاغه
- نورالابصار
- یاد نامه علامه امینی مؤلف کتب الغدير
- ینابیع العوده

علاوه بر کتبیکه علماء طراز اول شیعه و اهل مذاهب اربعه تسنن نوشته اند و نام بعضی از آنها فهرست وارد ربالا ذکر شد کتب دیگری را که نویسندگان و محققین از زمان ناصرالدین شاه قاجار به بعد نوشته و منتشر کرده اند در صفحه ۲۶۵ همین کتاب ملاحظه فرمائید • تهران، مهدی - ملتجی •

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَالصَّوْلَةَ
وَالْحَبْرِيَّةَ
وَالنَّبِيَّةَ
وَالعِصْمَةَ
وَالفَاطِمِيَّةَ

وَالْحِلْمَ
وَالْحَسْبَةَ
وَالْقَائِمَ بِالْحَقِّ
وَالشَّجَاعَةَ
وَالْحَسْبِيَّةَ

وَالْمَنَافِعَ
وَالْبَاقِرِيَّةَ

وَأَمَلْتَ ظَرْفَ الْمَهْدِيِّ

وَالعِبَادَةَ
وَالشَّجَارِيَّةَ

مَوْلَانَا أَبِي الْقَاسِمِ

بِالْعُلُومِ
وَالكَلَامِيَّةَ

مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ

وَالْأَنْبَاءَ
وَالجَعْفَرِيَّةَ

وَالنَّحْوِ
وَالقَوْنِيَّةَ

حَسْبِ الْعِصْرِ الْقَائِمِ

وَالجَمِيعِ
وَالرِّضْوَانِيَّةَ

وَالنَّقَاوَةَ
وَالقَوْنِيَّةَ
وَالغَيْبَةَ
وَالعَسْكَرِيَّةَ
وَالهَيْبَةَ
وَالْإِهْنِيَّةَ

عَلَيْهِمْ عَلَى أَيْمَانِ التَّحِيَّةِ وَالرِّضْوَانِ بِالسِّرِّ وَالْإِعْلَانِ